جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۴ - ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
سال بیست‌وهفتم- شماره ۷۴۲۳ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

بین‌الملل

مصر، امروز میزبان نشستی با موضوع غزه بدون حضور نمایندگان فلسطین است

دیپلماسی صندلی‌های خالی در شرم‌الشیخ

مصر و امریکا، امروز نشستی را در شرم‌الشیخ ترتیب داده‌اند تا با حضور نمایندگان شماری از کشورهای جهان، پرونده جنگ غزه را ببندند. این در شرایطی است که به رغم استقبال اروپایی‌ها، حماس و رژیم صهیونیستی هیچ‌کدام برای حضور در این نشست چراغ سبز نشان نداده‌اند و با توجه به سوابق رئیس‌جمهور امریکا، امید چندانی به آینده توافق آتش‌بس موجود میان حماس و صهیونیست‌ها وجود ندارد

نشست شرم‌الشیخ در شرایطی برگزار می‌شود که حضور دو طرف مناقشه با اما و اگرهایی مواجه شده و رسانه‌های رژیم صهیونیستی اعلام کردند که این رژیم در نشست روز دوشنبه شرکت نخواهد کرد. حسام بدران، عضو دفتر سیاسی جنبش حماس هم عدم تمایل برای شرکت در این نشست را علنی کرد و گفت: حماس در مراسم امضای رسمی توافق آتش‌بس که قرار است در شرم‌الشیخ مصر برگزار شود، شرکت نمی‌کند | صفحه ۱۵

مدارس پرشمار ناایمن در قلب پایتخت

● مهسا گربندی | خبرنگار گروه اجتماعی | صفحه ۳

کامران عبدولی، معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران: از میان ۶هزارو ۴۲۰ مدرسه و مهدکودک در تهران، فقط سه مدرسه موفق به دریافت تأییدیه نهایی ایمنی شده‌اند

علی نصیری، رئیس سازمان مدیریت بحران تهران: بخش زیادی از ناایمنی‌ها مربوط به سیم‌کشی‌های غیراستاندارد و تأسیسات الکتریکی ناایمن است که می‌تواند به حریق منجر شود

مهدی بابایی، رئیس کمیته ایمنی شورای اسلامی شهر تهران: اگرچه شرایط فعلی بحرانی نیست، همین عدم ایمنی نشان می‌دهد که احتمال وقوع حادثه وجود دارد

رئیس جمهور: ارتقای کیفیت آموزش ارتباطی با تحریم و محدودیت‌های خارجی ندارد

رئیس‌جمهور بارها و بارها بر عدالت آموزشی و گسترش نهضت مدرسه‌سازی تأکید کرده است. او روز گذشته هم با حضور در شهریار، دوباره بر بهبود کیفیت آموزشی در مدارس ایران تأکید کرد. رئیس‌جمهور گفت ارتقای کیفیت آموزش ارتباطی با تحریم و محدودیت‌های خارجی ندارد، موضوع کیفیت آموزشی مستقیماً به رفتار، علم، انگیزه و باور معلمان و مدیران وابسته است. وی با بیان اینکه الگوسازی الهام‌بخش برای آینده کشور باید از همین کلاس‌های درس و مدارس آغاز شود، استفاده از توان مردم و خیرین را یک راهکار اساسی برای توسعه زیرساخت‌های آموزشی دانست

علی بوردهقان | جوان

نگاه مصرفی به آموزش و پرورش تغییر نکند بساط همین است

«جوان» در میزگردی با حضور احمدرضا دوراندیش، محمود اسفندیار و بیتا مهدی، شکاف میان نیازهای نسل جدید و ساختارهای سنتی آموزش و همچنین گره کور بودجه و مصائب عبور از کنکور را بررسی کرد صفحه ۹

فرهنگی

سینماگری که اعتقاد و اعتبار داشت

محمد کاسبی، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون روز گذشته به دیار باقی شتافت

محمد کاسبی را باید آخرین نسل از بازیگران متعهد دانست؛ نسلی که تئاتر را با تفکر و سینما را با مسئولیت اجتماعی معنا می‌کرد. میراث او در سینما و تلویزیون تنها مجموعه‌ای از نقش‌ها نیست، بلکه درسی درباره زیستن صادقانه در جهان هنر است. او سینماگری بود که هیچ‌گاه در بزنگاه‌های تاریخی کشور اعتقاد، اعتبار و شرافتش را با هیچ چیز معامله نکرد | صفحه ۱۶

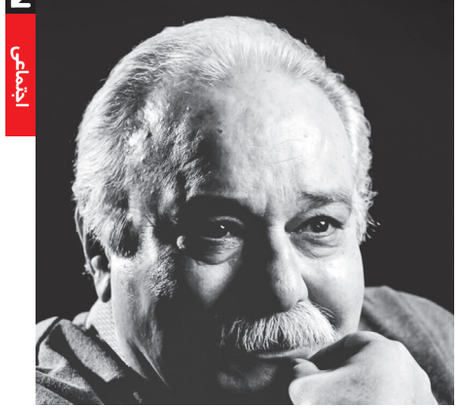

سیاسی

حماس هرگز سلاحش را زمین نمی‌گذارد

خالد قدومی نماینده جنبش مقاومت اسلامی فلسطین در هشتمین اجلاس بین‌المللی همبستگی با کودکان و نوجوانان فلسطینی: رنج‌های مردم ما در غزه ادامه دارد. امروز برای کمک مردم فلسطین باید در خیابان‌ها بمانیم و اسم فلسطین را بالا ببریم، فلسطین صرفاً یک جغرافیا نیست و یک تفکر عالم‌گیر است که از مقاومت و حماس می‌گوید. تا زمانی که کودکان ما پرچم آزادی و پیروزی را بالا می‌برند، حماس زنده است. مقاومت دست به قبضه سلاح، در میدان حضور دارد و تا آزادی آخرین وجب از خاکمان حضور خواهیم داشت | صفحه ۲

اجتماعی

استفاده مسئولان از سکوهای فیلتر نقطه کور سیاست فیلترینگ است

● زهرا چیذری | خبرنگار گروه اجتماعی

دکتر سید جواد شیخ‌الاسلامی پژوهشگر فضای مجازی در گفت و گو با «جوان»: وقتی یک سرویس یا سکو (پلتفرم) فیلتر می‌شود، این تصور ایجاد می‌شود که «مشکل حل شده‌است»، در حالی که در واقعیت، فقط شکل مسئله تغییر کرده‌است. کاربران براساس نیاز یا فرهنگ مصرفی که دارند برای دور زدن فیلترینگ به سمت فیلترشکن‌ها روی می‌آورند که خود این اقدام، آنان را در معرض تهدیدات جدی‌تری قرار می‌دهد. بسیاری از این فیلترشکن‌ها توسط مجموعه‌های غیرقابل اعتماد مدیریت می‌شوند و می‌توانند به راحتی به اطلاعات حساس کاربران دسترسی پیدا کنند | صفحه ۳

سرمقاله

پایان همیشگی پروژه نفی فلسطین

محمدجواد اخوان
مدیرمسئول

هرچند در ظاهر کشورهای غربی و سازمان‌های بین‌المللی از راه‌حل موسوم به «دودولتی» در فلسطین حمایت می‌کنند، اما در سال‌های اخیر، با تشدید راست‌گرایی در سرزمین‌های اشغالی، جریانات و کابینه‌هایی در اسرائیل روی کار آمده‌اند که کوچک‌ترین حقی برای فلسطینیان قائل نیستند. در این میان، کوشش گسترده‌ای از سوی برخی کشورها از جمله ایالات‌متحده، کشورهای غربی و شبکه حامیان صهیونیست در جریان بوده تا پرونده فلسطین را برای همیشه بسته جلوه دهند. به‌طور مشخص، حتی گزینه‌هایی مانند کوچ اجباری فلسطینیان از کرانه باختری و نوار غزه نیز مطرح شده است. همچنین، در سال‌های نه‌چندان دور طرح‌های مضحکی مانند تغییر نام برخی سرزمین‌های همسایه -از جمله اردن- به «فلسطین» و اخراج و اسکان اجباری فلسطینیان در آن مناطق نیز پیشنهاد شده است. به نظر می‌رسد که حتی در «پروژه موسوم به صلح ابراهیم» نیز دونالد ترامپ کوشید با دور زدن فلسطینیان و جلب رضایت برخی کشورهای عربی، پرونده فلسطین را برای همیشه مختومه اعلام کند. اما وقوع «طوفان‌الاقصی» و حادثه ۷ اکتبر، ناگهان این روندی را که طی ۱۰ سال قبل در جریان بود، متوقف کرد. در واقع، فشار مستمری که در سال‌های گذشته بر کرانه باختری و نوار غزه وارد می‌شد، با هدف وادار کردن فلسطینیان به ترک سرزمین آبا و اجدادی خود بود، اما طوفان الاقصی، صهیونیست‌ها را با یک جنگ وجودی روبه‌رو ساخت و آنان به این نتیجه رسیدند که باید با عملیات نظامی تمام‌عیار، «کار فلسطین» را یکسره کنند.

بدین‌ترتیب، حملات وحشیانه هوایی و زمینی به غزه آغاز و برخورد با فلسطینیان در کرانه باختری نیز تشدید شد. هدف این بود که فلسطینیان در نهایت، ابتدا غزه و سپس کرانه باختری را ترک کنند و پرونده فلسطین برای همیشه بسته شود. حتی ترامپ پس از روی کار آمدن مجدد، گزینه‌هایی مانند کوچ اجباری فلسطینیان به سرزمین‌های دور و نزدیک -از لیبی تا اندونزی- را پیش کشید. صهیونیست‌های جانی هم از طرح‌هایی با عنوان «پروژه ژنرال‌ها» ابایی نداشتند که طی آن، با ایجاد قحطی مصنوعی و گرسنگی اجباری، فلسطینیان را بین «مرگ» و «ترک سرزمین مادری» مجبور به انتخاب می‌کردند.

اما مقاومت جانانه مردم فلسطین -به‌ویژه مردم غزه- در طول این دو سال نشان داد که این پروژه حتی با زور سرنیزه و به بهای جان انسان‌ها نیز شدنی نخواهد بود. گفتنی است در طول دو سال گذشته، حدود ۴۰ درصد از شهدای یک قرن اخیر فلسطین به شهادت رسیدند، یعنی شمار کشته‌شدگان غزه در این دو سال، تقریباً معادل چهار دهه از تاریخ معاصر فلسطین است. بنابراین، اگرچه فلسطینیان هزینه‌ای گزاف پرداخته‌اند، اما در مقابل، دستاوردی بزرگ به دست آورده‌اند؛ توقف پروژه کوچ اجباری و نفی حذف فلسطین.

امروز حتی بسیاری از کشورهای غربی که تا دیروز حامی رژیم‌صهیونیستی بودند، فلسطین را -هرچند روی کاغذ- به رسمیت شناخته‌اند و همدلی گسترده‌ای در سراسر جهان -به‌ویژه در جوامع غربی که نفوذ صهیونیست‌ها در آنجا بالاست- با فلسطینیان شکل گرفته است. از این منظر، با قطعیت می‌توان گفت که پروژه نفی فلسطین برای همیشه بایگانی شد و ثمره خون شهیدان غزه و به‌رغم میل صهیونیست‌ها دستاورد بزرگ عملیات طوفان الاقصی، تثبیت فلسطین به‌عنوان یک سرزمین در عرصه جهانی است و این دستاورد کمی نیست.

گفتنی است که راه حل موسوم به دو دولتی نه تنها راه حل عادلانه ای برای حل مسئله فلسطین نیست، بلکه مغایر حق طبیعی و انسانی مردم فلسطین در تعیین سرنوشت شان هم است. همان‌گونه که پیش‌تر بارها گفته شده حل این پرونده فقط از مسیر همه‌پرسی از فلسطینیان شدنی است.

عراقچی: مذاکره با اروپا دیگر موضوعیت ندارد

وزیر امور خارجه در گفت‌وگوی ویژه خبری: فعال شدن سازوکار موسوم به «اسنپ‌بک» از سوی سه کشور اروپایی عملاً آخرین ابزار آنها بود و اکنون دیگر اروپا نقشی در پرونده هسته‌ای ایران ندارد. مذاکره با آنها هیچ فایده‌ای ندارد. خودشان هم می‌دانستند که اگر از این ابزار استفاده کنند، دیگر هیچ جایگاهی در تعاملات آتی نخواهند داشت. ما با اروپایی‌ها اصلاً زمینه‌ای برای مذاکره نمی‌بینیم. ایران پیش‌تر با حسن‌نیت همه مسیرهای دیپلماتیک را پیموده است | صفحه ۱۵

فوتبالیستی که در لباس سبز پاسداری آسمانی شد

● علیرضا محمدی | دبیر گروه ایثار و مقاومت

پاسدار شهید علی مرادی در کنار رضا دریکوند و مهدی کمالی که پیش‌تر گفت‌وگو با خانواده آنها را منتشر کردیم؛ در یک شب به شهادت رسیدند. سه نیروی نخبه تکاوری که هر سه از جوانان دهه هشتادی بودند. آنها در شامگاه ۲۳خرداد که روز اول جنگ بود به شهادت رسیدند. در این میان، پاسدار علی مرادی متولد سال ۱۳۸۱ بود. فوتبالیستی که سابقه حضور در تیم‌های مطرحی چون خیبر خرم‌آباد را داشت اما به دلیل عشق به لباس پاسداری، وارد سپاه شد و تا لحظه شهادت، خالصانه در این لباس خدمت کرد. گفت‌وگوی «جوان» با یاسمن مرادی، خواهر شهید را در صفحه ۷ بخوانید

تجمع ۶۰ هزار پیشاهنگ در بیروت به یاد سید حسن نصرالله

شهرک ورزشی بیروت صبح دیروز شاهد برگزاری یکی از بزرگ‌ترین گردهمایی‌های پیشاهنگی در تاریخ لبنان بود؛ جایی که بیش از ۶۰ هزار عضو «جمعیت پیشاهنگان امام مهدی (عج)» در مراسمی با عنوان «أجیال السید» (نسل‌های سید) شرکت کردند.

به گزارش منابع لبنانی، برگزارکنندگان این رویداد هدف خود را «ادای وفاداری به راه و آرمان سید حسن نصرالله» و «نمایش وحدت و پویایی نسل جوان حزب‌الله لبنان» عنوان کرده‌اند. این مراسم با شعار «إنا علی العهد یا نصرالله» (ای نصرالله ما بر عهد خود پایبندیم) برگزار شد و شامل بخش‌های متنوعی از جمله رژه گروه‌های پیشاهنگی، اجرای سرودها و برنامه‌های هنری و سخنرانی‌هایی درباره میراث فکری و سیاسی رهبران حزب‌الله بود.

روحانی از ماجرای هواپیمای اوکراینی باخبر بود

پیشخوان Pishkhan.com

شمخانی، دبیر اسبق شورای عالی امنیت ملی: بعد از وقوع حادثه هواپیمای اوکراینی، سردار باقری با من تماس گرفتند و بلافاصله موضوع را به رئیس‌جمهور وقت، آقای روحانی اطلاع دادم. وظیفه‌ای نداشتم که این خبر را به آقای ظریف اعلام کنم. در آن مقطع، برخی معتقد بودند حادثه به‌دلیل جنگ الکترونیک امریکا رخ داده است، به همین دلیل سه روز برای اعلام رسمی نتیجه بررسی‌ها تأخیر داشتیم | صفحه ۶

مرغ از دولت مجوز پرواز گرفت

● سعیده زمانی | خبرنگار گروه اقتصادی

گرانی کالاهای اساسی با وجود اختصاص ارز دولتی، ضرب‌المثل چوب و پیاز را تداعی می‌کند؛ سیاستی که اگرچه قرار است به نفع مردم تمام شود اما به دلایل مختلف به درستی به نقطه هدف‌گذاری‌شده اصابت نکرده است. از زمانی که رئیس کل بانک مرکزی خبر اختصاص ارز ۲۸هزارو ۵۰۰ را اعلام کرد، مرغ کیلویی ۵۱هزارو ۵۰۰ تومان بود و حالا با اعلام اخیر ستاد تنظیم بازار قیمت آن به ۱۳۵هزار تومان رسیده است. بر اساس اعلام حبیب اسدالله‌نژاد، مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی قیمت مصوب جدید هرقطعه جوجه یک‌روزه نیز ۳۲هزارو ۷۰۰ تومان تعیین شده است. مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی در شرایطی ابراز امیدواری کرد که با اعلام قیمت مصوب جدید مرغ به واحدهای صنفی دوباره ثبات قیمت به بازار این محصول برمی‌گردد که قیمت بسیاری از کالاهای اساسی سر به فلک کشیده است | صفحه ۴

تخلف‌های ساکن به مرز بحران رسید

● حسین فصیحی | دبیر گروه حوادث

براساس اعلام سردار سیدابوالفضل موسوی‌پور، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ، تنها در نیمه نخست مهرماه ۱۴۰۴، بیش از ۳۸۱ هزار تخلف ساکن در سطح پایتخت ثبت شده است، آماری که به گفته او «زنگ خطر جدی برای نظم ترافیکی شهر» به‌شمار می‌رود. سردار موسوی‌پور در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به جزئیات این تخلفات می‌گوید: «در ۱۵ روز نخست مهرماه، بخش عمده‌ای از تخلفات مربوط به توقف دوبله، توقف در محل ایستادن ممنوع، توقف در حریم تقاطع‌ها و توقف وسایل نقلیه عمومی خارج از ایستگاه‌های تعیین شده بود» | صفحه ۱۴

یادداشت سیاسی

مرتضی سیمیاری

اسرار فاش نشده از ترور شخصیتی فرماندهان نظامی

برخی علایم نشان داده است که ترور شخصیتی پیش از ترور فیزیکی، از روش‌های محبوب سرویس‌های متخاصم بوده و برای آن هزینه سنگین نیز کرده‌اند. فاش شدن مدل‌های آن وسعت دید دشمن را کاهش خواهد داد، دادن اخبار متوالی منفی هم‌زمان با تهدید نظامی باهدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی و اجبار به تصمیم‌گیری‌های عجولانه کاری است که امروز روی آن برنامه‌ریزی‌شده است | صفحه ۲

از حاشیه تا متن — سوتون دوشنبه‌ها

تقی دژاکام

روز حافظ و خاطره‌ای درباره آیت‌الله خامنه‌ای

به محض اینکه سخنرانی رئیس‌جمهور تمام شد، تمام جمعیت بلند شدند و یکپارچه و از سر ذوق بسیار تا چند دقیقه برای آقای خامنه‌ای کف زدند و او را تشویق کردند. اما نکته اینجا بود که دیدیم تمام همان استادانی که پیش‌تر در دانشگاه درباره سخنرانی آقای خامنه‌ای پیش‌داوری کرده بودند و نسبت به آن اعتراض داشتند، هم بلند شده و با شور و حال خاصی چه بسا بیشتر از ما برای ایشان دست می‌زدند | صفحه ۲

یادداشت اقتصادی

وحید عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصادی

تنش آبی در ۲۷ هزار روستا

۲۷هزار روستا درگیر تنش آبی هستند. این آمار را مسئول معاونت امور توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری اعلام کرده است، البته چند وقتی است از این معاونت صرفاً اخبار وضع موجود به گوش می‌رسد و کمتر شاهد اقدامات انجام‌شده هستیم و آنچه بیش از این عدد تکان‌دهنده جلب توجه می‌کند، فقدان گزارش‌های شفاف و ملموس از اقدامات عملی برای رفع این معضل است | صفحه ۴

یادداشت ورزشی

فریدون حسن | دبیر گروه ورزشی

آهای فوتبالی‌ها بهتان برنمی‌خورد؟!

حتماً اظهارنظر روس‌ها بعد از بازی با ایران توجه شما را جلب کرده است. از سرمربی تا بازیکنان و حتی پیشکسوتان فوتبال روسیه با جملاتی تحقیرآمیز تیم ملی ایران را زیر سؤال برده‌اند؛ «ایران جز اوت دستی و کرنر چیزی نداشت»، «این تیم چگونه به جام جهانی صعود کرده»، «ایرانی‌ها توریست بودند، نه فوتبالیست» و اظهارات دیگری از این دست فضای مجازی را پر کرده است | صفحه ۱۳

خبر یک

قدومی در اجلاس بین‌المللی همبستگی با کودکان و نوجوانان فلسطینی در تهران:

حماس هرگز سلاحش را زمین نمی‌گذارد

ایران با همه توان در کنار مردم فلسطین ایستاده است

ما اجازه نمی‌دهیم که سلاح از دست ما خارج شود. ما حمایت مردم را داریم، سلاح یعنی روح ما. سلاح یک دلیل برای دفاع از خودمان و جزو مقاومت است

به گزارش ایرنا، «هشتمین اجلاس بین‌المللی همبستگی با کودکان و نوجوانان فلسطینی، یادواره شهید محمد الدوره، کودکان شهید غزه و دفاع مقدس ۱۲ روزه» روز گذشته در سالن اجلاس سران تهران برگزار شد.

در این مراسم که جمعی از میهمانان خارجی، مقامات کشوری و لشکری، فرهیختگان، شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی، سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالان حوزه فلسطین در آن حضور داشتند، ابتدا حجت‌الاسلام محمدحسن اختری، رئیس کمیته حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین با بیان اینکه هشتمین نشست این اجلاس در حالی برگزار می‌شود که مردم فلسطین و صاحبان مقاومت و رزمندگان مقاومت با سلاح خودشان به خانه‌های خودشان برمی‌گردند، گفت: ما در آغاز «طوفان الاقصی» حمایت و پشتیبانی خودمان را از فلسطینی‌ها و مقاومت اعلام کردیم. امروز پس از توافقی که تسلیم ذلت‌بار رژیم صهیونیستی جنایتکار نسل‌کش در برابر مقاومت است، شاهدیم که تمام ادعاهای واهی و خیال‌پردازی‌ها و دروغ‌پردازی‌هایی که رژیم برای فریب جهانیان آنها را به کار گرفته بود، بعد از دو سال تمام این نیرنگ‌ها و فریبکاری‌ها برملا شد. امروز بیشترین و گسترده‌ترین و سخت‌ترین نفرت‌ها و انزجار از رژیم اشغالگر قدس در دنیا به وجود آمده، به نحوی که می‌توانیم بگوییم جهان علیه اسرائیل برخاسته و رژیم اشغالگر قدس در انزوای بسیار وحشتناکی قرار گرفته است. اختری افزود: این علاوه بر خسارت‌های بسیار فراوان جبران‌ناپذیر و شکست‌های مفتضحانه نظامی و از دست دادن بسیاری از امکانات نظامی است و امروز اسرائیل در یک انزوای جهانی قرار گرفته و همه ملت‌ها علیه رژیم اشغالگر قدس و حامیان آنها در دنیا شعار می‌دهند و این افتخار بزرگی برای مقاومت است.

رئیس کمیته حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی در طول دوران پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز در کنار مردم فلسطین و مقاومت و جهاد و حماس و همه گروه‌های فلسطینی با افتخار و سربلندی ایستاد، گفت: این در حالی است که برخی از کشورهای اسلامی و عربی منطقه هیچ کدام حتی یک گلوله علیه اسرائیل شلیک نکردند و جمهوری اسلامی با موشک‌های خودش چنان درسی به اسرائیل داد که رژیم تا آخر فراموش نخواهد کرد. این ضرب شست و قدرت‌نمایی جمهوری اسلامی بود. اختری تأکید کرد: ایران با همه توان خود در کنار مردم فلسطین ایستاد و باز هم خواهد ایستاد.

■ **اجازه نمی‌دهیم سلاح از دست ما خارج شود**

خالد قدومی نماینده جنبش مقاومت اسلامی فلسطین طی سخنانی در این اجلاس، گفت: امروز دو سال از جهاد و مبارزه و از عملیات مقدس طوفان الاقصی و مرحله تاریخی مبارزه با رژیم صهیونیستی می‌گذرد. وی با تأکید بر اینکه رژیم صهیونیستی دلیل اصلی بی‌ثباتی در دنیا است و دنیا این را فهمیده، اظهار داشت: مردم قهرمان ما در فلسطین و غزه سرافراز ایستاده‌اند و این عملیات بزرگ برای ثبت یک حماسه بزرگ که هیمنه این رژیم اشغالگر را در یک جنگ وجودی شکست، ثبت شد.

نماینده حماس در ایران افزود: رژیم صهیونیستی ۷۷ سال علیه مردم ما مرتکب جنایت شده است و امروز دنیا متوجه جنایاتی شده است که این رژیم در غزه مرتکب می‌شود.

خالد قدومی از ۷ اکتبر به عنوان یوم الله یاد کرد و گفت: مردم غزه به ۷ اکتبر افتخار می‌کنند، بیش از ۷۶ هزار شهید تقدیم کرده‌ایم که ۲۰ هزار نفر از آنها کودکان هستند، این‌ها فقط عدد نیستند؛ از بین کودکانی که به شهادت رسیدند برادران و خواهران ما هستند و چندین هزار نفر از این کودکان در طوفان به دنیا آمدند و در همان طوفان الاقصی به شهادت رسیدند. وی با اشاره به اینکه تصویر محمد الدوره از رسانه فرانسوی پخش شد، تصریح کرد: با این حال آنها ندیدند که در غزه چه جنایت‌هایی رخ می‌دهد، با عملیات طوفان الاقصی بینی رژیم صهیونیستی به خاک مالیده شد.

نماینده حماس خطاب به نمایندگان ۳۳ کشور حاضر در همایش با بیان اینکه جنگ به اتمام نرسیده است و ادامه دارد، گفت: رنج‌های مردم ما در غزه ادامه دارد. امروز برای کمک مردم فلسطین باید در خیابان‌ها بمانیم و اسم فلسطین را بالا ببریم، فلسطین صرفاً یک جغرافیا نیست و یک تفکر عالمگیر است که از مقاومت و حماس می‌گویند. تا زمانی که کودکان ما پرچم آزادی و پیروز را بالا می‌برند، حماس زنده است. نماینده حماس در تهران تأکید کرد: مقاومت دست به قبضه سلاح، در میدان حضور دارد و تا آزادی آخرین وجب از خاکمان حضور خواهیم داشت.

قدومی همچنین با تشکر از رسانه‌ها، بر تداوم روند مبارزه و مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی تأکید کرد و گفت: باید بیش از این اقدام کرد تا حقایق را روشن کنیم که این آغاز زوال رژیم صهیونیستی و رسیدن به آزادی است. نماینده حماس درخصوص توافق آتش بس نیز اظهار داشت: مردم جهان می‌خواهند نتایج این توافق را ببینند؛ امروز وظیفه اصحاب رسانه این است که حقایق را نقل کنند. ترامپ بعد از اینکه انزوای نتانیاهو را دید این پیشنهاد را مطرح کرد. به رسمیت شناختن کشور فلسطین یک پیروزی بزرگ بود و دیدیم آنها شکست خوردند و نباید از اهمیت این وحدت بین‌المللی بکاهیم. وی با بیان اینکه آلمان و اسپانیا صادرات سلاح به اسرائیل را متوقف کرده‌اند، خاطرنشان کرد: این‌ها دستاوردهای طوفان الاقصی است. ترامپ قصد داشت نتانیاهو را از این تنگنا نجات دهد و علیه مقاومت اقدامی کند و گفت می‌خواهیم جنگ را متوقف کنیم.

خالد قدومی با بیان اینکه مردم فلسطین ایمان خودشان را به سازمان‌های بین‌المللی از دست داده‌اند، تأکید کرد: ما اجازه نمی‌دهیم سلاح از دست ما خارج شود و خطوط قرمز را اعلام کردیم، گفتیم گذرگاه‌ها باید باز شود و رژیم صهیونیستی خارج شود.

■ **به نتانیاهو اعتماد نداریم**

نماینده جنبش مقاومت اسلامی فلسطین همچنین در حاشیه این همایش در گفت و گویی کوتاه با خبرنگاران، با تأکید بر اینکه به اسرائیل اعتمادی نداریم، درخصوص دور دوم مذاکرات در مصر نیز اظهار داشت: ما فعلاً در گام اول هستیم، ان‌شاءالله و به امید خدا و ایستادگی مردم، مقاومت ادامه پیدا می‌کند.

قدومی طرح موضوع خلع سلاح را یک مسئله رسانه‌ای عنوان و تأکید کرد: امروز حماس که مقاومت فلسطینی است ثابت، قوی و قهرمان است، ما حمایت مردم را داریم، سلاح یعنی روح ما. سلاح یک دلیل برای دفاع از خودمان و جزو مقاومت است. نماینده حماس با تأکید بر اینکه امروز اگر اشغالگری خاتمه یابد ما به سراغ تشکیل کشور آزاد به نام فلسطین می‌رویم، خاطرنشان کرد: ما ارتش فلسطین داریم در این مورد افراد دیگر نباید صحبت کنند، این مسئله منطقه نیست، مسئله داخلی فلسطین است. قدومی در پاسخ به سؤالی درمورد شکنندگی آتش‌بس و بدعهدی طرف مقابل تصریح کرد: تجربه ما این است که نتانیاهو قابل اعتماد نیست. ما هیچ اعتمادی به او نداریم، ولی امروز جهانیان برای این توافق آمده‌اند و در رأس آنها بانی اسرائیل یعنی ترامپ.

رژیم صهیونیستی از نفرت عمومی تا انزوای بین‌المللی

تحلیل

فائزه سادات یوسفی

پذیرش آتش‌بس از سوی رژیم صهیونیستی اقرارنامه شکست یک ارتش مدعی در منطقه و نماد انزوای رژیم اشغالگر بود. تردیدی نیست که دست‌نیافتن رژیم به اهدافش، از قبیل آزادی اسرای اسرائیلی در کنار تشدید بحران‌های منطقه‌ای و سقوط ژست اخلاقی و حقوق بشری امریکا، جبهه امریکایی و صهیونیستی را جبراً به سمت توقف حملات کشاند. این جنگ تصویر اسرائیل به عنوان یک دموکراسی لیبرال را که سال‌ها منبع تبلیغاتش بود، نابود کرد و آن را منزجر و غیرقابل‌اعتبار در جهان تبدیل کرد.

عامل مهم دیگر، ناکامی رژیم صهیونیستی و امریکا در جنگ ۱۲ روزه و شناخت واقعی آنها از قدرت موشکی ایران، معادلات حاکم بر جنگ‌های رژیم را تغییر داد. تصور پیروزی بعد از حمله به ایران تحت دکترین اختاپوس، رژیم را در موقعیت بدخیم‌تری برای منطقه و مقاومت قرار می‌داد، اما ناکامی و معکوس شدن نتیجه، رژیم را مجبور به عقب‌نشینی کرد و تا به اینجا رساند. از طرف دیگر، رژیم به این درک رسید که تداوم حملات خونبار به غزه نمی‌تواند هدف نابودی حماس را مهیا کند، به ویژه که حماس در ماه‌های اخیر عملیات علیه ارتش صهیونیستی را تشدید کرده بود. این نشانه‌ای است که محور مقاومت از حماس تا امتداد ایران طی این دو سال نبرد نامتقارن با اسرائیل و ناتو، گرچه آسیب دیده اما با حفظ موجودیت و موقعیت خود، توان ترمیم و در نهایت رویارویی با رژیم را دارد.

در واقع، آشکار شدن میزان آسیب‌پذیری رژیم در برابر گروه‌های شبه‌نظامی تحت تحریم و ناکارآمدی سیستم پدافندی در برابر موشک‌های ایرانی به عنوان سپر حفاظتی، نتایج خسارتباری است که ترمیم نخواهد شد. دلیل آن که ترامپ از «خستگی» به عنوان چرایی توقف جنگ استفاده کرد، این است که ارتش اسرائیل فرتوت است و جنگ هم فرسایشی و پرهزینه شده بود و چشم‌انداز روشنی هم برای آن دیده نمی‌شد. در نتیجه، اسرائیل ماهیت ساختگی و پرطمطراقش را در مقابل جهانیان از دست داد و همزمان به دلیل جنایات خونبارش، مورد نفرت عمومی واقع شد، تا جایی که افکار عمومی برای نشان دادن شدت اعتراض خود به نسل‌کشی در غزه، تلاش کردند آن را در بسیاری از عرصه‌ها تحریم و طرد کنند. انزوای اسرائیل در سطوح دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی به دلیل جنگ غزه و سیاست‌های نتانیاهو تشدید شده است. به عنوان نمونه، هزاران بازیگر، کارگردان و دیگر متخصصان صنعت فیلمسازی بین‌المللی نیز متعهد شده‌اند که با مؤسسات فیلم اسرائیلی که به گفته آنها «در نسل‌کشی... علیه مردم فلسطین دست دارند» همکاری نکنند. درخواست‌های زیادی برای تحریم اسرائیل در رویدادهای ورزشی و هنری وجود داشته و نتیجه داده است؛ مانند لغو کنسرت‌های اسرائیلی در اروپا، پیوستن بیش از ۴۰۰ هنرمند به کمپین حذف موسیقی خود از پلتفرم‌های اسرائیلی و همچنین احتمال تعلیق اسرائیل از یوروویژن ۲۰۲۶ در وین.

در داخل اسرائیل هم نگرانی‌های جدی درباره انزوای اسرائیل وجود دارد. یکی از نظرسنجی‌های هفته گذشته نشان داد که ۵۹ درصد از اسرائیلی‌ها نگران ممنوعیت اسرائیل از رویدادهای فرهنگی و ورزشی هستند. همچنین، اکثریت اسرائیلی‌ها نگران‌اند که به دلیل تهدیدات امنیتی و افزایش انتقادات جهانی از کشورشان، اکنون نتوانند به خارج از سرزمین‌های اشغالی سفر کنند. این انزوا حتی در رسانه‌های عبری هم دیده می‌شود. هاآرتص و وای‌نت به طور مشترک با اشاره به مشکلات عدیده و خطر در سفر ساکنان سرزمین‌های اشغالی به کشورهای خارج و همچنین صادرات و تحقیقات علمی، آن‌را نمونه‌هایی از انزوای اسرائیل برشمرده و نتانیاهو را مقصر آن دانستند.

اما نماد اصلی انزوای اسرائیل هنگام حضور نتانیاهو در سازمان ملل بود. خروج نمایندگان کشورها از سالن سازمان ملل هنگام سخنرانی نتانیاهو و به تعبیر رسانه‌های غربی خالی شدن سالن، افتضاحی بود برای رژیمی که با ادعای دوستی با دیگر کشورها به دنبال مشروعیت‌بخشی به خود و جایابی در نظام بین‌الملل بود، چراکه نیاز اولیه و مبرم رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس حل بحران مشروعیت و پذیرش از سوی کشورهای جهان است. در همین راستا، پیمان آبراهام تحت عنوان برادری و همزیستی میان اسلام و مسیحیت و یهود اما در حقیقت بر مبنای تثبیت و ارتقای موقعیت سیاسی رژیم صهیونیستی در منطقه شکل گرفت و دومینووار کشورهای عربی منطقه را وارد گود کرد. اقدامی که به گفته رهبر معظم انقلاب شرط‌بندی روی اسب بازنده است و در آخر به باخت خواهد رسید. اما شرایط در جهان به نفع اسرائیل نچرخید و به رغم همه تلاش‌ها برای مشروعیت دادن به خود، جنایت‌های انکار نشدنی و تجاوزات مکرر به خاک لبنان، سوریه و یمن چهره واقعی و نیات درونی رژیم را بر ملا کرد و تهدید آن را برای جهان جدی‌تر کرد.

■ **اسرائیل پسا آتش‌بس**

بعد از آتش‌بس، بسیاری از رسانه‌های خارجی تلاش می‌کنند که با تقدیس ترامپ به عنوان حامی اسرائیل تا حدودی به وضعیت بغرنج اسرائیل خاتمه دهند، اما واقعیت منفور و ضد بشری رژیم صهیونیستی ترمیم ناپذیر است. حتی بعد از آتش‌بس هم گروه‌های مردمی راهپیمایی‌های اعتراضی علیه رژیم و دفاع از فلسطین راه اندازی می‌کنند و بسیاری از مردم جهان آتش‌بس را نماد شکست اسرائیل از تداوم جنایتگری می‌دانند. رژیم به نقطه‌ای بی‌بازگشت رسیده و تقلای آن نیز برای احیای جایگاه قبلی‌اش در جهان ناکام خواهد ماند. اسرائیل همچنان مورد انزجار جهانی باقی خواهد ماند و تلاش‌ها برای برچیدن رژیم آپارتاید ادامه خواهد داشت، مگر آنکه امریکا ترفند و حیله جدیدی را علیه افکار عمومی فعال کند. برخی از تحلیلگران اسرائیلی و فلسطینی به نمونه تاریخی رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی اشاره می‌کنند که پس از مواجهه با موجی از تحریم‌های بین‌المللی، علی‌رغم حمایت ایالات متحده، فروپاشید.

از طرفی، الگوی رفتاری اسرائیل در قبال آتش‌بس لبنان و استمرار حملات مقطعی جنایتکارانه‌اش، تردیدهای بسیاری را در توقف جنایت در غزه به وجود آورده است. در روزهای اخیر رژیم صهیونیستی بعد از اعلام آتش‌بس در غزه، حملات فشرده‌ای را علیه لبنان ترتیب داد و ثابت کرد که تعهداتش تا چه میزان قابل اعتماد است.

جاه‌طلبی رژیم صهیونیستی بعد از درد شکست در غزه، کاهش پیدا نخواهد کرد و نتانیاهو که این جنگ را یک جنگ وجودی نامیده نمی‌تواند سکوت کند، به خصوص که از نظر داخلی، پایان جنگ نتانیاهو را به ورطه پاسخگویی یا حتی تغییر جایگاه می‌رساند. از این رو، انزوای اسرائیل در دوران پس از آتش‌بس هم ادامه خواهد داشت. موضوعی که حتی نتانیاهو هم به آن اقرار کرده و گفته بود که اسرائیلی‌ها «چاره‌ای» جز عادت کردن به انزوای فزاینده حداقل در سال‌های آینده ندارند.

یادداشت

مرتضی سیمیاری

اسرار فاش نشده از ترور شخصیتی فرماندهان نظامی

انتشار خبری عجیب از آتش‌سوزی در شرق تهران قابل توجه و بررسی است. در لحظه انتشار این خبر روی این موضوع تأکید شده است که آتش‌سوزی دارای عمق زیادی بوده و حریق ایجادشده شکل عادی ندارد. ساعتی بعد از پخش این خبر برخی اکانت‌های صهیونیستی وابسته به مرکز ۸۲۰۰ به‌سرعت با جهت‌دهی به آن تلاش کردند آن را عملیاتی تروریستی جلوه بدهند و مدعی شدند که فرمانده نیروی قدس هدف قرار گرفته است.

البته بسیاری از آگاهان به درستی می‌دانستند که هدف از پخش این اخبار به ظاهر تیز، اما پیش پا افتاده، گراگیری از آرایش نظامی در داخل ایران و نیز دسترسی به برخی ترددهای خاص در منطقه است، به‌ویژه آن که در آن روزها نتانیاهو به دلیل پذیرش صلح تحمیلی در غزه به‌شدت زیر ضرب رفته و برخی مخالفان در مناطق اشغالی او و ارتش را متهم به تسلیم شدن در برابر حماس کرده بودند.

باوجود آن که اهداف پخش این اخبار به‌خوبی روشن بوده و پیش‌ازاین نیز تکرار شده است، سوژه شدن فرمانده نیروی قدس در شبکه سایبری دشمن و دامن زدن به برخی ابعاد آن در داخل مورد توجه است. این برای اولین بار نیست که حضوروغیاب کردن‌های امنیتی از سوی صهیونیست‌ها دارای انگیزه‌های فراتر از اقدام تروریستی علیه فرماندهان نظامی بوده است.

درواقع پخش خبر ترورهای فیزیکی بیش از آن که عملی برای اقدام باشد، تحرکی برای کاهش اعتبار شخصیتی افراد بوده است. هدف از پخش این انگاره آن است که به‌مرور در میان ذهن مخاطب داخلی عادی‌سازی ادراکی صورت بگیرد. سطح این عادی کردن به حدی است که در روزهای اخیر برخی ناآگاهانه و غیرارادی با تحلیل‌هایی دم‌دستی فرماندهان نظامی را به‌غفلت، کپ کردن، ناآگاهی از ابعاد جنگ و حتی جا ماندن از صحنه جنگ متهم کرده‌اند. درواقع در طول دو سال گذشته آن‌چنان ابعاد «ترورهای شخصیتی» توسط واحدهای سایبری دشمن بالا بوده که تحلیل درست از رفتارهای امنیتی و نظامی از زاویه بیرونی تحت تأثیر قرار گرفته و اقتدار و کارآمدی نیروهای مسلح را زیر سؤال برده است، درحالی که کمترین سطح شناخت اطلاعاتی از فرماندهان نیروهای مسلح نشان می‌دهد که کیفیت جنگ هیچ‌گاه تحت تأثیر متغیر بیرونی نبوده است.

تجربه دشمن به او آموخته است که عمق عملیات‌های سایبری با خاصیت هدف‌گیری ادراکی آن‌چنان می‌تواند گزنده باشد که حتی اثرش از عملیات‌های تروریستی نیز بالاتر بوده و کیفیت بیشتری یابد، زیرا ترورهای فیزیکی شخص‌محور، اما ترورهای شخصیتی تحلیلی است و به شایعات پس از آن دامن می‌زند. شاید چهار ماه زمان کمی برای انتشار گزارش اطلاعاتی از کیفیت فرماندهان نیروهای مسلح در طول ۱۲ روز جنگ تحمیلی بوده و بیان آن از نظر رسانه‌ای باید شامل گذر زمان شود، اما سویه‌گیری ترورهای شخصیتی نشان می‌دهد که ادراک دشمن نسبت به اقتدار نظامی ایران بالا بوده و اشاراتی در ریشون لتسون و بئرسبع دارد.

واقعیت آن است که باید بساط ترورهای شخصیتی را از داخل جمع کرده و به آن شکل درستی داد، زیرا این مدل‌های عملیاتی ذهن افراد را از شرطی و در کوتاه‌مدت راه برای ترورهای فیزیکی و عادی‌سازی آن باز می‌کند. در میان‌مدت نیز باعث فرسودگی شده و در بلندمدت شکست اراده‌ها را فراهم می‌کند، این فرایند با جنگ بلدی ایرانیان در تضاد قرار دارد.

برخی علایم نشان داده است که ترور شخصیتی پیش از ترور فیزیکی، از روش‌های محبوب سرویس‌های متخاصم بوده و برای آن هزینه سنگین نیز کرده‌اند. فاش شدن مدل‌های آن وسعت دید دشمن را کاهش خواهد داد، دادن اخبار متوالی منفی هم‌زمان با تهدید نظامی باهدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی و اجبار به تصمیم‌گیری‌های عجولانه کاری است که امروز روی آن برنامه‌ریزی شده است. بیرون زدن از طرح باراک در منطقه به هوشمندی و ظرافت در رفتار، عبور و پرهیز از واکاوی‌های دست چندم و بیهوده، دادن نقشه راه برای آینده و نیز تطبیق با تحولات و داشتن برنامه در مواجه با بحران‌های جدید بستگی دارد. حفظ این پروتکل‌ها از نان شب نیز واجب‌تر است!

خبر آخر

معاون هماهنگ کننده بسیج:

شهدای زن ایرانی مفسران حقیقی عفت و شرافت‌اند

شهدای زن ایران اسلامی، مفسران حقیقی عفت، غیرت، نجابت و شرافت‌اند؛ آنان با نثار جان خویش، نشان دادند زن ایرانی مؤمن، اصیل، اندیشمند و مقاوم است و هرگز زیر بار ذلت و خواری نمی‌رود.

به گزارش خبرگزاری بسیج، سردار حسین معروفی، معاون هماهنگ کننده سازمان بسیج مستضعفین، صبح یک‌شنبه در سنندج و طی سخنانی در اجلاسیه ۵۶۶ شهیده استان کردستان گفت: جامعه اسلامی ما امروز بیشتر از هر دوران و زمان دیگر، نیازمند ترویج گفتمان مقاومت، جهاد و شهادت است. گفتمان مقاومت، جهاد و شهادت، عامل مصونیت ملت بزرگ ایران در برابر هجمه‌های دشمنان است.

سردار معروفی با بیان اینکه شهدا نه متعلق به یک خانواده یا یک شهر، بلکه سرمایه و شناسنامه تمام ملت بزرگ ایران هستند، گفت: هر کس بخواهد ملت ایران را بشناسد باید آن را در آینه شهیدانش ببیند، همان گونه که شناخت زن ایرانی نیز در گرو شناخت شهدای زن این سرزمین است؛ شهدای زن ایران اسلامی، مفسران حقیقی عفت، غیرت، نجابت و شرافت‌اند؛ آنان با نثار جان خویش، نشان دادند زن ایرانی مؤمن، اصیل، اندیشمند و مقاوم است و هرگز زیر بار ذلت و خواری نمی‌رود. وی در ادامه با اشاره به تلاش دشمنان برای تحریف جایگاه زن در فرهنگ اسلامی، گفت: زنان شهید ما ثابت کردند که فرهنگ غرب نمی‌تواند بر آنان تأثیر بگذارد.

سردار معروفی در ادامه با بیان اینکه دشمنان انقلاب اسلامی غیرقابل اعتماد، غیرقابل اطمینان و غیرقابل پیش‌بینی هستند و ملت ایران با بصیرت و تکیه بر فرهنگ جهاد و شهادت، فریب لبخند آنان را نخواهد خورد، عنوان کرد: ملت بزرگ ایران ملتی هوشمند است که پس از گذشت دهه‌ها از دوران جنگ تحمیلی هشت ساله، همچنان در صحنه حضور دارد و با وحدت، ایمان و ولایت‌مداری از آرمان‌های انقلاب اسلامی، پاسداری می‌کند. این ملت از نخستین روزهای انقلاب تا به امروز، در تمامی عرصه‌ها از جمله دفاع مقدس، دوران سازندگی و مقابله با جنگ ترکیبی دشمنان، ثابت کرده که به رهبری، انقلاب و ایران اسلامی وفادار است و پای آرمان‌هایش می‌ماند. معاون هماهنگ‌کننده سازمان بسیج مستضعفین با بیان اینکه شهیدان زن ایران، قهرمانان حقیقی این ملت‌اند که با ایمان، عقلانیت و غیرت خویش، مسیر عزت و سربلندی را برای همه زنان مسلمان ترسیم کردند، گفت: امروز جامعه ما باید با تکیه بر راه شهدا، هویت دینی و انقلابی خود را پاس بدارد. معروفی با اشاره به تلاش دشمن برای تفرقه‌افکنی میان مردم تصریح کرد: امروز هدف اصلی دشمن ایجاد انشقاق قومی، مذهبی و شکاف میان مردم و حاکمیت است؛ اما ملت ایران با بصیرت اجازه نخواهد داد این وحدت خدشه‌دار شود.

از حاشیه تا متن

ستون دوشنبه‌ها

تقی دژاکام
روزنامه‌نگار

روز حافظ و خاطره‌ای درباره آیت‌الله خامنه‌ای

دیروز بیستم مهرماه روز بزرگداشت حافظ بود. به همین مناسبت در این روزها بسیاری کسان و گروه‌ها درباره این شاعر شهیر ایرانی سخن می‌گویند و از بیت‌ها و غزل‌هایی که دوست دارند و از خاطراتی که با فال‌های حافظ دارند یاد می‌کنند. یادم می‌آید یک بار ماهنامه کیهان فرهنگی در اواسط سال ۶۷ به مناسبت کنگره بزرگداشت حافظ ویژه‌نامه‌ای وزین منتشر کرد و در آن صاحبنظران و حافظ پژوهان برتر کشور درباره این شاعر بزرگ و سبک شعری او و بهترین بیتی که از او خوانده‌اند اقتراحی برگزار کرده بود و از جمله پرسیده بود آیا شما به فال حافظ اعتقاد دارید، پاسخ‌های این استادان زبان و ادبیات به همراه نمونه‌هایی از تفأل‌های شگفت، این شماره کیهان فرهنگی را به یادماندنی کرد.

اما خاطره‌ای که به نظرم رسید به همین مناسبت آن را نقل کنم، مربوط به همین کنگره بزرگداشت حافظ در سالی است که یونسکو آن را «سال حافظ» اعلام کرده بود. سال ۷۰ یا ۷۱ بود که یکی از دانشجویان دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد برای نگارنده تعریف کرد که در سال ۶۷ و در آستانه کنگره بزرگداشت حافظ در شیراز، از دانشجویان ادبیات دانشگاه‌های مختلف برای حضور در این کنگره ثبت‌نام می‌شد. ما هم ثبت‌نام کردیم و اسم ما درآمد. گفته بودند که در این کنگره شخصیت‌های نامدار ادبی کشور درباره حافظ سخن خواهند گفت و از جمله قرار است آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت به همین مناسبت سخنرانی کند.

این دوست می‌گفت استادان ما در دانشکده ادبیات سر کلاس به این موضوع انتقاد می‌کردند و می‌گفتند حالا چون آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهور است باید درباره همه‌چیز نظر بدهد و حتی درباره حافظ هم سخنرانی کند؟! می‌گفتند چه ارزشی دارد که رئیس‌جمهور بدهد به دفترش یک متن با موضوع حافظ برایش بنویسند و او بیاید آن را از رو در کنگره بخواند و وقت گرانبهای حضار را بگیرد؟ دیگری می‌گفت آخوند را چه به سخنرانی درباره حافظ و خلاصه هر کسی به اعتراض، سخنی و حرفی می‌زد و راستش ما هم به آنها حق می‌دادیم.

خلاصه به شیراز رسیدیم و در روز موعود در کنار استادانمان در کنگره حاضر شدیم. نوبت سخنرانی آقای خامنه‌ای شد. بسیاری از ما و استادانمان با نوعی دلخوری پای صحبت‌های رئیس‌جمهور نشسته بودیم. اما آقای خامنه‌ای برخلاف تصور همه، متن آماده‌شده‌ای که بخواهد از رو بخواند نیاورده بود و شروع به سخن کرد. هرچه از آغاز سخن بیشتر می‌گذشت، توجه ما و دیگران به اظهارات عالمانه و پرنکته آقای خامنه‌ای بیشتر می‌شد. در اواسط سخن نفس‌هایمان در سینه حبس شده بود و واقعاً انتظار چنین سخنرانی عمیق و بکری نداشتیم؛ مطالبی که اکثر آنها را برای نخستین بار می‌شنیدیم که مستند به روایت‌های محکم قدمای فرهنگ و ادبیات و شعر نتیجه‌گیری شده بود و برخی مستند به جغرافیای شیراز بود و شعر حافظ با این توجه معناشده بود. سخنرانی آقای خامنه‌ای کوتاه نبود و طول کشید اما هیچ کس متوجه طولانی بودن زمان سخنرانی نشد از بس که موضوعات مطروحه در آن جذاب و شنیدنی بود و تازگی داشت.

دوست ما می‌گفت به محض اینکه سخنرانی رئیس‌جمهور تمام شد، تمام جمعیت بلند شدند و یکپارچه و از سر ذوق بسیار تا چند دقیقه برای آقای خامنه‌ای کف زدند و او را تشویق کردند. اما نکته اینجا بود که دیدیم تمام همان استادانی که پیش‌تر در دانشگاه درباره سخنرانی آقای خامنه‌ای پیش‌داوری کرده بودند و نسبت به آن اعتراض داشتند، هم بلند شده و با شور و حال خاصی چه بسا بیشتر از ما برای ایشان دست می‌زدند.

آن موقع نه من و نه آن دوستی که این خاطره را نقل کرد، نمی‌دانستیم که مطالعات ادبی آقای خامنه‌ای چه در حوزه شعر و چه در حوزه رمان نه تنها از تمام سران کشورمان در ادوار مختلف بیشتر است، بلکه از بسیاری از سران کشورهای دیگر جهان نیز بیشتر است.

همین اواخر هم آقای عطاءالله مهاجرانی این خاطره را از «طارق متری» وزیر فرهنگ لبنان در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ نوشت: «همراه سعد حریری به تهران سفر کردیم. قرار ملاقات با آیت‌الله خامنه‌ای بود [آذرماه ۱۳۸۹]. قبل از دیدار قرار شد جلسه‌ای با سعد حریری به عنوان نخست‌وزیر داشته باشیم. شش وزیر هم همراه بودیم. جلسه در محل اقامت حریری در کاخ سعدآباد برگزار شد. سعد حریری گفت: باید مسئله سلاح حزب‌الله را به عنوان مسئله اصلی لبنان مطرح کنیم. من سخنی نگفتم، اما همه تأیید کردند.

وقتی وارد دفتر آیت‌الله خامنه‌ای شدیم، ایشان بسیار گرم و صمیمانه سعد حریری را در آغوش گرفت. جوانی و هوشمندی‌اش را تحسین کرد. از مرحوم «رفیق حریری» ذکر خیری به میان آورد. از لبنان بسیار تعریف کردند. ناگاه از سعد حریری پرسیدند: آقای نخست‌وزیر! شما رمان «گوژپشت نتردام» را خوانده‌اید!؟ خب پیداست که نخوانده بود! سری تکان داد که معلوم نبود خوانده یا نه. آیت‌الله خامنه‌ای گفت در این رمان یک زن بسیار زیبایی تصویر شده که زیباترین زن پاریس است. طبیعی است که قدرتمندان در صدد دستیابی به این زن هستند؛ لات‌های پاریس، قداره‌کشان، بانفوذها. اما همه می‌دانند که آن زن زیبا، اسمش چی بود؟!

طارق گفت: من گفتم: ازمیرلدا. آیت‌الله خامنه‌ای با تمام چشمانش خندید و گفت: احسنت! شما وزیر فرهنگ بودید!

همه می‌دانستند که ازمیرلدا یک دشنه ظریف دسته‌صدف سپید بسیار تیز و کارا به همراه دارد. هر کس به او سوء نظری داشته باشد، ازمیرلدا از استفاده از آن دشنه تردید نمی‌کند. آقای نخست‌وزیر! لبنان مثل همان زن زیباست. لبنان عروس خاورمیانه است. خیلی‌ها به کشور شما نظر دارند. اسرائیل خطری است که شما را تهدید می‌کند. مگر تا خیابان‌های بیروت نیامدند؟ مگر مردم را نکشتند؟ ویران نکردند؟ سلاح مقاومت مثل همان دشنه ازمیرلداست. دشمن را نومید می‌کند و امکان عمل را از او می‌گیرد.

گفت‌وگوها ادامه پیدا کرد. اما سعد حریری کلمه‌ای درباره سلاح حزب‌الله سخن نگفت. بعد از جلسه پرسیدم: نگفتی! گفت: دیدی جلسه را چگونه اداره کرد و بحث را پیش برد. می‌شد مطرح کرد؟!»

آری:

به حسن و خلق و وفا کس به یار ما نرسد
تو را در این سخن، انکار کار ما نرسد
اگر چه حسن‌فروشان به جلوه آمده‌اند
کسی به حسن و ملاحت به یار ما نرسد

گزیده خبر

سخنگوی مجمع تشخیص:

سخنان اخیر باهنر مواضع رسمی مجمع نیست

سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان اینکه مواضع رسمی مجمع، صرفاً از طریق رئیس یا سخنگوی آن اعلام می‌شود، گفت: سخنان اخیر «محمدرضا باهنر»، مواضع رسمی این نهاد نیست.

سیدمحسن دهنوی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی درباره موضع‌گیری‌های اعضای مجمع، نوشت: اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام همواره از میان رجال سیاسی و مدیران باسابقه کشور انتخاب می‌شوند که تجربه حضور در بخش‌های مهم نظام را دارند و در بیان دیدگاه‌های خود آزادند. دهنوی یادآور شد: با این حال، برخی اظهارات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام مانند سخنان اخیر آقای باهنر، از منظر شخصیت حقیقی ایشان مطرح شده و ارتباطی با مواضع رسمی مجمع یا جایگاه حقوقی آنان ندارد. سخنگوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تأکید کرد: مواضع رسمی مجمع، صرفاً از طریق ریاست مجمع یا سخنگوی آن اعلام می‌شود.

پیشخوان Pishkhan.com

گزارش یک

زهرا چیذری

تحلیل ابعاد فنی، فرهنگی، شناختی و سیاسی مسئله فیلترینگ و فیلترشکن‌ها در گفت‌وگوی «جوان» با پژوهشگر فضای مجازی

استفاده مسئولان از سکوهای فیلتر، نقطه کور سیاست فیلترینگ است

«گزارش‌ها نشان می‌دهد بالای ۹۰ درصد کاربران زیر ۳۰ سال عملاً از ابزارهای فیلترشکن استفاده می‌کنند و این امر نشان می‌دهد سیاست‌های فعلی موفق نبوده‌است.» این جمله‌ای است که احسان چیت‌ساز، معاون وزیر ارتباطات، در یک برنامه تلویزیونی بر زبان آورد و بحث داغ فیلترینگ را یک‌بار دیگر از جنبه‌ای متفاوت مورد توجه قرار داد. طبق اظهارات وی پیامد سیاست فیلترینگ این بوده که شبکه ما تبدیل به یک شبکه ناامن شده و داده‌های کاربران ایرانی به صورت پیوسته در حال از دست رفتن است. علاوه بر این تلفن‌های همراه کاربران به واسطه نصب ابزارهای فیلترشکن به دستگاه‌هایی تبدیل شده‌اند که کنترل آنها از دست کاربر خارج است. همین موضوع باعث می‌شود هر چند وقت یک‌بار زیرساخت‌های حیاتی کشور با حملات سایبری از جمله حملات DDoS مواجه شود. این حملات حتی به زیرساخت‌های سایر کشورها نیز انجام می‌شود و در نتیجه، محدودیت‌های بیشتری برای آی‌پی‌های ایرانی ایجاد می‌کند. از سوی دیگر فیلترینگ کیفیت شبکه را کاهش داده و صدمات متعددی به اقتصاد دیجیتال کشور وارد کرده است. طبیعتاً سیاست‌گذار باید اصلاحات لازم را در نظر بگیرد و وزارت ارتباطات به عنوان متولی اصلی، پیگیر این موضوع خواهد بود. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت هم اخیراً تأکید کرده «استفاده از فیلترشکن‌ها به زیرساخت‌های کشور زده این است که بیشتر اوقات حفره‌های امنیتی را باز کرده‌است.» برای بررسی تبعات امنیتی فیلترینگ بر ضد امنیت سایبری به سراغ دکتر سید جواد شیخ‌الاسلامی پژوهشگر فضای مجازی رفته و با وی به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

در فضای کنونی، بحث‌های مختلفی درباره خطرات فیلترشکن‌ها و ضرورت بازنگری در سیاست‌های فیلترینگ مطرح می‌شود. تحلیل جامع شما به عنوان یک صاحب‌نظر که به ابعاد مختلف این مسئله می‌پردازد، چیست؟

برای تحلیل این مسئله پیچیده، باید از یک چارچوب چندبعدی استفاده کنیم که شامل ابعاد فنی- امنیتی، فرهنگی-شناختی و سیاسی- راهبردی است. این سه بعد در هم تنیده شده‌اند و هر راهکار واقع‌بینانه‌ای باید به همه این ابعاد به صورت همزمان توجه کند.

بعد فنی- امنیتی: معماری شکست‌خورده امنیت سایبری است.

در بعد فنی، باید صراحتاً اعلام کنیم که معماری کنونی فیلترینگ در کشور ما یک معماری شکست‌خورده است. این سیستم نه‌تنها به اهداف اولیه خود نرسیده، بلکه خود به عاملی برای تضعیف امنیت سایبری ملی تبدیل شده‌است.

از دیدگاه مهندسی شبکه، حتی با فیلترینگ گسترده مبتنی بر DPI (بازرسی عمیق بسته‌ها) باعث ایجاد یک تنگه مصنوعی در شبکه می‌شود. این امر نه‌تنها بر کیفیت خدمات اینترنتی تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه هزینه‌های عملیاتی شبکه را به شدت افزایش می‌دهد، اما مسئله جدی‌تر، ایجاد یک توهم امنیتی در سطح سیاستگذاران است. وقتی یک سرویس یا سکو (پلتفرم) فیلتر می‌شود، این تصور ایجاد می‌شود که «مشکل حل شده‌است»، در حالی که در واقعیت، فقط شکل مسئله تغییر کرده‌است. کاربران براساس نیاز یا فرهنگی مصرفی که دارند برای دور زدن فیلترینگ به سمت فیلترشکن‌ها روی می‌آورند که خود این اقدام، آنان را در معرض تهدیدات جدی‌تری قرار می‌دهد. بسیاری از این فیلترشکن‌ها توسط مجموعه‌های غیرقابل اعتماد مدیریت می‌شوند و می‌توانند به راحتی به اطلاعات حساس کاربران دسترسی پیدا کنند. این یک پارادوکس امنیتی بزرگ ایجاد می‌کند: سیاستی که قرار بود امنیت اطلاعات را افزایش دهد، در عمل شهروندان را به سمت کانال‌های غیرامن سوق می‌دهد.

آیا از دیدگاه فنی، راهکار جایگزینی برای این معماری فعلی وجود دارد؟

قطعاً وجود دارد. ما نیازمند گذار از الگوی فیلترینگ انبوه به الگوی مدیریت متناسب و هوشمند دسترسی هستیم. در این الگوی جدید، تمرکز روی موارد زیر است:

اول: ایجاد زیرساخت‌های امن تبادل اطلاعات برای بخش‌های حساس مانند مراکز علمی، پژوهشی و اقتصادی که بتوانند با استانداردهای جهانی ارتباط برقرار کنند.

دوم: استقرار سیستم‌های تشخیص و پیشگیری از نفوذ پیشرفته به جای سیستم‌های مسدودسازی ساده. این سیستم‌ها می‌توانند تهدیدات واقعی را شناسایی و بدون ایجاد اختلال در دسترسی عمومی، با آنها مقابله کنند.

سوم: توسعه معماری امن شبکه ملی اطلاعات که در آن خدمات اساسی و حساس روی بسترهای امن داخلی ارائه شوند. اما توجه کنید که «اینترنت ملی» به معنای قطع ارتباط با جهان نیست، بلکه به معنای ایجاد یک فضای امن و کنترل‌شده برای خدمات حیاتی است. در بعد فرهنگی نیز، با یک چالش هویتی عمیق روبه‌رو هستیم.

سیاست فیلترینگ سال‌هاست که در کشورمان اجرایی می‌شود چقدر این سیاست را موفق می‌دانید؟

فیلترینگ گسترده در درازمدت منجر به ایجاد یک «فرهنگ گریز» در جامعه می‌شود. هنگامی که دسترسی به بخش‌های گسترده‌ای از فضای مجازی جهانی با مانع مواجه می‌شود، این پیام ناخودآگاه به جامعه منتقل می‌شود که گویی «جهان بیرون» ممنوع و خطرناک است. این رویکرد چند پیامد فرهنگی جدی دارد؛ نخست: تضعیف سرمایه اجتماعی - هنگامی که شهروندان برای دسترسی به اطلاعات و خدمات پایه مجبور به نقض قوانین می‌شوند، به تدریج حرمت قوانین در نزد آنان کاهش می‌یابد. این امر می‌تواند به فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی بینجامد. دوم: ایجاد دوگانگی هویتی - کاربر در فضای رسمی یک شهروند قانون‌مند است و در فضای غیررسمی یک کاربر پنهان با هویتی متفاوت. این دوگانگی می‌تواند به بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و روانی متعددی منجر شود. سوم: کاهش توان رقابت فرهنگی - در فضای بسته، تولیدکنندگان محتوای داخلی انگیزه خود را برای رقابت با استانداردهای جهانی از دست می‌دهند. این امر در درازمدت منجر به افت کیفیت تولیدات فرهنگی داخلی می‌شود.

اگر از فیلترینگ استفاده نکنیم پس چگونه می‌توانیم این آسیب‌های فرهنگی را کاهش داد؟

پاسخ این سؤال در گذار از سیاست «فیلتر- سازی» به راهبرد «فرهنگ- سازی» نهفته است. باید منابع عظیمی که صرف توسعه و نگهداری سیستم‌های فیلترینگ می‌شود، به سمت سرمایه‌گذاری در حوزه‌های زیر انتقال یابد:

۱- توسعه سکوهای خارجی متناسب با فرهنگ بومی: در پذیرش حضور سکوهای خارجی در داخل ایران باید قبل از فراگیری برنامه داشت نه اینکه بعد از فراگیری به دنبال فرهنگ‌سازی بود.

۲- توسعه سواد رسانه‌ای ملی: آموزش مهارت‌های نقد محتوا، تشخیص اخبار جعلی و اصول امنیت سایبری باید از دوران مدرسه آغاز شود و در تمام سطوح آموزشی ادامه یابد.

۳- حمایت از تولید محتوای با کیفیت: باید با ایجاد مشوق‌های واقعی، تولیدکنندگان محتوای داخلی را به رقابت با استانداردهای جهانی تشویق کنیم.

۴- تقویت نهادهای فرهنگی دیجیتال: کتابخانه‌های دیجیتال، آرشیوهای ملی آنلاین و مراکز فرهنگی دیجیتال می‌توانند جایگزین سالم و مفیدی برای بخشی از نیازهای اطلاعاتی جامعه باشند. فضای مجازی امروز به عرصه جدیدی از رقابت‌های ژئوپلیتیک تبدیل شده که احتمالاً پیچیده‌ترین بعد مسئله است و هر کشور سیاست‌های خاص خود را در این فضا دنبال می‌کند.

سیاست فیلترینگ در ایران را باید در چارچوب چند محور سیاسی تحلیل کرد: نخست: مسئله حاکمیت ملی - هر کشوری حق دارد برای حفظ حاکمیت خود در فضای مجازی سیاست‌گذاری کند، اما این سیاست‌گذاری باید مبتنی بر منافع ملی و نه ملاحظات ایدئولوژیک صرف باشد.

دوم: امنیت ملی - بدون شک، برخی از پلتفرم‌ها و سرویس‌های خارجی می‌توانند تهدیدی برای امنیت ملی کشورها باشند، اما رویکرد کنونی در مدیریت این تهدیدات نیاز به بازنگری اساسی دارد. سوم: دیپلماسی دیجیتال - فضای مجازی به یکی از ابزارهای مهم دیپلماتیک تبدیل شده‌است. انزوا در فضای مجازی می‌تواند به انزوا در عرصه بین‌المللی بینجامد.

یکی از مسائل مطرح شده، استفاده خود مسئولان از پلتفرم‌های مسدود شده‌است. این موضوع چه تأثیری بر سیستم فیلترینگ دارد؟

این نقطه کور تحلیل‌های فعلی است. وقتی مسئولان و نهادهای رسمی از همان پلتفرم‌هایی استفاده می‌کنند که برای عموم مردم مسدود شده‌اند، با یک بحران مشروعیت چندلایه روبه‌رو می‌شویم؛ اول: بحران اعتماد عمومی- هنگامی که شهروندان می‌بینند مسئولان و خانواده‌های آنان به راحتی از فیلترشکن استفاده می‌کنند و در پلتفرم‌های مسدود شده فعال هستند، این سؤال برایشان پیش می‌آید که «اگر این پلتفرم‌ها واقعاً خطرناک هستند، چرا مسئولان خود از آنها استفاده می‌کنند؟» دوم: تضعیف حکمرانی قانون - این نابرابری در اجرای قانون، به تدریج اصل «حکمرانی قانون» را تضعیف می‌کند. وقتی قانون‌گذاران و مجریان قانون، خود را ملزم به رعایت قوانین نمی‌دانند، چگونه می‌توانند از مردم انتظار پایبندی داشته باشند؟ سوم: ایجاد طبقه‌بندی جدید اجتماعی - این وضعیت به ایجاد یک شکاف دیجیتالی جدید منجر می‌شود: از یک سو شهروندان عادی که با محدودیت دسترسی مواجهند و از سوی دیگر نخبگان حاکم که به همه فضای مجازی دسترسی دارند. این شکاف می‌تواند به افزایش احساس نابرابری و بی‌عدالتی در جامعه بینجامد.

از دیدگاه حقوقی، این موضوع نقض اصل «تساوی در برابر قانون» است. از منظر اخلاقی نیز یک دوگانگی ارزشی خطرناک ایجاد می‌کند. وقتی مسئولان در عمل نشان می‌دهند که قوانین برای خودشان جنبه تزئینی دارد، این پیام را به جامعه منتقل می‌کنند که «قانون برای دیگران است، نه برای ما».

چگونه می‌توان بین ملاحظات امنیتی و ضرورت تعامل با فضای مجازی جهانی تعادل برقرار کرد؟

این پرسش، کلید حل مسئله است. برای ایجاد این تعادل، پیشنهاد می‌کنم مدل سه‌لایه‌ای مدیریت فضای مجازی را مورد توجه قرار دهیم: لایه اول: فضای کاملاً کنترل‌شده داخلی این لایه شامل خدمات حیاتی و حساس می‌شود که باید به طور کامل روی بسترهای امن داخلی ارائه شوند. دسترسی به این لایه باید محدود و کنترل‌شده باشد.

لایه دوم: فضای مدیریت‌شده این لایه شامل خدمات عمومی و غیرحساس می‌شود که می‌توانند با رعایت ضوابط مشخصی در دسترس عموم قرار گیرند. در این لایه، به جای مسدودسازی، از مکانیسم‌های نظارتی و کنترلی هوشمند استفاده می‌شود. لایه سوم: فضای باز با نظارت حداقلی این لایه شامل دسترسی به منابع اطلاعاتی و خدمات بین‌المللی می‌شود که تهدید امنیتی جدی محسوب نمی‌شوند. دسترسی به این لایه برای پژوهشگران، کسب‌وکارها و متخصصان باید تسهیل شود. برای گذار از وضعیت کنونی به مدل پیشنهادی، یک برنامه راهبردی چندساله نیاز است که شامل مراحل زیر می‌باشد:

فاز اول: بازنگری در سیاست‌های فعلی/ تشکیل کارگروه تخصصی با حضور نمایندگان همه نهادهای ذی‌ربط/ بررسی دقیق اثربخشی سیاست‌های فعلی/ شناسایی آسیب‌ها و نقاط ضعف موجود/ شفاف‌سازی در مورد دسترسی مسئولان به پلتفرم‌های مسدود شده

فاز دوم: توسعه زیرساخت‌های جایگزین/ سرمایه‌گذاری در توسعه پلتفرم‌های داخلی رقابتی/ ارتقای کیفیت خدمات اینترنتی/ توسعه مراکز داده ملی

فاز سوم: آموزش و فرهنگ‌سازی/ اجرای برنامه ملی سواد رسانه‌ای/ آموزش مهارت‌های دیجیتال به گروه‌های مختلف جامعه/ توانمندسازی کاربران برای استفاده ایمن از فضای مجازی

فاز چهارم: اجرای تدریجی مدل جدید کاهش تدریجی فیلترینگ گسترده/ جایگزینی سیستم‌های هوشمند نظارتی/ استقرار مدل سه‌لایه‌ای دسترسی/ ایجاد شفافیت در دسترسی مسئولان و اجرای یکسان قوانین

اجرای این طرح با چه چالش‌هایی روبه‌رو خواهد بود؟

بدون شک، اجرای این طرح با چالش‌های متعددی روبه‌رو خواهد بود: در بخش چالش فنی نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین در توسعه زیرساخت‌ها در چالش فرهنگی مقاومت در برابر تغییر عادات و باورهای وجود دارد. در حوزه چالش سیاسی مخالفت جریان‌هایی که از وضعیت موجود منافع خاصی دارند و در بحث چالش امنیتی نگرانی‌های واقعی و به جایی درباره افزایش تهدیدات سایبری وجود دارد. در مورد چالش حکمرانی مقاومت در برابر شفافیت و یکسان‌سازی دسترسی قابل بحث است، اما باید توجه داشت که تعلل در اصلاح سیستم فعلی، هزینه‌های بیشتری را در آینده و در ابعاد مختلف به کشور تحمیل خواهد شد. برای حل مسئله دوگانگی دسترسی مسئولان، می‌توان پیشنهاد کرد که اول: شفافیت اجباری - مسئولان باید در مورد دسترسی خود به سکوهای بین‌المللی شفاف باشند و این شفافیت باید توسط نهادهای نظارتی کنترل شود. دوم: یکسان‌سازی قوانین - یا دسترسی همه آزاد شود، یا برای همه مسدود شود. نمی‌توان دو استاندارد متفاوت برای مردم و مسئولان داشت و اگر لازم است برای خارج از کشور در سکوهای خاص کاری صورت پذیرد، باید به زبان‌های غیرفارسی باشد تا مشخص باشد جامعه هدف کجا است. سوم: ایجاد مکانیسم‌های نظارتی - نهادهای نظارتی باید بر دسترسی مسئولان به سکوهای بین‌المللی نظارت داشته باشند و صدا و سیما هم نباید پیام افراد مهم داخلی را از سکوهای مسدود شده بخواند و نقل قول کند. در خصوص نقش بخش خصوصی نیز باید گفت: در انتقال از وضعیت فعلی به وضعیت آینده، نقش بخش خصوصی بسیار حیاتی است. دولت باید با ایجاد فضای گفت‌وگوی ملی، همه ذی‌نفعان را در این فرآیند مشارکت دهد. بخش خصوصی می‌تواند در توسعه زیرساخت‌ها و ارائه خدمات نوآورانه نقش آفرینی کند. در زمینه آموزش و فرهنگ‌سازی نیز دستگاه‌های متولی باید مشارکت فعال داشته باشند. در مسیر تغییر پارادایم بررسی تجارب دیگر کشورها مفید است و این تجارب نشان می‌دهد که رویکردهای متنوعی در مدیریت فضای مجازی وجود دارد. برخی کشورها مانند چین مدل «دیوار آتشین بزرگ» را انتخاب کرده‌اند، در حالی که کشورهایی مانند کره‌جنوبی بر توسعه زیرساخت‌های بومی و رقابت در سطح جهانی تمرکز کرده‌اند. درس مهمی که از این تجارب می‌توان گرفت، این است که هیچ مدل واحدی وجود ندارد، بلکه هر کشور باید با توجه به شرایط خاص خود، مدل مناسب را طراحی و اجرا کند.

و کلام پایانی.

ما در یک نقطه عطف تاریخی قرار داریم. ادامه مسیر کنونی به معنای پذیرش شکست در مدیریت فضای مجازی و تحمل هزینه‌های روزافزون آن است. در مقابل، اصلاح این سیستم اگرچه چالش‌برانگیز است، اما ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ منافع ملی در عصر دیجیتال است. راه حل نهایی، در پذیرش این واقعیت نهفته است که فضای مجازی یک فرصت استراتژیک است، نه یک تهدید صرف. با تغییر نگرش و اتخاذ راهبردهای هوشمندانه، می‌توانیم از این فرصت برای پیشرفت کشور و ارتقای کیفیت زندگی مصرف عمومی استفاده کنیم. این تحول نیازمند اراده سیاسی، مشارکت عمومی و برنامه‌ریزی دقیق است. امیدوارم که با همکاری همه نهادها و ذی‌نفعان، بتوانیم این مسیر دشوار اما ضروری را با موفقیت طی کنیم.

پیشخوان Pishkhan.com

گزارش ۲

مهسا گربندی

وضعیت ایمنی مدارس پایتخت در گفت‌وگوی «جوان» با مسئولان

مدارس پرشمار ناایمن در قلب پایتخت

رئیس جمهور: ارتقای کیفیت آموزش ارتباطی با تحریم و محدودیت‌های خارجی ندارد

رئیس‌جمهور بارها و بارها بر عدالت آموزشی و گسترش نهضت مدرسه‌سازی تأکید کرده است. او روز گذشته هم با حضور در شهریار، دوباره بر بهبود کیفیت آموزشی در مدارس ایران تاکید کرد. به‌رغم همه اینها، سال‌هاست مسئولان از ایمنی مدارس حرف می‌زنند، از طرح‌ها و برنامه‌هایی که هر سال در دستور کارشان قرار می‌گیرند و از همکاری خیرین و نهادهایی که قرار است به‌زودی وارد عمل شوند، اما حاصل تمام این سخنرانی‌ها و وعده‌ها، تنها سه مدرسه‌ای است که از میان هزاران مدرسه پایتخت موفق به دریافت گواهی ایمنی شده‌اند. آنطور که به نظر می‌رسد، هنوز قرار نیست مدارس ایمن شوند، فقط قرار است درباره‌شان حرف زده شود! بدون مدارس ایمن، بهبود کیفیت آموزشی هم رخ نخواهد داد. یا لااقل بهتر است این‌طور بگوییم که یکی از مقدمات بهبود کیفیت آموزشی در ایران، ساخت مدارسی استاندارد و در خور شأن است.

رئیس‌جمهور، مسعود پزشکیان در آیین بهره‌برداری همزمان از طرح‌های «نهضت عدالت در فضای آموزشی با مشارکت مردم» در شهرستان شهریار بر ضرورت بازنگری در رویکردهای آموزشی کشور و ارتقای کیفیت یاددهی و یادگیری تأکید کرد و گفت: هیچ دلیلی وجود ندارد مدارس کشور از نظر کیفیت و استانداردهای آموزشی پایین‌تر از مدارس دیگر کشورها باشند و نباید پذیرفت که کلاس‌های درس از نظر امکانات، روش‌های آموزشی و کیفیت یادگیری ضعیف‌تر از دیگر نقاط جهان اداره شوند.

رئیس‌جمهور گفت: ارتقای کیفیت آموزش ارتباطی با تحریم و محدودیت‌های خارجی ندارد، موضوع کیفیت آموزشی مستقیماً به رفتار، علم، انگیزه و باور معلمان و مدیران وابسته است. وی با بیان اینکه الگوسازی الهام‌بخش برای آینده کشور باید از همین کلاس‌های درس و مدارس آغاز شود، استفاده از توان مردم و خیرین را یک راهکار اساسی برای توسعه زیرساخت‌های آموزشی دانست و اظهار کرد: هیچ خانواده‌ای تمایلی به آموزش ضعیف فرزندان خود ندارد و نظام آموزشی موظف است زمینه رشد و شکوفایی استعدادها را فراهم کند.

رئیس‌جمهور با اشاره به نقش مدارس در شکل‌دهی آینده کشور، بر ضرورت هدایت ذهنیت دانش‌آموزان از دوران کودکی به سمت بهترین شدن و نقاد بودن تأکید و تصریح کرد: باور به توانایی تغییر و بهتر شدن زمینه‌ساز پیشرفت و ارتقای کشور است.

فقط ۳ مدرسه در تهران تأییدیه ایمنی دارند!

روز شنبه خبری شوکه‌کننده منتشر شد و همه را نگران کرد: «از میان بیش از ۶هزارو ۴۲۰ مدرسه و مهدکودک در تهران، تنها سه مدرسه موفق به دریافت تأییدیه نهایی ایمنی شده‌اند.» آماری که کامران عبدولی، معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران اعلام کرد و آن را نشانه عقب‌ماندگی جدی مدارس در حوزه ایمنی دانست.

عبدولی گفت: «یکی از دغدغه‌های اصلی سازمان، ایمنی مدارس و مهدکودک‌ها است. نسبت به سایر ساختمان‌ها، مدارس در زمینه ایمنی عقب‌تر هستند و پیشرفت قابل توجهی نداشته‌اند، در حالی که ساختمان‌های درمانی، تجاری و مسکونی جدید اقدامات مناسبی در این زمینه انجام داده‌اند.»

معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران، آمار دقیق از حجم مدارس و مهدکودک‌های تحت پوشش در تهران ارائه داد: «۶هزارو ۴۲۰ مدرسه و مهدکودک شامل هزارو ۵۰۴ مهدکودک و پیش‌دبستانی، ۲هزارو ۵۰ مدرسه ابتدایی و متوسطه فنی و حرفه‌ای و کار و دانش، ۲هزارو ۳۸۳ مدرسه و ۸۸ مدرسه استثنایی است. از این تعداد، ۲هزارو ۹۱۳ واحد غیردولتی و ۳هزارو ۱۲۹ واحد دولتی هستند.»

او درباره اقدامات انجام شده ادامه داد: «طی سال‌های گذشته، سازمان آتش‌نشانی چندین بار مدارس را بازدید کرده، اخطارها و دستورالعمل‌های لازم را ارائه داده و تلاش کرده پرونده‌هایی برای ارتقای ایمنی تشکیل شود، اما تاکنون فقط ۴۳ پرونده تشکیل شده که تنها سه مورد به تأییدیه نهایی رسیده‌اند و باقی اقدامات مؤثر تاکنون اجرایی نشده‌است.»

معاون پیشگیری سازمان آتش‌نشانی تهران در پایان گفت: «با توجه به ساختار و تعداد طبقات مدارس، ارتقای ایمنی آنها هزینه کمتری نسبت به سایر ساختمان‌ها دارد، اما مهم‌ترین نیاز، همت و اراده مسئولان و مدیران برای اجرای اقدامات ایمنی است.»

مشکل فقط در کمبود بودجه نیست

چندی پیش بود که علی نصیری، رئیس سازمان مدیریت بحران تهران درباره نگرانی‌ها پیرامون ایمنی مدارس در آستانه آغاز سال تحصیلی هشدار داد و گفت: «مشکل اصلی الزاماً بی‌توجهی مدیران مدارس نیست؛ بسیاری از مدیران از ترس ایجاد پرونده و پیگیری‌های قانونی مراجعه نمی‌کنند.»

او توضیح داد که تشکیل پرونده، ورود نهادهای نظارتی و احتمال سؤال از مدیران به دلیل اطلاع از ناایمنی‌ها و اقدام نکردن، باعث ترس مدیران شده‌است. به گفته نصیری، بخشی از این مشکل ناشی از کمبود منابع مالی و بخشی دیگر به فرهنگ ایمنی در کشور بازمی‌گردد: «متأسفانه در جامعه ما موضوع ایمنی جدی گرفته نمی‌شود.»

نصیری ایمنی مدارس را به دو بخش مهم تقسیم کرد: «ایمنی کالبدی و ایمنی اجتماعی.» او درباره ایمنی کالبدی گفت: «سال گذشته طرح ارزیابی ایمنی تمامی مدارس دولتی شهر تهران با همکاری یک دانشگاه معتبر اجرا شد. تیم‌های متخصص HSE در ۲۲ نقطه هر مدرسه از کلاس‌ها و کارگاه‌ها گرفته تا موتورخانه، پشت‌بام و راه‌پله‌ها، حدود ۶۰۰ شاخص ایمنی را بررسی کردند.» نتیجه این بررسی‌ها شناسایی دهها هزار مورد ناایمنی بود که خوشبختانه فقط حدود ۶ درصد آنها در وضعیت قرمز قرار داشتند.

رئیس سازمان مدیریت بحران تهران افزود: «در مجموع ۲هزارو ۸۰۰ مدرسه مورد ارزیابی قرار گرفتند و کارگروه مشترک پیگیری ایمن‌سازی مدارس و رفع خطر آغاز به کار کرد.» او همچنین خبر داد که با هماهنگی شهرداری تهران، بودجه‌های اختصاصی مناطق شهرداری برای ارتقای ایمنی مدارس در اولویت قرار خواهد گرفت.

راهکار ریشه‌ای برای حل مشکل ایمنی مدارس

نصیری از والدین دانش‌آموزان خواست که حساسیت بیشتری نسبت به موضوع ایمنی مدارس داشته باشند: «یکی از برنامه‌های شهرداری همکاری با آموزش و پرورش در قالب تهاتر و مولدسازی املاک است. بسیاری از املاک آموزش و پرورش در نقاط ارزشمند شهر قرار دارند که می‌توان با استفاده از این ظرفیت، مجتمع‌های آموزشی استاندارد احداث کرد و مدارس فرسوده را جایگزین کرد.» به گفته او، این اقدام راهکاری ریشه‌ای برای حل مشکل ایمنی مدارس تهران است.

نصیری با تشریح جزئیات ناایمنی‌های شناسایی شده گفت: «بخش زیادی از ناایمنی‌ها مربوط به سیم‌کشی‌های غیراستاندارد و تأسیسات الکتریکی ناایمن است که می‌تواند منجر به برق‌گرفتگی یا حریق شود.» او همچنین به مشکلاتی مانند ناایمنی سیستم گازرسانی، سطوح لغزنده، پلکان‌های ناایمن، پشت‌بام‌های فاقد حفاظ، بخاری‌های غیراستاندارد، کاشی‌های سست، ضعف نورپردازی، نیمکت‌های نامناسب و مشکلات بهداشتی در سرویس‌های مدارس اشاره کرد. حتی شوخی‌ها و رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان را نیز از عوامل تهدیدکننده ایمنی مدارس دانست.

رئیس سازمان مدیریت بحران تهران خواستار اولویت‌بخشی به ایمنی در تخصیص اعتبارات شد و از مسئولان آموزش و پرورش، سازمان نوسازی مدارس و شهرداری خواست: «پیش از اجرای پروژه‌های زیباسازی، رنگ‌آمیزی یا حتی برنامه‌های فرهنگی، ابتدا بودجه لازم برای ارتقای ایمنی مدارس را مطالبه و تخصیص دهند.» او افزود که در بازدیدهایش گاهی شاهد بی‌توجهی به این موضوع بوده، اما با تغییر مدیران، روند بهبود یافته‌است.

نصیری درباره آموزش ایمنی گفت: «بحث ایمنی تنها به زیرساخت‌ها محدود نمی‌شود؛ آموزش باید از مدرسه آغاز شود.» او به اجرای پویش «شهر آماده» طی سه سال گذشته اشاره کرد که با همکاری هلال‌احمر و سازمان آتش‌نشانی، ۸۶۰ هزار نفر از شهروندان تهرانی را آموزش داده‌است که از این تعداد حدود ۴۹۵ هزار نفر دانش‌آموز بوده‌اند. با این حال، به گفته نصیری، این میزان هنوز کافی نیست.

او با اشاره به امکان آموزش رایگان گفت: «هر مدرسه‌ای که تمایل داشته باشد می‌تواند به پایگاه‌های مدیریت بحران یا خانه‌های دوام و ایمنی در محلات مراجعه کند تا مربیان آموزش‌دیده به صورت رایگان دوره‌های استاندارد ایمنی را برای دانش‌آموزان برگزار کنند.»

بمب ساعتی که هر لحظه ممکن است منفجر شود

ماه گذشته نیز مهدی بابایی، رئیس کمیته ایمنی شورای اسلامی شهر تهران، با ارائه آمار نگران‌کننده‌ای درباره وضعیت ایمنی مدارس پایتخت هشدار داد. او گفت: «سال گذشته کارشناسان سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهرداری تهران از مدارس دولتی بازدید کردند و بیش از ۴۰۰ هزار مورد عدم انطباق ایمنی شناسایی شد.» بابایی افزود: «از ۲هزارو ۸۰۰ مدرسه دولتی تهران، ۲هزارو ۴۰۰ مدرسه برای بازدید کارشناسان همکاری کردند.» او با تأکید بر خطر بالقوه وضعیت ناایمن مدارس تصریح کرد: «این مدارس ممکن است حادثه‌ساز باشند، اگرچه شرایط فعلی بحرانی نیست، اما همین عدم ایمنی نشان می‌دهد که احتمال وقوع حادثه وجود دارد.»

به گزارش «جوان»، این واقعیت تلخی است که تعداد قابل توجهی از مدارس تهران ناایمن هستند و هر لحظه ممکن است به منبع حادثه‌ای بزرگ تبدیل شوند. حتی اگر بازدیدها و شناسایی‌ها انجام شده‌باشد، تا زمانی که ایمن‌سازی‌ها به مرحله اجرا نرسد، والدین ناچارند هر روز با دل‌نگرانی، فرزندانشان را به مدارسی بفرستند که امنیت‌شان تضمینی ندارد و این نگرانی کاملاً بحق و بجاست.

در صورت وقوع کوچک‌ترین حادثه، همه مسئولان ذی‌ربط در برابر جان دانش‌آموزان و معلمان و کادر آموزشی مسئول هستند، اما اکنون که هنوز فرصت جبران باقی است، باید با تصمیمی جدی و اقدامی فوری، از فاجعه‌ای که می‌تواند فردا تیتر سیاه روزنامه‌ها شود، پیشگیری کرد.

پیشخوان
Pishkhan.com

یادداشت

تنش آبی در ۲۷هزار روستا

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

رئیس مرکز آمار دقیقاً یک سال پیش، در یک نشست خبری، جمعیت ایران را بیش از ۸۵میلیون نفر عنوان کرد که ۶۶میلیون نفر در شهر و ۲۷میلیون نفر در روستا زندگی می‌کنند، همچنین مدیرکل تقسیمات کشوری ۹شهریور ۱۳۹۹ گفته بود «۴هزارو۹۲۶ روستا داریم». با استناد به این آمارها مشخص می‌شود حدود ۳۲ درصد از جمعیت کشورمان در مناطق روستایی ساکن هستند و حدود ۵۹درصد از این روستاها نیز با تنش آبی مواجهند، یعنی بیش از نصف روستاهای کشورمان با مشکل دسترسی به آب روبه‌رو هستند! و طبعاً تنش آبی زنجیره‌ای از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و حتی امنیتی را به دنبال دارد. نبود آب کافی، کشاورزی و دامداری روستایی را که منبع اصلی معیشت بسیاری از روستاییان است، به مخاطره می‌اندازد. مهاجرت اجباری به شهرها، حاشیه‌نشینی و افزایش فشار بر زیرساخت‌های شهری از دیگر پیامدهای این بحران است. در این میان، آنچه بیش از همه نگران‌کننده است، سکوت نسبی در برابر این معضل و نبود برنامه‌های عملیاتی شفاف برای رفع آن است.

عدالت اجتماعی که یکی از شعارهای محوری دولت‌هاست، زمانی معنا پیدا می‌کند که توزیع منابع و امکانات به‌گونه‌ای باشد که هیچ منطقه‌ای از کشورمان به دلیل محرومیت جغرافیایی یا اقتصادی از حقوق اولیه خود محروم نماند. دسترسی به آب سالم، به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسانی، باید در اولویت برنامه‌ریزی‌های دولت قرار گیرد، بااین‌حال گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم که وظیفه اصلی آن رسیدگی به مناطق کمتر برخوردار است، در ارائه راهکارهای عملی و گزارش‌های دقیق از پیشرفت پروژه‌ها چندان موفق عمل نکرده است.

دولت و به‌ویژه معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم باید از مرحله شعار و ارائه آمار به مرحله عمل و ارائه گزارش‌های شفاف از دستاوردها گذر کنند. اختصاص بودجه، تنها گام نخست است. آنچه اهمیت دارد، اجرای پروژه‌های زیرساختی با نظارت دقیق و زمانبندی مشخص است. به‌عنوان مثال، برنامه‌ریزی برای استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، مانند مزارع خورشیدی در ۶هزارروستا، ایده‌ای نویدبخش است، اما اجرای آن نیازمند هماهنگی بین‌دستگاهی، تأمین مالی پایدار و مشارکت فعال جوامع محلی است. این طرح، اگر به‌درستی اجرا شود، می‌تواند مشکل ناترازی انرژی را کاهش دهد و با سهامدار کردن روستاییان در این پروژه‌ها، به توانمندسازی اقتصادی آنها نیز کمک کند، بااین‌حال تا زمانی که گزارش‌های شفاف و دوره‌ای از پیشرفت این طرح‌ها منتشر نشود، نمی‌توان به موفقیت آن امیدوار بود.

یکی دیگر از نکات قابل تأمل، توجه به اولویت‌بندی در تخصیص منابع است. اعلام اینکه ۱۱هزار روستای زیر ۲۰خانوار و ۱۶هزار روستای بالای ۲۰خانوار با تنش آبی مواجهند، اگرچه از منظر آماری مفید است، اما نباید به بهانه‌ای برای کم‌توجهی به روستاهای کوچک‌تر تبدیل شود. روستاهای کم‌جمعیت، به‌ویژه در مناطق محروم، اغلب از کمترین امکانات برخوردارند و باید در اولویت برنامه‌های آبرسانی قرار گیرند. عدالت اجتماعی اقتضا می‌کند هیچ روستایی، صرف‌نظر از اندازه یا موقعیت جغرافیایی، از دسترسی به آب محروم نماند.

یکی از نقاط قوت برنامه‌های توسعه روستایی می‌تواند مشارکت فعال جوامع محلی باشد. پروژه‌های زیرساختی، زمانی موفقند که با همراهی و نظارت مردم محلی اجرا شوند. معاونت توسعه روستایی می‌تواند با ایجاد سازوکارهایی برای مشارکت روستاییان در پروژه‌های آبرسانی و تولید انرژی، حس مالکیت و مسئولیت را در آنها تقویت کند. این مشارکت به پایداری پروژه‌ها کمک می‌کند و می‌تواند به بستری برای کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری منجر شود، همچنین بی‌توجهی نمایندگان مجلس به مشکلات و معضلات روستاها، به‌ویژه بحران و تنش آبی، یکی از چالش‌های جدی امروز کشورمان است. در شرایطی که بخش قابل توجهی از تولید ملی، اعم از کشاورزی، دامداری و صنایع دستی در روستاها شکل می‌گیرد، نادیده گرفتن مسائل این مناطق به معنای ضربه زدن مستقیم به چرخه تولید و امنیت غذایی کشور است. متأسفانه بسیاری از نمایندگان به جای پیگیری مطالبات واقعی مردم، ازجمله تأمین آب، زیرساخت‌های تولید و خدمات حمایتی، بیشتر درگیر مسائل سیاسی و جناحی هستند و عملاً نظارت مؤثری بر عملکرد دولت در حوزه روستا و کشاورزی وجود ندارد.

در سال‌های اخیر، تنش آبی و کمبود منابع آب، زندگی و تولید روستاییان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. بسیاری از زمین‌های کشاورزی به دلیل بی‌آبی رها شده و مهاجرت از روستا به شهرها افزایش یافته است. این روند با اهداف توسعه پایدار و خودکفایی اقتصادی مغایر است و موجب گسترش حاشیه‌نشینی و آسیب‌های اجتماعی در شهرها نیز می‌شود.

در حالی که تولید و حمایت از تولیدکنندگان داخلی می‌تواند راه علاج بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور باشد، بی‌توجهی به روستاییان، نادیده گرفتن ستون فقرات تولید ملی است. مجلس به عنوان نهاد قانونگذاری و ناظر بر اجرای قوانین، وظیفه دارد بر عملکرد دولت در حوزه تأمین آب، زیرساخت‌های کشاورزی و توسعه روستاها نظارت دقیق و مستمر داشته باشد. بی‌تفاوتی در این زمینه، آینده اقتصادی کشور را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهد. توجه به روستا، توجه به تولید و آینده کشور است.

جان کلام آنکه تنش آبی در ۲۷هزار روستای ایران کهن، چالشی جدی برای عدالت اجتماعی است. معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم، به‌عنوان نهادی که باید صدای مناطق کمتر برخوردار باشد، وظیفه‌ای سنگین بر دوش دارد. این معاونت باید از مرحله توصیف مشکلات و ارائه آمار به مرحله اجرای پروژه‌های عملی و گزارش‌دهی شفاف گذر کند. مردم مناطق روستایی شایسته خدماتی در خور و متناسب با کرامت انسانی هستند و دولت باید با عمل به شعارهای عدالت‌محور، نشان دهد توسعه روستاها و رفع محرومیت، فقط یک وعده نیست.

گزارش یک

سعیده زمانی

ارزهای ۲۸هزارو۵۰۰ تومانی چگونه به سفره مردم می‌رسد؟

مرغ از دولت مجوز پرواز گرفت

دولت ارز یارانه‌ای می‌دهد تا مرغ ارزان بماند، حالا با مجوز جدید دولت برای گرانی مرغ، هم ارزها پرکشیده، هم قیمت مرغ!

گرانی کالاهای اساسی با وجود اختصاص ارز دولتی، ضرب‌المثل چوب و پیاز را تداعی می‌کند؛ سیاستی که اگرچه قرار است به نفع مردم تمام شود اما به دلایل مختلف به درستی به نقطه هدف‌گذاری‌شده اصابت نکرده است. از زمانی که رئیس کل بانک مرکزی خبر اختصاص ارز ۲۸هزارو۵۰۰ را اعلام کرد، مرغ کیلویی ۵۱هزارو۵۰۰ تومان بود و حالا با اعلام اخیر ستاد تنظیم بازار قیمت آن به ۱۳۵هزار تومان رسیده است. بر اساس اعلام حبیب اسدالله‌نژاد، مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی قیمت مصوب جدید هر قطعه جوجه یک‌روزه نیز ۳۲هزارو۷۰۰ تومان تعیین شده است. مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی در شرایطی ابراز امیدواری کرد که با اعلام قیمت مصوب جدید مرغ به واحدهای صنفی دوباره ثبات قیمت به بازار این محصول برمی‌گردد که قیمت بسیاری از کالاهای اساسی سر به فلک کشیده است.

تسنیم

موسی موسوی، نماینده مردم لامرد روز یک‌شنبه ۲۰مهر در مجلس در تذکری به دولت گفت: به رغم هشدارها هنگامی که برای پیگیری پروژه‌ها به مسئولان مراجعه می‌کنیم، می‌گویند حالا که شرایط جنگی است بروید و صبر کنید، تداوم این به هم ریختگی و سردرگمی موجب افزایش بی‌سابقه قیمت ارز، طلا، نهاده‌های دامی و کشاورزی و کالاهای مصرفی مردم شده است، آقایان یک دور کوتاه در بازار بزنید، قیمت برنج، گوشت، مرغ و لبنیات سر به فلک کشیده است. علی نیکزاد، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی درباره گرانی کالاهای اساسی اظهار کرد: دشمنان روی گرانی سرمایه‌گذاری کرده‌اند تا با ایجاد نارضایتی و آشوب، به جمهوری اسلامی ضربه بزنند.

وی با بیان اینکه دشمن اکنون بر اقتصاد متمرکز شده است، افزود: مردم ما متدین، ایران‌دوست و باغیرت، اما در زمینه اقتصادی و مسائلی مانند اشتغال، مسکن و معیشت تحت فشار هستند.

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی درباره اقدامات مجلس برای مهار گرانی گفت: مجلس هر قانونی که برای خنثی‌سازی فشار اقتصادی لازم بوده تصویب کرده است، از جمله در قانون بودجه، ارز مورد نیاز برای کالاهای اساسی و دارو اختصاص داده شده و دست دولت برای مهار گرانی و افزایش قیمت‌ها باز گذاشته شده است. وی افزود: مجلس به شدت بر موضوع کالابرگ و تأمین اقلام اساسی برای مردم تمرکز دارد و از دولت می‌خواهد تضمین دهد که این کالاها با قیمت مشخص و متعادلی در اختیار مردم قرار گیرد.

■ افزایش هزینه تولید یا سوءمدیریت؟

با افزایش دولتی قیمت مرغ، این سؤال ایجاد می‌شود که اگر قرار است هم ارز دولتی اختصاص یابد و هم گرانی‌ها تداوم یابد، پس دلیل هزینه‌کرد دولت چیست و سؤال مهم‌تر اینکه این ارزها به چه کسانی اختصاص می‌یابد.

مدافعان افزایش قیمت کالاهای اساسی با استناد به گزارش وزارت جهاد کشاورزی معتقدند ارز ترجیحی ۲۸هزارو۵۰۰تومانی در بخش تولید دام و طیور اثرگذار بوده است، با این حال به گفته آنها بخش عمده نهاده‌های وارداتی که با ارز ترجیحی تأمین می‌شود، تنها بخشی از زنجیره تولید را پوشش می‌دهد و سایر نهاده‌ها همچون علوفه، جو، کنجاله و مکمل‌های خوراکی از بازار آزاد خریداری می‌شود. در این خصوص گزارشی منتشر و در آن اعلام شده که تنها حدود ۳۶درصد از هزینه‌های تولید مرغ با ارز ترجیحی ۲۸هزارو۵۰۰تومانی انجام می‌شود و مابقی هزینه‌ها با نرخ ارز آزاد است. در این گزارش این گونه نتیجه‌گیری شده است که هرگونه نوسان یا جهش در نرخ ارز بازار آزاد، مستقیماً بر هزینه تولید مرغ تأثیر می‌گذارد و به دنبال آن قیمت نهایی این کالای اساسی افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی که تفاوت قابل توجهی میان ارز ترجیحی و آزاد وجود دارد، پذیرش این گزاره نیاز به شفاف‌سازی بیشتر دارد. تجربه نشان داده است در کشورمان به دلایل مشکلات ساختاری در نظارت، امکان رهگیری ارزهای اختصاص یافته در بازار به صورت کامل فراهم نیست و از محل تولید تا خرده‌فروشی، ده‌ها واسطه و دلال بر قیمت نهایی اثر می‌گذارند.

■ هدررفت ۳۵درصدی ارز یارانه‌ای

سیاست تخصیص ارز ترجیحی در اصل با هدف مهار قیمت‌ها و تسهیل تأمین کالاهای اساسی تدوین شده، اما در عمل، تمرکز منابع در دست چند بازیگر بزرگ، شفافیت بازار را کاهش و رقابت را تضعیف کرده است. کارشناسان اقتصادی معتقدند چنین وضعیتی دو پیامد مستقیم دارد: نخست، وابستگی عرضه کالاهای اساسی به تصمیمات محدود چند شرکت، دوم، افزایش قدرت قیمت‌گذاری و اثرگذاری غیرمستقیم بر بازار، در نتیجه حتی با تزریق منابع ارزی قابل توجه، اثر چندانی بر کنترل قیمت‌ها دیده نمی‌شود.

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس اخیراً با اشاره به وضعیت معیشتی مردم و ضرورت اصلاح روش‌های توزیع کالاهای اساسی گفت: در حال حاضر ۳۵درصد از ارز و منابعی که به تأمین کالاهای اساسی اختصاص داده می‌شود، هدر می‌رود. مجلس به دنبال آن است که با اجرای طرح کالابرگ الکترونیک، هزینه‌ای که مردم برای تأمین ۲هزار کالری موردنیاز روزانه در طول سال پرداخت می‌کنند، ثابت بماند و مابه‌التفاوت قیمت از سوی دولت تأمین شود.

رئیس مجلس ۱۳مهر در صحن مجلس نیز گفته بود اجرای طرح کالابرگ الکترونیک هدررفت منابع ارزی را مهار می‌کند. به گفته او طرح کالابرگ الکترونیک با ثابت نگه داشتن قیمت کالاهای اساسی برای مردم و پرداخت مابه‌التفاوت از سوی دولت، می‌تواند بخش قابل توجهی از هدر رفت منابع ارزی را مهار و قدرت خرید خانوارها را در برابر تورم حفظ کند.

کارشناسان معتقدند برنامه ثابت نگه داشتن هزینه تأمین ۲هزار کالری در روز، در صورت اجرای شفاف و نظارت‌پذیر، می‌تواند تا حدودی فشار تورمی را کاهش دهد، البته به شرطی که منبع مالی از منابع مؤثر تأمین شود.

■ بررسی دقیق نحوه مصرف ارزهای تخصیصی

انتشار عمومی فهرست دریافت‌کنندگان ارز، گامی مثبت در مسیر شفافیت است، اما کافی نیست. آنچه نیاز دارد، بررسی دقیق نحوه مصرف ارزهای تخصیصی و پیوند آن با تغییرات قیمت در بازار است. بدون چنین نظارتی، خطر استمرار انحصار ارزی و بازتولید رانت همچنان باقی است. اصلاح ساختار سیاست‌های ارزی، بازآرایی نظام توزیع و تقویت مدیریت منابع کشاورزی، اقداماتی است که می‌تواند شکاف میان سیاست‌های اعلامی و واقعیت سفره مردم را کاهش دهد و اثر ارزهای دولتی در سفره مردم را نمایان کند.

گزارش ۲

هادی اسماعیلی

صدای مجلس هم درآمد

عملکرد صفر وام اشتغال در سال سرمایه‌گذاری برای تولید

نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس: مجلس از وزارت اقتصاد و بانک مرکزی به صورت جدی پیگیری خواهد کرد که وام اشتغال قانون بودجه ۱۴۰۴ پرداخت شود

با وجود همه مزایای اقتصادی و اجتماعی وام اشتغال، نظام بانکی در سال سرمایه‌گذاری برای تولید، بیشترین سنگ‌اندازی را در مسیر وام اشتغال داشته به طوری که میزان پرداختی وام اشتغال در شش ماهه نخست سال صفر درصد بوده است؛ موضوعی که موجب انتقاد رئیس کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۴ مجلس نیز شده و اعلام کرده است بانک‌ها در سایه نبود نظارت صحیح، در ارائه وام‌های خرد مانند ازدواج و اشتغال‌زایی سختگیری بیشتری دارند.

یکی از موضوعات مهم در زمینه تحقق شعار سال و تقویت سرمایه‌گذاری برای تولید، مسئله هدایت اعتبارات بانکی به سمت تولید است. در نظام بانکی ذخیره جزئی به دلیل مقدم بودن خلق پول مبتنی بر سودآوری مقطعی بانک‌ها به جای افزایش رفاه جامعه و تحقق رشد اقتصادی، شاهد این هستیم که خلق پول در نظام بانکی بسیار غیرهدفمند و کاملاً غیرمولد انجام می‌شود و این موضوع نه تنها هدایت اعتبارات بانکی به سمت تولید را به حاشیه خواهد برد بلکه به تورم تحمیلی به مردم برای اشخاص خاص منجر شده است. یکی از مهم‌ترین انواع خلق پول مولد و هدایت اعتبارات بانکی به سمت تولیدهای گلوگاهی و موردنیاز کشور، مسئله وام اشتغال است.

وام اشتغال با واسطه‌گری نهادهای عمومی و پرداخت آن به مددجویان نهادهای حمایتی نظیر بهزیستی، ستاد اجرایی یا کمیته امداد، زمینه ایجاد اشتغال و درآمد پایدار برای خانواده‌های محروم را فراهم آورده است و در این بین تمرکز نهادهای عمومی حمایتی واسطه‌گر در شناسایی نقاط گلوگاهی و موردنیاز کشور نظیر تأمین امنیت غذایی یا کمک به رفع ناترازی انرژی سبب شده است وام اشتغال مستقیماً به ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی یا ایجاد یک دامداری کوچک منجر شده است که امنیت غذایی و انرژی کشور را به همراه خواهد داشت، بنابراین وام اشتغال با مختصاتی که ذکر شد برخلاف بسیاری از تسهیلات بانکی دیگر، صرفاً جنبه حمایتی ندارد بلکه نوعی سرمایه‌گذاری هدفمند در ظرفیت انسانی و محلی کشور محسوب می‌شود و کمک مستقیم به نیازهای اساسی کشور در تأمین امنیت غذایی و رفع ناترازی انرژی کشور کرده است، همچنین این فعالیت‌ها ضمن اشتغال‌زایی مستقیم، آثار جانبی بسیار مهمی نیز دارند، از جمله موجب تقویت اقتصاد محلی، افزایش تولید ملی، کاهش وابستگی به واردات و رشد درآمد خانواده‌های آسیب‌پذیر می‌شوند، به‌ویژه طرح‌های نیروگاه خورشیدی که در چند سال اخیر از محل وام اشتغال مددجویان تأمین مالی شده‌اند، علاوه بر اشتغال‌زایی پایدار، در کاهش ناترازی انرژی کشور نیز نقشی مثبت داشته‌اند، به همین دلیل، وام اشتغال را می‌توان یکی از موفق‌ترین مدل‌های هم‌افزایی میان سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی دانست.

در واقع، وام اشتغال فقط تسهیلات مالی نیست، بلکه ابزار تحقق عدالت اقتصادی است. هر وامی که به مددجویان داده می‌شود، یک خانواده را از چرخه فقر خارج و به چرخه تولید وارد می‌کند، به همین دلیل است که نرخ بازگشت منابع وام اشتغال در مقایسه با سایر طرح‌های اعتباری بسیار بالاتر است و انحراف منابع در آن بسیار ناچیز گزارش شده است.

مهدی طغیانی، نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با بیان اینکه مجلس به صورت جدی بر پرداخت تسهیلات اشتغال در شش ماه دوم نظارت می‌کند، گفت: «با توجه به عدم‌تعیین سهم نهادی وام اشتغال در شش ماه ابتدایی سال، مجلس از وزارت اقتصاد و بانک مرکزی به صورت جدی پیگیری خواهد کرد که وام اشتغال قانون بودجه ۱۴۰۴ پرداخت شود.»

غلامرضا تاجگردون، رئیس کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۴ مجلس نیز با انتقاد از عملکرد وام اشتغال در شش ماهه نخست سال گفت: «نگاه کمیسیون برنامه و بودجه نسبت به عملکرد اجرای تبصره ۱۵ قانون بودجه سال جاری منفی است و عملکرد آن را نامطلوب ارزیابی می‌کند. معمولاً تکلیفی که به بانک‌ها در خصوص تسهیلات می‌شود، بر این اساس است که معادل مانده قرض‌الحسنه یا مانده جاری در حساب بانک‌ها، وام‌های قرض‌الحسنه ازدواج و اشتغال پرداخت شود، حال این سؤال مطرح بوده که با اینکه در نیمه اول سال سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه از سوی مردم صورت گرفته اما براساس گزارش‌ها، میزان پرداخت وام‌های خرد بسیار ضعیف و نزدیک به صفر بوده است.»

رضا دهشیری | جوان

وی افزود: باید سیستم بانکی پاسخگوی این وضعیت باشد. تجربه بیانگر این است حتی در صورتی که بانک‌ها حاضر باشند به صورت محدود وام ازدواج یا اشتغال پرداخت کنند، از متقاضی دریافت وام می‌خواهند کارمند رسمی با نامه کسر از حقوق برای ضمانت معرفی کند که طبیعتاً برای بسیاری از اقشار جامعه امکانپذیر نیست، این در حالی است که در راستای مساعدت برای رفع مشکلات مردم، بانک‌ها می‌توانند از ظرفیت حساب یارانه خانوار برای ضمانت استفاده کنند. موارد مذکور به وزیر اقتصاد و مسئولان سیستم بانکی یادآوری شده است و باید در خصوص ارائه تسهیلات خرد مانند وام ازدواج و اشتغال رسیدگی مؤثری انجام شود.»

همچنین در ۲۰مهر ماه دیوان محاسبات کشور خبر از انباشت منابع مرتبط با وام اشتغال در حساب پیشرفت و عدالت داد. دیوان محاسبات کل کشور تأکید دارد که معادل ۶هزار و ۸۰۰میلیارد تومان از منابع حساب ملی «پیشرفت و عدالت» پس از گذشت نیمی از سال، بلااستفاده و بدون اختصاص و پرداخت باقی مانده است. دیوان محاسبات ضمن پیگیری اختصاص بموقع این منابع به بانک‌های عامل و تسریع در پرداخت تسهیلات به طرح‌های اشتغال‌زایی تأکید می‌کند هرگونه تأخیر در جریان‌دهی منابع مذکور، مغایر احکام قانون بودجه و موجب اختلال در تحقق اهداف اشتغال پایدار و عدالت‌محور کشور خواهد بود.

با توجه به این وضعیت، دیوان محاسبات مجلس و کمیسیون‌های برنامه، بودجه و محاسبات مجلس و همچنین کمیسیون اصل ۹۰ مجلس به صورت هفتگی پیگیری برخط از وضعیت وام اشتغال در نیمه دوم سال خواهند داشت و مجلس به طور جدی پیگیر پرداخت تمامی تعهدات ذکرشده در متن قانون بودجه در زمینه وام اشتغال به مددجویان و اقشار محروم است و در این زمینه نیز بانک مرکزی و وزارت اقتصاد باید به مجلس پاسخگو باشند.

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

توفیق نماز جعفر طیار برای حاجتمندان

شیخ جعفر ناصری (حفظه‌الله):
من این جمله مرحوم آیت‌الله‌العظمی بهجت (قدس سره) در گوشم هست که به سمت مسجد می‌رفتند و خدمت ایشان بودیم. یک نفر دستورالعملی از ایشان خواست و ایشان فرمود: «نماز جعفر طیار کبریت احمر است! از آن غافل مباشید.» قِوام نماز جعفر طیار به این ذکر «سبحان الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر» است که از بهترین و ممتازترین و انتخاب شده‌ترین اذکار است. اگر [توفیق خواندن مداوم] این نماز را به کسی دادند، قطعاً می‌خواهند حاجتش را بدهند.

فرق یک روزنامه انگلیسی با یک روزنامه اصلاح‌طلب

حسین عباسی‌فر با درج این تصویر از دو روزنامه نوشت: فرق یک روزنامه انگلیسی با یک روزنامه اصلاح‌طلب. سرمایه‌های صهیونیست‌ها در ایران.

ان‌شاءالله با حاج قاسم محشور بشی

کاربر یاس با درج این تصویر از مرحوم محمد کاسبی نوشت: یه جا مجری گفت: «من عاشق چشم و ابروهاتم»، آقای کاسبی هم گفت: «خود من عاشق چشم و ابروهای حاج قاسم بودم، چشماش خمار عشق بود.» روحت شاد، ان‌شاءالله با حاج قاسم محشور بشی.

نگذاشتم امام زمان در زندگی‌مان گم شود

صفحه شهید در فضای مجازی نوشت: از مادر شهید حسن باقری پرسیدند: چی شد که پسری مثل حسن آقا تربیت کردید؟! گفتند: نگذاشتم امام زمان(عج) در زندگی‌مان گم شود.

فلسطین کلید رمز آلود ظهور است

کاربر مهدی با درج این تصویر نوشت: قضیه فلسطین کلید رمزآلود ظهور است.

کاربران فضای مجازی به پیشقراولی ترکیه برای تحریم ایران واکنش نشان دادند

ترکیه تحریم کرد، ما چه کار کردیم؟

تحریم ۱۸ نهاد ایرانی از سوی کشور ترکیه پس از فعال شدن مکانیسم ماشه از موضوعات داغ روزهای اخیر در شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی بود.

حسین قاسمی
ترکیه حتی قبل از کشورهای اروپایی ۱۸ نهاد ایرانی رو تحریم کرده.
الان کسی نمیگه سفر استانبول و شهرهای دیگه ترکیه رو تحریم کنیم؟!
پ. ن: یک بام و دوهوا
علاج در وطن است.

لیا آبنوس
ترکیه واسه ما آدم شده، ۱۸ نهاد ایرانی رو تحریم کرده. اگه عراق اینکارو میکرد، مجازی پرمیشد «اربعین نرید» ولی الان کسی نمیگه سفر استانبول رو تحریم کنیم تا ادب بشن!

مینا ورشوچی
با پیوستن ترکیه به تحریم‌های غرب بر ضد مردم ایران، چه لزومی دارد مردم ایران جیب اقتصاد این کشور را پر کنند؟
اطلاع رسانی به جامعه وظیفه همه از جمله رسانه‌هاست. سفر به ترکیه باید تحریم بشه. کمتر از مردم کانادا هستیم که به‌خاطر تعرفه‌های امریکا سفر به امریکا رو تحریم کردن؟!
تا اونجایی که بتوانند نمی‌روند. خیلی روشنه ترکیه با اون تورم سنگین و گرانی بالا و امنیت پایین چه چیز جذابی میتونه داشته باشه.

بیگی
ترکیه دارایی‌های ایران رو مسدود کرد. فکر کنم به اندازه کافی اردوغان رو ماچ نکردیم!

مهران
نتیجه خم و راست شدن و چاکرم مخلصم این شد که ترکیه زودتر از بقیه کشورهای اروپایی اسنپ بک رو اجرا کنه!
ترکیه اموال و حساب‌های ۲۰ شخص و ۱۸ نهاد ایرانی را بلوکه کرد!

عبدالله گنجی
ظاهراً ترکیه پیشتاز اجرای اسنپ بک شده است. یعنی از غربی‌ها جلوتر زده است. باور کردنی نیست. ۱۸ شرکت؟ با فرمان اردوغان؟ اینها صحت دارد؟
نظر وزارت خارجه چیست؟

محمدرضا عسگری
ترکیه ایران را تحریم می‌کند، دارایی‌های اشخاص و نهادهای ایرانی را بلوکه می‌کند، در مقابل دولتمردان ما قطار سریع‌السیر تهران- وان راه‌اندازی می‌کنند، برای سفر به ترکیه ارز مسافرتی می‌دهند و سالانه میلیون‌ها ایرانی را به ترکیه فرستاده و میلیاردها دلار به جیب اردوغان می‌ریزند!
این چه مدل حکومتداری است؟
بیچاره_ایران

برهان مجد
باشه عراق بد. ولی ترکیه هم ۱۸ نهاد ایرانی رو تحریم کرد، کی سفر به استانبول و خرید جنس‌ها ترکیه رو کنسل می‌کنید؟

مهران
نتیجه خم و راست شدن و چاکرم مخلصم این شد که ترکیه زودتر از بقیه کشورهای اروپایی اسنپ بک رو اجرا کنه!
ترکیه اموال و حساب‌های ۲۰ شخص و ۱۸ نهاد ایرانی را بلوکه کرد!

مهدی
اردوغان نوچه شماره یک امریکا، دارایی‌های افراد و شرکت‌های ایرانی مرتبط با انرژی و برنامه هسته‌ای در ترکیه را مسدود کرد! امیدوارم برای حفظ ظاهر هم که شده آقای رئیس‌جمهور محترم این اقدام رو محکوم کنند!

زهرا
یه شهروند ترکیه‌ای به ما میگفت که ما ارتباط و تجارت با ایران رو دوست داریم ولی ایران هیچ وقت به ما اعتماد نمیکنه. خدا کنه الان ببینه و بدونه که چرا ایران به ترکیه اعتماد نداره.

صحنه‌گردانان لیبی‌سازی سوریه چه در سر دارند؟

پریسا نصرآبادی نوشت: ایده «اسرائیل بزرگ» یا چشم‌انداز «از نیل تا فرات» که در پرچم رژیم صهیونیستی نیز منعکس شده، طرحی سیاسی است که مقدمات آن از مسیر تغییر نقشه و بالکانیزاسیون منطقه موسوم به «خاورمیانه» شامل غرب آسیا و شمال آفریقا محقق می‌شود.
در سال ۱۹۸۲ اودِد ینون، مشاور آریل شارون، طرحی را در نشریه عبری کیوونیم منتشر کرد که پیشنهاد می‌کرد اسرائیل با تجزیه کشورهای همسایه به واحدهای کوچک‌تر و ضعیف‌تر، باید به دنبال تضمین تسلط منطقه‌ای خود باشد. عملیاتی کردن این طرح، مستلزم بهره‌برداری از شکاف‌های قومی، مذهبی و فرقه‌ای در این کشورها برای ایجاد موزاییکی از دولت‌های کوچک‌تر و مدیریت‌پذیرتر است.
شِمای کلی طرح ینون چنین است:
۱. اردن: با پایان دادن به حکومت خاندان هاشمی، اردن باید به یک کشور فلسطینی تبدیل شود. بدین منظور می‌بایست غزه و کرانه باختری به اشغال کامل دربیاید و به عبارتی در کرانه باختری تا اردن پاکسازی قومیتی صورت گیرد. نتیجتاً هم مسئله ملی‌گرایی فلسطینی حل می‌شود و هم فشارهای جمعیتی و سیاسی بر اسرائیل کاهش می‌یابد.
۲. عراق: در این طرح عراق به سه واحد متمایز تقسیم می‌شود که بر اساس خطوط قومی و فرقه‌ای از هم جدا شده‌اند: یک دولت کردی در شمال، یک کشور سنّی در مرکز و یک کشور شیعه در جنوب.
۳. مصر: این طرح از تقسیم مصر به چند کشور کوچک‌تر، از جمله یک دولت مسیحی قبطی حمایت می‌کند که باعث تضعیف قدرت مرکزی این کشور و کاهش تهدید آن برای اسرائیل می‌شود.
۴. لبنان: طرح مطلوب برای لبنان، تقسیم آن به چهار دولت مسیحی مارونی، یک دولت سنّی، یک دولت شیعه و یک دولت دروزی است تا تنوع فرقه‌ای لبنان در آن منعکس شود و توانایی آن برای به چالش کشیدن اسرائیل به حداقل ممکن برسد.
۵. سوریه: بر مبنای این استراتژی سوریه بر مبنای اختلافات قومی، مذهبی و فرقه‌ای به چهار پارچه تقسیم می‌شود: یک دولت علوی در امتداد ساحل، یک دولت سنّی در مرکز، یک دولت کردی در شمال و یک دولت دروزی در جنوب.
در دوره بوش پسر که منطقه غرب آسیا تحت‌الشعاع فضای سیاسی پسا ۱۱ سپتامبر قرار گرفته بود، مقامات و صاحب‌منصبان نئوکان تحت تأثیر افکار مشاورانی چون پل ولفوویتز، داگلاس فیث و دیوید ورمسر، سیاست خارجی تهاجمی را در دستور کار قرار دادند که با ایجاد بی‌ثباتی، تکه‌تکه کردن و بمباران عراق آغاز شد، با محاصره نوار غزه، بمباران هوایی سوریه طی جنگ داخلی (از ۲۰۱۱ تا اکنون) و ظهور داعش به اوج رسید و با طرح غیرقانونی الحاق کرانه باختری و اغوار اردن مطابق طرح معامله قرن و اشغال کامل بلندی‌های جولان ادامه یافت.

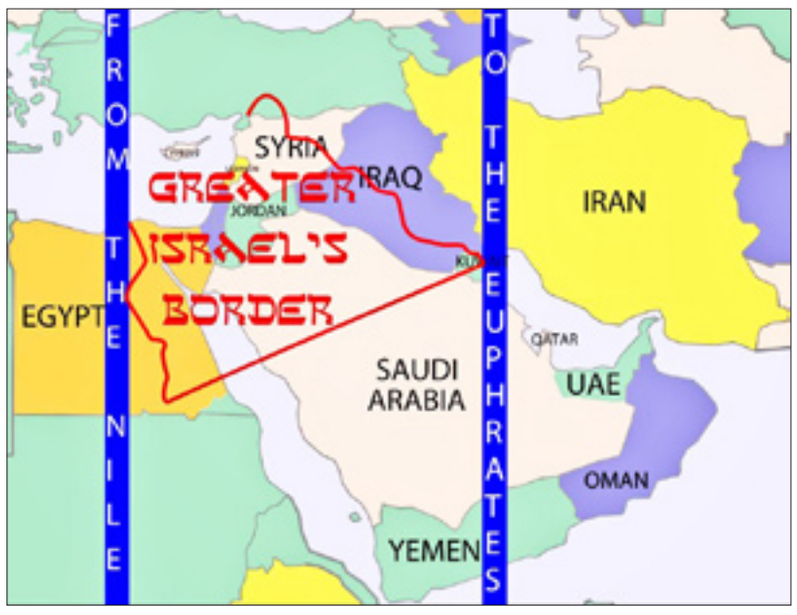

آنچه در ۱۴ ماه گذشته در دستور کار دولت اشغالگر اسرائیل بوده، سناریوهایی که برای غزه پساجنگ و حزب‌الله در جنوب لبنان مدنظر دارد و نیز پروژه جاری بالکانیزه کردن سوریه، همگی در متن چنین چشم‌اندازی قابل فهم‌تر می‌شود. اکنون به نظر می‌رسد محتمل‌ترین سناریویی که پیشاروی سوریه قرار خواهد گرفت، بالکانیزاسیون با درجات اعلای بی‌ثباتی است که با لیبی‌سازی بیشتر قرابت دارد:
الف) تقسیم سوریه به ۳ بخش
۱. یک منطقه کوچک علوی/شیعی که کرانه ساحلی و اطراف دمشق را شامل می‌شود.
۲. یک منطقه نسبتاً وسیع سنی‌نشین در مرکز که به منطقه حائل مورد نظر ترکیه در شمال و شمال غرب متصل می‌شود.
۳. یک منطقه کردنشین که از شمال شرق و جنوب شرق تا جنوب سوریه و منطقه دروزی‌نشین را در برمی‌گیرد و از طریق یک کریدور کردی/دروزی به جولان اشغالی و رژیم اسرائیل متصل می‌شود. (چندی پیش گیدئون ساعر وزیر امور خارجه اسرائیل، «کردها» و «دروزی‌ها» را متحدانی قوی برای اسرائیل خوانده بود.)
ب) تقسیم سوریه به ۴ بخش
۱. یک منطقه کوچک علوی/شیعی که کرانه ساحلی و اطراف دمشق را با هماهنگی روسیه شامل می‌شود.
۲. یک منطقه نسبتاً وسیع سنی‌نشین که قسمتی از مرکز، کرانه شمالی و مناطق شمال غربی را در هماهنگی با ترکیه شامل می‌شود.
۳. یک منطقه کردنشین که از شمال شرق و جنوب شرق تا بخش‌هایی از مناطق مرکزی را در برمی‌گیرد و تحت هماهنگی با ایالات متحده و اسرائیل شکل می‌گیرد.
۴. یک منطقه دروزی‌نشین در جنوب و جنوب غرب که از دمشق و قنیطره تا درعا و السویداء را در کرانه مرز آلفا و جولان اشغالی در هماهنگی با رژیم اسرائیل شامل می‌شود.
تقسیم سوریه به سه یا چهار دولت، مهم‌ترین اثر وضعی خود را بر عراق خواهد گذاشت و کانون‌های مستعد بی‌ثبات‌سازی را به سرعت فعال خواهد کرد. دیری نخواهد پایید دامنه دورتر اثرات تجزیه سوریه در کرانه‌های ایران نیز هویدا می‌شود و از مرزهای شرقی تا جنوب قفقاز و مرزهای غربی ایران را متأثر خواهد کرد.
امنیت در تمامی ابعادش بار دیگر چالش منطقه خواهد بود تا روایت صهیونیستی «خاورمیانه جدید»، طرح آنگلوساکسونی «خاورمیانهی جدید» را امتداد دهد و رؤیای امنیت، توسعه و شکوفایی مردمان منطقه را بار دیگر با کابوس صهیونیسم به محاق ببرد.
افق تاریکی که «جبهه مقاومت» همچون دیواری در برابر پدیدار شدنش قد کشیده و سرعت پیشروی و گسترش آن را بطئی و کند کرده بود، این روزها با فروریختن بخش‌هایی از دیوار، دوباره هیولاوش جلوه کرده است. هنوز نمی‌دانیم چه می‌شود.
تنها می‌دانیم هر کجا و هر لحظه که شعله‌های ستم، سلطه و اشغالگری سر می‌کشد، امواج پرتلاطم مقاومت نیز می‌خروشند؛ گاه کوتاه و گاه بلند، اما هیچ اراده‌ای نمی‌تواند به مقاومت بگوید بایست!

معدنکاری هوشمند با بهره‌گیری از هوش مصنوعی

شانزدهمین رویداد همرسانی فناوری «دایان» با تمرکز بر نوآوری‌های هوش مصنوعی و تحول دیجیتال در حوزه معدن و صنایع معدنی، روز سه شنبه ۲۹ مهرماه ۱۴۰۴ و با حمایت سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) برگزار می‌شود. کانال ایسنا در فضای مجازی نوشت: رویداد «دایان ۱۶» با محوریت توسعه بازار و تجاری‌سازی محصولات و خدمات شرکت‌های دانش‌بنیان به دنبال شناسایی و معرفی ایده‌های فناورانه‌ای است که بتوانند مسیر معادن کشور را به سمت هوشمندسازی، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و ارتقای ایمنی هدایت کنند. در این رویداد موضوعات اصلی شامل کاربردهای هوش مصنوعی در پایش و کنترل عملیات استخراج، بهینه‌سازی فرایندهای تولید و فرآوری مواد معدنی، افزایش دقت و سرعت تصمیم‌گیری در معادن و بهره‌گیری از فناوری‌های پیش‌بینانه برای کاهش خطرات و حوادث مورد بررسی قرار می‌گیرد. به نقل از معاونت علمی ریاست جمهوری، شانزدهمین دوره «دایان» از ساعت ۹ صبح تا ۱۲ ظهر روز سه‌شنبه ۲۹ مهرماه ۱۴۰۴ برگزار خواهد شد. علاقه‌مندان می‌توانند به صورت آنلاین و رایگان در این برنامه شرکت کنند و برای حضور در رویداد، از طریق لینک وبینار وارد شوند. رویدادهای «دایان» با هدف ایجاد پیوند میان شرکت‌های فناور و صنایع بزرگ، بستری برای تبادل دانش، توسعه همکاری‌های فناورانه و تسریع ورود نوآوری به بخش‌های صنعتی کشور فراهم می‌کنند. با توجه به سرعت رشد فناوری‌های هوش مصنوعی، این برنامه گامی مؤثر در جهت حرکت ایران به سوی معدنکاری هوشمند و همپایی با کشورهای پیشرو در این حوزه محسوب می‌شود.

رونمایی چین از اولین ربات انسان‌نمای مقاوم در برابر گرد و غبار، باران و گرمای جهان

چین از اولین ربات انسان نمای جهان که در برابر گرد و غبار، باران و گرما مقاوم است، رونمایی کرد. ربات انسان‌نمای «DR02» با قدرت محاسباتی ۲۷۵ تریلیون عملیات در ثانیه دارای یک مجموعه چند حسگری پیشرفته است.
به نقل از آی‌ای، اکثر ربات‌های موجود در بازار برای کار در شرایط دنیای واقعی با تغییرات دما مشکل دارند که کاربرد عملی آنها را محدود می‌کند. اکنون این شرکت با ربات «DR02» به این چالش بزرگ پرداخته است. این ربات ۱۷۵ سانتیمتر قد و حدود ۶۵ کیلوگرم وزن دارد و برای مقاومت در برابر شرایط بیرونی طراحی شده است که می‌تواند در دمای بین منفی ۲۰ تا مثبت ۵۵ درجه سانتیگراد کار و رطوبت، باران و گرد و غبار را تحمل کند. ربات «DR02» سرعت راه رفتن معمولی ۱/۵ متر بر ثانیه دارد و در صورت لزوم می‌تواند تا چهار متر بر ثانیه شتاب بگیرد. همچنین می‌تواند از شیب‌هایی تا ۲۰ درجه بالا برود و قادر به بلند کردن تا ۱۰ کیلوگرم بار است. مهندسان می‌توانند اجزای اصلی آن از جمله بازوها و پاها را به سرعت تعویض کنند تا در صورت لزوم، زمان خرابی تعمیر و نگهداری را به حداقل برسانند. طبق گفته شرکت سازنده، ربات «DR02» به تعداد ۲۷۵ تریلیون عملیات در ثانیه قدرت محاسباتی ارائه می‌دهد و دارای یک مجموعه چند حسگری پیشرفته است که شامل رادار LiDAR، حسگرهای عمق و دوربین‌های زاویه باز می‌شود. این سامانه یکپارچه به ربات اجازه می‌دهد موانع را تشخیص دهد، نقشه‌های دقیقی ایجاد کند و حرکات خود را به صورت پویا و در لحظه تطبیق دهد. ربات «DR02» با ترکیب قدرت، چابکی، ادراک و انعطاف‌پذیری محیطی، برای استقرار عملی در بخش‌های پرتقاضا مانند امنیت، بازرسی صنعتی و عملیات لجستیکی مهندسی شده است.

چرا در ابزارهای نوین تحریم نیستیم؟!

کانال ژئوپلتیک رسانه نوشت: خیلی اوقات اصلاً حواسمان نیست که خیلی از اتفاقات پیش روی ما برنامه‌ریزی شده است. مثل این که: کشور ما در تحریم است، اما تحریم سیاسی، تحریم دارو، تحریم علمی، تحریم هر چیز مفیدی... ؟! اما چرا در دخانیات و لوازم دیجیتال مانند آخرین مدل گوشی‌های تلفن همراه مانند آیفون تحریم نیستیم؟
چرا هیچ‌کدام از این نرم افزارهای پیامرسان امریکایی و شبکه‌های اجتماعی امریکایی مانند واتساپ، توییتر و ... ایران را تحریم نکرده‌اند؟
علت عدم تحریم فضای مجازی در ایران این است نفعی که این دولت‌ها برای خودشان متصور شده‌اند در این است که این ابزار برای ایران تحریم نباشد. شبکه‌های مجازی، دخانیات و غیره که جوان‌ها را درگیر خودش می‌کند و آنها را به این تکنولوژی‌ها و سرگرمی‌ها معتاد می‌کند. هر چیزی که برای این جامعه اسلامی مضر است تحریم نیست. این دولت‌ها دقیقاً می‌دانند چه می‌کنند و می‌خواهند به چه چیزی برسند!

تصویر منتخب

خانه تیمور تاش یا موزه جنگ

موزه جنگ که به عنوان خانه تاریخی تیمور تاش نیز شناخته می‌شود، ابتدا محل زندگی عبدالحسین تیمور تاش، وزیر دربار قاجار بود. این موزه شامل دو بخش مجزاست. در محوطه بیرونی، مجموعه‌ای از ماشین‌ها و هوابردهای جنگی به نمایش گذاشته شده است و درختانی به نشانه دوستی با کشورهای مختلف مانند ایتالیا و عراق وجود دارد. بخش داخلی موزه شامل سلاح‌ها و ادوات جنگی متعلق به دوره‌های صفوی، قاجار و پهلوی است. معماری زیبای بنا و به ویژه آیینه‌کاری‌های طبقه دوم، جذابیت این مکان را دوچندان کرده است.
آدرس: خیابان کارگر جنوبی، میدان پاستور، روبه‌روی ایستگاه مترو میدان حر

پیشخوان Pishkhan.com

برترین روزنامه‌ها

«باور به پایان غرب» کلید توسعه روابط با چین

روزنامه جام‌جم با بیان این مقدمه که در سال‌های اخیر بسیار شنیده‌ایم که گفته می‌شود چین هرگز روابط گسترده تجاری خود با امریکا را به‌خاطر روابط با ایران فدا نخواهد کرد، نوشت: برخی این گونه مطرح می‌کنند که ایران نمی‌تواند به سمت چین برود، زیرا چین به دلیل روابط اقتصادی بسیار گسترده‌اش با امریکا هرگز این روابط را به خاطر ایران خراب نمی‌کند، اما این استدلال کاملاً نادرست است. مسئله صرفاً حجم تجارت چین با ایران نیست، حتی اگر حجم تجارت چین با ایران به بالاترین حد ممکن برسد، قابل مقایسه با حجم تجارت این کشور با امریکا نخواهد بود، پس چرا چین در ماه‌های اخیر که بحث بازگشت تحریم‌ها مطرح شده، به‌طور محکم از ایران دفاع کرده است؟ چرا در ۱۰ سال گذشته که تحریم‌های امریکا علیه ایران اعمال شده، بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران شرکت‌های چینی بوده‌اند؟ چین به‌راحتی می‌توانست نفت ایران را از منابع دیگر جایگزین کند، اما نکرد. با این حال، در مقابل تحریم‌های امریکا علیه شرکت‌های چینی که با ایران همکاری داشتند و حتی تحریم پالایشگاه‌های چینی، چین با وجود فشارها همچنان به همکاری خود با ایران ادامه داده است، حتی محدودیت‌هایی که امریکا در صادرات مواد کمیاب طبیعی به چین اعمال کرده، شروع یک جنگ تجاری جدید میان دو کشور است. نویسنده ادامه داده است: اگر بخواهیم صرفاً از دید اقتصادی نگاه کنیم، کسانی که معتقدند چین به خاطر منافع اقتصادی، همکاری با ایران را نمی‌خواهد، اشتباه می‌کنند. مسئله اصلی، مسائل ژئوپلیتیک و استراتژیک است که بسیار گسترده‌تر از مباحث اقتصادی است.

وزیرِ قفل‌ها، نه افق‌ها

روزنامه صبح‌نو در شماره دیروز خود نوشت: عباس آخوندی، وزیر اسبق راه و شهرسازی اخیراً در اظهاراتی مجلس دوازدهم را متهم به «فقدان نگاه بلندمدت» و «عدم توجه به آینده ایران» کرده است. این سخنان در حالی مطرح می‌شود که کارنامه مدیریتی خود ایشان در دولت‌های یازدهم و دوازدهم یکی از نمونه‌های بارز سیاست‌ورزی بی‌نتیجه و بی‌عملی اجرایی در حوزه توسعه و عدالت اجتماعی است.

آخوندی که ترک فعل‌هایش در دوران وزارت و سیاست‌ورزی، همواره مورد سؤال افکار عمومی بوده است، حالا در اظهاراتی جدید تلاش می‌کند هجمه‌هایی را به نهاد انتخابات و مجلس شورای اسلامی وارد کند که با سیاست بازی وی و هم‌قطارانش در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم نیز همخوان نیست. آخوندی که در دوران وزارتش، طرح‌های مسکن مهر را «پوپولیستی» می‌خواند، هیچ جایگزین مؤثری برای حل بحران مسکن ارائه نکرد و نتیجه آن، جهش بی‌سابقه قیمت‌ها و خروج طبقات متوسط از بازار مسکن بود. حالا باید از وی پرسید توجه به ایده ایران و نگاه بلندمدت آیا در دوران مدیریتی وی نیز در ذهن وی جایی داشته است؟ نویسنده اضافه کرده است: آخوندی از «سرمایه اجتماعی» سخن می‌گوید، اما فراموش می‌کند سرمایه اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که مردم احساس کنند تصمیم‌گیران به جای حرف، عمل می‌کنند. آخوندی به خوبی می‌داند که دولت متبوع او به عنوان عاملی مهم سرمایه اجتماعی کشور را به چالش کشید. دولت تدبیر و امید با وعده‌های بسیار و کلیدداری برای رفع مشکلات مردم در نهایت در معیشت و اقتصاد ایران را قفل کرد و در نهایت پس از ۱۰ سال اقدامات اندک آنها نه تنها بی‌اثر بود بلکه چالشی جدید برای کشور آفرید. آیا از نگاه آخوندی مکانیسم ماشه مصداق نگاه بلندمدت است؟ اگر بخواهیم منصف باشیم، امروز مجلس از نهادهایی است که صدای اقشار محروم را بازتاب می‌دهد و در مقابل رانت‌سالاری و اشرافیت اقتصادی ایستاده است.

جایزه صلح در خدمت جنگ

روزنامه رسالت در یادداشتی نوشت: شاید اینکه چه کسی برنده جایزه صلح نوبل شد، برای شهروند ایرانی که اخیراً تجربه تجاوز به کشورش در میانه مذاکرات بین‌المللی را داشته، بسیار بی‌اهمیت باشد، به‌ویژه آنکه بداند یکی از آمران و عاملان این تجاوز، مدعی دریافت جایزه صلح نوبل بوده است، اما از دو منظر این جایزه قابل بررسی است: اول آنکه دو فرد ایرانی در سال‌های گذشته برنده آن بوده‌اند و دوم اینکه محکی بر کارایی سازوکارهای بین‌المللی است.

نویسنده اضافه کرده است: همان‌طور که گزارش نادرست رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، بهانه یا پیش‌درآمدی بر تجاوز مشترک اسرائیل و امریکا به شهرهای کشورمان شد، جایزه صلح نوبل نیز در این سال‌ها، کاملاً سیاسی و با سوگیری در راستای منافع لیبرال دموکراسی مصطلح امریکایی و اروپایی است. امریکا و متحدانش، زنی اهل ونزوئلا را که اپوزیسیون دولت رسمی و برآمده از آرای عمومی آن کشور است با جایزه صلح، رسمیت می‌بخشد تا بتواند چندی بعد مسیر حمله نظامی خود به ونزوئلا را هموار کند. شاید هیچ‌وقت به اندازه امروز، دستگاه‌ها و نهادهای حقوقی و بین‌المللی همچون جایزه صلح نوبل یا آژانس انرژی اتمی، شفاف و بی‌پرده در خدمت حذف رقبای راهبردی غرب نبوده‌اند. جالب است که ماچادو رهبر حزبی بوده که چند سال پیش با نتانیاهو، تفاهم‌نامه همکاری امضا کرده است. گروسی، رئیس دروغگویی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم پس از خوش‌خدمتی اخیرش به امریکا و اسرائیل، نامزد دبیر کلی سازمان ملل شده و از لابی خوبی برخوردار است. دقیقاً مشخص نیست جهان به کدام سو می‌رود اما آنچه واضح است اینکه انتهای این مسیر، صلح نیست.

قهرمان دوقطبی‌های جعلی

روزنامه فرهیختگان یادداشت دیروز خود را به نقد مواضع اخیر محمدجواد ظریف اختصاص داد و نوشت: این تصور در سال گذشته وجود داشت که پایان حضور رسمی محمدجواد ظریف در دولت پزشکیان، پایان حواشی جنجالی او هم باشد، اما تئوری‌پردازی‌های ظریف همچنان حاشیه می‌آفریند؛ تئوری‌هایی که می‌کوشند به هر نحو ممکن، مذاکره را با هر قیمتی و با هر موضوعی توجیه کند، حتی به قیمت اصالت‌بخشی به دوقطبی‌های جعلی. ظریف که پیش‌ازاین با جعل دوگانه «دیپلماسی و میدان» در ماه‌های آخر وزارتش، فضای سیاسی کشور را دچار التهاب و تشویش کرده بود، حالا دوقطبی جعلی دیگری را مطرح کرده است که باز هم جز تزریق تشویش در فضای سیاسی نتیجه‌ای ندارد؛ دوگانه مردم و موشک. او گفته که «موشک بسیار مهم است، اما مردم مهم‌ترند»؛ عبارتی که با دیدن آن برای هر فردی سؤال پیش‌می‌آید که چرا باید دو بازوی قدرت ایران را در برابر هم قرار داده و بخواهد یکی را بر دیگری برتری دهد؟ موضوع فقط این نیست که چنین دوگانه‌سازی‌هایی فضای سیاسی کشور را به لحاظ روانی به هم می‌ریزد و نقد و گفت‌وگو بر سر آن، ظرفیت و انرژی رسانه‌ای و سیاسی را دچار اصطکاکی بی‌سود می‌کند، بلکه این دوقطبی‌سازی‌ها جامعه را دچار اشتباه تحلیلی می‌کند و در ذهن برخی افراد نگاهی منفی نسبت به موشک ایجاد می‌کند؛ موشکی که دیگر نه فقط مردم ایران، بلکه تمام جهان دیدند که چگونه در برابر تجاوز نظامی صهیونیست‌ها مدافع همین مردم شد. در چنین فضایی ذهنیت‌سازی منفی علیه توان دفاعی کشور به نفع مردم ایران است یا به نفع دشمن ایران؟

مجلس

رئیس مجلس در نطق پیش از دستور:

آمران و عاملان نسل‌کشی در غزه باید محاکمه شوند

آتش‌بس غزه شکست برنامه‌های نخست‌وزیر کثیف صهیونی بود

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه آتش‌بس غزه حکم شکستی بر برنامه‌های نخست وزیر کثیف صهیونیستی بود، گفت: دولت‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی محاکمه آمران و عاملان نسل‌کشی در غزه را پیگیری کنند.

به گزارش خانه ملت، دکتر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در نشست علنی صبح دیروز مجلس شورای اسلامی در نطق پیش از دستور خود گفت: در ابتدا تأکید می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران از هر ابتکاری برای پایان دادن به جنایات جنگی و نسل‌کشی در غزه که مورد حمایت مردم فلسطین باشد، حمایت می‌کند. توقف دائمی این نسل‌کشی، پایان تجاوز به غزه و اشغال آن، عقب‌نشینی از اشغالگری و لغو محاصره، بازگشایی گذرگاه‌ها و ورود آزاد مواد غذایی، دارو و سایر اقلام اساسی به غزه از خواسته‌های فوری مردم فلسطین و گروه‌های مقاومت است که مورد تأکید جمهوری اسلامی ایران نیز است. مجلس شورای اسلامی هم در دو سال گذشته، همواره در مجامع بین‌المللی برای برقراری آتش‌بس و توقف نسل‌کشی در غزه، با همکاری تمامی کشورهای دنیا به ویژه پارلمان‌های جهان اسلام تلاش کرده است.

دکتر قالیباف افزود: آتش‌بس غزه حکم شکستی بود بر برنامه‌های نخست وزیر کثیف رژیم برای جبران شکست بزرگ طوفان‌الاقصی. نتانیاهو برای اینکه بتواند احساس امنیت از دست‌رفته را به اشغالگران سرزمین فلسطین برگرداند، هدف‌های روشنی را اعلام کرد که مهم‌ترین آنها حذف حماس، آزادی اسرا با زور، کوچ اجباری و تخلیه غزه بود. بعد از دو سال نسل‌کشی، قحطی و کشتار زنان و کودکان، ایستادگی مردم غزه و حمایت همه ارکان محور مقاومت، باعث شد جهان در برابر این نازی‌های قرن ۲۱ به پاخیزد و در نهایت امریکا و این رژیم مجبور شدند شکست را بپذیرند و آتش‌بسی را امضا کنند که به هیچ کدام از اهداف اعلام شده‌شان نرسیدند. این یک واقعیت انکارناپذیر است که امروز ملت فلسطین به رغم هزینه‌های سنگین انسانی که پرداخت کرده، نه تنها خواسته‌های خود را به رژیم جنایتکار تحمیل کرده است بلکه صهیونیست‌ها امروز به منفورترین چهره‌های جهان تبدیل شده‌اند.

■ بیداری جهان خاموش نمی‌شود

رئیس مجلس شورای اسلامی ادامه داد: جهان وارد عصری از بیداری شده است که دیگر برگشت‌پذیر یا خاموش‌شدنی نیست. جنایتکاران اسرائیلی، منزوی و منفورند و فلسطین سربلند و آزاده است. انتظار معقول آن است که دولت‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی و نهادهای دارای صلاحیت قضایی، محاکمه سران جنایتکار رژیم صهیونی و سایر آمران و عاملان نسل‌کشی در غزه را پیگیری کنند و اجازه ندهند تمام حیثیت این نهادها بازیچه چند جنایتکار بی‌مهار شود. امروز ملت فلسطین و محور مقاومت، به تأسی از رهبران شهید خود، هوشیارند، دست‌شان روی ماشه است و آماده مقابله به مثل با هر گونه فریبکاری، پیمان‌شکنی یا هر غلط اضافه دیگری هستند. جامعه جهانی باید خود را برای جلوگیری از نقض عهد رژیم اشغالگر مسئول و متعهد بداند، همانگونه که فلسطینیان و گروه‌های مقاومت در این زمینه هوشیار و آگاهند.

رئیس قوه مقننه افزود: به تمام شهدای مقاومت از جمله شهید یحیی سنوار، شهید اسماعیل هنیه، شهید سیدحسن نصرالله و شهید سیدهاشم صفی‌الدین که جان شیرین خود را در راه عقب راندن دشمن صهیونیست فدا کردند، سلام و درود می‌فرستم.

■ دشمن صهیونی به بن‌بست رسیده است

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هم در گفت‌وگو با دفاع‌پرس با بیان اینکه اگر دشمن توان دستیابی به اهداف خود را داشت، درنگ نمی‌کرد، اظهار داشت: اینکه امروز تنها به رجزخوانی و اقدامات پراکنده روی آورده، نشان‌دهنده آن است که در همه اهداف نظامی و امنیتی خود به بن‌بست رسیده است.

«سالار ولایتمدار» عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: مناقشات دو سال اخیر سبب شد ماهیت بسیاری از چهره‌های منافق برای دنیا و ملت‌های اسلامی و منطقه‌ای روشن شود، به‌ویژه ماهیت واقعی رژیم‌صهیونیستی که هیچ اصولی را برنمی‌تابد و همه را قربانی خواهد کرد. امروز دوستان ما در کشورهای حاشیه خلیج‌فارس و جهان اسلام به این باور رسیده‌اند که از روز اول سخن جمهوری اسلامی ایران درباره رژیم‌صهیونیستی درست بوده، زیرا این رژیم قابل اعتماد نیست، تمامیت‌خواه است و جهان اسلام را قربانی مطامع خود خواهد کرد.

ولایتمدار با بیان اینکه اکنون همه به واقعیت مورد اشاره رسیده‌اند و این خود از دستاوردهای مهم این شرایط است، ادامه داد: دشمن وقتی متوجه این شرایط شد، دست به اقدام زد، یعنی هم به ایران و هم به غزه حمله کرد و در طول ۲۴ ماه نبرد با فلسطینیان بزرگ‌ترین جنایت‌های بشری را رقم زد، به نحوی که برابر آمارهای موجود ۸۰درصد شهدای غزه را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند، چون این جنایات هیچ توجیهی ندارد، موجب شده است رژیم صهیونی در برابر افکار عمومی جهان محکوم شود؛ محکومیتی که به رغم ادعای داشتن مهارت در پروپاگاندای رسانه‌ای دیگر قابل پنهان کردن نیست.

وی با اشاره به اینکه امروز اشراف اطلاعاتی ملت‌های جهان به قدری افزایش یافته که دنیا به خوبی نسبت به جنایات رژیم‌صهیونیستی آگاه شده است، تصریح کرد: چاره دشمن در برابر این آگاهی عمومی، رجزخوانی است به عبارت دیگر امروز نبرد ما تنها در عرصه تبادل آتش نیست بلکه در حوزه‌های رسانه، دیپلماسی و جنگ روانی نیز ادامه دارد. ما اکنون در یک نبرد چندوجهی قرار داریم و این باعث شده است نبرد دیپلماسی میان ما و غرب و رژیم‌صهیونیستی به شدت ادامه داشته باشد، تنها تبادل آتش فعلاً متوقف شده است.

■ رجزخوانی دشمن از ناتوانی در میدان است

ولایتمدار با تصریح این نکته که جنگ رسانه‌ای همچنان فعال است و مقامات دو طرف در عرصه رجزخوانی حضور دارند، تأکید کرد: دشمن رجز می‌خواند و ما نیز بر اساس اصول و اعتقادات، مواضع‌مان را اعلام می‌کنیم. مردم ایران باید بدانند اگر دشمن توان دستیابی به اهداف خود را داشت، درنگ نمی‌کرد، بنابراین اینکه امروز تنها به رجزخوانی و اقدامات پراکنده روی آورده، نشان‌دهنده آن است که در همه اهداف نظامی و امنیتی خود به بن‌بست رسیده است.

وی با تأکید بر اینکه دشمن دلیلی برای خالی کردن دست خود ندارد، چون اگر می‌توانست حتماً اقدام می‌کرد و اینکه دست به اقدام نزده، نشان‌دهنده ناتوانی اوست، اظهار داشت: مردم زندگی عادی خود را ادامه دهند و آرامش‌شان را حفظ کنند، زیرا فرزندان و سربازان این ملت هوشیار و آماده، دست به ماشه و در سنگرهای دفاعی خود مستقر هستند و از کشور و مردم دفاع می‌کنند. ما هرگز به دنبال جنگ و درگیری نبوده‌ایم و همچنان بر اصل بازدارندگی و خویشتنداری پایبندیم، اما اگر دشمن مرتکب خطا شود، حتماً او را پشیمان خواهیم کرد.

مسئول کمیته دفاعی کمیسیون امنیت ملی خاطرنشان کرد: همان‌گونه که در گذشته ثابت کرده‌ایم، پشیمان کردن دشمن در صورت تجاوز، قطعی است. مردم ما یقین داشته باشند که آینده نیز از آنِ ملت ایران است. ما با اتکا بر ایمان، مقاومت و انسجام ملی از این مرحله عبور خواهیم کرد، همان‌گونه که در گذشته نیز از آزمون‌های سخت‌تری با سربلندی عبور کردیم.

خبر

دبیر اسبق شورای عالی امنیت ملی:

روحانی از ماجرای هواپیمای اوکراینی باخبر بود

دبیر اسبق شورای عالی امنیت ملی می‌گوید: بعد از وقوع حادثه هواپیمای اوکراینی، سردار باقری با من تماس گرفتند و بلافاصله موضوع را به رئیس‌جمهور (آقای روحانی) اطلاع دادم. وظیفه‌ای نداشتم که این خبر را به آقای ظریف اعلام کنم.

به گزارش فارس، علی شمخانی، دبیر اسبق شورای عالی امنیت ملی در ششمین قسمت برنامه «ماجرای جنگ» درباره برخی حوادث مهم سال‌های اخیر، از جمله سقوط هواپیمای اوکراینی و سانحه هوایی منجر به شهادت آیت‌الله رئیسی توضیحاتی ارائه داد.

شمخانی در بخشی از اظهاراتش گفت: بعد از وقوع حادثه هواپیمای اوکراینی، سردار باقری با من تماس گرفتند و بلافاصله موضوع را به رئیس‌جمهور وقت، آقای روحانی اطلاع دادم. وظیفه‌ای نداشتم که این خبر را به آقای ظریف اعلام کنم.

دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی افزود: در آن مقطع، برخی معتقد بودند حادثه به‌دلیل جنگ الکترونیک امریکا رخ داده است، به همین دلیل سه روز برای اعلام رسمی نتیجه بررسی‌ها تأخیر داشتیم.

وی با اشاره به واکنش مردم داغدار در آن روزها اظهار داشت: در مراسم خاکسپاری یکی از قربانیان در بهشت‌زهرا حضور یافتم. خانواده آنها با من برخورد تندی داشتند، اما اصلاً ناراحت نشدم، چون می‌دانستم داغ بسیار بزرگی است.

■ آیا شهید رئیسی ترور شد؟

شمخانی در بخش دیگری از گفت‌وگو درباره سانحه هوایی منجر به شهادت آیت‌الله رئیسی نیز گفت: ستاد کل نیروهای مسلح تا لحظه آخر و با توجه به بررسی‌های هیئت‌های کارشناسی، اعلام کرد هیچ اتفاقی در داخل پرواز رخ نداده است.

او افزود: پس از جنگ ۱۲ روزه، این پرسش مطرح شد که آیا ممکن است شهادت شهید رئیسی به رژیم‌صهیونیستی مرتبط باشد؟ با توجه به توان فنی بررسی‌کنندگان، هیچ نشانه‌ای از دخالت خارجی مشاهده نشده است، اما احتمال دارد این اتفاقات

فراتر از توان فنی ما باشد.

■ قدرت ما در دریاها هنوز ناشناخته است

دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی در بخش دیگری از سخنانش به قدرت ایران در حوزه دریا اشاره کرد و گفت: وقتی امریکا به فردو حمله کرد، در واقع جنگ به پایان رسید، چون اسرائیل شکست خورده بود. ما در عرصه دریایی توان‌هایی داریم که هنوز برای دشمن ناشناخته است.

وی در ادامه با اشاره به موقعیت راهبردی تنگه هرمز تصریح کرد: بستن تنگه هرمز تصمیمی است که تنها در شرایط خاص و نهایی اتخاذ می‌شود. هنوز به آن مرحله نرسیده‌ایم، اما دشمن باید بداند که قدرت پاسخ ما محدود نیست.

■ در توسعه پدافند کشور تأخیر داشتیم

دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی در ادامه به سه محور کلیدی در حوزه دفاعی و امنیتی کشور اشاره کرد و با بیان اینکه از ابتدای برنامه‌ریزی دفاعی، تمرکز ایران بر توسعه و بومی‌سازی سامانه‌های موشکی بوده است، گفت: جمهوری اسلامی در بخش‌های پهپادی و دریایی نیز به دستاوردهای قابل توجهی دست یافته است.

شمخانی در بخش دیگری از سخنانش تأکید کرد که آغاز برنامه پدافندی کشور با تأخیر همراه بوده است و این «نقص باید جبران شود».

وی همچنین به وضعیت همکاری‌های تسلیحاتی بین‌المللی اشاره کرد و گفت: واقعیت این است که ما در این حوزه تنها هستیم و تحریم‌ها تأثیر مستقیم بر این وضعیت گذاشته‌اند.

دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی درباره همکاری‌های نظامی با روسیه نیز توضیح داد: به دلیل درگیری‌های نظامی روسیه در شرایط فعلی، این کشور نتوانسته است در کنار ایران باشد. در گذشته پیشنهادهایی برای همکاری پدافندی میان تهران و مسکو مطرح شد، اما ما سؤالاتی مطرح کردیم که نمی‌توانستیم به راحتی این امر را بپذیریم.

■ خلأیی که دشمن را در محاسبات جسور کرد

وی افزود: جنگ نفتکش‌ها قبلاً با ایران تجربه شده بود، اما شلیک از خاک ایران به تل‌آویو را دشمن ندیده بود؛ خلأیی که دشمن را در محاسبات جسور کرد.

شمخانی گفت: در وعده صادق یک، اتکای پدافند اسرائیل به شبکه‌های اخلال و ناوبری، دقت موشکی ما را محدود کرد، جداول اصابت نشان دادند بخشی از موشک‌ها کنار هدف می‌نشیند.

وی ادامه داد: در ادامه مسیر تصحیح شروع شد؛ نسل موشک‌ها، تاکتیک‌های پرتاب و فرماندهی بهینه شد، با وجود ارتقای پدافند اسرائیل، در جنگ ۱۲ روزه دقت اصابت بالا رفت و ارزیابی دشمن تغییر کرد.

■ چرا در فهرست ترور اسرائیل بودید؟

شمخانی در بخش دیگری از سخنانش در پاسخ به این سؤال که چرا در فهرست ترور اسرائیل بودید؟ گفت: دشمن تولیدکنندگان قدرت دفاعی را هدف می‌گیرد. اسرائیل از ترور هدفمند فراتر رفته و معتقد است هر کس در تقویت توان نظامی یا مقاومت نقش دارد، باید حذف شود. وی ادامه داد: سابقه ترورها در عراق، مصر و کرانه باختری نشان می‌دهد حذف فیزیکی نیروهای تولیدکننده قدرت جزئی از راهبرد آنها برای مهار و جلوگیری از رشد توان ایران بوده است.

گزیده خبر

حاجی‌بابایی خبر داد

بررسی CFT با قید دوفوریت در مجلس

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در پاسخ به سؤال نماینده مردم مشهد و کلات گفت: با توجه به اهمیت موضوع CFT، مجلس روز سه‌شنبه با قید دوفوریت در این رابطه اظهار نظر خواهد کرد.

به گزارش ایرنا، حجت‌الاسلام حسنعلی اخلاقی‌امیری در نشست دیروز صحن علنی مجلس شورای اسلامی در تذکری گفت: مجمع تشخیص مصلحت نظام باید شأن والای خود را حفظ و پاسداری کند، اما تصویب CFT در این شرایط متناسب با شرایط بین‌المللی و شرایط داخلی نیست. اظهار نظر شخصی برخی از افراد در مجمع تشخیص مصلحت نظام در حوزه عفاف و حجاب هم هیچ توجیه مناسبی ندارد، چراکه امروز دشمن به دنبال ایجاد چالش بین مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان منتخبان رهبری عزیز و مجلس شورای اسلامی به عنوان منتخبان مردم است و باید از این احساس با تدبیر پرهیز کرد.

در ادامه، حمیدرضا حاجی‌بابایی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی که ریاست صحن مجلس را بر عهده داشت در پاسخ به تذکر این نماینده گفت: با توجه به اهمیت موضوع CFT، مجلس روز سه‌شنبه با قید دوفوریت در این رابطه اظهار نظر خواهد کرد.

وزیر پیشین امور خارجه:

ایران رسماً خروج از برجام را اعلام کند

وزیر پیشین امور خارجه با اشاره به پایان یافتن مهلت ۱۰ساله توافق برجام تأکید کرد که اکنون زمان خروج رسمی ایران از برجام فرارسیده است.

منوچهر متکی، وزیر پیشین امور خارجه در گفت‌وگو با فارس با اشاره به پایان یافتن مهلت ۱۰ ساله توافق برجام تأکید کرد: «اکنون زمان خروج رسمی ایران از برجام فرارسیده است.»

نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «عمر برجام یک هفته دیگر، یعنی در ۲۶مهرماه ۱۴۰۴ به پایان می‌رسد»، گفت: ملت قهرمان ایران پس از امضای برجام، به مدت ۱۰ سال تحریم‌هایی را تحمل کرد که حتی از محتوای قطعنامه‌های پیشین نیز سنگین‌تر بود.

متکی افزود: مردم عزیز ما بار دیگر شاهد بدعهدی امریکا در عمل به تعهداتش در برجام بودند؛ بدعهدی‌ای که از همان دوران اوباما آغاز شد. در این مدت، جهانیان نیز رفتار تحقیرآمیز و تبعیت کورکورانه «کوتوله‌های سیاسی اروپا» از امریکا را در قبال برجام مشاهده کردند.

وزیر اسبق امور خارجه با اشاره به مواضع اخیر سه کشور اروپایی اظهار داشت: انگلیس، فرانسه و آلمان که از اجرای تعهدات خود در زمینه لغو تحریم‌ها سر باز زدند، امروز با کمال وقاحت ایران را به استفاده از «مکانیسم ماشه» تهدید می‌کنند.

وی با بیان اینکه «امریکا از برجام خارج شده است»، گفت: روسیه، چین و ایران در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل و بیانیه‌ای مشترک، اقدام سه کشور اروپایی را «غیرحقوقی و مردود» دانسته و آن را محکوم کرده‌اند.

به گفته وی، جنبش عدم‌تعهد نیز خواستار منتفی شدن قطعنامه ۲۳۱ شده است.

متکی در پایان تأکید کرد: شایسته است سه کشور ایران، روسیه و چین در روز ۲۶مهرماه، در مقر سازمان ملل متحد طی نشستی رسمی، پایان برجام را اعلام کنند و جمهوری اسلامی ایران رسماً خروج خود را از این توافق اعلام کند.

وی تصریح کرد: «اکنون زمان خروج از برجام است؛ توافقی که برای کشور ما جز خسارت، نتیجه‌ای دربر نداشت.»

پیشخوان Pishkhan.com

یادداشت

تیم کودک‌کش‌ها ضربه فنی شده است

در روزهایی که دومین سالگرد آغاز طوفان‌الاقصی را می‌گذرانیم چند رویداد نشان داد دنیای بعد از ۷ اکتبر با قبل از آن فرق دارد و زمین ورزش هم مانند بسیاری از میادین سیاسی، اجتماعی و علمی دنیا، دیگر ملک طلق صهیونیست‌ها نیست.

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۱۱۲ خود نوشته است:

- اندونزی ویزای ژیمناست‌های رژیم صهیونی را لغو و اعلام کرد حضور آنان در مسابقات جهانی جاکارتا با وجدان مردم این کشور ناسازگار است.
- در مادرید، هزاران نفر از حامیان فلسطین در خیابان‌های اصلی مادرید تجمع کردند و مسیر عبور دوچرخه‌سواران را بستند. اعتراض آنها مستقیماً متوجه حضور تیم «اسرائیل پریمیرتِک» بود.
- در ایتالیا، تیم «اسرائیل پریمیرتِک» به‌دلیل اعتراضات مردمی از رقابت «جیرودل‌امیلیا» حذف شد.
- نخست‌وزیر اسپانیا نیز صراحتاً گفت اسرائیل باید از حضور در رویدادهای ورزشی بین‌المللی محروم شود.

اینها تنها چند نمونه از ده‌ها رویداد مشابه بودند که نشانه یک تغییر عمیق‌اند. مسابقات ورزشی که یکی از زمین‌های عادی‌نمایی و «عادی‌سازی» اسرائیل بود حالا صحنه اعتراض و تحریم شده است.

در چند ماه اخیر در برخی کشورها، بازی‌های تیم‌های اسرائیلی، به‌دلیل اعتراض‌های گسترده و تجمعات ضدصهیونیستی بیرون سالن و پشت درهای بسته برگزار می‌شود و در برخی دیگر به بهانه نگرانی امنیتی ولی در عمل فشار افکار عمومی اصلاً برگزار نمی‌شود.

جالب آنکه، همان موضعی که ایران از سال‌ها پیش بر آن ایستاد و حتی برایش هزینه داد، امروز در حال گسترش و تبدیل شدن به ارزشی بین‌المللی است. غربی‌ها سعی داشتند میادین ورزشی را به بهانه‌های واهی، برای ایران به محلی برای طرد و محرومیت تبدیل کنند اما اینک ماجرا برعکس شده و رژیم اسرائیل نه تنها نمی‌تواند از ابزار ورزش قهرمانی برای تطهیر خود سؤاستفاده کند بلکه این میادین به محل رسوایی و فشار به این رژیم نیز تبدیل شده است، البته هنوز هم معیارهای دوگانه غربی پابرجاست. همان نهادهایی که آن روز ورزشکاران ایران را با شعار «ورزش سیاسی نیست» مجازات می‌کردند، چندی بعد کل ورزش روسیه را به‌خاطر سیاست، از المپیک، فیفا، یوفا و ده‌ها فدراسیون دیگر حذف کردند و دوباره امروز همان نهادهای غربی، در برابر نسل‌کشی بی‌سابقه و وحشیانه روزمره اسرائیل، ناگهان یادشان افتاده که ورزش باید از سیاست جدا بماند!

روزی رژیم‌صهیونیستی می‌خواست از ورزش به‌عنوان ابزار تبلیغ چهره‌ای عادی و موجه از خود استفاده کند اما همان زمین، حالا علیه او چرخیده است. وقتی فلان تیم ورزشی صهیونیستی ناچار می‌شود واژه «اسرائیل» را از پیراهنش حذف کند، یعنی قدرت نرمش فروریخته است. دنیای بعد از ۷ اکتبر با قبل از آن فرق دارد. این‌بار حتی ورزش کردن هم برای اسرائیلی‌ها عادی نخواهد بود. نه فلسطین مثل قبل تنهاست و نه ایران در زمین دفاع از فلسطین تنها می‌ماند. منطق مقاومت از سیاست فراتر رفته و در میدان‌های ورزشی، دانشگاهی، هنری و فرهنگی امتداد یافته است.

زمانی ایستادن در برابر اسرائیل هزینه داشت و در عرف ورزش عادی نبود اما امروز همان ایستادگی، نشانه شرافت است و عادی‌سازی شده است. ۷ اکتبر حتی معنای «عادی‌سازی» را هم دگرگون کرد.

شهید علی مرادی مدتی در تیم خیبر خرم‌آباد فوتبال بازی می‌کرد

گفت‌وگوی «جوان» با خواهر تکاور شهید علی مرادی
از شهدای تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل خرم‌آباد در جنگ با رژیم صهیونیستی

فوتبالیستی که در لباس سبز پاسداری آسمانی شد

■ علیرضا محمدی

پاسدار شهید علی مرادی در کنار رضا دریکوند و مهدی کمالی که پیشتر گفت‌وگو با خانواده آنها را منتشر کردیم؛ در یک شب به شهادت رسیدند. سه نیروی نخبه تکاوری که هر سه از جوانان دهه هشتادی بودند و عمری در پیش داشتند. اما این سه رزمنده نیروهای تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل(ع) خرم‌آباد، پس از حمله رژیم صهیونیستی به کشورمان به صورت داوطلبانه راهی پادگان هوافضای امام‌علی(ع) شدند تا به تأمین امنیت این پادگان و دیگر مأموریت‌ها کمک کنند. آنها در شامگاه ۲۳خرداد که روز اول جنگ بود به شهادت رسیدند. در این میان، پاسدار علی مرادی متولد سال ۱۳۸۱ بود. فوتبالیستی که سابقه حضور در تیم‌های مطرحی چون خیبر خرم‌آباد را داشت اما به دلیل عشق به لباس پاسداری، وارد سپاه شد و تا لحظه شهادت، خالصانه در این لباس خدمت کرد. علی شوق حضور در جبهه دفاع از حرم را داشت. هرچند قسمت نشد در این جبهه بجنگد، نهایتاً به دست شقی‌ترین دشمنان اسلام یعنی صهیونیست‌ها به شهادت رسید. گفت‌وگوی «جوان» با یاسمن مرادی، خواهر شهید را پیش رو دارید.

از شهید مرادی به عنوان یکی از شهدای دهه هشتادی جنگ ۱۲روزه یاد می‌شود، ایشان متولد چه سالی بودند؟

علی آقا متولد ۳۱اردیبهشت سال ۸۱ بود. ما در خانواده سه فرزند هستیم. برادرم فرزند ارشد بود. فاصله سنی کمی بین من و او بود و از کودکی مثل دو دوست کنار هم بودیم. با توجه به فاصله سنی کمی که با هم داشتیم، دوران کودکی و نوجوانی‌مان همواره پر از خاطره بود. او همیشه با خرید عروسک خاطرات بچگی‌ام را برایم زنده می‌کرد. خاطره‌ای که هیچ وقت فراموش نمی‌کنم این است که یک روز عروسکی را به برادرم نشان دادم و گفتم: داداش این عروسک را ببین چه بامزه است. چند روز بعد علی آقا با من تماس گرفت و گفت: خواهر بیا بیرون کارت دارم. وقتی رفتم در دستانش همان عروسک بود. گفت: گشتم برایت پیداش کردم. الان خوشحالی؟ آن روز آنقدر خوشحال بودم که برای داشتن چنین برادر و رفیقی خدا را شکر کردم. فقط با خود می‌گفتم؛ خدایا برای داشتن چنین برادری شکرت می‌کنم. خیلی مهربان و خانواده دوست بود.

علی آقا در چه جو و خانواده‌ای رشد کرده بود؟

ما خانواده متدین و ولایتی داریم. یک خانواده سنتی و ساده زیست خرم‌آبادی که مثل خیلی از مردم اینجا، اعتقادات مذهبی در خانواده ما هم پررنگ است. پدر بزرگم مرحومم، چراغ مرادی یکی از خیرین بزرگ منطقه بود. ایشان با کارهای نیکی که انجام داده بعد از مرگش نام و یادش زنده مانده است. بابا بزرگ در زمان حیاتش زمین‌هایش را وقف امور خیر کرده بود. الان روی این زمین‌ها در روستای رباط نمکی، دو مدرسه، یک درمانگاه، پاسگاه و باشگاه ورزشی درست شده است. همچنین دکل‌های تلفن ثابت روستا در زمین ایشان قرار دارد و باعث شده این روستا از امکانات زیادی برخوردار شود. به نوعی می‌توانم بگویم بخشش در این خانواده موروثی بود. پدر بزرگ‌مان مالش را در راه مردم بخشید و نوه او که علی آقا باشد، جانش را در راه همین مردم و مملکت داد.

در خانواده یا اقوام‌تان سابقه رزمندگی وجود داشت؟

بله، چند نفری از اقوام در دوران دفاع مقدس به جبهه رفته بودند. از میان آنها شهید سید ولی ملکی، پسرعموی پدرم به شهادت رسید و عمویم، مسعود مرادی هم از جانبازان دفاع مقدس هستند. همچنین سردار حاج سلطان‌مراد مرادی، پسرعموی پدرم از رزمندگان دفاع مقدس هستند.

خصوصیات اخلاقی شهید چطور بود؟ کدام خصوصیتش بارزتر بود؟

برادرم بسیار کم حرف، مهربان و ساده‌زیست بود. همیشه مادرم به او می‌گفت: نسبت به همه دهه هشتادهای کم‌توقع‌تر و ساده‌تر هستی. برادرم از کودکی تقید مذهبی خاصی داشت. خادم الحسین(ع) بود و الگوی زندگی‌اش را امام حسین(ع) و امام علی(ع) قرار داده بود. تا آنجایی که با داشتن حقوق کم، سرپرستی چند خانواده بی‌بضاعت را به عهده گرفته بود. قبلاً عرض کردم، پدربزرگ‌مان یک فرد بسیار خیری بود و زمین‌هایی را وقف کار خیر کرده بود که وسعت زیادی داشتند. علی هم نوه چنین کسی بود و او هم بخشندگی در ذاتش بود. به مستمندان کمک می‌کرد و حضور در کارهای خیر را دوست داشت. در محیط خانه برای هر کاری از پدرومادرمان مشورت می‌گرفت. با مادرم خیلی صمیمی و همراز بود. به حدی که دوران آموزشی و دوره تکاوری هر شب سر ساعت معین (۸ شب) با مادرم تماس می‌گرفت. یک شب نبود که بدون شنیدن صدای مادرم به آسایشگاه برود.

گویا ایشان فوتبالیست هم بودند؟ در چه تیم‌هایی بازی کرده بودند؟

بله برادرم علاقه زیادی به رشته فوتبال داشت و از کودکی و نوجوانی فوتبال بازی می‌کرد. بعدها حرفه‌ای‌تر این ورزش را دنبال کرد و پدرمان هم خیلی او را در این راه پشتیبانی و حمایت می‌کرد. بعد از درس و مدرسه، اولویت علی‌آقا فوتبال بازی کردن بود. کمی که بزرگ‌تر شد چون خیلی خوب فوتبال بازی می‌کرد و استعداد هم داشت، بازیکن نوجوانان خیبر خرم‌آباد شد. همچنین سابقه پوشیدن پیراهن آبی پوشان خرم‌آباد و پاس خرم‌آباد را هم داشت. علی‌آقا حتی در مسابقات آسیا ویژن تهران شرکت کرده بود.

با استعدادی که در فوتبال داشتند، چطور شد پاسدار شدند؟

خودش علاقه زیادی به شغل پاسداری داشت. می‌توانم بگویم آرزوی برادرم بود یک روز تکاور پاسدار شود و به میهنش خدمت کند. در مورد علی‌آقا و روحیاتش بگویم که از همان کودکی نماز می‌خواند، روزه می‌گرفت و همانطور که گفتم به نیازمندان کمک می‌کرد. خلاصه خواسته‌ها و آینده‌اش را در بازی‌های کودکانه‌اش پیاده می‌کرد. با چنین روحیاتی، او بسیار علاقه داشت لباس سبز پاسداری به تن کند و به عنوان یک رزمنده به مردم و کشورش خدمت کند. یک نکته‌ای هم در مورد علی بگویم که چون تولدش مقارن با میلاد امام علی(ع) بود، برای همین پدرومادرم نامش را علی گذاشتند. این نام واقعاً برازنده‌اش بود. چون همیشه سعی می‌کرد مثل مولا علی(ع) دستگیر افراد ضعیف و مستمند باشد. پاسداری از دید برادرم فقط یک شغل نبود، عشق و علاقه‌اش هم بود.

بعد از شروع جنگ، برادرتان که رزمنده نیروی زمینی بودند، چطور شد به مأموریت رفتند؟

روز ۲۳خرداد برادرم حوالی ساعت ۳ عصر به من و مادرم گفت؛ می‌روم به موکب برکات الزهرا(س) تا موکب را برای عید غدیر آماده کنم. این حرف را زد تا ما نگران نشویم. در حالی که او و تعداد دیگری از همرزمانش کمی بعد داوطلب شده بودند تا برای تأمین امنیت یا هر مأموریت دیگری که در شرایط جنگی لازم بود، وارد عمل شوند. برادرم وقت رفتن برگشت و دستش را برایم تکان داد. در آن لحظات یک حس و حال عجیبی داشتم. در دلم تکرار می‌کردم قربانت بروم داداش، خدا نگهدارت باشد. کاش می‌دانستم آخرین باری است که چشمان مهربان برادرم را می‌بینم. چند ساعت بعد به نظرم حوالی ساعت ۸ شب بود که پدرم به خانه آمد و گفت: علی بعد از موکب با محمد رباطی به پادگان رفته‌اند.

با شنیدن این حرف کمی نگران شدیم. اما اصلاً فکرش را نمی‌کردیم؛ برادرم در این ماجرا به شهادت برسد. مادربزرگم به علت داشتن بیماری قلبی چند وقتی بود در بیمارستان بستری شده بود. صبح روز ۲۳خرداد حوالی ساعت ۹صبح آیفون منزل به صدا درآمد و صدای گریه پدرم همراه همکارانش و چند نفر از همسایه‌ها را شنیدم. کمی بعد آنها وارد حیاط شدند. با دیدن این صحنه اول فکر کردم؛ شاید برای مادر بزرگم اتفاقی افتاده و او را از دست دادیم. اما وقتی پدرم به من خیره شد، حس کردم چشمانش دارد با من حرف می‌زند. انگار در نگاهش نوشته بود: عزیزم، برادرم، رفیقم علی، شهید شده است. ناگهان دیدم به جای اسم مادربزرگم، اسم علی را تکرار می‌کنند. از همانجا تمام غصه زندگی ما شروع شد.

من هیچ‌وقت فکرش را نمی‌کردم، برادرم عمر کوتاهی داشته باشد و آنقدر زود خواهرش را تنها بگذارد. ولی شهادت در شأن شخصیت و اخلاق برادرم بود. لیاقت شهادت را داشت و با چنین مرگی این دنیای فانی را ترک کرد. برادرم موقع شهادت فقط ۲۳سال داشت. خیلی جوان بود و می‌توانست عمری در پیش داشته باشد. برای همین ما اصلاً فکر رفتنش را آن هم به این زودی نمی‌کردیم. ولی خب او با شهادت رفت. سعادتی که همیشه آرزویش را داشت.

پاسدار شهید علی مرادی از شهدای تجاوز اسرائیل به کشورمان

> **برادرم بسیار کم حرف، مهربان و ساده زیست بود. همیشه مادرم به او می‌گفت: نسبت به همه دهه هشتادی‌ها کم‌توقع‌تر و ساده‌تر هستی. برادرم از کودکی تقید مذهبی خاصی داشت. خادم‌الحسین(ع) بود و الگوی زندگی‌اش را امام حسین(ع) و امام علی(ع) قرار داده بود. تا آنجایی که با داشتن حقوق کم، سرپرستی چند خانواده بی‌بضاعت را به عهده گرفته بود**

شهید مرادی از تکاوران تیپ حضرت ابوالفضل خرم‌آباد بود

> **همرزم برادر می‌گفت: بعد از بمباران، علی از پشت بیسیم با صدایی ضعیف و آمیخته با درد ما را راهنمایی کرد تا به آنها رسیدیم... وقتی که برادرم را به پایین منتقل می‌کردند، مرتب بابا را صدا می‌زد و اشهدش را در همین حالت می‌خواند. نهایتاً با گفتن یا زهرا(س) چشمهایش را برای همیشه می‌بندد و شهید می‌شود**

همرزمان برادرتان از نحوه شهادت ایشان و حضورش در میدان جنگ چه تعریفی کرده‌اند؟

روز و ساعت دقیق شهادت برادرم ۲۳خرداد ساعت ۲۳:۳۰دقیقه شب بود. روز بعد هم که عیدغدیر بود. علی که نامش را از امام‌علی گرفته بود، در عید غدیر و عیدولایت به شهادت رسید. همرزمانش برای ما تعریف کردند؛ وقتی برادرم و دیگر نیروهای داوطلب وارد تیپ شدند، علی خیلی بی‌قرار بوده. آرام و قرار نداشته و انگار آتشی در وجودش بوده. شاید خبر داشته، عن‌قریب اتفاقی در شرف رخ دادن است. آن روز فرمانده پادگان امام علی(ع) از نیروی زمینی سپاه درخواست نیرو کرده بود. علی آقا اصرار و پافشاری می‌کند که اسم من را هم باید به عنوان نیروی داوطلب در لیست بنویسید. بعد از اعزام شدن نیروهای تیپ ۵۷اعم از بچه‌های گردان تکاور و گردان‌های پیاده، به دستور فرمانده تیپ به صورت سه تیم در محل مستقر می‌شوند. تیم شهید ماهرو و دو تیم دیگر، برادرم در تیم شهید ماهرو بود. بعد از استقرار در محل پادگان، اطراف آنها به دفعات مکرر با جنگنده و پهپاد مورد اصابت قرار می‌گیرد. بچه‌ها هم هر کدام در موضع‌های پراکنده مستقر شده بودند. متأسفانه زمان صرف شام حدوداً ساعت ۲۳:۳۰ وقتی که دور هم جمع شده بودند، به وسیله پهپاد هرمس که دوربین حرارتی و دید در شب داشت، شناسایی می‌شوند و مورد اصابت مستقیم موشک قرار می‌گیرند. بعد از اصابت، شهید ماهرو و عباسی بلافاصله به شهادت می‌رسند، ولی برادرم تا لحظاتی هنوز زنده بود. هرچند که براثر موج انفجار و ترکش‌های حاصله صورت، دست و پا و پهلویش سوخته بود. سعی می‌کنند او را به بیمارستان برسانند. آنطور که برای ما تعریف کردند، علی از محل حادثه تا دم دژبانی پادگان با صدایی ضعیف ذکر می‌گفته است. یکی از فرماندهان تیم که شاهد حادثه بود می‌گفت بعد از اصابت بمب در کنار گروهی که برادرم در آن حضور داشت، شهید ماهرو به دلیل تاریکی هوا و شدت دود انفجار مشخص نبود. ما برای امدادرسانی به بچه‌ها تلاش کردیم خودمان را به موضع‌شان برسانیم. علی از پشت بیسیم با صدایی ضعیف و آمیخته با درد ما را راهنمایی کرد تا به آنها رسیدیم. وقتی که برادرم را به پایین منتقل می‌کردند، مرتب بابا را صدا می‌زده و اشهدش را در همین حالت می‌خواند. نهایتاً با گفتن یا زهرا(س) چشمهایش را برای همیشه می‌بندد و شهید می‌شود.

به عنوان یک تکاور پاسدار، پیش آمده بود از شهادتش بگوید؟

بله، ذکر هر روزش بود. هربار وقتی به خانه می‌آمد، بعد از سلام به شوخی می‌گفت: شهید، شهید علی مرادی... همیشه از علاقه‌اش برای اعزام به سوریه می‌گفت. به مادرم می‌گفت: بالاخره یک روز به سوریه می‌روم و از حرم اهل‌بیت(ع) دفاع می‌کنم. هرچند قسمتش نشد مدافع حرم شود اما نهایتاً در جنگ با شقی‌ترین دشمنان اسلام به شهادت رسید. برادرم همیشه گوشه دفترچه‌اش می‌نوشت: خدایا توفیقی عطا فرما تا از جمله کسانی باشم که خود بشارت به آنها داده‌ای... از تو خواهانم ک زندگی‌ام را زندگی محمدی و مردنم را مردن محمدی قرار دهی.

شهادت برادر، نگاه شما را به مقوله شهید و شهادت تا چه میزان تغییر داد یا تقویت کرد؟

بعد از رفتن عزیز برادرم، جمله امام‌خمینی را از ته قلب درک کردم که «شهادت هنر مردان خداست.» به قول شهید حاج قاسم سلیمانی تا کسی شهید نباشد به شهادت نمی‌رسد. یعنی یک نفر باید خودش را لایق شهادت کند تا به همچین سعادتی دست پیدا کند. برادرم هم آنطور زندگی کرد که لایق شهادت شد و با شهادت از پیش ما رفت.

چه جمله‌ای به برادری که آنقدر دوستش داشتید و با شهادت رفت می‌گویید؟

به او می‌گویم: بعد از رفتن تو حس می‌کردم دنیا در حال فروپاشی است. عزیز برادرم مگر می‌شد؛ روزی تو را نبینم. حالا هر گوشه خانه خاطره‌ای از تو را برایم زنده می‌کند. سکوت خانه بعد از رفتنت سنگین‌تر از هر فریادی است. اما برادر جان، با یاد تو و ایثارگری‌ات، دوباره ایستادم. تو به من قدرت دادی تا در غم از دست دادنت تاب بیاورم...

سخن پایانی.

امسال قبل از ماه محرم، علی آقا به برادر کوچکم امیرمحمد که ۱۶سال دارد گفته بود که اربعین می‌برمت کربلا. وقتی که خبر شهادت علی را شنیدیم، امیرمحمد فقط با خودش تکرار می‌کرد: یاسمن علی به من گفت اربعین می‌برمت کربلا. پس چرا نماند تا با هم برویم کربلا... امسال علی به زیارت اربعین نرفت، بلکه به زیارت صاحب حرم یعنی آقا اباعبدالله الحسین(ع) رفت.

جوان Pishkhan.com

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۴۲۳

از راست به چپ

■ ۱-مایه حیات – از نواحی شمال تهران - موش خرما ■ ۲-بلدرچین – از صادرات کشورمان – گویی ■ ۳-درخت انداز – تالاب- از قدیمی‌ترین و بلندآوازه‌ترین شهرهای چین که مقر حکومتی سیزده سلسله پادشاهی بود ■ ۴-غلام شمشیر – جمع منت – سازه آهنی مورد استفاده معماران در ساختمان سازی ■ ۵-در نوردیدن – صلح – علامت استاندارد بین‌المللی – ویتامین جدولی ■ ۶-برادر – تندرو ■ ۷-برف آذری – شاعر و فیلسوف هندی برنده نوبل ادبی ۱۹۱۳ – املا ■ ۸-شنبه عرب زبان – به دنیا آوردن – نو و بازنشده – نژاد قشقایی ■ ۹-شهری در ترکیه – از شهرهای هرمزگان – رشته کوه اروپایی ■ ۱۰-نویسنده فرانسوی کتاب‌های باباگوریو و چرم ساغری – پوشیده و نهفته ■ ۱۱-عید ویتنامی‌ها – شهری در بلژیک – کمان چهره – شکم‌بند طبی ■ ۱۲-خاموش کردن آتش – رود – نام قدیم مشکین‌شهر ■ ۱۳-از هفت‌سین‌ها – غیر ایرانی – آلوی کوهی ■ ۱۴-تأمینات امروزی – صد و یازده – وسیله بازی قدیمی ■ ۱۵-نهر مرزی ایران و عراق در نزدیکی شلمچه – محصول کشاورزی سرشار از نشاسته – از اقمار مشتری

از بالا به پایین

■ ۱-بازجویی – رونویسی ■ ۲-پایتخت اقتصادی هند – شیر – عطش ■ ۳-نظرات – سرور رعیت – پاسبان قدیمی ■ ۴-ماسه – واحد اندازه‌گیری سرعت هواپیما – هر موجود زنده ■ ۵-ابر غلیظ با حرفی اضافه – در تداول عامه به آدم گیج می‌گویند – تور بزرگ کاهکشی ■ ۶-اجازه انتشار روزنامه – نوعی بیماری جلدی ■ ۷-ماندن نیست – توقفگاه ماشین – خالص ■ ۸-از ظروف آزمایشگاهی – ضمیر غایب – قورباغه- پدر اختراع ■ ۹-قلمه تازه درخت – اشخاص – جاذبه سیاحتی مصر ■ ۱۰-توانا و از نام‌های خدا – پایتخت استرالیا ■ ۱۱-انتها – ماهی خوش‌خوراک – رود – قوت لایموت ■ ۱۲-مهم‌ترین رویداد تاریخی عهد قاجار که مرکزش تبریز بود - صوت درد – خط کش مهندسی ■ ۱۳-جانشین – اسب تندرو-- شهر شیشه‌گران آلمان ■ ۱۴-اعمال عبادی حج – حرکتی در فوتبال برای تصاحب توپ – نگارخانه ■ ۱۵-شهری در آرژانتین و مدلی برای اتومبیل – آدم چوبی کارتونی

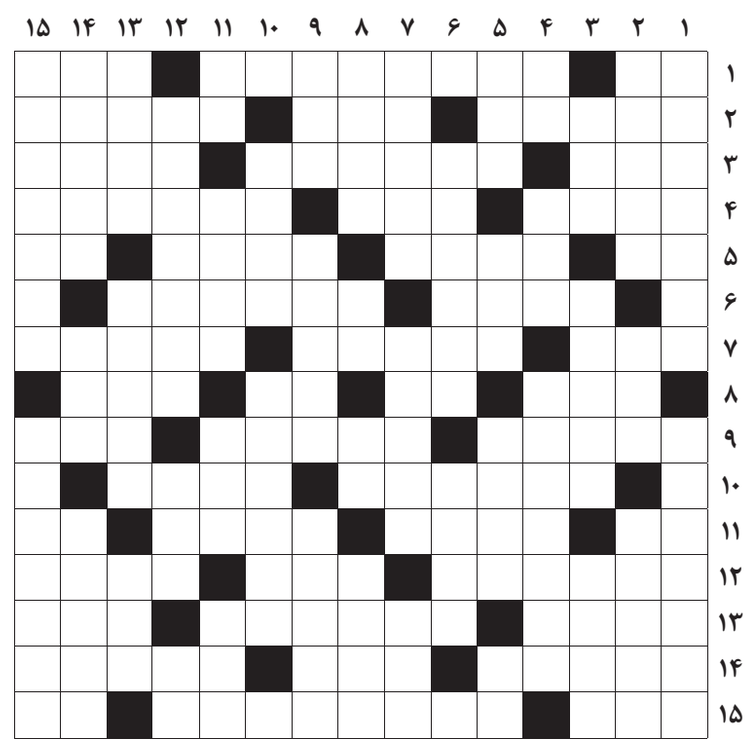

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۱			۲	۸	
	۷		۵				۹	
	۳	۸	۹				۷	
					۴			
۶						۷		
۸					۳	۱		۹
				۶				۴
۳		۲						
	۴	۹		۲		۵		

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۷۴۲۲

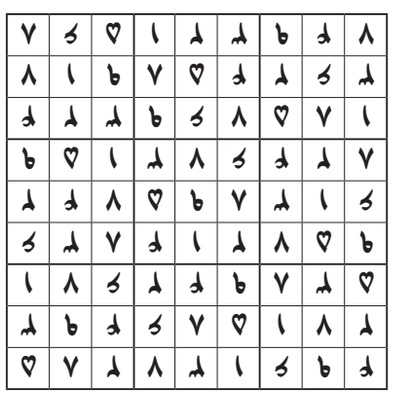

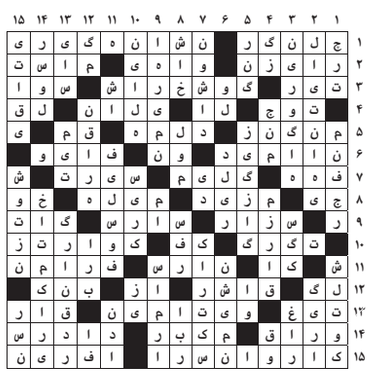

گزارش

نگاهی به آثار منتشر شده در قالب مجموعه «خط سرخ»

روایت صداهای خاموش مانده مقاومت

■ لیلا شکیب مهر

روایت، در ذات خود یک وظیفه اخلاقی و تاریخی است. وقتی از فلسطین سخن می‌گوییم، در واقع داریم از مسئولیت انسان بودن‌مان حرف می‌زنیم. همین‌جاست که اهمیت آثاری چون «لهجه‌های غزه‌ای» و «یازده زندگی» آشکار می‌شود. این دو کتاب نه فقط مجموعه‌ای از روایت‌ها، بلکه سندهایی زنده‌اند از درد و امید از زندگی‌هایی که زیر آوار بمب‌ها و دیوارها له نشده‌اند و با زبان با کلمه ادامه پیدا کرده‌اند. این آثار در قالب مجموعه «خط سرخ» انتشارات سوره مهر منتشر شده‌اند؛ مجموعه‌ای که بنا دارد صداهای خاموش‌مانده مقاومت و حقیقت‌های سانسورشده جهان معاصر را ثبت و حفظ کند.

■■■

وقتی کتابی مثل «یازده زندگی» را ورق می‌زنیم، با ۱۱ سرگذشت مواجه می‌شویم که هر کدام یک جغرافیا و یک جهانند. آنها به ما یادآوری می‌کنند که فلسطین، یک مسئله سیاسی صرف نیست؛ یک زندگی است، زندگی‌ای که مثل رود از دل تاریخ جاری می‌شود و هر بار در برابر سدهای ظلم و اشغال، راه تازه‌ای باز می‌کند. یا در «لهجه‌های غزه‌ای» ما به زبانی نزدیک می‌شویم که از دل کوچه‌ها و خانه‌های ویران برمی‌خیزد؛ زبانی که لهجه دارد، طعم دارد، بوی خاک سوخته و دریا دارد. این لهجه‌ها خود نوعی مقاومتند، چون نشان می‌دهند که فلسطینی بودن فقط یک جغرافیا نیست، بلکه یک فرهنگ و یک هویت زبانی است که نمی‌شود آن را محو کرد.

مجموعه «خط سرخ» در حقیقت تلاشی است برای ثبت این حافظه جمعی. حافظه‌ای که اگر نوشته نشود، اگر روایت نشود، ممکن است در هیاهوی رسانه‌ها و تحریف تاریخ گم شود. این کتاب‌ها فقط گزارش نیستند؛ آنها پنجره‌هایی هستند به زندگی واقعی و وقتی ما این پنجره‌ها را باز می‌کنیم، نسیم رنج و امید فلسطین به صورت‌مان می‌خورد. نمی‌توانیم چشم ببندیم. نمی‌توانیم بگوییم «این فقط داستان دیگری است» نه، اینها روایت‌های ما هم هستند، زیرا هرجا ظلمی باشد و هرجا حقیقتی برای خاموش کردن، ما در معرض همان آزمون قرار می‌گیریم.

به همین دلیل است که باید درباره این آثار سخن گفت و آنها را خواند و بازگو کرد. هر کتاب از این دست، نه یک شیء فرهنگی که یک جبهه است؛ جبهه‌ای برای روایت، برای مقاومت، برای زنده نگهداشتن حقیقت.

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم در ظاهر معتقد به علم است. همه‌چیز وقتی معتبر است که علمی باشد. اعتبار و ارزش و اهمیت طرفی است که ساینس تأییدش کند؛ آمار، گزارش، تصویر ماهواره‌ای، سند. این فقط ظاهر ماجراست. باطن ماجرا این است که حقیقت را نمی‌شود در جدول‌های اکسل ثبت یا در یک پاراگراف خبری خلاصه کرد. حقیقت را نمی‌شود در چارچوب‌های سرد و بی‌روح جای داد و آنها که سعی می‌کنند نبض فرهنگ و رشته تفکر مردم جهان در دست‌شان باشد، خوب می‌دانند حقیقت، تجربه‌ای است که زیسته می‌شود، نه چیزی که فقط گزارش می‌شود. آنها می‌دانند تنها راه برای انتقال تجربه روایت است. ما چه دوست داشته باشیم و چه نداشته باشیم، چه باور کنیم و چه نکنیم، قبل از ۱۷اکتبر تمام روایت دست آنها بود و تازه این رویداد بزرگ باعث شد لنز دوربین‌ها و چشم‌ها به سمت ما - محور مقاومت- برگردد. ما یا می‌توانیم از این فرصت و نعمت بسیار بزرگ استفاده کنیم و روایت پر از رنج مردمی که تحت استعمار و ظلم دیوان صهیونیست بودند را بگوییم، جوری که دوربین‌ها و چشم‌ها برگردند یا نمی‌توانیم! جهان منتظر و آماده است تا از این رنج بشنود. جهان باید نشنود از خانه‌ات بیرون شوی، یعنی چه. تحقیر و کتک خوردن و کشته شدن در وطنت؟! چطور است از دست دادن عزیزانت! هر روز و درست جلوی چشمانت بدون کوچک‌ترین فرصتی برای سوگواری زندگی را چه شکلی می‌کند. آدم‌ها باید از زبان فلسطینی‌ها بشنوند زندگی از سوگ به سوگ و از رنج به رنج بدون وقفه چطوری است. تولد در اردوگاه و چشم بازکردن در صورت‌های غم‌زده و رنج‌دیده چه آدمی می‌سازد.

می‌توانند خانه‌ها را خراب کنند، سرزمین‌ها را اشغال کنند، مردم را به اردوگاه‌ها بفرستند. نمی‌توانند داستان‌ها را از میان ببرند. تنها سلاح اهالی آواره فلسطینی کلمات‌شان است. قدرتمندتر از هر سلاح دیگری است.

آنچه حقیقت را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. وقتی کودکان آواره در اردوگاه‌های لبنان، داستان‌های پدران زندانی و مادران نحیف و کوه مسئولیت‌های روی شانه‌های‌شان را می‌شنوند، آنها نه فقط تاریخ که هویت‌شان را یاد می‌گیرند. یاد می‌گیرند چه کسی هستند، از کجا آمده‌اند و چرا باید ایستاده بمانند. روایت، ابزار بقای آنهاست.

روایت، خود مقاومت است. وقتی مردمان فلسطین داستان‌های‌شان را می‌گویند، وقتی از مهاجرت، از رفت و برگشت امید و ناامیدی، از وطنی که شاید هرگز نبینند سخن می‌گویند، آنها نه فقط تجربه‌های‌شان را بازگو می‌کنند؛ آنها

> **مجموعه «خط سرخ» تلاشی است برای ثبت حافظه جمعی؛ حافظه‌ای که اگر نوشته نشود، ممکن است در هیاهوی رسانه‌ها و تحریف تاریخ گم شود. این کتاب‌ها پنجره‌هایی هستند به زندگی واقعی و وقتی ما این پنجره‌ها را باز می‌کنیم، نسیم رنج و امید فلسطین به صورت‌مان می‌خورد**

در برابر فراموشی و سکوت و ظلم ایستاده‌اند.

می‌توانید بگویید هزاران نفر در اردوگاه‌های لبنان متولد شده‌اند و هرگز وطن خود را ندیده‌اند. اما این جمله، چیزی از کودکی‌ای که در آوارگی و فقر و مبارزه و جاسوس و گروه‌های مختلف و رنج گمشده نمی‌گوید.

چیزی از کودکی‌ای که پا در هواست، نمی‌گوید.

چیزی از خیال‌پردازی‌ها درباره سرزمینی نادیده، نمی‌گوید. اینها را نمی‌شود لمس کرد، الا با شنیدن از زبان آنهایی که تجربه‌اش کرده‌اند.

روایت، اثرگذار است چون ما تماشاگر نیستیم، شاهدیم.

وقتی آمار می‌خوانیم، فاصله داریم. وقتی روایت می‌شنویم در آن فضا رها می‌شویم.

حالا درد یک مادر را می‌فهمیم.

اشک یک برادر را درک می‌کنیم.

سوگ یک رفیق، غم یک همسایه و دلتنگی... آه دلتنگی را زندگی می‌کنیم.

انگار مرزهای بین «من» و «تو» محو شده است.

داستان مادری که در شرایط اسفبار اردوگاه‌ها نوزادش را به دنیا می‌آورد و مثل پروانه دورش می‌چرخد، دل نگرانی‌هایش را از همه چیزهایی که خطر واقعی است حس می‌کنیم، ما دیگر فقط شنونده نیستیم؛ ما بخشی از آن تجربه می‌شویم. این چیزی است که هیچ گزارش خبری نمی‌تواند انجام دهد.

روایت قدرت دارد. انسانیت را بازمی‌گرداند. در جهانی که مردمان فلسطین به «آوارگان»، «قربانیان»، «آمار» تبدیل شده‌اند، روایت آنها را دوباره به انسان تبدیل می‌کند. داستان‌های‌شان را می‌شنویم، وقتی از غمگین‌ترین آوازهای مظلوم‌ترین آدم‌های کره زمین، از تلخ‌ترین اشک‌های مردمانی از مردم جهان، از رفت و برگشت امید و ناامیدی، از وطنی که شاید هرگز نبینند، می‌شنویم، ما دیگر نمی‌توانیم بی‌تفاوت بمانیم. مجبوریم ببینیم، حس کنیم و بفهمیم.

آنها دارند داستان‌های‌شان را می‌گویند. ما باید راوی داستان‌های‌شان باشیم. کتاب لهجه‌های غزه‌ای و یازده زندگی تلاشی است برای این روایتگری. داستان‌هایی است از زبان فلسطینیان و درباره زندگی خودشان. همانقدر هولناک و تکان‌دهنده و پر از رنج، اما قدم‌های اول است. ما باید صدای مظلومان باشیم و داستان‌شان را به گوش جهان برسانیم.

ما درباره فلسطین سخن می‌گوییم، زیرا سکوت، خیانت است. ما از مقاومت می‌گوییم، زیرا مقاومت، تنها راه زنده ماندن است. و ما روایت می‌کنیم، چون روایت، تنها چیزی است که می‌تواند حقیقت را از تاریکی بیرون بکشد و برای همیشه زنده نگه دارد.

روایت، ابزار تزئین حقیقت نیست، خود حقیقت است. داستان زندگی یک نفر، چیزی بیش از اطلاعات است؛ تجربه‌ای است از زمان، درد، امید و روایتی است که مقاومت را زنده می‌کند. چیزی که هیچ آماری منتقل نمی‌کند.

فلسطین، تنها یک سرزمین نیست؛ یک آزمون است. آزمونی برای انسانیت ما، برای توانایی ما در دیدن، شنیدن، ایستادن در برابر ظلم. ما مسئولیم که روایت‌ها زنده نگه داشته شوند.

روایت، تنها ابزاری نیست که ما در اختیار داریم؛ قدرتمندترینشان است. چیزی که نمی‌توان را کنترل یا سانسورش کرد یا آن را از میان برد.

در کتاب پایی که در غزه ماند ما خودمان را در مواجهه با ماجرای غزه روایت کرده‌ایم. از رنجی که می‌بریم گفته‌ایم و نقطه پر دردی که ما را به درد غزه وصل می‌کند.

ما خوب می‌دانیم سکوت، بزرگ‌ترین شراکت در ظلم است. وقتی درباره فلسطین سکوت می‌کنیم، وقتی داستان‌های‌مان را نمی‌گوییم، ما فقط بی‌طرف نیستیم؛ ما شریکیم. چون ظلم، برای ادامه داشتن، به سکوت نیاز دارد. به فراموشی نیاز دارد. نیاز دارد داستان‌ها گفته نشوند، تجربه‌ها دفن شوند، حقایق در تاریکی باقی بمانند.

ما درباره فلسطین سخن می‌گوییم، نه از روی احساسات، از روی مسئولیت.

مسئولیت انسانی برای شکستن این سکوت. مسئولیت زنده نگه داشتن حقیقت.

حقیقت، اگر گفته نشود، می‌میرد و مرگ حقیقت، یعنی پیروزی ظلم.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با نصرالله قادری، پیشکسوت تئاتر و سردبیر نشریه صحنه

تئاتر ایران مبتلا به روشنفکرزدگی و سطحی‌نگری است

■ محمدحسین یوسفی

در جهانی که هنر، به‌ویژه هنر نمایش، بیش از هر زمان دیگری در معرض تهدیدهای سطحی‌نگری و ابتذال قرار گرفته، اندیشیدن به هویت تئاتر، ضرورتی است انکارناپذیر. وقتی «هایدگر» از دو نوع هستی انسانی سخن می‌گوید - آنان که خود را شناخته‌اند و آنان که نه - می‌توان این تفکیک را به نهادهای فرهنگی نیز تعمیم داد: آیا نهاد تئاتر ما، خود را شناخته و به هویت اصیل خویش دست یافته است؟ در گفت‌وگو با آقای «قادری»، سردبیر دوماهنامه تخصصی «صحنه»، تلاش کرده‌ایم از مرزهای معمول یک مصاحبه فراتر برویم و به لایه‌های عمیق‌تر وضعیت تئاتر ایران، نسبت آن با فلسفه، مخاطب، رسانه و سیاستگذاری فرهنگی بپردازیم. او نه تنها از دشواری‌ها و چالش‌های تولید یک مجله تخصصی در این دوران بحران‌زده فرهنگی سخن می‌گوید، بلکه از نیاز مبرم به بازتعریف تئاتر به‌مثابه «امر مردمی» دفاع می‌کند.

■■■

از نقش روشنفکرنمایان در بی‌هویت‌سازی تئاتر گرفته تا تأثیر تعزیه و آیین‌ها در شکل‌گیری نمایش ایرانی؛ از سردرگمی مخاطب عام گرفته تا خلأ نظریه‌پردازی بومی - این مصاحبه تلاشی است برای بازاندیشی در نسبت ما با تئاتر: هنری که شاید بیش از هر چیز، نیاز به «تماشاگری آگاه» دارد.

شما سردبیر دوماهنامه صحنه هستید. در شماره یکی مانده به آخر نشریه صحنه مقاله‌ای نوشتید و در ابتدای آن به مسئله پرداختید که با نقل‌قولی از هایدگر شروع شد. از دید او انسان‌ها دو دسته‌اند؛ کسانی که خودشان را شناخته‌اند و خود واقعی‌شان هستند و کسانی که خودشان را نمی‌شناسند، بنابراین خود واقعی‌شان نیستند. می‌خواستم با استفاده از این مقدمه بپرسم، آیا تئاتر ما امروز خودش را شناخته و هویت واقعی خود را پیدا کرده است یا خیر؟

در ایران، تئاتر به‌عنوان یک امر وارداتی شناخته می‌شود و عمدتاً تحت سیطره نهضت ترجمه و تأثیرات غربی است و غربی‌ها معتقدند که ما حق تألیف و نظریه پردازی نداریم و این در حالی است که تئاتر بدون فلسفه و نظریه پردازی معنا ندارد. این نگاه باعث شده است که تئاتر ایرانی نتواند به یک هویت اصیل و مستقل دست پیدا کند. از همان ابتدا، فلاسفه ما، مانند ابن رشد و بوعلی‌سینا که نظریات غربی را ترجمه می‌کردند، به دلیل ناآشنایی با مفهوم نمایش، در ترجمه‌ها به جای مثال‌های نمایش، از شعر عربی استفاده می‌کردند. همین موضوع باعث شد رابطه فلسفه و تئاتر به درستی شکل نگیرد.

در کنار این، فرهنگ ما، مراسم آیینی را با این انگاره که «هنر نزد ایرانیان است و بس»، به عنوان تئاتر پذیرفته‌است، زیرا تعزیه و دو شکل نمایشی غالب ما هستند. در نمایش ایرانی هویت اسلامی و ایرانی غالب است، اما آنچه که به عنوان تئاتر وارداتی می‌شناسیم، هویت ایرانی در آن دیده نمی‌شود.

برخی معتقدند تئاتر هنر خواص است و مخاطبان عام ندارد، اما این تصور اشتباه است؛ از ابتدا، تئاتر یونان با حضور هزاران تماشاگر عام شکل گرفت، یعنی تماشاگر خاص ندارد. گرچه گونه‌هایی از تئاتر وجود دارند که مخاطبان خاصی دارند، اما ذات کلی تئاتر همواره ارتباط با مخاطب عام بوده است.

یکی دیگر از دلایل این بی‌هویتی، تأثیر روشن‌فکرنماهایی است که به نام تجدد، تئاتر را به سبک غربی تبدیل کرده‌اند و همچنین سیطره بی‌چون‌وچرای حزب توده که هنر را صرفاً وسیله‌ای علیه حکومت می‌داند، نه در خدمت جامعه. این نگاه باعث شده است که هنر به‌ویژه تئاتر، بیشتر سیاسی و انتقادی باشد و کمتر به ریشه‌ها و هویت ملی توجه شود. حتی در حوزه فلسفه، با وجود تأثیرات افلاطون و ارسطو، ما هویت اسلامی-ایرانی خود را حفظ کرده‌ایم، اما در تئاتر این امر محقق نشده است.

از سوی دیگر، جامعه‌شناسان، روانشناسان و فلاسفه ما شناخت کافی از تئاتر ندارند و همین ناآشنایی موجب شده هویت تئاتر ایرانی شکل نگیرد. همچنین سیستم فرهنگی و سیاسی، به دلیل نگرانی از ماهیت انتقادی هنر، به جای حمایت، بیشتر به محدودسازی و کنترل آن می‌پردازد که این موضوع خود مزید بر علت شده است.

یکی از ویژگی‌های مهم تئاتر نسبت خاص آن با مخاطب است، یعنی تنها هنری است که بدون حضور و ارتباط با مردم، نمی‌توان آن را هنر واقعی دانست، اما متأسفانه در وضعیت فعلی، مردم نسبت و ادراک واقعی نسبت به تئاتر ندارند.

شما فرمودید برخلاف تصور عموم، تئاتر برای قشر عام است، با توجه به این موضوع، مجله

«صحنه» مخاطب هدفش چه کسی‌است؟ آیا مخاطب مجله صرفاً قشر خاص و حرفه‌ای تئاتر است یا اینکه مخاطبان عام با هر سطح سوادی هم می‌توانند آن را مطالعه کنند؟

دوماهنامه «صحنه» یک مجله تخصصی در حوزه تئاتر است. در واقع، بین انواع نشریات مانند هفته‌نامه، دو هفته‌نامه، ماهنامه، دوماهنامه، فصلنامه و سالنامه، هر کدام مخاطبان و جایگاه خاص خود را دارند. دوماهنامه معمولاً جایگاهی میان فصلنامه و مجله دارد و مخاطبان خاصی را هدف قرار می‌دهد؛ در اینجا منظور جامعه تخصصی تئاتر است.

با این حال، از آنجا که «صحنه» در حال حاضر تنها مجله تخصصی تئاتر است و همچنین به دلیل توقف انتشار برخی نشریات مشابه، این مجله تلاش می‌کند ارتباط خود را با مخاطب عام نیز حفظ کند.

با توجه به شرایط نسبتاً کساد بازار مطبوعات و مجلات، به نظر شما آیا ضرورت داشت که این دوماهنامه به شکل چاپی منتشر شود؟ آیا این اقدام براساس ایده‌ای مشخص و مستحکم انجام شد یا می‌شد آن را صرفاً به صورت دیجیتال منتشر کرد؟

برخلاف تصور رایج که ما با دنیای دیجیتال آشنا هستیم، واقعیت این است که در کشورهای پیشرفته همچنان مجلات معتبر تئاتر و منابع علمی به صورت چاپی منتشر می‌شوند و اعتبار بیشتری دارند. این موضوع مختص ایران نیست و در سراسر جهان نیز وجود دارد.

مثلاً مجله تئاتری که من مدیریت می‌کردم، مطالبش تأثیرگذار بود و حتی اعتراض مسئولان را به همراه داشت، نشان‌دهنده اهمیت و مخاطب آن بود.

اگر کتاب‌های دیجیتال وجود دارند، چرا هنوز کتاب‌های چاپی منتشر می‌شوند؟ این به فرهنگ جامعه مربوط است. با وجود جمعیت بالا، فروش کتاب‌های چاپی کند است و نویسندگان تعداد محدودی از کتاب‌های‌شان را چاپ می‌کنند. در حوزه تئاتر نیز حدود ۵ تا ۶ هزار دانشجو نیازمند منابع علمی چاپی و معتبر هستند.

آقای قادری! در این ماهنامه «صحنه» موضوعات متنوعی از جمله تئاتر ایران، تئاتر جهان، نقد نمایشنامه‌ها، معرفی کتاب و مسائل مختلف حوزه تئاتر پوشش داده می‌شود. می‌خواهم بدانم در این نشریه که مجموعه‌ای از مقالات از سوی نویسندگان مختلف منتشر می‌شود. معیار شما برای انتخاب این مقالات و نویسندگان چیست و نویسندگان چگونه انتخاب می‌شوند؟

ما به دلیل عدم اعتقادمان به این جمله که «هنر نزد ایرانیان است و بس» علاوه بر پرداختن به تئاتر ایران، همزمان تئاتر جهان و اتفاقات روز این حوزه را نیز معرفی می‌کنیم. البته مهم‌ترین بخش ماهنامه مربوط به «میز ایران» است، یعنی تمرکز اصلی روی تئاتر ایران است.

از گذشته تاکنون، تأکید ما بر «تئاتر» بوده، نه صرفاً نمایش. به‌صورت گام‌به‌گام و از منظر تاریخی پیش می‌رویم و معتقدیم در دنیای تئاتر، بدون نقد و نظریه‌پردازی، رشد و پیشرفت ممکن نیست؛ به همین دلیل بخشی به نام «نقد» نیز در ماهنامه داریم.

در انتخاب نویسندگان، سه دسته مقالات داریم: بخشی که موضوع به نویسندگان سفارش داده می‌شود، بخشی که مقالات به‌صورت ارسالی به دست ما می‌رسد و بخشی که مربوط به گفت‌وگوها و نقدهای حضوری است. البته بسیاری از نویسندگان به دلیل ترس از نقد یا برداشت اشتباه از حضور در جلسات نقد حضوری خودداری می‌کنند، چراکه نقد را صرفاً به معنای ایرادگیری می‌دانند.

ما اعتقاد داریم که مجله «صحنه» تنها برای گروه یا طیف خاصی از افراد نیست و به دلیل وابستگی‌اش به حوزه هنری، محدود به آن نیست. ما با تمام کسانی که بتوانند بر اساس مرام‌نامه و معیارهای ما درباره تئاتر بنویسند، ارتباط برقرار می‌کنیم، اینکه آنها همکاری کنند یا خیر، انتخاب خودشان است.

شما در انتهای هر شماره، چکیده‌ای به زبان انگلیسی نیز منتشر می‌کنید، علت این اقدام چیست؟

بخش چکیده‌های انگلیسی فقط مربوط به مطالب تألیفی ماست که به تئاتر ایران و نظریه‌پردازی ایرانی اختصاص دارد. هدف از این کار، ارسال این مجله به کتابخانه‌ها و دانشگاه‌های خارج از کشور است که با توجه به امکانات ما، مجله را برای آنها ارسال می‌کنیم. آنها با خواندن چکیده می‌توانند در صورت نیاز درخواست ترجمه کامل مقاله را داشته باشند. این اقدام به منظور ایجاد تعامل و ارتباط بیشتر با جامعه تئاتر جهان است.

درباره همکاری مجله «صحنه» با حوزه هنری نیز بفرمایید؛ چاپ این مجله از سوی حوزه هنری چگونه انجام می‌شود؟

مجله «صحنه» ریشه‌اش به دوره سیدمرتضی آوینی و مجله «سوره» بازمی‌گردد، جایی که بخش «صحنه سوره» از سوی نویسنده اداره می‌شد. پس از شهادت آوینی و تغییرات مدیریتی، مجله «صحنه» به عنوان یک نشریه مستقل منتشر شد، هرچند نویسنده چند بار از آن کنار گذاشته و دوباره بازگشت. این مجله با چالش‌ها و هجمه‌هایی از سوی برخی جریان‌های روشنفکرنما و اپوزیسیون مواجه بوده که به دلیل ارتباط آن با حوزه هنری، حاضر به همکاری نشده‌اند.

امروز «صحنه» در کتابفروشی‌های معتبر تهران و با همکاری «سلوک هنر» در کتابخانه‌های سراسر کشور عرضه می‌شود و نویسنده امیدوار است که مجله به مرور زمان جایگاه اصلی خود را در تئاتر ایران پیدا کند.

به عنوان سؤال پایانی، وضعیت تئاتر ایران و نمایشنامه‌نویسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا می‌توان گفت که تئاتر امروز ایران در شرایط نامناسب و بحرانی قرار دارد؟

وضعیت تئاتر ایران بحرانی است و دلیل اصلی آن سیاستگذاری‌های نادرست مسئولان و کمبود بودجه فرهنگی است که حتی از حوزه‌هایی مثل فوتبال کمتر است. برخی به سمت تئاتر خصوصی رفته‌اند، اما بدون درک درست از ماهیت آن؛ در دنیا دولت‌ها به حمایت از تئاتر ادامه می‌دهند بدون دخالت مستقیم.

تئاتر خصوصی به دلیل نیاز به سودآوری، معمولاً به سمت نمایش‌های سطحی و عامه‌پسند گرایش دارد و از موضوعات جدی دور می‌شود. تصور اینکه تئاتر باید بدون حمایت دولت خودکفا باشد، غلط است چون تئاتر مثل علوم یا فلسفه نیاز به حمایت دارد.

همچنین مشکل دیگری به نام «روشنفکرزدگی» وجود دارد که باعث شده عده‌ای فکر کنند تئاتر ارزشمند یعنی اپوزیسیون صرف، در حالی که تئاتر واقعی نقد اجتماعی عمیق است بدون شعارهای سیاسی سطحی. تئاتر مذهبی سطحی و کلیشه‌ای هم به هنر تئاتر ضربه زده و هویت اصیل تئاتر دینی مخدوش شده است، در حالی که نمونه‌های اصیل و کلاسیک این نوع تئاتر وجود دارد.

در نهایت، قیمت دوماهنامه هنری مورد بحث مناسب و با حمایت حوزه هنری پایین نگه داشته شده تا دسترسی برای دانشجویان و علاقه‌مندان آسان باشد.

آقای قادری نکته پایانی دارید؟

من باید اشاره کنم که این مجله، مجله شخصی من نیست، بلکه متعلق به همه ماست. این نشریه حاصل همت و تلاش بی‌بدیل آقای کوروش زارعی است که با وجود همه سختی‌ها ایستادگی کرد تا مجله منتشر شود. همچنین از مساعدت و همراهی آقای دادمان که نظرات ما را پذیرفت و حمایت کردند، بسیار سپاسگزارم. با توجه به محدودیت بودجه حوزه هنری و امکانات تئاتر، این حمایت‌ها بسیار ارزشمند است.

پیشخوان Pishkhan.com

نظام آموزشی ایران در دو راهی تحول یا فرسایش

نگاه مصرفی به آموزش و پرورش تغییر نکند بساط همین است

«جوان» در میزگردی با حضور احمدرضا دوراندیش، محمود اسفندیار و بیتا مهدی، شکاف میان نیازهای نسل جدید و ساختارهای سنتی آموزش و همچنین گره کور بودجه و مصائب عبور از کنکور را بررسی کرد

علی بوردهقان | جوان

■ مهسا گربندی

آینده آموزش و پرورش ایران بر لبه تیغ ایستاده است. از یک‌سو معلمان فرسوده از فشار اقتصادی و سیاست‌های ناکارآمد، از سوی دیگر نسلی از دانش‌آموزان که با فناوری، فردگرایی و عطش تغییر به میدان آمده‌اند. در این بین مدارس بیش از همیشه میان دیروز و امروز این نسل سردرگم مانده‌اند. نسلی که با آموزش‌های دیروز نمی‌تواند فردا را بسازد. در چنین بزنگاهی، سؤال مهمی مطرح می‌شود؛ اینکه آیا می‌توان نظامی آموزشی ساخت که هم پاسخگوی نیازهای پیچیده و سیال قرن ۲۱ باشد و هم پیوند خود را با ریشه‌های فرهنگی، اجتماعی و هویتی‌اش حفظ کند؟ برای یافتن جواب این سؤال و همچنین بررسی فاصله روبه‌گسترش میان نیازهای واقعی دانش‌آموزان با آنچه در مدارس امروز عرضه می‌شود، «جوان» در نشستی با احمدرضا دوراندیش معاون دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش، محمود اسفندیار کارشناس ارشد اقتصاد آموزش و پرورش و بیتا مهدی رئیس گروه کمیسیون منابع و سرمایه‌های انسانی آموزش و پرورش گفت‌وگو کرده است. افرادی که در دل ساختارهای تصمیم‌سازی آموزش کشور حضور دارند و دغدغه‌های واقعی این حوزه را می‌شناسند. در این گفت‌وگو، از چالش‌های بودجه‌ای گرفته تا عدالت آموزشی، از کیفیت محتوای درسی تا وضعیت معلمان و اسناد تحول، از فاصله میان سیاستگذاری و اجرا و از چشم‌انداز آینده‌ای روشن‌تر برای آموزش و پرورش سخن به میان آمده است. این گفت‌وگو برای کسانی است که نگران فردای فرزندان‌شان و آینده این مرز و بوم هستند و می‌خواهند بدانند راه اصلاح و پیشرفت از کجاست؟!

■■■

در حال حاضر نهادهای متعددی در حوزه آموزش و پرورش سیاستگذاری یا تصمیم‌گیری می‌کنند، از مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی گرفته تا مجمع تشخیص، هیئت وزیران، شورای عالی شهرسازی و... در این میان، جایگاه واقعی شورای عالی آموزش و پرورش کجاست؟ آیا این شورا توان اثرگذاری مستقل دارد یا در حاشیه قرار گرفته است؟

احمدرضا دوراندیش: تعدد نهادهای تصمیم‌گیر در حوزه آموزش و پرورش بی‌تردید یکی از آسیب‌های مهم این حوزه است. مجلس، شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیئت وزیران و دیگر نهادها، هر یک در جایگاه قانونی خود تصمیماتی می‌گیرند که گاه به تداخل وظایف می‌انجامد. در این میان، جایگاه شورای عالی آموزش و پرورش بر اساس قانون مشخص است، به‌ویژه طبق ماده قانونی مصوب مجلس هر تصمیم مهم اجرایی در آموزش و پرورش باید با نظر شورای عالی اتخاذ شود.

این شورا از نظر قانونی نهادی کارشناسی و سیاستگذار در حوزه آموزش عمومی کشور است و سازمان‌هایی مانند سازمان بازرسی کل کشور نیز بر لزوم نهادینه شدن جایگاه آن تأکید دارند. ما خود را با توجه به قانونی که از سوی مجلس به ما محول شده، نوعی شعبه کارشناسی مجلس می‌دانیم که در ساختار دولت جای گرفته است.

با این نگاه، انتظار داریم اعتماد نهادی به شورا تقویت شود، چراکه در شورای عالی، نظرات کارشناسی عمیقی در کمیسیون‌های تخصصی شکل می‌گیرد، مسائل به‌طور دقیق بررسی می‌شود و تصمیمات پس از طی فرایندهای کارشناسی به مصوبه تبدیل می‌شوند. بنابراین، این شورا ظرفیت و توان اثرگذاری مستقل و مؤثر را داراست، به شرط آنکه هماهنگی میان نهادهای موازی برقرار شود.

نکته مهم دیگر، ترکیب اعضای شورای عالی آموزش و پرورش است که به‌خوبی جایگاه آن را نشان می‌دهد. ریاست شورا بر عهده رئیس‌جمهور است و وزرای مؤثر در نظام تعلیم و تربیت مانند وزرای علوم، بهداشت، ارشاد، جهاد کشاورزی و صمت، همچنین نمایندگان مجلس، سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای و سایر نهادها در آن حضور دارند. این ترکیب، تنوع و گستره نیازهای نظام آموزشی کشور را پوشش می‌دهد.

در حوزه تخصصی من که آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای است، تعامل با وزارتخانه‌هایی مانند جهاد کشاورزی یا صنعت برای هماهنگی محتوای دروس بسیار مهم است. این تجربیات نشان داده است اگر تصمیمات در نهاد تخصصی و متولی اتخاذ شود، نتیجه کار اثربخش‌تر خواهد بود. بنابراین شورای عالی آموزش و پرورش نه‌تنها ظرفیت اثرگذاری مستقل را دارد، بلکه قانوناً و عملاً در جایگاهی قرار دارد که می‌تواند بر سرنوشت نظام تعلیم و تربیت کشور تأثیرگذار باشد.

شورای عالی آموزش و پرورش با افزایش سقف سنی ورود به دانشگاه فرهنگیان تا ۳۰ سال موافقت نکرد. وزیر آموزش و پرورش اما در نامه‌ای به شورای عالی انقلاب فرهنگی خواستار این افزایش شد. این موضوع چه پیامی درباره هماهنگی در نظام تصمیم‌گیری آموزش دارد؟ آیا مصوبات شورا ضمانت اجرایی کافی دارند؟

دوراندیش: ابتدا باید تأکید کنم تعیین سن ورود به دانشگاه فرهنگیان در حیطه اختیارات شورای عالی آموزش و پرورش نیست و این موضوع بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است. شورای عالی آموزش و پرورش در این زمینه صرفاً نقش مشورتی دارد و مصوبات الزام‌آور ندارد.

در مورد این موضوع خاص، شورا نظر کارشناسی خود را به‌عنوان مشورت ارائه داد و نمایندگانی از شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز حضور داشتند تا هماهنگی انجام شود. بنابراین تعارضی میان شوراها وجود نداشت، بلکه تقسیم کار و تعامل صورت گرفته است.

البته در مسائل آموزشی ذی‌نفعان مختلفی وجود دارند که نظرات‌شان متفاوت است. برای مثال درباره سقف سنی ورود به دانشگاه فرهنگیان، اگر تغییر ایجاد شود یا نشود، گروه‌هایی ممکن است احساس نارضایتی کنند. بنابراین بهترین راهکار، برنامه‌ریزی دقیق، شفاف و مرحله‌ای است، مانند آنچه در سند جامع منابع انسانی آموزش و پرورش و برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده است.

در نهایت تا امروز موردی نبوده که مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش به‌طور مستقیم از سوی نهاد دیگری لغو شود. تغییرات معمولاً بر اساس توافق و مشورت بوده و این به معنای بی‌اعتباری مصوبات شورا نیست.

رئیس‌جمهور تاکنون حدود ۵۰ جلسه درباره آموزش‌وپرورش برگزار کرده است. خروجی عملی این جلسات چه بوده؟ آیا آموزش‌وپرورش از این ظرفیت حمایتی استفاده کرده است؟

دوراندیش: برگزاری این تعداد جلسه در سطح عالی، نشان‌دهنده نگاه راهبردی رئیس‌جمهور به آموزش‌وپرورش است و فرصتی ارزشمند برای تحول در این حوزه به‌شمار می‌آید.

در بسیاری از جلسات، شخص رئیس‌جمهور با ابتکار خود موضوعات مهمی را مطرح کرده و حتی گاهی جلوتر از دستگاه آموزشی وارد عمل شده‌اند. تمرکز اصلی ایشان نیز بر ارتقای کیفیت و تحقق عدالت آموزشی بوده است.

نتایج این توجه با همراهی وزیر آموزش‌وپرورش و بدنه اجرایی، به‌تدریج در حال بروز است و انتظار می‌رود در سال تحصیلی جدید، نشانه‌هایی از این تحولات مانند روش‌های نوین تدریس و استفاده از فناوری دیده شود.

البته نباید انتظار داشت همه ابعاد نظام آموزشی به‌سرعت متحول شوند. تحول واقعی نیازمند زمان، استمرار و برنامه‌ریزی مرحله‌ای است. با تداوم این روند، می‌توان به آینده آموزش‌وپرورش امیدوار بود.

فاصله زیادی بین اسناد بالادستی چون سند تحول بنیادین و واقعیت‌های مدرسه وجود دارد. چرا این فاصله شکل گرفته؟ و برای کاهش این فاصله چه اقداماتی در دستور کار شماست؟

دوراندیش: این فاصله، ریشه در همان چالشی دارد که همیشه میان مرحله نظریه‌پردازی و مرحله اجرا وجود داشته است. طبیعتاً اسناد بالادستی مثل سند تحول بنیادین با نگاهی آینده‌نگر و بلندمدت نوشته می‌شوند، اما در مرحله اجرا با محدودیت‌ها و ملاحظات متعددی مواجه می‌شویم که اجرای کامل آنها را دشوار می‌سازد.

از نظر من، اسناد بالادستی ما از جمله سند تحول بنیادین، از کیفیت مناسبی برخوردارند. سند تحول، یکی از اسنادی است که در فرمایشات مقام معظم رهبری بیشترین تأکید و حمایت را داشته و مورد توجه ویژه ایشان بوده است. اما این اسناد زمانی می‌توانند محقق شوند که زیرساخت‌های لازم برای اجرای آنها فراهم باشد.

در خود سند تحول، زیرنظام‌هایی تعریف شده‌اند، از جمله زیرنظام «منابع انسانی» و «تخصیص منابع». در بحث منابع انسانی، ویژگی‌هایی برای معلمان و نیروهای آموزشی تعریف شده، اما در عمل، به دلیل فشارهایی که در سال‌های گذشته از سوی برخی نهادها به آموزش و پرورش وارد شده است، گاهی از اصول سند فاصله گرفته‌ایم. خوشبختانه اکنون جلوی بخشی از آن فشارها گرفته شده است.

در زمینه تخصیص منابع هم مشکل داشتیم. مثلاً توسعه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در سند پیش‌بینی شده، اما در عمل، تجهیزات، فضا و امکانات متناسب با آن تأمین نشده است. یا در مورد هنرستان‌ها، اهداف خوبی تدوین شده، اما منابع مالی برای تحقق آنها تخصیص نیافته است. در مجموع، اسنادی نو شته شده‌اند که اجرای آنها بدون پیش‌بینی امکانات و الزامات لازم دشوار بوده است.

این اسناد قابل اجرا هستند، اما باید بپذیریم اجرای موفق آنها مستلزم تأمین منابع، بازنگری مدیریتی، به‌روزرسانی برنامه‌های درسی و ارتقای نظام ارزشیابی است. بخشی از مشکلات نیز ناشی از شرایط کلان کشور یا اتفاقات غیرقابل پیش‌بینی بوده که روند اجرا را تحت تأثیر قرار داده است. مثلاً شرایط اقتصادی، تحولات اجتماعی یا حوادث خاصی که در سال‌های اخیر تجربه کردیم، همگی در اجرای این اسناد تأثیرگذار بوده‌اند.

از طرف دیگر، بخشی از مشکلات به خود ما برمی‌گردد، به تدبیرها و روش‌هایی که در اجرا انتخاب کرده‌ایم. تجربه‌های گذشته نشان داده است باید به سمت راه‌حل‌های بهره‌ورانه‌تر برویم. خوشبختانه با توجه به عزم رئیس‌جمهور و ورود ایشان به موضوع آموزش و پرورش می‌توان امیدوار بود اجرای اسناد بالادستی نیز با اولویت و جدیت بیشتری دنبال شود. اگر نگاه حمایتی دولت ادامه یابد و ما نیز در داخل نظام آموزشی تدبیر لازم را داشته باشیم، می‌توان این فاصله را کاهش داد و اسناد را به واقعیت مدرسه نزدیک‌تر کرد.

نسل بعدی معلمان چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند و شورای‌عالی آموزش و پرورش چه برنامه‌ای برای تربیت این نسل در نظر دارد؟

بیتا مهدی: در برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران به‌طور خاص در بند ۸۸، وزارت آموزش‌وپرورش موظف شده است سند جامعی برای منابع انسانی تدوین کند. این سند باید همه مراحل مسیر معلمی را در بر بگیرد؛ از لحظه ورود فرد به نظام آموزش‌وپرورش تا فرایند تربیت، نگه‌داشت، ارزیابی و حتی خروج از خدمت.

سه ماه مهلت تعیین شده بود، اما با توجه به حجم بالای این مأموریت، نزدیک به یک سال است روند تهیه این سند آغاز شده است و اکنون این سند مسیر بررسی در کمیسیون‌ها و شورای عالی را طی می‌کند تا به تصویب نهایی برسد. این سند عملاً نقطه عزیمت ما در بازطراحی زیرنظام منابع انسانی است، با تمرکز ویژه بر معلم و مدرسه.

در این چارچوب، ارتقای کیفیت معلم به عنوان اصلی‌ترین محور در نظر گرفته شده است. در فصل‌های مختلف سند به مؤلفه‌های مختلفی همچون ویژگی‌های حرفه‌ای، عمومی و تخصصی معلم پرداخته و حتی در پیوست‌هایی مشخص کرده‌ایم یک معلم مطلوب باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد.

یکی از نکات مهم این است که در آینده، استخدام معلمان به شیوه فعلی (استخدام رسمی مادام‌العمر) ادامه نخواهد داشت. به جای آن، مدل جدیدی طراحی شده که در آن معلمان طی دوره‌های ۱۰ ساله ارزیابی می‌شوند و گواهی صلاحیت حرفه‌ای دریافت می‌کنند. اگر فردی نتواند صلاحیت‌های لازم را کسب کند، از چرخه معلمی خارج خواهد شد و در حوزه‌های دیگر به‌کار گرفته می‌شود.

طبق سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش، صلاحیت‌های معلمی در سه بخش تعریف شده است: صلاحیت‌های عمومی، تخصصی و حرفه‌ای. صلاحیت‌های عمومی شامل ویژگی‌های شخصیتی و انسانی معلمان است، ویژگی‌هایی که باید از همان ابتدا در فرایند انتخاب معلم در نظر گرفته شود. صلاحیت‌های تخصصی عمدتاً مربوط به آموزش‌های دانشگاهی و علمی است و از طریق دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی پیگیری می‌شود. اما مهم‌ترین بخش، صلاحیت‌های حرفه‌ای است که بر نحوه عملکرد معلم در کلاس درس تمرکز دارد. در سند جدید، برنامه‌های مشخصی برای ارتقای مستمر این صلاحیت‌ها در نظر گرفته شده تا معلمان پس از ورود به آموزش‌وپرورش رها نشوند و همواره در مسیر یادگیری و به‌روزرسانی قرار داشته باشند.

برخی معلمان می‌گویند محتوای کتاب‌های درسی مانع خلاقیت آنها می‌شود. از سوی دیگر، برخی معتقدند اگر معلم خلاق و توانمند باشد، با همین محتوای درسی هم می‌تواند تدریس مؤثر داشته باشد. از نظر شما کدام عامل نقش بیشتری دارد؟ معلم یا محتوا؟

مهدی: هر دو عامل مهم هستند، اما تجربه و شواهد می‌گوید اگر معلم به درستی و با صلاحیت حرفه‌ای تربیت شده باشد، می‌تواند حتی با محتوای فعلی، تدریس مؤثر و خلاقانه‌ای ارائه دهد. نمایندگان دانشگاه‌های فرهنگیان و شهید رجایی نیز در همین راستا معتقدند اگر معلم به‌درستی تربیت شود، بسیاری از کمبودهای محتوایی قابل جبران است.

با این حال، نمی‌توان نقش محتوای درسی را نادیده گرفت. یکی از چالش‌های ما این است که کتاب‌های درسی معمولاً بر حفظیات تأکید دارند و فضای چندانی برای خلاقیت باقی نمی‌گذارند. این موضوع به‌ویژه در مواجهه با نسل امروز دانش‌آموزان که به تعامل، تصویر، صدا و یادگیری شخصی‌سازی‌شده عادت کرده‌اند، مشکل‌ساز می‌شود.

ما نیاز به معلمانی داریم که مهارت انطباق با نسل‌های مختلف را داشته باشند و بتوانند در نقش «تصویرگر آموزش» ظاهر شوند. این یعنی آموزش باید از شیوه‌های سنتی فاصله بگیرد و به سمت روش‌های فعال، مشارکتی و مبتنی بر فناوری‌های نو حرکت کند.

سال‌ها قبل در دفتر تألیف فنی‌وحرفه‌ای، مدل متفاوتی از آموزش در هنرستان‌ها اجرا شد، مدلی با تأکید بر آموزش مبتنی بر شایستگی و امتحانات با کتاب باز. برای این کار، کتابی به‌نام کتاب همراه هنرجو طراحی شد که به دانش‌آموز کمک می‌کرد مفاهیم کلیدی و استانداردهای لازم را در زمان امتحان همراه داشته باشد. رویکردی که باعث شد از حافظه‌محوری فاصله گرفته و به‌جای آن، مهارت‌های کاربردی، محور قرار داده شود. اما در آموزش عمومی، هنوز چنین تحولی رخ نداده است. یکی از دلایل اصلی این مسئله، ارتباط دوسویه با نظام کنکور است. تا زمانی که کنکور بر پایه حافظه و تست‌های چهارگزینه‌ای باشد، محتوای درسی هم ناچار به پیروی از همین منطق است.

عجیب است که تقریباً همه مسئولان مخالف این مدل ارزشیابی هستند، با این وجود اما شاهد هستیم در عمل، باز همان مسیر اشتباه را ادامه می‌دهیم! پس چطور می‌توانیم تحول ایجاد کنیم؟

بیتا مهدی: اگر بخواهیم واقعاً تحول ایجاد کنیم، باید از بخش نحوه ارزشیابی شروع کنیم. در سیاست‌های کلی تحول در آموزش و پرورش، تنها جایی که واژه «بنیادین» آمده، در بحث تحول در نظام ارزشیابی است. اگر ارزشیابی ما مبتنی بر شایستگی شود، محتوا نیز ناچار به تحول خواهد شد.

نقش شورای عالی آموزش و پرورش در این مسیر، بسیار کلیدی است. ما می‌توانیم با ابزارهای قانونی و مصوبات خود، از آموزش‌وپرورش حمایت کنیم تا به سمت طراحی محتوا و ارزشیابی مبتنی بر شایستگی حرکت کند. همچنین تلاش می‌کنیم از ورود و تصویب طرح‌هایی که خلاف این جهت‌گیری هستند، جلوگیری کنیم.

ما در کشتی‌ای مشترک هستیم. اگر کسانی از بیرون منفعتی از وضعیت موجود می‌برند اما باعث آسیب به کل نظام آموزشی می‌شوند، باید با گفت‌وگو و اقناع، آنها را به مسیری سازنده هدایت کرد. منابع انسانی و مالی کشور باید به سمتی هدایت شوند که خروجی آن، شهروندانی توانمند، متفکر، خلاق و با مهارت باشد، نه صرفاً حافظه‌ای پر از فرمول‌های بی‌کاربرد.

فاصله طبقاتی در آموزش و پرورش در حال افزایش است. اقتصاد آموزش کشور در برابر این شکاف چه کاری انجام داده یا می‌تواند انجام دهد؟

محمود اسفندیار: یکی از چالش‌های همیشگی آموزش و پرورش، از میانه‌های دهه ۷۰ به بعد، تأمین منابع مالی متناسب با نیاز واقعی بوده است. در بسیاری از سال‌ها، عملکرد مالی وزارتخانه تا ۲۰ درصد بیش از بودجه مصوب بوده است. این به دلیل آن است که برآوردهای وزارتخانه بر اساس واقعیت‌های میدانی انجام می‌شود، اما در مرحله تصویب بودجه، این نیازها به‌طور کامل دیده نمی‌شود.

در سال‌های اخیر، برای اولین‌بار توانستیم در تعامل با سازمان برنامه و بودجه، معوقات مالی آموزش و پرورش را به‌صورت دقیق و مستند ارائه کنیم. برای مثال، در دو سال گذشته، ارقام بزرگی مثل ۴۴ هزار میلیارد تومان معوقه با جزئیات کامل به سازمان برنامه گزارش شد تا در فرایند تخصیص و برنامه‌ریزی، جایگاه آموزش و پرورش روشن‌تر شود.

اما ریشه مشکل، صرفاً در اعداد و ارقام نیست. مشکل در «نوع نگاه» به آموزش و پرورش است. تا زمانی که نگاه مصرفی بر آموزش و پرورش حاکم باشد نه نگاه سرمایه‌محور، ما در برطرف کردن شکاف‌ها و ارتقای عدالت آموزشی موفق نخواهیم بود.

مقام معظم رهبری در بسیاری از دیدارهای سال‌های اخیرشان و به تازگی هم رئیس‌جمهور بر همین موضوع تأکید داشته‌اند که آموزش و پرورش باید به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری راهبردی دیده شود، نه هزینه.

در ادبیات جهانی، اقتصاد آموزش سابقه‌ای طولانی دارد. از حدود سال ۱۹۶۰، اقتصاددان‌هایی مانند شولتز، آموزش را به‌عنوان یکی از ارکان سرمایه انسانی معرفی کردند و تأکید داشتند تخصیص منابع به آموزش، درواقع سرمایه‌گذاری برای آینده است. در ایران هم این حوزه از حدود ۲۰ سال پیش مورد توجه جدی قرار گرفته است، اما خروجی‌ها و نتایج عملی آن هنوز به‌اندازه کافی قابل مشاهده نیست.

ما نیازمند یک تفاهم ملی و فهم مشترک بین وزارت آموزش و پرورش، سازمان برنامه و بودجه و مجلس شورای اسلامی هستیم. بدون این هم‌فهمی، اجرای سیاست‌های عادلانه و پایدار ممکن نیست.

در سه سال اخیر، گام‌هایی در این مسیر برداشته شده است به‌ویژه در قالب برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت تلاش کرده‌ایم یک تفاهم پایدار ایجاد شود و آموزش و پرورش در قالب برنامه‌های چندساله، بودجه متناسب و هدفمند دریافت کند.

بدون شک، اقتصاد آموزش و پرورش تنها زمانی می‌تواند شکاف طبقاتی را کاهش دهد که از یک فرهنگ و گفتمان جدید پشتیبانی شود. این تغییر نیازمند زمان و شکل‌گیری لایه‌های مختلف اجتماعی است؛ تحولی تدریجی اما ضروری.

بودجه آموزش و پرورش اغلب صرف حقوق و مزایای کارکنان می‌شود. چه سهمی از آن واقعاً به توسعه کیفیت آموزشی اختصاص می‌یابد؟

اسفندیار: در خوش‌بینانه‌ترین حالت، تنها حدود ۱۰ درصد از بودجه آموزش و پرورش به حوزه کیفیت آموزشی اختصاص می‌یابد. در عمل، در برخی سال‌ها این عدد به حدود ۵ تا ۷ درصد کاهش یافته است، چراکه بخش عمده بودجه صرف پرداخت حقوق و مزایا می‌شود.

این در حالی است که هدفگذاری ما رسیدن به ۱۵ درصد سهم کیفیت است، اما فاصله ما با این هدف به دلیل برخی چالش‌های ساختاری زیاد است. مهم‌ترین عامل، نداشتن برآورد مالی دقیق و رسمی برای اجرای برنامه‌های سند تحول بنیادین است.

در سند تحول، حدود ۱۳۱ راهکار تعریف شده که در قالب ۴۵۸ برنامه اجرایی قرار می‌گیرند. از سال ۱۳۹۷ تا امروز نتوانسته‌ایم برآورد مالی جامع و قابل اتکایی برای این برنامه‌ها ارائه دهیم، در نتیجه، تخصیص بودجه بر اساس نیاز واقعی انجام نشده است.

در مدل جدیدی که در دولت سیزدهم پیگیری می‌شود، پروژه‌های تحولی به‌صورت گام‌بندی‌شده تعریف شده‌اند (حدود ۱۴۷ پروژه). حالا قرار است، برای این پروژه‌ها، پیوست مالی نیز تهیه شود مشابه کاری که در طرح تحول سلامت انجام شد. این موضوع می‌تواند آغاز تحول جدی در تأمین مالی آموزش و پرورش باشد.

تا زمانی که چنین برآوردی انجام نشود، ما نمی‌توانیم بودجه را از هزینه‌های جاری به سمت کیفیت ببریم. طبیعی است وقتی هنوز معوقات پرسنلی پرداخت نشده است، هیچ نهاد برنامه‌ریزی‌ای اجازه اختصاص منابع به ارتقای کیفیت آموزشی نمی‌دهد.

در پایان، باز هم باید تأکید کنم همه این مسائل به فهم مشترک حاکمیتی از نقش آموزش و پرورش در توسعه کشور بازمی‌گردد. بدون این فهم مشترک، بودجه‌ها همچنان صرف حفظ وضع موجود می‌شود و امکان سرمایه‌گذاری مؤثر در کیفیت آموزشی فراهم نخواهد شد.

پیشخوان
Pishkhan.com

احمدرضا دوراندیش

بیتا مهدی

محمود اسفندیار

گزارش

پروین قائمی

نگاهی به تغییر نقش زن و مرد در خانواده و جامعه

انعطاف‌پذیری نقش‌ها برای مدیریت خانواده

در طول تاریخ، نقش زن و مرد در خانواده و جامعه همواره در حال تغییر و تطور بوده است. این تغییرات که ریشه در تحولات عمیق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دارند بر ساختار خانواده به عنوان اولین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و همچنین بر مناسبات درونی آن تأثیر عمیقی گذاشته‌اند. خانواده، به‌عنوان کانون تربیت نسل‌های آینده و بستری برای رشد و تعالی انسان، همواره تحت تأثیر نیروهای بیرونی و درونی دستخوش دگرگونی بوده است. درک این تحولات، برای مواجهه با چالش‌های پیش رو و ترسیم آینده‌ای متعادل‌تر و عادلانه‌تر ضروری است.

پیشینه تاریخی

تاریخ بشر، شاهدی بر دگرگونی‌های مداوم نقش‌های جنسیتی است. در جوامع سنتی کشاورزی که اقتصاد مبتنی بر زمین و تولیدات اولیه بود، تقسیم کار جنسیتی به شکلی نسبتاً مشخص تعریف شده بود. در این جوامع، مرد عمدتاً وظیفه نان‌آوری، تأمین معاش و فعالیت در عرصه عمومی و بیرونی (مانند کشاورزی، شکار و دفاع) را بر عهده داشت. در مقابل، زن بیشتر به‌عنوان مدیر خانه، مسئول تربیت فرزندان، مراقبت از اعضای خانواده و انجام کارهای داخلی (مانند پخت‌وپز، نظافت، نگهداری از باغچه و دام‌های کوچک) شناخته می‌شد. این تقسیم وظایف، اگرچه به ظاهر انعطاف‌ناپذیر به نظر می‌رسید، اما در چارچوب نیازهای زیستی و اجتماعی آن دوران، کارکرد خود را داشت.

انقلاب صنعتی تحولات گسترده‌ای را در ساختار اجتماعی و اقتصادی ایجاد و به تبع آن، نقش زن و مرد را نیز دستخوش تغییرات بنیادین کرد. با ظهور کارخانه‌ها و گسترش شهرنشینی، نیاز به نیروی کار در بخش‌های صنعتی و خدماتی افزایش یافت. این نیاز، به‌ویژه در دوران جنگ جهانی اول و دوم، زمینه را برای ورود گسترده‌تر زنان به بازار کار فراهم کرد. زنانی که پیش از این عمدتاً در محیط خانه فعالیت داشتند، اکنون به کارخانه‌ها، دفاتر و مشاغل مختلف روی آوردند. این ورود به عرصه عمومی، نه تنها از نظر اقتصادی بر خانواده‌ها تأثیر گذاشت، بلکه انتظارات اجتماعی و خودباوری زنان را نیز دگرگون کرد.

تحلیل جامعه‌شناسی

از منظر جامعه‌شناسی، نقش‌های جنسیتی نه امری زیستی و ثابت، بلکه محصول قراردادهای اجتماعی و فرهنگی هستند که در طول زمان و در بستر جوامع مختلف شکل می‌گیرند و تغییر می‌کنند. این نقش‌ها، مجموعه‌ای از انتظارات، رفتارها و مسئولیت‌هایی هستند که جامعه از زن و مرد بر اساس جنسیت آنها انتظار دارد. عوامل متعددی در شکل‌دهی به این انتظارات نقش دارند:

رسانه‌ها: رسانه‌ها از فیلم و تلویزیون گرفته تا تبلیغات و مجلات در بازنمایی و ترویج الگوهای خاصی از زن و مرد نقش بسزایی دارند. گاه این بازنمایی‌ها، تصویری کلیشه‌ای و سنتی از نقش‌های جنسیتی ارائه می‌دهند که در آن مردان قوی، نان‌آور و مدیر و زنان لطیف، احساسی و خانه‌دار معرفی می‌شوند، اما در مقابل، رسانه‌های مدرن و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، با تولید و انتشار محتواهای متنوع، امکان بازنمایی نقش‌های جدید و متفاوتی را از زن و مرد فراهم آورده‌اند. تصاویری که در آنها زنان در مشاغل مردانه و مردان در وظایف خانه‌داری و مراقبت از فرزندان دیده می‌شوند، به‌تدریج در حال عادی‌سازی هستند. این تصویرسازی‌های جدید و گاه متناقض بر تصورات افراد از خود و انتظارات‌شان از شریک زندگی‌شان تأثیر گذاشته و باعث شکل‌گیری الگوهای تازه‌ای در خانواده شده است.

آموزش: نظام آموزشی، به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی جامعه‌پذیری در انتقال هنجارها و ارزش‌های اجتماعی نقشی اساسی را ایفا می‌کند. محتوای کتاب‌های درسی، روش‌های تدریس معلمان و محیط کلی مدرسه در تقویت یا تضعیف کلیشه‌های جنسیتی مؤثرند. آموزش‌هایی که عدالت جنسیتی را تبلیغ می‌کنند و به دختران و پسران فرصت‌های برابر برای رشد و شکوفایی استعدادهای‌شان را می‌دهند به ایجاد نسلی با دیدگاه‌های مدرن‌تر و کمتر مقید به نقش‌های سنتی کمک می‌کنند. سیاستگذاری: قوانین و سیاست‌های دولتی از جمله در حوزه خانواده، کار، آموزش و بهداشت، مستقیماً بر نقش‌های جنسیتی تأثیر می‌گذارند. سیاست‌هایی مانند حمایت از مرخصی والدین برای هر دو جنس، ایجاد تسهیلات برای مراقبت از کودکان، ترویج برابری دستمزد در بازار کار و مبارزه با تبعیض جنسیتی، همگی در تغییر و تعدیل نقش‌های سنتی و ایجاد تعادل بیشتر بین زن و مرد مؤثرند. در عصر حاضر با گسترش ارتباطات و دسترسی به اطلاعات، افراد بیشتر با دیدگاه‌های مختلف در مورد نقش‌های جنسیتی آشنا می‌شوند. این آشنایی، اغلب به پرسشگری نسبت به نقش‌های سنتی و تلاش برای ایجاد توازن و مشارکت برابر در خانواده و جامعه منجر می‌شود. خانواده‌های دگرکار که در آنها زن و مرد هر دو شاغل هستند و مسئولیت‌های خانه و فرزندان را به اشتراک می‌گذارند، به‌طور فزاینده‌ای رایج شده‌اند، هرچند در عمل، توزیع این مسئولیت‌ها همواره چالش‌برانگیز است.

تحلیل روان‌شناسی

تغییر مسئولیت‌ها و انتظاراتی که با تحول نقش‌های جنسیتی همراه است، تأثیرات روان‌شناختی قابل توجهی بر هر دو جنس دارد. این تأثیرات، اغلب پیچیده و چندوجهی هستند و به عواملی چون سبک تربیت، شخصیت فردی و حمایت‌های اجتماعی بستگی دارند. فشار روانی بر مردان: مردانی که با الگوهای سنتی بزرگ شده‌اند، جایی که تعریف اصلی هویت مردانه با نان‌آوری، قدرت، استقلال و عدم‌ابراز احساسات لطیف گره خورده بود، ممکن است با پذیرش و ایفای نقش‌های مشارکتی در خانه یا حتی خانه‌داری احساس بیگانگی کنند. انتظارات سنتی از مردان مبنی بر اینکه همواره باید قوی و حامی اصلی خانواده باشند در حالی که نقش‌های خانگی و مراقبت از فرزندان به‌طور فزاینده‌ای بر دوش زنان قرار می‌گیرد، می‌تواند فشار روانی زیادی را به آنها وارد کند. این وضعیت ممکن است باعث احساس ناکامی، اضطراب یا مقاومت در برابر پذیرش مسئولیت‌های جدید شود. عدم‌حمایت اجتماعی یا حتی تمسخر از سوی همسالان در صورت ایفای نقش‌های خانگی، می‌تواند این احساس بیگانگی را تشدید کند.

فرسودگی شغلی و خانوادگی در زنان: زنانی که هم در بیرون از خانه به فعالیت شغلی مشغولند و هم مسئولیت اصلی یا بخش عمده‌ای از کارهای خانه و مراقبت از فرزندان را بر عهده دارند، اغلب با پدیده «دوشغله» بودن مواجه می‌شوند. این وضعیت به خستگی مفرط، فرسودگی شغلی، کاهش کیفیت زندگی و افزایش استرس منجر می‌شود. تعارض بین نقش‌های خانوادگی و شغلی، احساس گناه ناشی از عدم‌حضور کافی در کنار فرزندان یا عدم‌رسیدگی کامل به امور خانه و فشارهای روانی ناشی از تلاش برای برآورده کردن همزمان همه انتظارات، سلامت روان زنان را به طور جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد. اهمیت بهزیستی روانی: توجه به بهزیستی روانی هر دو جنس، کلید حفظ پایداری و سلامت خانواده در عصر حاضر است. این امر مستلزم ایجاد فضایی است که در آن زن و مرد بتوانند بدون احساس گناه یا فشار، نقش‌های خود را با توجه به توانایی‌ها، علایق و شرایط زندگی خود بازتعریف کنند. پذیرش مسئولیت‌های مشترک، حمایت متقابل و برقراری ارتباط مؤثر و همدلانه در مورد انتظارات و چالش‌ها به کاهش فشارهای روانی و افزایش رضایت زناشویی و خانوادگی کمک می‌کند. درک اینکه هیچ الگوی «ثابتی» برای همه خانواده‌ها وجود ندارد و هر خانواده‌ای می‌تواند با توجه به شرایط و توافقات اعضای خود، مدل مناسب خود را ایجاد کند، امری حیاتی است.

نمونه‌های عینی

برای روشن‌تر شدن مفهوم تغییر نقش‌ها، بررسی نمونه‌های عینی از خانواده‌های امروزی مفید است:

خانواده‌ای که هر دو والد شاغلند و مسئولیت‌ها را به‌طور برابر تقسیم می‌کنند: در این نوع خانواده، زن و مرد هر دو مشغول کارند و درآمدزایی می‌کنند. تفاوت کلیدی این خانواده با سایر خانواده‌های دوشغله در تقسیم عادلانه مسئولیت‌های خانه و مراقبت از فرزندان است. برای مثال، ممکن است کارهای خانه مانند خرید، نظافت و آشپزی بین آنها تقسیم شود یا هر دو در انجام آنها مشارکت کنند، همچنین وظیفه بردن بچه‌ها به مدرسه، رسیدگی به تکالیف آنها و مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه آنها نیز به اشتراک گذاشته می‌شود. این مدل خانواده، نیازمند ارتباط مؤثر، توافق و انعطاف‌پذیری بالایی است و بر پایه ارزش‌هایی چون مشارکت، برابری و احترام متقابل بنا شده است.

خانواده‌ای که مادر شاغل است، اما همچنان بار بیشتری از کارهای خانه بر دوش اوست: این مدل، یکی از رایج‌ترین الگوهای خانواده‌های دوشغله در بسیاری از جوامع است. در این خانواده‌ها، زن هم در بازار کار فعال است و هم مسئولیت عمده کارهای خانه و مراقبت از فرزندان را بر عهده دارد. ممکن است مرد نیز در برخی از کارها کمک کند، اما این کمک‌ها اغلب به صورت «یاری رساندن» تلقی می‌شود و نه مشارکت برابر. این وضعیت می‌تواند به خستگی و فرسودگی مادر و احساس عدم‌تعادل در توزیع وظایف منجر شود. عوامل فرهنگی، باورهای سنتی یا عدم‌تمایل مرد به پذیرش مسئولیت‌های بیشتر، می‌تواند دلایل این عدم‌تعادل باشد. ساختار خانواده و توزیع نقش‌ها در حال حاضر بسیار متنوع و پویاست.

دکتر علی محمدی، جامعه‌شناس معتقد است: «تعادل مسئولیت‌ها نه تنها روابط زناشویی را تقویت بلکه به رشد بهتر فرزندان نیز کمک می‌کند. وقتی زن و مرد هر دو در ابعاد مختلف زندگی خانوادگی و اجتماعی مشارکت فعال دارند، شاهد ایجاد خانواده‌ای سالم‌تر، پویاتر با روابط عمیق‌تر خواهیم بود. فرزندان نیز با مشاهده چنین الگوهایی، مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و حل مسئله بهتری را فرا می‌گیرند و دیدگاه متعادل‌تری نسبت به نقش‌های جنسیتی پیدا می‌کنند.»

دکتر فلاح، روان‌شناس می‌گوید: «شناخت و پذیرش نقش‌های جدید، نیازمند آموزش مهارت‌های ارتباطی در زوجین است. بسیاری از تنش‌ها در خانواده‌های امروزی ناشی از ناتوانی در بیان انتظارات، گوش دادن فعال به حرف‌های طرف مقابل و مذاکره بر سر تقسیم وظایف است. زوجین باید یاد بگیرند که چگونه باهم در مورد چالش‌های ناشی از تغییر نقش‌ها صحبت کنند، به یکدیگر اطمینان دهند و راه‌حل‌های مشترکی را بیابند. این مهارت‌ها که اغلب در دوران آشنایی یا ابتدای زندگی مشترک کمتر به آنها پرداخته می‌شود، برای موفقیت بلندمدت رابطه حیاتی هستند.»

پیشنهادهای اجرایی

برای تسهیل این فرایند تحول و کمک به خانواده‌ها در مواجهه با نقش‌های متغیر، پیشنهادهای عملی زیر قابل طرح هستند: برگزاری کارگاه‌های آموزشی در مدارس و مراکز فرهنگی برای بازتعریف نقش‌ها: این کارگاه‌ها می‌توانند با هدف آگاهی‌بخشی به جوانان و نوجوانان در مورد کلیشه‌های جنسیتی، معرفی الگوهای نوین خانواده و آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض در روابط، طراحی و اجرا شوند. این آموزش‌ها باید از سنین پایین آغاز شوند تا نگرش‌های انعطاف‌پذیر و برابرانگاشته در افراد شکل گیرند. حمایت قانونی از مرخصی والدین برای هر دو جنس: سیاستگذاری در سطح کلان برای ارائه مرخصی زایمان و والدین به صورت برابر برای مادران و پدران، نه تنها بار مسئولیت مراقبت از کودک را توزیع می‌کند، بلکه به مردان نیز اجازه می‌دهد در مراحل اولیه رشد فرزندان‌شان مشارکت فعال‌تری داشته باشند. این امر به کاهش فشار بر زنان و همچنین ترویج پدری فعال کمک شایانی خواهد کرد. ترویج الگوهای موفق در رسانه‌ها: رسانه‌ها از جمله صدا و سیما، سینما و فضای مجازی باید در راستای نمایش هرچه بیشتر خانواده‌هایی که در آنها زن و مرد مسئولیت‌ها را به اشتراک می‌گذارند و از یکدیگر حمایت می‌کنند، تلاش کنند. معرفی شخصیت‌های مثبت که کلیشه‌های جنسیتی را می‌شکنند و الگوهای سالم و متعادلی از روابط خانوادگی را ارائه می‌دهند در تغییر نگرش جامعه مؤثرند. این پیشنهادها، مجموعه‌ای از اقدامات در سطوح مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی را در بر می‌گیرند که می‌توانند به سوی ایجاد جامعه‌ای متعادل‌تر و منصفانه‌تر گام بردارند.

آینده‌پژوهی

نگاهی به آینده، نشان می‌دهد روند تغییر نقش زن و مرد در خانواده و جامعه با سرعت بیشتری ادامه خواهد یافت:

گسترش فناوری و کار از راه دور: با پیشرفت تکنولوژی و افزایش قابلیت‌های کار از راه دور، بسیاری از محدودیت‌های جغرافیایی و زمانی که پیش از این برای تقسیم کار وجود داشت از بین خواهد رفت. این امر، انعطاف‌پذیری بیشتری را در تقسیم نقش‌ها بین زن و مرد ایجاد خواهد کرد. هر دو جنس می‌توانند با توجه به نیازهای خانواده و علایق شغلی خود، ساعات کاری و محل کار خود را تنظیم کنند که این خود به تسهیل مشارکت برابر در امور خانه و شغل کمک خواهد کرد.

افزایش آگاهی عمومی درباره اهمیت سلامت روان و توازن کاری-خانوادگی: با افزایش سطح سواد و آگاهی در جامعه، افراد بیشتر به اهمیت سلامت روان خود و ایجاد تعادل بین زندگی شغلی و خانوادگی پی خواهند برد. این آگاهی، افراد را به سمت تقاضا و ایجاد فضاهایی سوق می‌دهد که در آن، فشار ناشی از ایفای نقش‌های متعدد و گاه متعارض، کاهش می‌یابد. این امر می‌تواند به کاهش فرسودگی شغلی در زنان و همچنین پذیرش مسئولیت‌های خانگی از سوی مردان منجر شود، زیرا هر دو جنس به دنبال یک زندگی رضایت‌بخش‌تر و متعادل‌تر خواهند بود. در مجموع، آینده به سمت جامعه‌ای پیش می‌رود که در آن، نقش‌های جنسیتی کمتر انعطاف‌ناپذیر خواهند بود و افراد آزادی بیشتری برای تعریف نقش‌های خود بر اساس توانایی‌ها، علایق و نیازهای‌شان خواهند داشت.

جمع‌بندی

نقش زن و مرد در خانواده و جامعه، مفهومی ایستا و ثابت نیست، بلکه پدیده‌ای پویا و در حال تحول است که همسو با دگرگونی‌های عمیق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیکی بازتعریف می‌شود. تاریخ از جوامع سنتی تا عصر حاضر، گواهی است بر این تحول مداوم. تحلیل‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی نشان می‌دهند که این تغییرات، پیامدهای پیچیده‌ای بر ساختار خانواده، روابط بین فردی و سلامت روانی اعضای خانواده دارند. هدف غایی در این مسیر، یافتن تعادلی است که هم نیازهای فردی زن و مرد را برای رشد، شکوفایی و دستیابی به رضایت شغلی و شخصی تأمین کند، هم به پایداری، سلامت و سعادت خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی کمک کند. این تعادل، نه با اصرار بر الگوهای سنتی یا پذیرش کورکورانه الگوهای جدید، بلکه با گفت‌وگو، توافق، انعطاف‌پذیری و حمایت متقابل بین زن و مرد حاصل می‌شود.

شناخت، پذیرش و تطبیق با این تحولات، مستلزم آگاهی، آموزش و سیاستگذاری‌های حمایتی در سطوح مختلف جامعه است. با درک درست از چرایی و چگونگی این تغییرات، می‌توانیم گام‌های مؤثرتری برای ساختن خانواده‌ها و جامعه‌ای سالم‌تر، متعادل‌تر و عادلانه‌تر برای نسل امروز و فردای‌مان برداریم.

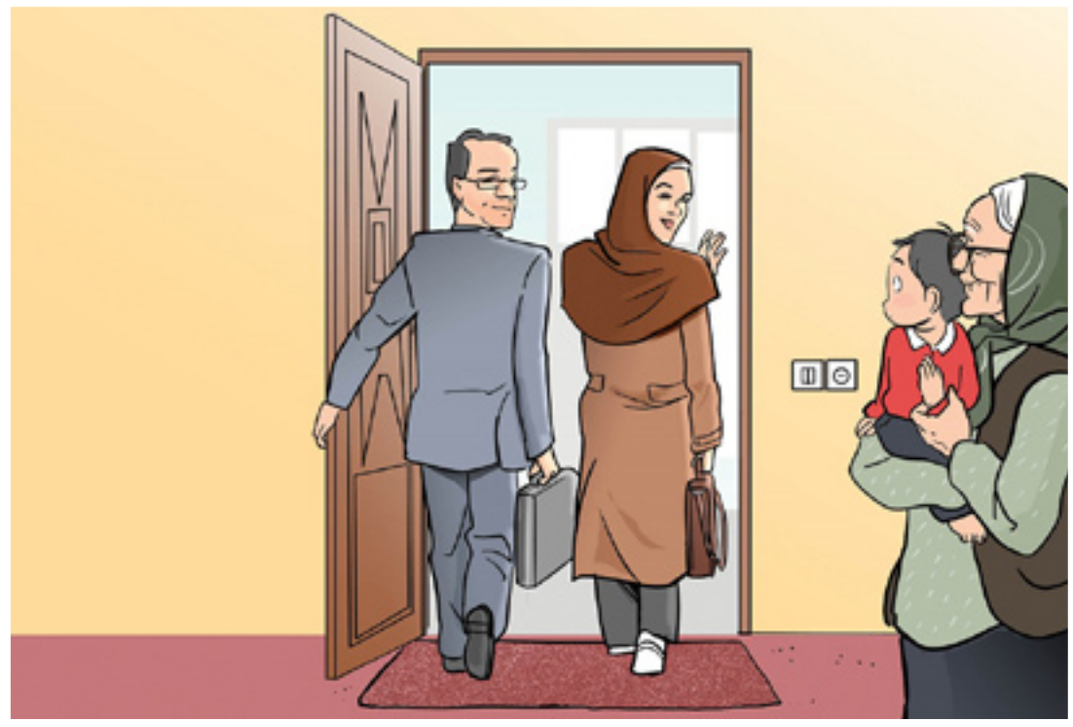

> نقش زن و مرد در خانواده و جامعه، مفهومی ایستا و ثابت نیست، بلکه پدیده‌ای پویا و در حال تحول است که همسو با دگرگونی‌های عمیق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تکنولوژیکی بازتعریف می‌شود. هدف غایی در این مسیر، یافتن تعادلی است که هم نیازهای فردی زن و مرد را برای رشد، شکوفایی و دستیابی به رضایت شغلی و شخصی تأمین کند، هم به پایداری، سلامت و سعادت خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی کمک کند

تغییر نگرش به جایگاه مادری در جامعه امروز

امینه مجدی‌عرب

زنان نقش تعیین‌کننده‌ای در جامعه دارند و زن همواره به دلیل نقش مادری و توانایی زایش مورد ستایش بوده است. در فرهنگ همه ملل و مذاهب، مادر مقامی ویژه دارد؛ نخستین مربی، نخستین عاشق و نخستین کسی است که در زندگی هر انسانی نقش می‌پذیرد. بدون تردید شخصیت انسان تا حد زیادی در دامان مادر شکل می‌گیرد. این نقش و جایگاه چنان ارزشمند است که در تمام ادیان الهی به ویژه دین اسلام به اهمیت این نقش اشاره شده است. امروزه مادری کردن در جامعه ما متأثر از دیدگاه لیبرالیسم غربی است که تأکید به مسئولیت فردی، رقابت، استقلال و مصرف‌گرایی است و ما از هویت مادر به سمت مادر کامل بودن در حال گذار هستیم، یعنی از مادری که نقشی جز مادرانگی، فرزندآوری و تربیت فرزند ندارد تا مادری که باید بی‌نقص و بی‌کم و کاست باشد! باید این واقعیت را پذیرفت که مادر شدن با تغییرات جسمی، روحی، روانی و گاه اجتماعی همراه است. تغییرات جسمی متأثر از نگاه نئولیبرال است که اهمیت به بدن و خاص و جذاب بودن اندام‌های جنسی زنانه را به عنوان معیار زیبایی مورد تأکید قرار می‌دهد.

کیت کریگان در کتاب (جامعه‌شناسی بدن) به بررسی جایگاه بدن در بافت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌پردازد و در جایی از آن اشاره می‌کند که چگونه بدن به عنوان رسانه‌ای برای بیان ارزش‌ها تبدیل می‌شود. او همچنین به مسائلی مانند مجازات‌های بدنی، سانسور بدن در رسانه‌ها یا فشار برای تطابق با ایده‌آل‌های زیبایی می‌پردازد.

در جامعه امروز، زیبا بودن و خوش‌اندام بودن جزو معیارهای برتری و اعتمادبه‌نفس برای زنان به حساب می‌آید و اگر می‌خواهند در دنیای واقعی و مجازی همواره مورد تأیید باشند، باید خود را با ایده‌آل‌های زیبایی تطابق دهند که این منطبق بودن با ایده‌آل‌های زیبایی که امروزه لاغری و اندام‌های زنانه برجسته و خاص به عنوان بخشی از آن تعریف می‌شود، قطعاً در فرایند بارداری و شیردهی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و تجربه دوباره و چندباره این فرایند آنها را از ایده‌های زیبایی فاصله می‌دهد، به این خاطر شاید مهم‌ترین دلایل زنان جوان برای نیاوردن فرزند این است که اندام‌شان خراب نشود! آنها با ممانعت از پذیرفتن این نقش می‌خواهند در تفکر و نگاه عمومی همیشه زیبا و جذاب بمانند.

از نظر تغییرات روحی و روانی اضطراب‌های مادر در طول ۹ ماه بارداری را که شامل نگرانی از سلامت جنین، ویارهای حاملگی و ضعف و ناتوانی در این ایام است، می‌توان اشاره کرد. افسردگی پس از زایمان با آمار ۲۰ تا ۲۵ درصد نیز از پیامدهای تغییرات روحی و روانی بارداری و زایمان است.

مسئله قابل توجه دیگر، توقعات غیرواقعی اطرافیان از یک تازه مادر پس از تحمل دوران بارداری و فشار زایمان است، ولی اگر واقع‌بینانه به ماجرا نگاه کنیم تولد فرزند مانند هر رویداد دیگر زندگی است، این رویداد دوست‌داشتنی نیز مملو از هیجانات مختلف مانندشادی، غم و اضطراب است و این تنوع هیجانی که مادر تجربه می‌کند کاملاً طبیعی است.

زن به عنوان یک مادر حق دارد گاهی احساس خستگی کند، غمگین شود یا حتی گریه کند. ترس از مسئولیت بزرگ مادری همانقدر طبیعی است که شادی مادر هنگام اولین لبخند نوزادش طبیعی است و در نهایت اینکه قرار نیست فقط هیجانات خوشایند را تجربه کنیم و تجربه طیف وسیعی از هیجانات خوشایند و ناخوشایند بخش جدایی‌ناپذیر والد بودن است. نکته دیگر حائز اهمیت اینکه مادران باید از تلاش برای عالی بودن دست بردارند و اینکه قرار نیست یک مادر کامل باشند. کامل نبودن ایراد ما نیست واقعیت ما و واقعیت هر انسانی است. هیچ چیز به اندازه کمال‌گرایی به تجربه ناب مادری ضربه نزده است. مادر باید نقاط ضعف خود را در کنار نقاط قوت خود بپذیرد و از اینکه یک مادر معمولی و کافی است، لذت ببرد. اما نرخ پایین زاد و ولد و کاهش آمار جمعیتی گواه آن است که نگاه مثبت و مؤثر به مادری و این جایگاه مقدس دچار دگرگونی شده که همانا این دگرگونی در دیدگاه به معنای ارزیابی منفی یا کم اهمیت شمردن نقش مادری در جامعه است که با حاشیه‌ای و غیرمهم تلقی شدن آن از طرف نوفرهنگ جامعه، مردان و همچنین کمرنگ شمردن این نقش از سوی خود زنان، آنان را به ایفای این نقش بی‌علاقه می‌کند، ولی بانوان و مادران آگاه‌مان نباید اجازه دهند احساس سرخوردگی و کوچک شمردن این جایگاه ارزشمند از سوی کلیشه‌های الگو گرفته شده از فرهنگ نئولیبرالیسم غربی آنان را از بهره‌مندی از فضیلت و ارزش مادری باز دارد و آنان را از تجربه دوباره و چندباره این نقش مؤثر تربیتی مطابق فرهنگ ایرانی-اسلامی نسل آینده‌مان برحذر دارد.

نگاه

خانواده در عصر اتصال پیوندی نو یا گسستی پنهان؟

فاطمه قلاوند

در جهان امروز که مرز میان واقعیت و مجاز روزبه‌روز کمرنگ‌تر می‌شود، خانواده نیز از این دگرگونی بی‌نصیب نمانده است.

فضای مجازی که زمانی صرفاً ابزاری برای اطلاع‌رسانی و سرگرمی بود، اکنون به یکی از اصلی‌ترین بسترهای تعامل میان اعضای خانواده تبدیل شده است. این تحول، اگرچه در ظاهر تسهیل‌کننده ارتباطات است، اما در بطن خود، پرسش‌هایی بنیادین درباره کیفیت، عمق و اصالت روابط خانوادگی مطرح می‌کند.

ابزارهای ارتباطی دیجیتال از تماس‌های تصویری گرفته تا پیام‌رسان‌های فوری، امکان نزدیکی را برای خانواده‌هایی فراهم کرده‌اند که به‌دلایل جغرافیایی، شغلی یا مهاجرتی از هم دور افتاده‌اند. کودک مهاجر می‌تواند هر شب صدای مادرش را بشنود و مادر دور از خانه می‌تواند در جشن تولد فرزندش حضور مجازی داشته باشد. این امکانات در ظاهر، شکاف‌های فیزیکی را پر می‌کنند، اما آیا می‌توانند جایگزین تجربه زیسته حضور، لمس و نگاه شوند؟

در سوی دیگر این تحولات، آسیب‌هایی پنهان و تدریجی در حال شکل‌گیری‌اند. گفت‌وگوهای عمیق خانوادگی که زمانی در سکوت شبانه خانه شکل می‌گرفت، امروز در میان اعلان‌های پی‌درپی و اسکرول‌های بی‌پایان گم می‌شوند. نوجوانی که در جست‌وجوی تأیید در شبکه‌های اجتماعی است، شاید دیگر نگاه مادر را نبیند و مادری که خود درگیر دنیای مجازی است، گاه از دنیای درونی فرزندانش غافل می‌ماند. سفره‌های خانوادگی که زمانی محل گفت‌وگو و همدلی بود، امروز با حضور تلفن‌های همراه و سکوت‌های دیجیتال، معنای خود را از دست داده‌اند.

در چنین شرایطی، مدیریت این ابزارها در سطح خرد و کلان اهمیتی دوچندان یافته است. در خانه، نقش مادر به‌عنوان قلب تپنده خانواده، نقشی حیاتی در مواجهه با فضای مجازی دارد. او نه‌تنها مراقب سلامت روانی اعضای خانواده است، بلکه با رفتار رسانه‌ای خود، الگوی زیستن در عصر دیجیتال را شکل می‌دهد. مادری که بتواند زمان استفاده از ابزارهای دیجیتال را تنظیم کند، مرز میان حضور واقعی و مجازی را برای فرزندانش روشن سازد و فضای گفت‌وگوی انسانی را احیا کند، در واقع بنیان خانواده را از درون تقویت کرده است.

این مدیریت، صرفاً محدود به کنترل محتوا نیست، بلکه شامل آموزش سواد رسانه‌ای، تقویت مهارت‌های گفت‌وگو و ایجاد تعادل میان مصرف و حضور است. مادران امروز، اگرچه خود در معرض آسیب‌های فضای مجازی هستند، اما با آگاهی و مسئولیت‌پذیری می‌توانند به فرزندان‌شان بیاموزند که چگونه محتوا را تحلیل از خود در برابر فشارهای روانی محافظت و در فضای مجازی مسئولانه رفتار کنند. مادری که در میان هیاهوی دیجیتال، لحظاتی برای نوازش، گفت‌وگوی بی‌قید یا حتی سکوت مشترک خلق می‌کند، در واقع در حال بازسازی روح خانواده است.

نقش مادر در این میان، تنها به سطح رفتاری محدود نمی‌شود، بلکه به لایه‌های عمیق‌تری از تربیت، اعتمادسازی و شکل‌دادن به هویت دیجیتال فرزندان نیز گسترش می‌یابد. او می‌تواند با ایجاد گفت‌وگوهای انتقادی درباره محتوای فضای مجازی، فرزندان را از مصرف‌گرایی منفعلانه به مشارکت فعال و آگاهانه سوق دهد. این نوع تربیت، نه‌تنها خانواده را در برابر آسیب‌ها مقاوم‌تر می‌کند، بلکه نسل آینده را برای زیستن مسئولانه در جهان دیجیتال آماده می‌سازد.

در سطح حاکمیتی نیز سیاستگذاری‌های فرهنگی و آموزشی باید به‌سمت توانمندسازی خانواده‌ها در مواجهه با فضای مجازی حرکت کند.

تولید محتوای سالم و خانواده‌محور، حمایت از نهادهای میانجی مثل مدارس و مراکز مشاوره و ارائه برنامه‌های آموزشی برای والدین، می‌تواند به تقویت بنیان خانواده در عصر دیجیتال کمک کند. حاکمیت باید به جای رویکردهای صرفاً محدودکننده، به‌سمت سیاست‌های توانمندساز حرکت کند؛ سیاست‌هایی که خانواده را نه در برابر فناوری، بلکه در کنار آن قرار دهد.

از منظر روان‌شناختی نیز وابستگی افراطی به فضای مجازی می‌تواند به انزوای عاطفی، کاهش تاب‌آوری و تضعیف مهارت‌های ارتباطی منجر شود. کودکانی که بیشتر با صفحه‌ها تعامل دارند تا با چهره‌ها در آینده ممکن است در برقراری روابط انسانی دچار چالش شوند. این مسئله، نه فقط یک دغدغه خانوادگی، بلکه یک بحران اجتماعی بالقوه است که نیازمند مداخله چندسطحی است.

فضای مجازی نه ذاتاً تهدید است و نه فرصت، بلکه بستری است که کیفیت استفاده از آن تعیین‌کننده تأثیرش بر خانواده است. اگر این فضا را صرفاً برای مصرف‌گرایی و سرگرمی به‌کار بگیریم، روابط خانوادگی آسیب می‌بینند، اما اگر از آن برای آموزش، همدلی و گفت‌وگوی عمیق استفاده کنیم، می‌توانیم خانواده‌ای بسازیم که در دل فناوری، زنده و پویا باقی بماند.

در نهایت، آنچه خانواده را حفظ می‌کند، نه ابزارها، بلکه نیت‌ها و کیفیت ارتباطات است. فضای مجازی می‌تواند آیینه‌ای باشد برای دیدن یکدیگر یا پرده‌ای برای پنهان شدن، انتخاب با ماست.

پشخوان
Pishkhan.com

کفران نعمت با هدر رفت ۵ میلیون تن محصولات کشاورزی

به خاطر فقدان زیرساخت‌ها، کمبود ماشین‌آلات و نبود سردخانه، سالانه یک سوم محصولات کشاورزی ایران ضایع می‌شود

گزارش
شهرزاد رحمتی‌پور

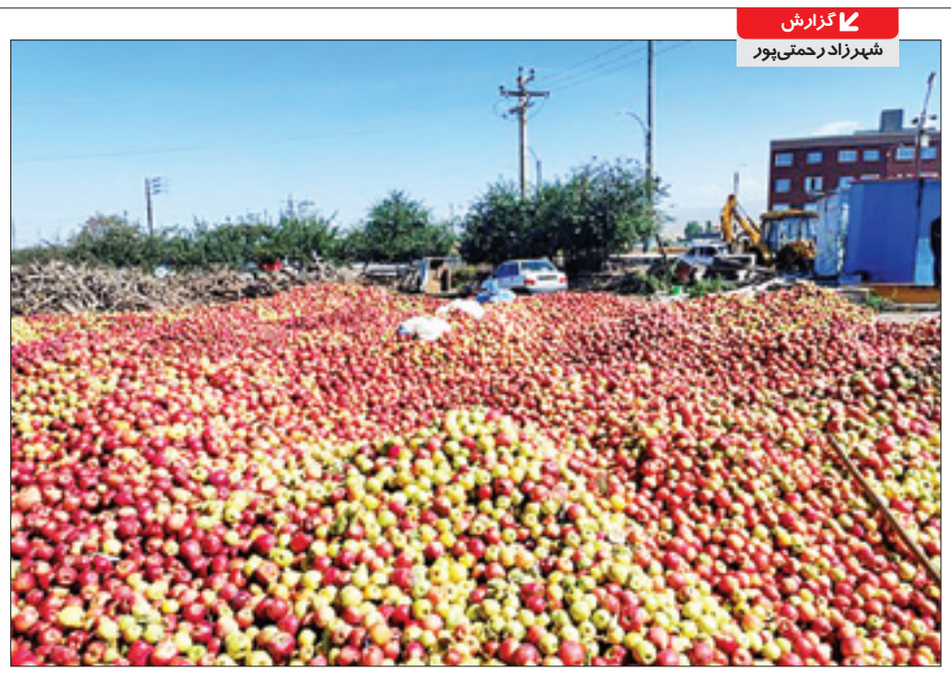

سال‌هاست که در مورد یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین معضلاتی که کشاورزان ایرانی در تمام استان‌ها با آن درگیرند، بحث و صحبت می‌شود. موضوع بالا بودن هدررفت محصولات کشاورزی است که باعث کاهش محصولات نهایی و ضرر و زیان‌های اقتصادی به کشاورز و کل کشور می‌شود. هر چند دلایل بسیاری برای افزایش هدررفت محصولات کشاورزی در ایران عنوان می‌شود اما شرایط موجود نشان می‌دهد، برای بهبود اوضاع، حداقل کارها هم صورت نگرفته است. هم اکنون و بر اساس آمارهای رسمی سالانه بین ۴ تا ۶ میلیون تن از محصولات کشاورزی از زمان کاشت تا توزیع و مصرف هدر می‌رود که می‌تواند غذای ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر را تأمین کند. همین امر ثابت می‌کند ارتقای بهره‌وری کشاورزی نه‌تنها یک ضرورت اقتصادی، بلکه مسئولیتی ملی برای حفاظت از منابع کشور، افزایش تاب‌آوری غذایی و توسعه پایدار سرزمین است.

آمار و ارقام و حجم محصولاتی که در کشاورزی ایران، از سر زمین تا سفره شهروندان هدر می‌رود آنقدر زیاد است که به یک چالش تبدیل شده و نه تنها به اقتصاد کشور آسیب می‌زند بلکه بر امنیت غذایی هم تأثیرگذار است. با اتخاذ راهکارهای مناسب و بهینه‌سازی سیستم‌های موجود، می‌توان از هدررفت این منابع ارزشمند جلوگیری کرده و غذای بیشتری در سفره مردم قرار داد. کاری که باید با همکاری دولت، بخش خصوصی و کشاورزان انجام و این چالش به زودی حل شود و ایران به سمت کشت و تأمین غذای پایدار حرکت کند.

آنطور که معاون برنامه‌ریزی و اقتصادی وزارت جهاد کشاورزی می‌گوید: «کاهش ریزش محصولات در فصل برداشت، یکی از اولویت‌های اصلی در ارتقای بهره‌وری کشاورزی است، چراکه موجب هدررفت بخشی از تولید خالص مزارع و باغات می‌شود. در واقع، تمام زحماتی که کشاورز از مرحله کاشت تا رسیدن محصول به مرحله برداشت متحمل شده، با ریزش پیش از برداشت ممکن است به‌طور کامل یا جزئی از بین برود.»

اکبر فتحی توضیح می‌دهد: «این ضایعات که اغلب ناشی از عوامل مدیریتی، تأخیر در برداشت، نامناسب بودن ماشین‌آلات و گاهی شرایط جوی هستند، نه‌تنها تولید خالص را کاهش می‌دهند، بلکه موجب افت بهره‌وری کل زنجیره تولید می‌شوند. بنابراین کاهش این ریزش‌ها از طریق آموزش کشاورزان، ارتقای ماشین‌آلات برداشت، استفاده از ارقام مقاوم به ریزش و تعیین دقیق زمان برداشت، می‌تواند به‌طور قابل توجهی راندمان تولید را افزایش داده و به بهره‌وری منابع آب، خاک، نیروی انسانی و سرمایه در این بخش کمک کند.»

به گفته این مسئول، در کنار این راهبردها، ما بر توانمندسازی اقتصادی کشاورزان، تجمیع اراضی، ترویج کشاورزی قراردادی، تقویت زیرساخت‌های بازاررسانی و صادرات، و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های روستایی نیز تأکید داریم زیرا بهره‌وری، تنها در سایه مشارکت گسترده ذی‌نفعان، تعامل بین‌بخشی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی محقق خواهد شد.

> **آگاه‌سازی عموم مردم درباره جلوگیری از هدررفت مواد غذایی و اهمیت مصرف بهینه اجازه نخواهد داد بخش زیادی از تولیدات روانه سطل‌های زباله شوند**

■ فقدان زیرساخت‌های مناسب

ضایعات کشاورزی یکی از چالش‌های عمده در سیستم‌های غذایی است که نه تنها به منابع طبیعی آسیب می‌زند، بلکه بر معیشت کشاورزان و امنیت غذایی جامعه نیز تأثیر منفی دارد. برآوردها نشان می‌دهد، در ایران حجم قابل توجهی از محصولات کشاورزی از زمان کاشت تا برداشت هدر رفته و به سفره مردم نمی‌رسد.

میزان ضایعات کشاورزی در ایران حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از تولیدات است. به عنوان مثال، اگر تولید سالانه محصولات کشاورزی را حدود ۲۰ میلیون تن در نظر بگیریم، آنگاه بین ۴ تا ۶ میلیون تن از این محصولات در مراحل مختلف از کاشت تا توزیع و مصرف هدر می‌رود. این میزان ضایعات می‌تواند غذای میلیون‌ها نفر را تأمین کند. به طوری که هر تن غذا به طور متوسط می‌تواند پاسخگوی نیاز غذایی حدود پنج‌نفر باشد، بنابراین می‌توان گفت؛ ضایعات کشاورزی ایران می‌تواند غذای ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر را به راحتی تأمین کند.

محسن جودکی، کارشناس کشاورزی با اشاره به علل ضایعات کشاورزی می‌گوید: «فقدان زیرساخت‌های مناسب یکی از مهم‌ترین علت‌های ضایع شدن محصولات کشاورزی است. عدم وجود سیستم‌های نگهداری و حمل‌ونقل مناسب و سرمایش ناکافی باعث می‌شود؛ محصولات در حین جابجایی و ذخیره‌سازی آسیب ببینند و فاسد شوند. متأسفانه در اینجا هم ردپایی از مدیریت ناکارآمد به چشم می‌خورد. ضمن اینکه روش‌های نادرست و ناکارآمد در کشت، برداشت و نگهداری محصولات از دیگر علل هدر رفت محصول است.»

وی، آموزش ناکافی به فعالان این عرصه که موجب شده تا کشاورزان، بسیاری از تکنیک‌های بهینه برداشت و نگهداری را نشناسند را یکی دیگر از علت‌های هدر رفت محصولات عنوان کرده و می‌گوید: «همین امر منجر به ضایعات بیشتر می‌شود و کسی هم راهکاری برای آن ندارد. البته شرایط جوی نامناسب و تغییرات آب‌وهوایی هم می‌تواند منجر به کاهش کیفیت محصولات و هدر رفت آنها شود.»

این کارشناس کشاورزی با تأکید بر اینکه نباید فراموش کرد در همه جای دنیا کشاورزی بخشی از کار مردم است و حالا راهکارهای بسیار خوبی برای بالا بردن سطح تولید و بهره‌وری از محصولات ارائه شده، می‌گوید: «برای کاهش ضایعات کشاورزی و افزایش بهره‌وری در این بخش، می‌توان اقداماتی را در دستور کار قرار داد. با افزایش سردخانه‌ها و سرمایش سیستم‌های ذخیره‌سازی نباید اجازه داد؛ محصولات در کمترین زمان گندیده یا پلاسیده شوند. ایجاد و توسعه سردخانه‌ها و تسهیلات نگهداری متناسب با نیاز محصولات، به ویژه برای میوه‌جات و سبزیجات یکی از ضروریات است.»

جودکی، برگزاری دوره‌های آموزشی و سمینارهایی با کارگاه‌های ویژه برای کشاورزان به منظور معرفی روش‌های نوین کشت و برداشت را کمک خوبی در بالا بردن سطح اطلاعات آنها عنوان می‌کند.

وی می‌گوید: «آگاه‌سازی عموم مردم درباره جلوگیری از هدررفت مواد غذایی و اهمیت مصرف بهینه اجازه نخواهد داد که بخش زیادی از تولیدات روانه سطل‌های زباله شوند.»

جودکی با اشاره به تقویت زنجیره تأمین، توضیح می‌دهد: «ایجاد ارتباط مؤثر بین کشاورزان و بازار، همچنین بهبود سیستم‌های توزیع کالا در کنار استفاده از فناوری‌های نوین و به‌کارگیری روش‌های پیشرفته کشاورزی، از جمله کشاورزی دقیق و فناوری‌های اطلاعاتی برای ردیابی و مدیریت بهتر محصولات هم باید در دستور کار باشد.»

افتتاح ۶ نیروگاه خورشیدی جدید در اصفهان

اصفهان

مدیرعامل شرکت توزیع برق استان اصفهان از افزایش ظرفیت تولید نیروگاه‌های خورشیدی در این استان به میزان ۳۲۰ مگاوات خبر داد.

مدیرعامل شرکت توزیع برق استان اصفهان در حاشیه افتتاح نیروگاه خورشیدی ۳مگاواتی در روستای کچورستاق اردستان گفت: پروژه‌های تولید انرژی جدید شامل پنج نیروگاه خورشیدی با ظرفیت ۱۵ مگاوات در شهرستان اردستان و یک نیروگاه با ظرفیت ۳مگاوات در شهرستان گلپایگان است که با سرمایه‌گذاری ۵۴۰میلیارد تومانی بخش خصوصی به بهره‌برداری رسید. محمد مرادی، افزود: با افتتاح این نیروگاه‌ها، ظرفیت نیروگاه‌های خورشیدی شهرستان اردستان به ۳۶مگاوات افزایش پیدا کرد

و ظرفیت کل نیروگاه‌های خورشیدی تحت پوشش شرکت توزیع برق استان به ۱۱۰مگاوات رسید. وی ادامه داد: با احتساب پروژه‌های برق منطقه‌ای، ظرفیت کل تولید برق خورشیدی استان به ۳۲۰مگاوات رسیده است که این امر موجب ارتقای رتبه استان اصفهان به جایگاه نخست در کشور در زمینه ظرفیت تولید برق خورشیدی شده است. این مسئول گفت: بیشتر نیروگاه‌های خورشیدی استان در شهرستان اردستان قرار دارند اما پروژه‌هایی در شهرستان‌های دیگر استان نیز در دست اجراست که به مرور زمان وارد مدار خواهند شد. مرادی با اشاره به وضعیت مصرف برق در استان افزود: به دلیل کاهش دمای هوا، وضعیت ناترازی برق در استان کاهش یافته و اکنون روال عادی در مصرف برق برقرار است. در حال حاضر هیچ‌گونه خاموشی برق در بخش‌های مختلف به‌ویژه در صنایع، گزارش نشده است.

اردوی جهادی دندانپزشکی رایگان در چن سبیلی

گلستان

کارشناس فعالیت‌های جهادی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، از برگزاری اردوی جهادی-درمانی دندانپزشکی در روستای چن سبیلی آق‌قلا خبر داد و گفت: بیش از ۷۰۰ خدمت رایگان به مردم منطقه ارائه شد.

کارشناس فعالیت‌های جهادی دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: برنامه اردوی جهادی با هدف ارائه خدمات رایگان و تخصصی دندانپزشکی به ساکنان مناطق کمتر برخوردار در در روستای چن سبیلی آق‌قلا برگزار شده است. حسن ساورچمنی افزود: در این اردوی بزرگ، ۳۷ یونیت دندانپزشکی سیار و بیش از ۵۰ دندانپزشک و متخصص داوطلب حضور داشتند و تنها در روز اول بیش از ۷۰۰ خدمت درمانی رایگان به مردم روستای چن سبیلی و مناطق اطراف ارائه شد. وی ادامه داد: این حرکت گسترده حاصل همکاری نهادهای مختلفی از جمله گروه جهادی مشکات گلستان، مؤسسه سلامت بنیاد علوی، کمیته امداد امام خمینی(ره)، معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی، بسیج جامعه پزشکی، جمعیت هلال احمر، فرمانداری شهرستان آق‌قلا و دهیاری و شورای اسلامی روستای چن سبیلی است.

پروژه شهید نوروزی کرمانشاه پایلوت نهضت ملی مسکن

کرمانشاه

پروژه ۵۸۸ واحدی شهید نوروزی کرمانشاه به عنوان پایلوت کشوری نهضت ملی مسکن انتخاب شد.

مدیرکل راه‌وشهرسازی کرمانشاه گفت: پروژه‌های سه‌طبقه‌ای طرح نهضت ملی مسکن این استان به‌ویژه پروژه ۵۸۸واحدی شهید نوروزی، به عنوان پایلوت کشوری پذیرفته شده و این موضوع در روزهای آینده با صدور مصوبه رسمی از سوی بانک مسکن نهایی و ابلاغ خواهد شد. رامین الماسی افزود: با اجرای این مصوبه، تأمین مالی پروژه‌ها مستقیماً از سمت بانک مسکن صورت می‌گیرد و فشار اقتصادی از دوش متقاضیان کاسته خواهد شد. الماسی تأکید کرد: تا کنون بخش زیادی از بار مالی پروژه‌ها بر عهده مردم و متقاضیان بود اما با ابلاغ این مصوبه، روند تأمین مالی به شکل منسجم‌تر و بانکی پیش خواهد رفت. وی ادامه داد: سایر پروژه‌های نهضت ملی مسکن در استان کرمانشاه نیز که قراردادهای آنها در مرحله سفت‌کاری و اجرای نماست، از این امتیاز بهره‌مند خواهند شد تا با الگوی مشابه، فرایند تأمین مالی و پیشرفت فیزیکی آنها تسهیل شود.

خبر

بهره‌برداری از بزرگ‌ترین نیروگاه خورشیدی

مرکزی

بزرگ‌ترین نیروگاه خورشیدی با ظرفیت ۳۳۳ کیلووات در دستگاه‌های اجرایی استان مرکزی به بهره‌برداری رسید.

مدیرعامل شرکت برق منطقه‌ای باختر استان مرکزی در آیین بهره‌برداری از بزرگ‌ترین نیروگاه خورشیدی دستگاه‌های اجرایی استان مرکزی در برق باختر با اشاره به اهمیت این پروژه گفت: نیروگاه خورشیدی با ظرفیت ۳۳۳ کیلووات، در قالب بخشی از طرح ملی توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و همزمان با افتتاح ۲۳مگاوات نیروگاه خورشیدی دیگر در سطح استان، به بهره‌برداری رسید. مجتبی داودآبادی، با اشاره به اینکه نیروگاه خورشیدی احداث‌شده در محوطه شرکت برق باختر، با سرمایه‌گذاری بالغ بر ۱۲۰ میلیارد ریال به بهره‌برداری رسیده و از این پس، انرژی مورد نیاز این مجموعه اداری از طریق تولید برق پاک تأمین خواهد شد. افزود: این نیروگاه نه‌تنها گامی مهم در جهت کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی است، بلکه الگویی موفق از پیوند میان توسعه پایدار، مدیریت مصرف انرژی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در دستگاه‌های اجرایی به شمار می‌رود. وی با تأکید بر نقش انرژی‌های تجدیدپذیر در آینده کشور تصریح کرد: تولید برق خورشیدی، گامی مؤثر در مسیر تحقق زمین سبزتر و آسمانی پاک‌تر است؛ مسیری که شایسته ایران و ایرانی است و باید با جدیت و حمایت همه‌جانبه ادامه یابد. این پروژه به‌عنوان بزرگ‌ترین نیروگاه خورشیدی در میان ادارات دولتی استان مرکزی، می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای سایر دستگاه‌های اجرایی در سراسر کشور باشد تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی و منابع طبیعی، در مسیر توسعه پایدار گام بردارند. این مسئول با بیان اینکه استان مرکزی در سال‌های اخیر با هدف‌گذاری ۵هزار مگاوات ظرفیت انرژی خورشیدی، به یکی از پیشگامان توسعه انرژی‌های پاک در کشور تبدیل شده است، افزود: تاکنون بیش از ۲۴۰مگاوات از این ظرفیت به بهره‌برداری رسیده که سهم قابل توجهی از آن در دولت سیزدهم محقق شده است.

تحقق ۴۰ درصدی تعهد اشتغال در گیلان

گیلان

به گفته مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گیلان، تعهد ۴۰درصدی اشتغال استان در سال جاری محقق شد.

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی گیلان با بیان اینکه ۳۰۰هزار بیمه شده کارگاهی در استان گیلان مشغول به فعالیت هستند، گفت: بالغ بر ۳۰هزارنفر در تعاونی‌های استان اشتغال دارند. علی لقمانی افزود: در نیمه نخست امسال ۸هزارو۴۲۴ فرصت شغلی در سامانه رصد اشتغال ثبت شده است. وی تعهد اشتغال استان در سال ۱۴۰۴ را ۲۲هزارو۴۳۸ شغل اعلام کرد و افزود: تا ۱۵ مهر سال جاری، ۹هزارو۱۷۵ فرصت شغلی معادل ۴۰درصد تعهد محقق شده است. این مسئول با اشاره به اهمیت سامانه جست‌وجوی شغل ادامه داد: این سامانه به عنوان یک واسطه هوشمند، ارتباط میان کارجویان و کارفرمایان را تسهیل می‌کند و زمینه دسترسی سریع و آسان به فرصت‌های شغلی را فراهم می‌آورد. لقمانی گفت: در سال ۱۴۰۳، هزارو۵۱۲ مورد و در سال جاری تاکنون ۷۰۴مورد به کارگماری صرفاً از طریق این سامانه صورت گرفته است؛ همچنین هم‌اکنون ۵۵ کاریابی داخلی فعال در استان گیلان فعالیت می‌کنند. وی به ممنوعیت به کارگیری کارگران اتباع در استان گیلان اشاره کرد و افزود: در راستای گشت‌های مشترک با نیروی انتظامی طی نیمه نخست امسال، ۱۹۷ کارگر غیرمجاز را شناسایی و ۴۱ کارفرمای متخلف را به مراجع قضایی معرفی کردیم. جریمه به کارگیری اتباع غیرمجاز، به ازای هر روز معادل پنج برابر حداقل دستمزد است.

احیای ۱۵ واحد صنعتی در الیگودرز

لرستان

به گفته رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت الیگودرز تاکنون تعداد ۱۵واحد صنعتی در شهرستان احیا شده است

رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت الیگودرز با بیان اینکه تاکنون تعداد ۱۵ واحد صنعتی در شهرستان احیا شده است، گفت: با تلاش‌ها و پیگیری‌های به عمل آمده این اداره دو واحد صنعتی دیگر به زودی احیا و به چرخه تولید باز می‌گردند. حامد توکلی افزود: تعداد واحدهای صنعتی شهرستان دارای پروانه بهره‌برداری بیش از ۱۴۰ واحد صنعتی بوده است که از این تعداد ۳۰واحد تعطیل و راکد و ۶۰واحد به صورت نیمه فعال و بقیه فعال هستند. با اشاره به کارخانه کاغذ سنگ الیگودرز، افزود: تمامی بناهای مورد نیاز این کارخانه تکمیل شده و بخشی از ماشین‌آلات خط تولید نیز در محل مستقر شده است. وی تصریح کرد: مجری طرح پیگیر ورود مابقی ماشین‌آلات خط تولید به محل جهت اقدامات بعدی است که تا آخر سال جاری این امر محقق و شروع مرحله نصب و راه‌اندازی ماشین‌آلات خط تولید در سال آینده صورت خواهد گرفت. این مسئول گفت: کارخانه تولید کاغذ از سنگ کربنات کلسیم الیگودرز یکی از پروژه‌های اقتصادی و اشتغالزای لرستان بوده و طرح احداث این کارخانه در شهرک صنعتی الیگودرز، از سوی سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران «ایمیدرو» از اواخر سال ۹۷ آغاز شده است. توکلی تصریح کرد: این کارخانه سومین طرح کشور است که از سوی ایمیدرو در لرستان انجام خواهد شد و از مصوبات سفر اول هیئت دولت به لرستان محسوب می‌شود. وی یادآور شد: کارخانه تولید کاغذ از کربنات کلسیم الیگودرز در زمینی به مساحت ۴هکتار در شهرک صنعتی شماره یک شهرستان الیگودرز قرار دارد.

رشد ۱۳۳درصدی ترانزیت بین‌المللی کالا از مرز آبی

سیستان‌وبلوچستان

رئیس اداره ترانزیت و حمل‌ونقل بین‌الملل اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای جنوب سیستان‌وبلوچستان از رشد ۱۳۳درصدی تناژ ترانزیت کالا از مرز آبی استان خبر داد.

رئیس اداره ترانزیت و حمل‌ونقل بین‌الملل اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای جنوب سیستان‌وبلوچستان در جلسه شورای صادرات استان در بندر چابهار با اشاره به رشد ۱۳۳درصدی ترانزیت بین‌المللی کالا از مرز آبی در شش ماه اخیر افزود: در این مدت علاوه بر رشد قابل توجه حجم کالاهای عبوری، تعداد سفرهای بین‌المللی کامیون‌ها نیز بیش از دوبرابر افزایش یافته که نشان‌دهنده جایگاه روبه‌رشد مرز آبی چابهار در شبکه ترانزیت منطقه‌ای است. عبدالباسط پیری افزود: بخش عمده کالاهای ترانزیتی از مسیر چابهار به مقصد کشور افغانستان حمل شده و افزایش تقاضای تجار افغانستانی برای استفاده از مسیر مطمئن و کوتاه چابهار نقش مهمی در این رشد داشته است. وی تصریح کرد: توسعه زیرساخت‌های جاده‌ای، تجهیز پایانه‌های مرزی و هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی از عوامل اصلی افزایش چشمگیر ترانزیت کالا از چابهار بوده است.

خبر

۱۳۰ روستای لرستان در معرض خطر بلایای طبیعی

لرستان

مدیرکل مدیریت بحران لرستان، گفت: در حال حاضر ۱۳۰روستای این استان در معرض خطر بلایای طبیعی هستند که باید برای پیشگیری از آنها چاره‌اندیشی شود.

مدیرکل مدیریت بحران لرستان با تأکید بر اینکه کشور ایران، جزء ۱۰ کشور بلاخیز دنیاست، افزود: در این میان لرستان نیز جزء سه استان بلاخیز کشور به شمار می‌آید. مهدی پازوکی، با اشاره به اینکه در حال حاضر ۴۲حوادث طبیعی در دنیا شناسایی شده است که حدود ۳۲مورد از آنها در کشور ایران رخ می‌دهد، تصریح کرد: در لرستان نیز حدود ۲۴حوادث طبیعی رخ می‌دهد. وی در ادامه سخنان خود این حوادث و بلایای طبیعی را شامل سیل، زلزله، ریزگردها، فرونشست زمین، خشکسالی، سرمازدگی اعلام کرد و گفت: در این راستا همواره باید آماده مقابله و پیشگیری از اثرات این بلایای طبیعی باشیم. این مسئول با بیان اینکه شناسایی روستاهای در معرض خطر انجام شده است، افزود: این کار در دو مرحله انجام شده است، در مرحله اول ۵۵روستا و در مرحله دوم ۷۵روستای در معرض خطر شناسایی شد. پازوکی با تأکید بر اینکه با همکاری بنیاد مسکن و پژوهشکده سوانح طبیعی کشور، مصوب شده‌اند و در دستور کار رفع مخاطرات هستند، ادامه داد: اعتبار این روستاها به‌صورت ملی و از طرف سازمان مدیریت بحران کشور و بنیاد مسکن کشور تأمین خواهد شد و به‌مرور رفع خطر می‌شوند. وی با بیان اینکه لرستان به واسطه ظرفیت‌های طبیعی و گردشگری که دارد، هر ساله میزبان گردشگران و کوهنوردان که به‌دنبال استفاده از این جاذبه‌های طبیعی هستند، می‌باشد یادآور شد: در این راستا تلاش کرده‌ایم؛ با همکاری اداره کل میراث‌فرهنگی، اورژانس، هلال‌احمر و آتش‌نشانی نقاطی را که بیشترین میزبانی از گردشگران را دارند، به‌نوعی پوشش دهیم تا کمترین مخاطرات را برای آنها داشته باشند. مدیرکل مدیریت بحران لرستان با تأکید بر اینکه کاهش بلایای طبیعی، مردم‌محور است، اصل و اساس کاهش اثرات بلایای طبیعی مردم هستند، افزود: در این راستا بالابردن سطح آگاهی‌های مردم و آموزش نقش بسیار مهمی در بحث کاهش اثرات بلایای طبیعی دارد.

گذری بر استان‌ها

■ **سیستان‌وبلوچستان:** مدیرکل بنیاد مسکن سیستان‌وبلوچستان گفت: با اجرای تفاهمنامه‌ای سه‌جانبه میان استانداری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، با موضوع اجرای فاز جدید ساماندهی محلات حاشیه‌ای شهر زابل به صورت رسمی آغاز شد. امین عدیلی افزود: بر اساس این تفاهمنامه، با تخصیص ۴۰ میلیارد تومان اعتبار عمرانی، در مجموع ۴۵هزار مترمربع از معابر محلات در قالب طرح‌های بهسازی، زیرسازی و آسفالت ساماندهی خواهند شد.

■ **آذربایجان شرقی:** با حضور استاندار آذربایجان‌شرقی، دو نیروگاه خورشیدی ۴۰مگاواتی و نیروگاه ۱۲مگاواتی در استان آغاز به تولید کرد. بهرام سرمست، افزود: پیش از این نیز نیروگاه‌های خورشیدی ۷مگاواتی در مراغه و ۲مگاواتی در مرند به بهره‌برداری رسیده بود. وی با ارائه گزارشی از فعالیت‌های دولت وفاق در استان برای افتتاح نیروگاه‌های خورشیدی گفت: تاکنون ۱۳هزار مگاوات، مجوز نیروگاه خورشیدی در استان درخواست شده و ۳هزارو۲۰۰مجوز هم صادر شده که هزارو۳۰۰ مگاوات آن در حال اجراست.

■ **خوزستان:** مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان در حاشیه بازپس‌گیری موزه هنرهای معاصر که با دستور دادستان این استان و با حضور نیروی انتظامی و جمعی از هنرمندان انجام شد، گفت: با توجه به مصوبه هفته گذشته، ان‌شاءالله جلسه برای تأمین منابع لازم جهت احیای موزه معاصر با حضور نماینده استانداری، سازمان برنامه، اداره کل اقتصاد و دارایی و دستگاه قضایی و اداره کل فرهنگ و ارشاد برقرار خواهد شد. حسین براتی افزود: طبیعتاً مجری این امر مدیریت ارشاد اسلامی استان است و اگر تأمین منابع از ردیف‌های مختص اداره کل فرهنگ و ارشاد انجام شود، ما با فوریت و اهتمام جدی به دنبال احیای این زیرساخت ارزشمند خواهیم بود.

■ **کرمانشاه:** معاون محیط‌زیست طبیعی و تنوع‌زیستی اداره کل محیط‌زیست استان کرمانشاه از آغاز پایش مناطق تحت مدیریت محیط‌زیست برای شناسایی موارد احتمالی آنفلوآنزای پرندگان خبر داد و گفت: سال گذشته شیوع جدی آنفلوآنزای پرندگان را در کرمانشاه نداشتیم. ثریا قربانی با بیان اینکه با نزدیک شدن فصل مهاجرت پرندگان پایش آنفلوآنزا پرندگان در کرمانشاه نیز مانند دیگر نقاط کشور آغاز شده، افزود: این پایش با همراهی اداره کل دامپزشکی انجام می‌شود و در صورت وجود هرگونه موارد بیماری یا تلفات در حیات وحش، نمونه‌ها جهت بررسی بیشتر در اختیار دامپزشکی قرار خواهد گرفت.

■ **کرمان:** دادستان جیرفت در دیدار با رئیس اداره منابع طبیعی شهرستان جیرفت، با تشکر از تلاش مجموعه منابع طبیعی در صیانت از انفال و سرمایه‌های ملی، گفت: منابع طبیعی ثروتی ملی و میراثی ارزشمند برای نسل‌های آینده است و دادستانی با هرگونه تعرض، تخریب، تصرف یا تغییر کاربری غیرمجاز و همچنین قاچاق چوب و زغال با قاطعیت و در چارچوب قانون برخورد خواهد کرد. افشین صالحی نژاد افزود: تمامی ادارات دولتی موظفند از ارائه هرگونه خدمت از قبیل انشعابات آب، برق و سایر امتیازات به متصرفان منابع طبیعی خودداری کنند و هرگونه امتیازدهی در این زمینه، تخلف محسوب شده و با عاملان آن مطابق قانون برخورد می‌شود.

آگهی تجدید مناقصه عمومی
نوبت اول
ARAS FREE ZONE
احداث پست شماره یک سایت
صنایع سنگین به روش (EPC)
www.setadiran.ir
شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۱۷۵۰۰۰۰۰۵۲
اطلاعات بیشتر arasfz.ir

پیشخوان جوان
Pishkhan.com

گزارش یک

سعیده زمانی

تصویر ناخوشایند از کارنامه عمرانی!

عبور از حکم برنامه هفتم با کاهش سهم بودجه عمرانی

باوجود هزاران پروژه نیمه‌تمام، دولت به دنبال نصف‌کردن سهم بودجه عمرانی در برنامه هفتم است

در طول یک‌دهه اخیر، هر سال به طور میانگین یک سال به زمان اجرای پروژه‌های عمرانی افزوده شده و براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، متوسط اجرای پروژه‌های عمرانی هم‌اکنون به ۱۷ سال رسیده است که در مقایسه با بسیاری از کشورها تقریباً فاصله دوبرابری دارد. قرار بود در برنامه هفتم توسعه نسبت بودجه عمرانی به بودجه عمومی به ۲۵ درصد افزایش یابد، اما گزارش‌ها حاکی از آن است که دولت به دنبال نصف‌کردن این سهم است.

علی پوردهقان | جوان

پروژه‌های عمرانی آیینه‌ای از توان مدیریت منابع و برنامه‌ریزی برای آینده‌اند و طولانی‌شدن روند اجرای آنها تصویر خوشایندی از کارنامه عمرانی کشور به جای نگذاشته است. به رغم اهمیت پیشرفت پروژه‌های عمرانی و نقش آن در رشد اقتصادی، سهم بودجه‌های عمرانی اغلب ناچیز بوده و همان مبالغ نیز با کسری بودجه آب می‌رود و از سهم آن کاسته و در نهایت محقق نمی‌شود؛ دلیل این مسئله نیز مشخص است حذف بودجه عمرانی، همانند تأخیر در پرداخت حقوق و مسائل جاری دولت دردساز نیست و از این رو بخش عمرانی همواره در غربت به سر می‌برد.

در حالی که طبق قانون برنامه هفتم توسعه نسبت بودجه عمرانی به بودجه عمومی کشور باید به ۲۵ درصد افزایش یابد، در پیشنهاد جدید دولت این سهم به حدود ۱۲ درصد کاهش یافته است؛ تصمیمی که به گفته کارشناسان و نمایندگان مجلس مغایر با روح توسعه و تقویت سرمایه‌گذاری در کشور است.

کاهش سهم بودجه عمرانی به معنای تداوم اداره کشور با اتکا به هزینه‌های جاری است، در حالی که قانون‌گذار تأکید داشت باید از هزینه‌های جاری کاسته و بر اعتبارات عمرانی افزوده شود تا چرخ رشد و اشتغال در کشور حرکت کند. کارشناسان هشدار می‌دهند که چنین روندی موجب رکود در پروژه‌های ملی، کاهش ظرفیت اشتغال و افت شاخص‌های توسعه‌ای خواهد شد.

نمایندگان مجلس معتقدند، دولت باید به احکام صریح برنامه هفتم پایبند باشد؛ مجلس نیز موظف است با قدرت در برابر این انحراف بایستد و اجازه ندهد برنامه از ریل اصلی خود خارج شود.

سرنوشت تلخ ۸۰هزار پروژه نیمه‌تمام

براساس برآوردهای صورت گرفته، بین ۵۰ تا ۸۰هزار پروژه نیمه تمام در کشور وجود دارد. یکی از برنامه‌های دولت چهاردهم، اتمام پروژه‌های مهم عمرانی بوده که سال‌ها در حال خاک خوردن است. مقامات دولت بارها اعلام کرده‌اند که قصد شروع پروژه‌ای جدید را نداشته و به دنبال تکمیل پروژه‌های نیمه تمام عمرانی هستند. حالا با درخواست دولت برای کاهش بودجه عمرانی، تحقق این وعده در برنامه هفتم توسعه در ابهام قرار می‌گیرد.

کارشناسان درخصوص دلایل تأخیر در تکمیل پروژه‌های عمرانی دلایل متعددی را عنوان می‌کنند که مهم‌ترین آن را باید در ساختار ناکارآمد بودجه ریزی، ضعف مدیریت و بروکراسی جست‌وجو کرد.

پیامدهای تأخیر در تکمیل پروژه‌های عمرانی

روند طولانی و فرسایشی تکمیل پروژه‌های عمرانی و زیرساختی، پیامدهای گسترده‌ای از جمله اتلاف منابع محدود مالی و افزایش هزینه‌های تمام شده پروژه‌ها و عقب‌ماندگی زیرساختی را به همراه دارد. وقتی پروژه‌ای سال‌ها در مرحله ساخت باقی می‌ماند، هزینه‌های آن به دلیل تورم، تغییر قیمت مصالح و افزایش دستمزدها چندبرابر می‌شود. در نتیجه، منابع مالی تخصیص یافته به جای ایجاد ارزش افزوده در پروژه‌های نیمه‌تمام قفل می‌شوند. این وضعیت بهره‌وری سرمایه را کاهش داده و مانع از تخصیص مؤثر بودجه به طرح‌های جدید می‌شود.

تأخیر در اجرا باعث بازنگری‌های مکرر در طرح، اصلاح قراردادها و پرداخت خسارات به پیمانکاران می‌شود. این روند هزینه تمام‌شده پروژه‌ها را گاه تا چند برابر رقم اولیه افزایش می‌دهد و در نتیجه دولت برای تأمین بودجه ناچار به استقراض یا کاهش هزینه در بخش‌های دیگر می‌شود.

از سوی دیگر، پروژه‌های عمرانی معمولاً زیربنای رشد اقتصادی مناطق هستند و تأخیر در بهره‌برداری از این پروژه‌ها به معنی تداوم کمبود خدمات عمومی، کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و ادامه نابرابری منطقه‌ای است.

ناکارآمدی بودجه‌ریزی و ضعف مدیریت دلایل مهم فرسایشی‌شدن پروژه‌ها

پرسش اصلی این است چه دلایلی باعث شده تا راهی را که پروژه‌های عمرانی باید به طور معمول پنج تا شش سال طی کنند اینچنین طولانی می‌شود. کارشناسان، ناکارآمدی بودجه‌ریزی و ضعف مدیریتی را عامل مهم این مسئله عنوان می‌کنند. در سال‌های گذشته پروژه‌های متعددی بدون توجه به منابع مالی پایدار آغاز شده که نتیجه آن انبوهی از طرح‌های نیمه تمام است. از سوی دیگر تعریف پروژه‌ها معمولاً بدون توجه به منافع ملی بوده و وعده تحقق آن اغلب بدون در نظر گرفتن شرایط و به صورت سلیقه‌ای بوده است.

پیچیدگی‌های اداری از دیگر عواملی است که منجر به تأخیر در به سرانجام رساندن پروژه‌های عمرانی شده است. استعلام‌های متعدد، مجوزهای زمان‌بر و اختلافات حقوقی بر سر مالکیت زمین از موانع مهم اجرای پروژه‌ها هستند.

دولت هزینه‌های جاری را کاهش دهد

هادی قوامی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس ضمن تأکید به دولت بر ضرورت اجرای احکام برنامه هفتم توسعه گفت: مهم‌ترین ویژگی بودجه، تبعیت کمی و کیفی از اهداف برنامه است و به‌عنوان مثال در برنامه گفته شده نسبت اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای به بودجه عمومی کشور باید به ۲۵ درصد برسد. اکنون اعلام شده که این حکم امکان‌پذیر نیست، یعنی چه امکان‌پذیر نیست؟ دولت باید تلاش کند هزینه‌های جاری را کاهش و هزینه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.

وی با تأکید بر نقش بودجه عمرانی در رشد اقتصادی گفت: رشد اقتصادی ۸درصدی که در برنامه هدف‌گذاری شده بدون سرمایه‌گذاری محقق نمی‌شود و یکی از اصلی‌ترین کانال‌های سرمایه‌گذاری، همین بودجه عمرانی است. اگر دولت نتواند نسبت تملک دارایی سرمایه‌ای را به ۲۵درصد برساند به‌نوعی کارایی خود را از دست داده و بهتر است کنار برود؛ دولتی که صرفاً بودجه جاری را خرج می‌کند، دولت باری است، نه دولت راهبردی.

مولدسازی دارایی‌های دولت، کلید تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام است

عضو هیئت رئیسه کمیسیون عمران مجلس با تأکید بر ضرورت استفاده از ظرفیت مولدسازی دارایی‌های دولت گفت: اگر این منابع به صورت واقعی و مؤثر مدیریت شوند، می‌توان پروژه‌های زیرساختی و عمرانی نیمه تمام کشور را به سرانجام رساند.

احمد جباری با بیان اینکه برخی پروژه‌های عمرانی وجود دارد که حدود ۳۰ سال معطل مانده‌اند و بسیاری از این طرح‌ها هنوز تکمیل نشده‌اند، افزود: اگر دستگاه‌ها پای کار بیایند و منابع حاصل از مولدسازی دارایی‌ها در مسیر واقعی خود قرار گیرد، می‌توان حجم زیادی از پروژه‌های نیمه تمام را تکمیل و به اقتصاد کشور نیز کمک کرد. متأسفانه برخی وزارتخانه‌ها هنوز جدیت لازم را در این زمینه نشان نمی‌دهند و بهره‌برداری از این ظرفیت به تعویق افتاده است.

ضرورت مشارکت واقعی دولت با مردم

میثم ظهوریان ابوترابی، نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی هم ضمن تأکید بر اهمیت مشارکت واقعی دولت با مردم به هدایت اعتبار در نظام بانکی به عنوان یکی از الزامات احیای دولت اشاره کرد و گفت: قابلیت خلق اعتبار در نظام بانکی یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های توسعه کشور است. در کشورهای پیشرفته مانند آلمان، ژاپن و چین، توانایی خلق و هدایت اعتبار، یکی از محورهای اصلی توسعه اقتصادی و اجرای پروژه‌های کلیدی است. داده‌ها نشان می‌دهد سال گذشته در ایران، در حالی که فقط ۲۵۰هزار میلیارد تومان به بودجه عمرانی تخصیص یافته بود، نظام بانکی بیش از ۷ هزار و ۶۰۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات داده است.

وی افزود: این ظرفیت می‌تواند در خدمت توسعه کشور قرار گرفته و برای پروژه‌های پیشران، ارزآور و اشتغالزا باشد یا صرف در سفته بازی، بازارهای ارز، مسکن و ساخت بنگاه‌های تجاری و مال‌سازی شود که الزام احیای هدایت اعتبار ابتدا تقویت نظام فلج تنظیم‌گری بانک مرکزی است تا هدایت اعتبار را ذیل یک برنامه سیاست صنعتی که بخش‌های خاص و دارای مزیت از اقتصاد را هدفگذاری می‌کند، احیا کند.

دردسرسازی تعویق اصلاحات ساختاری

در شرایطی که پروژه‌های عمرانی می‌توانند محرک اشتغال و رشد اقتصادی باشند، تأخیر در اتمام آنها باعث از دست‌رفتن فرصت‌های شغلی، کاهش تقاضای مؤثر در بازار کار و تضعیف بخش تولید می‌شود. از سوی دیگر، تغییرات مکرر مدیریتی و نبود نظارت مستمر باعث می‌شود مسئولیت‌پذیری در اجرای پروژه‌ها کمرنگ شود. با توجه به این موضوع، ادامه روند طولانی‌شدن پروژه‌ها، به صلاح و صرفه کشور نبوده و ضرورت اصلاحات اساسی ساختاری در اقتصاد کشور احساس می‌شود؛ بنابراین نباید اصلاحات، بیش از این به تعویق افتد.

پیشخوان
Pishkhan.com

گزارش ۲

زینب زرین

فاکتورهای جعلی با «صور تحساب الکترونیک» به تاریخ می‌پیوندند

احمد انارکی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس و مازیار نوربخش، رئیس کمیسیون تحول، نوآوری و بهره‌وری اتاق بازرگانی تهران در گفت‌وگو با «جوان» اهمیت استقرار صورتحساب الکترونیک را در سامانه مؤدیان و پایانه‌های فروشگاهی تشریح کردند

یکی از اهمیت‌های هوشمندسازی نظام مالیاتی، تمرکز بر کاهش امکان فرار مالیاتی در بخش فاکتورهای جعلی است. تا پیش از این، فاکتورهای جعلی به دلیل کاغذی بودن صورتحساب‌ها به صورت کاملاً آزاد امکان‌پذیر بود و در این زمینه هیچ نظارت پیشینی ممکن نبود، ولی با استقرار صورتحساب الکترونیک، زمینه اعتبارسنجی هر شرکت فراهم شده و به پشتوانه آن از این طریق فرار مالیاتی فاکتورهای جعلی و صوری کاهش چشم‌گیری داشته است.

در نظام اقتصادی مدرن، دو مؤلفه اساسی، یعنی پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد و رقابت‌پذیری بنگاه‌ها، زیربنای رشد پایدار، جذب سرمایه‌گذاری و ثبات سیاست‌های کلان اقتصادی به شمار می‌روند. بدون این دو عامل، نه بخش خصوصی می‌تواند برای آینده برنامه‌ریزی کند و نه دولت قادر خواهد بود درآمدها و مخارج خود را به شکلی دقیق و کارآمد مدیریت کند. یکی از تحولات بنیادینی که در سال‌های اخیر در نظام اقتصادی و مالیاتی ایران رخ داده و می‌تواند به تحقق این دو هدف منجر شود، استقرار نظام هوشمند مالیاتی مبتنی بر صورتحساب الکترونیک است؛ تحولی که نه تنها در جهت مبارزه با فرار مالیاتی و افزایش شفافیت اقتصادی، بلکه به شکل مستقیم بر پیش‌بینی‌پذیری محیط کسب‌وکار و ارتقای رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی اثرگذار است.

در اقتصادهای توسعه‌یافته، عدالت مالیاتی به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی رقابت‌پذیری در نظر گرفته می‌شود. هنگامی که تمامی فعالان اقتصادی به‌طور برابر مالیات می‌پردازند، فضای رقابت عادلانه شکل می‌گیرد و انگیزه برای فرار مالیاتی یا فعالیت در بخش غیررسمی کاهش می‌یابد. در ایران، صورتحساب الکترونیک عملاً گامی مؤثر برای تحقق عدالت مالیاتی است. با تکیه بر صورتحساب الکترونیک و جلوگیری از صدور فاکتورهای جعلی، گام مهمی در زمینه تحقق رقابت‌پذیری و عدالت مالیاتی برداشته شده است.

یکی از اهمیت‌های هوشمندسازی نظام مالیاتی، تمرکز بر کاهش امکان فرار مالیاتی در بخش فاکتورهای جعلی است. تا پیش از این، فاکتورهای جعلی به دلیل کاغذی بودن صورتحساب‌ها به صورت کاملاً آزاد امکان‌پذیر بود و در این زمینه هیچ نظارت پیشینی ممکن نبود، ولی با استقرار صورتحساب الکترونیک، زمینه اعتبارسنجی هر شرکت فراهم شده و به پشتوانه آن از این طریق فرار مالیاتی فاکتورهای جعلی و صوری کاهش چشم‌گیری داشته است.

از سوی دیگر با شفافیت در نرخ مالیات‌های کالاها و خدمات مختلف و همچنین ایجاد امکان پرداخت مالیات بر ارزش افزوده معاملات نسیه، گام مهمی در راستای پیش‌بینی‌پذیری اقتصادی برداشته شده که یکی از مهم‌ترین عوامل در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی است. در چنین شرایطی با استقرار صورتحساب الکترونیک، نظام مالیاتی شفاف، الکترونیکی و مبتنی بر داده‌های واقعی خواهد شد که منجر خواهد شد تا ریسک سرمایه‌گذاری کاهش یافته و بازدهی فعالیت اقتصادی قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود. سرمایه‌گذاران می‌توانند با اطمینان بیشتری وارد بازار شوند، زیرا می‌دانند نظام مالیاتی کشور به شکل منصفانه و قابل محاسبه عمل می‌کند. از سوی دیگر، دولت نیز با اتکا بر داده‌های صورتحساب الکترونیک قادر است درآمدهای مالیاتی خود را با دقت بالایی پیش‌بینی و در نتیجه، سیاست‌های مالی و بودجه‌ای خود را به شکل باثبات‌تری تنظیم کند. این ثبات مالی، یکی از پایه‌های اصلی پیش‌بینی‌پذیری در سطح کلان اقتصاد است و به کاهش نوسانات بازار و تقویت اعتماد عمومی منجر می‌شود.

صورتحساب الکترونیک گام اساسی در راستای ایجاد یک نظام مالیاتی عادلانه و کارآمد است

احمد انارکی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «جوان» در مورد هوشمندسازی مالیات بر ارزش افزوده گفت: در راستای بهبود نظام مالیاتی کشور، یکی از مهم‌ترین اقدامات، هوشمندسازی مالیات بر ارزش افزوده است. این فرآیند به ویژه در حلقه آخر، یعنی زمانی که مردم به عنوان مصرف‌کننده نهایی مالیات را پرداخت می‌کنند، اهمیت ویژه‌ای دارد. در حال حاضر، مردم معمولاً از جزئیات پرداخت‌های خود آگاه نیستند و این موضوع می‌تواند به عدم شفافیت منجر شود. وی اظهار کرد: یکی از راهکارهای مؤثر در این زمینه، صدور صورتحساب‌های الکترونیکی است که اطلاعات دقیق و شفافی از مالیات بر ارزش افزوده را ارائه می‌دهد. این صورتحساب‌ها نه تنها به مصرف‌کنندگان کمک می‌کند تا از میزان مالیات پرداختی خود مطلع شوند، بلکه باعث افزایش شفافیت در معاملات نیز می‌شود. با ایجاد یک سیستم شفاف، معاملات غیرواقعی و ساختگی که معمولاً به صورت زیرپله‌ای یا دو دفتری انجام می‌شود، کاهش خواهد یافت.

> مازیار نوربخش، رئیس کمیسیون تحول، نوآوری و بهره‌وری اتاق بازرگانی تهران: به تعویق انداختن دریافت مالیات بر ارزش افزوده تا زمان تسویه نهایی اقدام مناسبی در راستای حمایت از مؤدیان است که در نهایت به افزایش گردش سرمایه و نقدینگی در کشور منجر می‌شود. در شرایط فعلی به اجرا گذاشتن اقداماتی مانند امکان پرداخت مالیات بر ارزش افزوده پس از تسویه نهایی کمک‌کننده است

انارکی بیان کرد: صورتحساب الکترونیک به این معناست که تمامی مراحل ثبت و پردازش اطلاعات مالیاتی به صورت الکترونیکی انجام می‌شود. این روش باعث می‌شود هر معامله‌ای که صورت می‌گیرد، به طور خودکار ثبت شده و شفافیت بیشتری در نظام مالیاتی کشور ایجاد شود. با حذف معاملات غیرواقعی و شفاف‌سازی فرآیندها، امکان سوءاستفاده و فرار مالیاتی به حداقل می‌رسد.

وی در پایان خاطر نشان کرد: در نهایت با اجرای این سیاست‌ها، نه تنها میزان دقت و صحت اطلاعات مالیاتی افزایش می‌یابد، بلکه اعتماد عمومی به نظام مالیاتی نیز تقویت خواهد شد. هوشمندسازی مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند به عنوان یک گام اساسی در راستای ایجاد یک نظام مالیاتی عادلانه و کارآمد در کشور مطرح شود.

> احمد انارکی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: صورتحساب الکترونیک به این معناست که تمامی مراحل ثبت و پردازش اطلاعات مالیاتی به صورت الکترونیکی انجام می‌شود. این روش باعث می‌شود هر معامله‌ای که صورت می‌گیرد، به طور خودکار ثبت شده و شفافیت بیشتری در نظام مالیاتی کشور ایجاد شود. با حذف معاملات غیرواقعی و شفاف‌سازی فرآیندها، امکان سوءاستفاده و فرار مالیاتی به حداقل می‌رسد

پایان بخشیدن به فاکتورهای جعلی شرکت‌های صوری با صورتحساب الکترونیک

مازیار نوربخش، رئیس کمیسیون تحول، نوآوری و بهره‌وری اتاق بازرگانی تهران نیز درخصوص اقدامات اخیر سازمان امور مالیاتی مبنی بر صدور صورتحساب الکترونیک، ایجاد امکان پرداخت مالیات بر ارزش افزوده پس از تسویه نهایی و اعتبارسنجی شرکت‌ها به منظور جلوگیری از صدور فاکتورهای جعلی اظهار کرد: یکی از گام‌های مهم و کلیدی در زمینه تحقق عدالت مالیاتی، مسئله هوشمندسازی نظام مالیاتی و استقرار صورتحساب الکترونیک است که کمک بزرگی به جلوگیری از فرار مالیاتی شرکت‌های صوری کرده است.

نوربخش با اشاره به این موضوع که معمولاً مالیات بر ارزش افزوده در زمان ارائه کالا و خدمات محاسبه و اخذ می‌شود، تصریح کرد: عرف اینطور است که در زمان فروش کالا یا ارائه خدمات، مالیات بر ارزش افزوده از مؤدی اخذ می‌شود، اما در نظر گرفتن امکان پرداخت این نوع مالیات پس از تسویه نهایی در واقع یک فرصت در اختیار مالیات‌دهنده قرار می‌دهد تا بعد از تسویه به پرداخت مالیات مبادرت کند.

وی ادامه داد: صدور صورتحساب الکترونیک از یک طرف به افزایش انضباط در مالیات‌ستانی می‌انجامد و هزینه‌های دریافت مالیات را برای حاکمیت کاهش می‌دهد و از طرف دیگر، دغدغه‌های مؤدیان را در زمینه نگه‌داری دفاتر مالیاتی و ارائه اظهارنامه از بین می‌برد.

وی ادامه داد: این یک سیاست حمایتی به نفع مؤدیان است و زمان پرداخت مالیات را برای‌شان به تعویق می‌اندازد. این طور اقدامات مثبت ارزیابی می‌شود و در راستای در نظر گرفتن شرایط مؤدیان است.

رئیس کمیسیون تحول، نوآوری و بهره‌وری اتاق بازرگانی تهران خاطرنشان کرد: به تعویق انداختن دریافت مالیات بر ارزش افزوده تا زمان تسویه نهایی اقدام مناسبی در راستای حمایت از مؤدیان است که در نهایت به افزایش گردش سرمایه و نقدینگی در کشور منجر می‌شود. در شرایط فعلی به اجرا گذاشتن اقداماتی مانند امکان پرداخت مالیات بر ارزش افزوده پس از تسویه نهایی کمک‌کننده است.

رئیس کمیسیون تحول، نوآوری و بهره‌وری اتاق بازرگانی تهران خاطرنشان کرد: اعتبارسنجی شرکت‌ها در راستای مقابله با صدور فاکتورهای جعلی می‌تواند کمک‌کننده باشد. این اقدامات باید با دقت بالایی انجام شود تا بتواند ما را به هدف نهایی که مقابله با فاکتورسازی و فرار مالیاتی است، برساند.

نوربخش گفت: در روش‌های دستی و ممیزمحور مالیات‌ستانی امکان بروز اشتباهات انسانی یا سوءاستفاده‌های احتمالی وجود داشت. در روندهای هوشمند تا حد زیادی جلوی این موارد گرفته می‌شود و به افزایش دقت در مالیات‌ستانی می‌رسیم.

وی ادامه داد: این فرهنگ در کشور در حال شکل‌گیری است که پرداخت مالیات یک وظیفه شهروندی است و باید کشور از محل درآمدهای مالیاتی اداره شود. مؤدیان درخصوص پرداخت مالیات مشکلی ندارند، اما در مورد نحوه اخذ مالیات و اینکه با فرار مالیاتی مقابله شود، حساسیت دارند. وقتی مؤدیان مشاهده کنند که ذیل روش‌های هوشمند مالیات‌ستانی از همگان به عدالت انجام می‌شود، همراهی بیشتری با سازوکارهای مالیاتی کشور خواهند داشت.

نگاه

مترجم: شیوا نوروزی

تمایل بارسلونا و رشفورد برای ادامه همکاری

اسکات تراتر

میرر

عملکرد خوب مارکوس رشفورد، کاتالان‌ها را به تمدید قرارداد با این بازیکن ترغیب کرده است. از طرفی رشفورد خودش نیز از بازگشت به اوج و ماندن در جمع آبی‌واناری‌ها استقبال می‌کند. طبق اخبار اعلام شده باشگاه بارسلونا تصمیم خود را برای تبدیل قرارداد قرضی این بازیکن انگلیسی به قرارداد دائمی گرفته و به زودی باید برای نهایی کردن این تصمیم با سران باشگاه منچستریونایتد مذاکرات آغاز شود. ملی‌پوش انگلیسی برخلاف روبن آموریم توانسته نظر مثبت سرمربی آلمانی و مدیران باشگاه اسپانیایی را جلب کند. غول لالیگا توانسته از توانایی‌ها و مهارت‌های رشفورد به بهترین شکل استفاده کند و با توجه به اعتماد هانسی فلیک به او، بارسا دیگر نمی‌تواند جایگزینی برای بازیکن ۲۷ ساله پیدا کند. بعد از آنکه سرمربی شیاطین‌سرخ رشفورد را نخواست و او را در لیست مازاد قرارداد، این بازیکن در ابتدای سال به صورت قرضی به استون‌ویلا پیوست و از آنجا که این تیم انگلیسی موفق به کسب سهمیه لیگ‌قهرمانان نشد، رشفورد ترجیح داد یک تیم دیگر را انتخاب کند. پیشنهاد بارسا وسوسه‌کننده‌تر از حد انتظار بود و انتقال قرضی او لالیگا را تحت‌تأثیر قرار داد. باشگاه منچستر همان زمان بند خرید دائمی ۲۵ میلیون پوندی، به علاوه ۵ میلیون پوند برای آپشن‌های احتمالی، در قرارداد رشفورد با بارسا گنجاند. حالا که همه چیز مشخص است سران بارسا نیز فرصت را از دست نمی‌دهند و قصد دارند پروژه استخدام طولانی مدت ستاره جدید خود را به سرانجام برسانند. خرید قرضی فراتر از انتظار ظاهر شده و عصای دست فلیک است. مارکوس رشفورد در اظهاراتش بارسلونا را بهترین انتخاب خواند: «دلم می‌خواهد حالاحالاها در بارسلونا بمانم. تمام تمرکزم را روی انجام بهترین بازی و کمک به تیم برای پیروزی گذاشته‌ام.» رشفورد در ۱۰ بازی که برای بارسا انجام داده، سه گل زده و پنج پاس گل به هم‌تیمی‌هایش داده است. دو گل اروپایی او پیروزی بارسلونا مقابل نیوکاسل را در لیگ‌قهرمانان رقم زد. هانسی فلیک در یک اظهارنظر با تمجید از رشفورد تأکید کرد نباید از درخشش این بازیکن تعجب کرد: «از گلزنی و درخشش مارکوس تعجب نمی‌کنم. او فوتبالیست فوق‌العاده و با توانایی‌های بی‌نظیری است و یک تمام‌کننده درجه یک است. این بازیکن علاوه بر گلزنی، حواسش به خلق موقعیت گل هم هست. برای یک مهاجم، گلزنی یک اصل است و از اینکه رشفورد در بارسلوناست، خوشحالم. او برای من و تیمم یک بازیکن ارزشمند به حساب می‌آید. قبل از شروع فصل استخدام چنین بازیکنی با این قابلیت‌ها در برنامه ما بود. وقتی شانس خرید رشفورد را داشتیم، این شانس را از دست ندادیم.»

فوتبال اروپا

شیوا نوروزی

پیروزی آتزوری و لاروخا در مسیر جام‌جهانی

ایتالیا برای پلی‌آف آماده می‌شود

ایتالیا و اسپانیا پابه‌پای هم در مسیر صعود به جام‌جهانی پیروز می‌شوند، البته با این تفاوت که آتزوری از هم‌اکنون برای صعود مستقیم امیدی ندارد و خود را برای حضور در پلی‌آف آماده می‌کند. از آنجا که تنها صدرنشین‌های گروه‌های ۱۲گانه اروپا سهمیه مستقیم خواهند گرفت و تیم‌های دوم هر گروه به همراه چهار تیم برتر در رنکینگ لیگ ملت‌های اروپا برای کسب چهار سهمیه دیگر به پلی‌آف خواهند رفت، شاگردان جنارو گتوزو برای جبران امتیازهای از دست رفته و کنار زدن نروژ از صدر جدول گروه I کار بسیار سختی پیش‌رو دارند.

تیم‌ملی ایتالیا در تالین موفق شد استونی را ۳ بر یک از پیش‌رو بردارد و با ۱۲ امتیازی شدن، اختلافش با نروژ را به شش امتیاز کاهش دهد. در حال حاضر نروژ با ۱۸ امتیاز صدرنشین است و حریفانش را با گل‌های زیاد یکی پس از دیگری شکست می‌دهد. هالند و هم‌تیمی‌هایش حتی در بازی رفت خود برابر ایتالیا، سه گل هم به لاجوردی‌پوشان زدند. البته آن زمان گتوزو سرمربی تیم نبود.

در سه بازی باقی‌مانده و برای صعود ایتالیا به صدر جدول نروژ حتماً باید امتیاز از دست بدهد، ولی همزمان ایتالیا نیز باید هر سه بازی خود را ببرد. همچنین فکری به حال جبران تفاضل گل ۱۶+ تیم‌ملی نروژ کند! ضمن اینکه در آخرین بازی ایتالیا در خانه میزبان نروژ خواهد بود.

با توجه به این شرایط سرمربی ایتالیا بعد از برد شاگردانش برابر استونی، رسماً از آمادگی برای حضور در پلی‌آف گفت: «مهم این است که موقعیت‌ها را ایجاد کنیم. ممکن است برخی از توپ‌ها یا حتی پنالتی‌ها را از دست بدهیم، اما مهم این است که اساساً آن موقعیت‌ها را خلق کنیم. باید با همین عملکرد ادامه دهیم و بهتر و بهتر شویم. تجربه به ما نشان داده که همیشه در بازی‌های دوم فیفادی دچار مشکل می‌شویم، اما پیروزی در بازی برابر رژیم صهیونیستی (فرداشب) به معنای حذف آنها از رقابت‌هاست و به ما امکان می‌دهد با آرامش بیشتری برای پلی‌آف آماده شویم. وظیفه مشخصی داریم؛ باید بازی به بازی رشد کنیم و روحیه تیمی و کار گروهی را حفظ کنیم. وقتی چنین تعهدی می‌بینم، ممکن است اشتباهاتی رخ دهد، اما از عملکرد بسیار راضی هستم.»

لاروخا اما به‌رغم از دست دادن یک پنالتی دیگر با دو گل گرجستان را شکست داد تا همچنان صدرنشین گروه E باقی بماند. تیم‌ملی اسپانیا هر سه بازی خود در مقدماتی جام‌جهانی را با برد به پایان رسانده است. قهرمان یورو ۲۰۲۴ برای صعود راحت به جام‌جهانی ۲۰۲۶ برنامه دارد و هواداران این تیم منتظر قهرمانی ماتادورها در جام‌جهانی هستند.

با این‌حال شاگردان لوئیز دلافوئنته باز هم در گل کردن ضربه پنالتی به دست آمده ناکام بودند. فران تورس در مصاف با گرجستان نتوانست پنالتی دقیقه ۲۹ خود را گل کند. آنها در لیگ ملت‌ها نیز به‌خاطر ضعف در پنالتی‌ها شکست خوردند. سرمربی اسپانیا در خصوص عملکرد تیمش در راه رسیدن به جام‌جهانی اظهار داشت: «فوتبال همین است؛ بردن با گل‌های زیاد گاهی اوقات می‌تواند گمراه‌کننده باشد و کسب چنین نتیجه‌ای اصلاً آسان نیست. این ما را به واقعیت آنچه به دست آورده‌ایم و آنچه هنوز در پیش است، بازمی‌گرداند. می‌توانستیم با اختلاف گل بیشتری بازی را تمام کنیم، اما با تیمی شجاع و دروازه‌بانی فوق‌العاده روبه‌رو شدیم. برای گل کردن موقعیت‌هایی که ایجاد می‌کنید و برای ممکن کردن چنین نتایجی باید خیلی خوب عمل کنید.»

گزارش یک

دنیا حیدری

تیم ملی نه برنامه و تاکتیک دارد، نه بازیکن و ساختار

فاجعه ولگوگراد را جدی بگیرید

قاعدتاً با گذشت سه روز باید هیجانات ناشی از باخت به روس‌ها فروکش می‌کرد، اما نه وقتی هنوز واقعیت لخت و عریانی که کارپین به زبان آورد جلوی چشمانمان رژه می‌رود؛ «عملاً چیز خاصی از ایران ندیدم.»

با وجود تمام انتقادها، قبول این واقعیت برایمان کار آسانی نبود، اما یک جمله کنایه‌آمیز، ولی صادقانه کافی بود تا دریابیم با تمام عشقی که به تیم‌ملی فوتبال ایران داریم باید بپذیریم که چیزی در چنته نداریم و با این شرایط، جام‌جهانی به معنای واقعی کلمه برایمان جهنم خواهد شد. با وجود آنکه به دلیل ۴۸ تیمی شدن این رقابت‌ها حتماً ایران با حریفانی به مراتب پایین‌تر از خود در رنکینگ مواجه می‌شود، اما مگر روسیه چندین رده پایین‌تر از ایران نبود؟

نخستین فیفادی مهرماه تلنگری جدی بود، اما آیا آنها که باید نیز متوجه شرایط بغرنج موجود شده‌اند که انتظار اتخاذ تصمیمی جدی و جدید را داشت؟ بی‌تردید ماهی هر زمان که از آب گرفته شود تازه است، پس باید دست جنباند تا همین اندک زمان باقی‌مانده نیز از دست نرفته، در غیر این صورت پرواضح است که نمی‌توان امیدوار به کسب نتایج قابل قبول در جام‌جهانی بود، اما چطور می‌توان به ایجاد تغییرات امید بست وقتی سرمربی تیم‌ملی کوچک‌ترین انتقادی را نمی‌پذیرد و هر کس که اشاره‌ای به اشتباهات تیم داشته باشد در زمره مغرضانی قرار می‌گیرد که به‌زعم قلعه‌نویی صرفاً برای زدن او لب به انتقاد می‌گشایند!

رویکردی که حتی صدای کربکندی، پیشکسوت قدیمی فوتبال را هم درآورده است: «نباید خودمان را گول بزنیم، در جام‌جهانی قطعاً با تیم‌هایی قوی‌تر از روسیه مواجه خواهیم شد و مطمئناً ضعف ساختار دفاعی برایمان دردسرساز خواهد شد. با وجود این بعید است که قلعه‌نویی به ترکیب مورد نظرش دست بزند و بدتر از همه اینکه سرمربی تیم‌ملی نه فقط ضعف‌ها را نمی‌بیند و تیمش را ستایش می‌کند که توجهی هم به نقدها ندارد و این بزرگ‌ترین ایراد و اشکال است.» البته واقعیت این است که فوتبال ایران رو به افول است و این فقط به تیم‌ملی برنمی‌گردد، زیرا همانطور که حاج‌رضایی نیز بارها بدان اشاره کرده، تیم ملی قوی از دل لیگی قوی است که به وجود می‌آید و با نگاهی گذرا به نتایج رقم خورده طی شش هفته ابتدایی لیگ ایران می‌توان به خوبی دریافت که چرا شاهد باخت به روسیه بودیم، باختی که همه را نگران عاقبت تیم‌ملی در جام‌جهانی کرده است.

شاید اگر ۱۰ سال قبل که امثال محصص هشدار داده بودند که جوانگرایی آینده فوتبال ایران را تأمین می‌کند، حرف‌های آنها را روی طناب گذاشته بودیم، امروز هاج و واج نبودیم که با این شرایط اسفناک قرار است چه اتفاقی در جام جهانی رخ دهد، خصوصاً که سرمربی تیم‌ملی بی‌اعتنا به انتقادها و اشکالات موجود، همچنان به رفتن راهی که در پیش گرفته اصرار دارد و هر روز با انتخاب‌ها و تصمیم‌هایش بیشتر و بیشتر بر نگرانی و تعداد منتقدانش می‌افزاید. قلعه‌نویی در جدیدترین تصمیم خود میلاد محمدی را به تیم ملی دعوت کرده است، بازیکنی که هنوز نتوانسته اعتماد سرمربی پرسپولیس را برای حضور ثابت در ترکیب این تیم جلب کند و تنها در بازی برابر فولاد در هفته سوم ۹۰ دقیقه بازی کرد، آن‌هم در سمت راست، حال آنکه پست تخصصی او دفاع چپ است. محمدی بعد از آن همواره به عنوان بازیکن تعویضی وارد میدان شده، اما توانسته به پیراهن تیم ملی برسد. مسئله‌ای که انتقادهای زیادی را به دنبال داشته و این سؤال را مطرح کرده که میلاد محمد براساس کدام توانایی به تیم‌ملی راه یافته است؟! با همان منطقی که جهانبخش بدون تیم همچنان وزنه خوانده می‌شود! منطقی که به سرمربی تیم‌ملی اجازه می‌دهد بی‌توجه به نیازهای تیم صرفاً از نام‌ها دعوت به عمل آورد، نام‌هایی که ثابت کردند دیگر قابل اتکا نیستند.

البته برخی معتقدند در طول ۱۰ سال حضور کی‌روش، گذار و انتقال بین نسلی درستی شکل نگرفت و او با همان تیمی که ساخته بود تا آخر ادامه داد. اما این بهانه خوبی نیست که چون مربیان قبلی اشتباه کردند، سرمربی فعلی نیز می‌تواند آن را تکرار کند. اساساً تغییر کادرفنی برای تغییر رویه و تفکرات است، پس اشتباهات و کاستی‌های قلعه‌نویی و تیمش را نمی‌توان صرف برشمردن اشتباهات مربیان قبلی توجیه کرد، خصوصاً که تیم ملی نه‌تنها تاکنون انتظارات را برآورده نکرده که هیچ پیشرفتی هم نداشته و این را حتی کارشناسان موافق قلعه‌نویی هم نمی‌توانند منکر شوند.

اما باید تعارف را کنار گذاشت، حداقل اگر به دنبال آن هستیم که در جام‌جهانی عملکرد قابل قبولی داشته باشیم. فرصت‌ها یکی پس از دیگری می‌گذرد، اما قلعه‌نویی هنوز حتی به ترکیب ایده‌آل خود هم نرسیده و صرفاً هر بار لژیونرهایی را در کنار برخی نام‌های لیگ به اردو فرا می‌خواند و جوانی هم اگر در این بین به پیراهن تیم ملی می‌رسد، استفاده خاصی از او نمی‌شود. به همین دلیل است که نمی‌توان جمله سرمربی روس‌ها را که گفت هیچ چیز خاصی از ایران ندیدم، فراموش کرد. هرچند که دانستن ضعف‌ها به تنهایی کافی نیست و باید با کار فنی و تاکتیکی در جهت اصلاح ساختار تیم قدم برداشت، اما چطور وقتی قلعه‌نویی بعد از نمایش ضعیف شاگردانش برای آنها دست می‌زند تا هیچ امیدی برای حل و فصل مشکلات ساختاری تیم باقی نماند و با این شرایط پرواضح است که به چالش می‌خوریم و چه بسا که با فاجعه‌ای فوتبالی نیز مواجه شویم.

امیدواری ساعی به شکسته شدن طلسم تکواندو ایران

ریسک می‌کنیم، چون به بچه‌ها اعتماد داریم

خبر

اشرف رامین

کاروان تکواندو ایران برای مبارزه در مسابقات جهانی ۲۰۲۵ به مرز آمادگی کامل رسیده است. هوگوپوشان اعزامی به شهر ووشی چین آخرین تمرینات خود را زیر نظر کادرفنی پشت‌سر می‌گذارند. براساس ترکیب نهایی اعلام شده؛ مهدی رزمیان، ابوالفضل زندی، مهدی حاج‌موسایی، محمدصادق دهقانی، امیرسینا بختیاری، مهران برخورداری، محمدحسین یزدانی و آرین سلیمی، هشت ملی‌پوش تیم مردان و سعیده نصیری، مهلا مؤمن‌زاده، مبینا نعمت‌زاده، ناهید کیانی، کوثر اساسه و نسترن ولی‌زاده نیز ملی‌پوشان تیم بانوان خواهند بود. این رقابت‌ها از دوم آبان‌ماه آغاز خواهد شد و رئیس فدراسیون تکواندو با مثبت ارزیابی کردن شرایط ملی‌پوشان امیدوار به کسب نتیجه مطلوب است.

هادی ساعی در گفت‌وگو با تسنیم از اعزام تیمی متشکل از جوانان و باتجربه‌ها گفت: «بچه‌ها تمرینات خوب و پرفشاری را پشت سر گذاشته‌اند. شرایط تیم بسیار خوب است. روال انتخاب تیم از طریق برگزاری مسابقات انتخابی بود و پنج نفر از بچه‌ها، نفرات باتجربه‌تر را شکست دادند و به ترکیب تیم اعزامی راه پیدا کردند. شاید بتوان گفت این کار نوعی ریسک است، اما ما آنقدر به بچه‌هایمان اعتماد داریم که این ریسک را پذیرفتیم. مطمئن باشید این نفرات تمام توان خود را خواهند گذاشت. آنها حریفانی را شکست داده‌اند که سابقه بیشتری داشتند و این نشان می‌دهد تلاش و انگیزه‌شان بیشتر بوده است.»

رقابت تنگنگ مدعیان و شروع پروسه جمع‌آوری امتیاز برای گرفتن سهمیه المپیک از جمله نکات مورد اشاره ساعی بود: «از همین حالا در مسیر جمع‌آوری امتیاز برای کسب سهمیه المپیک لس‌آنجلس هستیم. تعداد شرکت‌کنندگان نیز قابل توجه است. بیش از ۱۴۰ کشور قرار است در این رویداد حضور داشته باشند. بسیاری از کشورهایی که در سایر رشته‌ها حرفی برای گفتن ندارند، در تکواندو سرمایه‌گذاری کرده‌اند.»

شکستن طلسم ۱۰ ساله تیم مردان برای تصاحب مدال طلای جهان مهم‌ترین هدف شاگردان افلاکی در چین است. ساعی در این خصوص گفت: «در دوره گذشته برای نخستین بار توسط ناهید کیانی در بخش بانوان به مدال طلا رسیدیم. مطمئن هستم بچه‌ها در این دوره مدال طلا کسب خواهند کرد و حتی بیش از یک مدال خواهیم گرفت. تیمی بسیار خوب و جوان در اختیار داریم.» رئیس فدراسیون در خصوص تیم بانوان نیز اظهار داشت: «تیم بسیار خوبی داریم. تصمیم مهروز ساعی در ابتدا اعزام کیفی پنج نفره بود، چراکه اعتقاد داشت باید نفراتی اعزام شوند که شانس مدال دارند. در ادامه تمرینات این تعداد به شش نفر رسید و پس از برگزاری دور نخست لیگ برتر نیز تصمیم گرفته شد یک بازیکن دیگر نیز به ترکیب اضافه شود تا تیم با هفت نفر به مسابقات برود.»

تصمیم تعجب‌برانگیز در پاراوزنه‌برداری جهانی

روح‌الله رستمیان نقره‌ای شد

بازتاب

حامد قهرمانی

روح‌الله رستمیان، قهرمان پاراوزنه‌برداری پارالمپیک پاریس با تصمیم پرحاشیه داوران مسابقات قهرمانی جهان به مدال نقره این مسابقات در مصر دست یافت.

رقابت‌های پاراوزنه‌برداری قهرمانی جهان در مصر، عصر دیروز با برگزاری رقابت دسته ۸۸ کیلوگرم پیگیری شد. در گروه A این دسته، روح‌الله رستمیان، ملی‌پوش پرافتخار کشورمان به همراه وزنه‌بردارانی از چین (دو نفر)، ایتالیا، روسیه، مصر (دو نفر) و قزاقستان به رقابت پرداخت.

رستمیان که سال قبل در دسته ۸۰ کیلوگرم به مدال طلای پارالمپیک رسیده، کار خود را با مهار وزنه ۲۳۵ کیلوگرمی آغاز کرد و در تلاش دوم مقابل وزنه ۲۴۳ کیلوگرمی نیز موفق ظاهر شد. او در تلاش سوم وزنه ۲۴۵ کیلوگرمی را انتخاب کرد و در حالی که وزنه را بالای سر نگه داشت، با دو چراغ قرمز و یک چراغ سفید داوران مواجه شد تا این وزنه مورد قبول قرار نگیرد و نماینده کشورمان با رکورد ۲۴۳ کیلوگرم به مدال نقره برسد. این تصمیم داوران با تعجب رستمیان و همچنین حسین توکلی، سرمربی تیم ملی همراه بود. تصور این بود که حرکت رستمی کاملاً درست بوده، اما داوران نظری دیگری داشتند تا به این ترتیب قهرمان کشورمان تنها با اختلاف یک کیلوگرم نسبت به رقیب چینی مدال طلا را از دست بدهد و به نشان ارزشمند نقره بسنده کند.

در پایان رقابت این دسته، یان پان پان قهرمان دسته ۸۸ کیلوگرم در پارالمپیک پاریس با رکورد ۲۴۴ کیلوگرمی به مدال طلا رسید. ضمن اینکه وزنه‌بردار مصری نیز به مدال برنز دست یافت. روح‌الله رستمیان در کارنامه افتخاراتش دو طلا و یک نقره در پارالمپیک، یک طلا و سه نقره در رقابت‌های جهانی و یک طلا و یک نقره در بازی‌های پاراآسیایی دارد. او برای مسابقات جهانی تصمیم به تغییر وزن گرفت و به دسته ۸۸ کیلوگرم آمد، جایی که می‌توانست با شایستگی تمام مدال طلای آن را نیز به دست آورد، اما نتوانست حریف نظر داوران شود. به هر حال باید منتظر ماند و دید که نظر کادر فنی تیم ملی ایران در این خصوص چیست و چگونه با آن کنار خواهند آمد. تصمیمی تعجب‌برانگیز که ایران را از کسب سومین مدال طلای خود در این رقابت‌ها محروم کرد.

اما رستمیان تنها نماینده ایران در این وزن نبود. سعید اسکندرزاده دیگر وزنه‌بردار کشورمان بود که در گروه سوم رقابت‌های وزن ۸۸ کیلوگرم به مصاف رقبای خود رفت و در نهایت با حد نصاب ۱۸۲ کیلوگرم در جایگاه دوم این دسته قرار گرفت. کاروان پاراوزنه‌برداری ایران در مسابقات جهانی مصر پیش از این توسط مانی سعیدی و عطیه‌السادات حسینی موفق به کسب دو نشان خوشرنگ طلا شده است.

یادداشت

فریدون حسن

آهای فوتبالی‌ها، بهتان برنمی‌خورد!؟

این همه انتقاد از تیم ملی، این همه ایرادهای ریز و درشت فنی و این همه بیان نقطه ضعف‌ها از سوی منتقدان، کارشناسان و پیشکسوتان فوتبال همه بابت نوع بازی ضعیف و پرایراد تیمی است که باید به جام جهانی برود و با تیم‌هایی دیدار کند که بسیار آماده‌تر از امثال روسیه و تانزانیا هستند.

جالب است که هیچ کدام از ایرادها را کادر فنی تیم ملی نمی‌بیند. حرف حساب هیچ کسی به گوش آقایان نمی‌رود. فدراسیون‌نشینان هم که این روزها بیشتر به فکر تأیید ویزای امریکا هستند تا برنامه‌ریزی برای آمادگی بیشتر تیم ملی، پس مشخص است که هیچ اتفاق مثبتی نمی‌افتد و باید منتظر بدتر از آنچه تاکنون رخ داده، باشیم.

در این میان اتفاقی تلخ‌تر هم رخ داده و آن تحقیر فوتبال ایران توسط روس‌هاست. این روزها اگر یک نگاه گذرا به صفحات فوتبالی خبرگزاری‌ها و فضای مجازی کرده باشید، حتماً اظهارنظر روس‌ها بعد از بازی با ایران توجه شما را جلب کرده است. از سرمربی تا بازیکنان و حتی پیشکسوتان فوتبال روسیه با جملاتی تحقیرآمیز تیم ملی ایران را زیر سؤال برده‌اند؛ «ایران جز اوت دستی و کرنر چیزی نداشت»، «این تیم چگونه به جام جهانی صعود کرده»، «ایرانی‌ها توریست بودند، نه فوتبالیست» و اظهارات دیگری از این دست و البته برخی با ادبیاتی توهین‌آمیزتر که همه اینها فضای مجازی را پر کرده است و روی اعصاب و روان علاقه‌مندان به فوتبال راه می‌رود.

آقایان نیمکت تیم ملی، آقایان ملی‌پوش و آقایان کت‌وشلوارپوش فوتبال، لطفاً این یکی بهتان بربخورد. شمایی که دسته‌جمعی در روزهایی که کل ورزش باعث شادی و افتخارآفرینی است فقط شکست می‌خورید و مایه آبروریزی هستید، لطفاً این میزان از تحقیر بهتان بربخورد تا شاید بروید و فکری اساسی به حال تیمی بکنید که چیزی برای ارائه ندارد. کاش حداقل توهین روس‌ها به جایی از آقایان بربخورد. حداقل این همه تحقیر باعث شود بیشتر و بهتر کار کنند. هرچند که می‌دانیم کک‌شان هم نمی‌گزد. این جماعت از همین حالا رؤیای مسافرت به امریکا را دارند. بی‌خیال فوتبال و بی‌خیال غرور ملی که توسط مشتی فوتبالی در حال لگدمال شدن است.

طعنه‌های روس‌ها هرچند آزاردهنده و ناراحت‌کننده است، اما واقعیت عریان فوتبال ایران را نشان می‌دهد. فوتبالی که کم‌کم از همه چیز تهی می‌شود. فوتبالی که حتی نمی‌تواند در زمین برنامه درستی را اجرا کند. البته اگر اصولاً برنامه‌ای داشته باشد. پس لطفاً و خواهشاً؛ شما را قسم به هر چیزی که به آن اعتقاد دارید، این همه طعنه بهتان بربخورد. بروید فکر کنید و ببینید چطور تیمی که حتی در صورت حضور در مرحله مقدماتی بعید بود بتواند راهی جام جهانی شود، اینگونه فوتبال ایران را به باد استهزا و مسخره گرفته است. بروید ببینید ایراد کار کجاست، هرچند ایراد را همه می‌دانند، الا خود فوتبالی‌ها، آنهایی که اینقدر از بیت‌المال و پول مردم خورده‌اند که نه دیگر گوش‌هایشان می‌شنود و نه چشمانشان قادر به دیدن ایرادهای واضح‌شان است.

شاید باید فریاد بزنیم، شاید باید داد بکشیم سر این جماعت مغرور و بی‌خیال که تصور می‌کنند همیشه بزرگ هستند و برنده. اصلاً چرا شاید، حتماً باید سرشان هوار بکشیم که آهای فوتبالی‌های همیشه بازنده، دارند تحقیرتان می‌کنند، پس حتماً باید بهتان بربخورد. هرچند با روندی که در پیش گرفته‌اید شایسته تحقیر شدن هم هستید، ولی کاش بهتان بربخورد تا شاید تکانی به خود بدهید و ببینید کجای فوتبال آسیا و جهان هستید.

درخشش نوجوانان ایران در تونس

در جریان رقابت‌های تنیس روی میز کانتندر تونس و در مرحله گروهی، عرشیا لرستانی با دو برد ۳ بر صفر مقابل آلکسی مارچوک و مؤمن سغایر به عنوان صدرنشین راهی مرحله حذفی شد. در مرحله یک‌چهارم، لرستانی با پیروزی ۳ بر صفر برابر عصر سامح از مصر راهی مرحله نیمه‌نهایی شد. او در این مرحله و در رقابت با اوگنی دوسوف از بلژیک با نتیجه ۳ بر ۲ به پیروزی رسید و به دیدار نهایی راه یافت.

زاخار وارفولومیف، حریف لرستانی در دیدار نهایی بود که نماینده ایران در این دیدار با نتیجه ۳ بر صفر پیروز شد و به عنوان قهرمان دست پیدا کرد. همچنین در رده سنی زیر ۱۱ سال رقابت‌های تنیس روی میز کانتندر جوانان تونس، نیکان شیروانی نایب‌قهرمان شد. شیروانی، مرحله گروهی این مسابقات را با سه برد به پایان رساند. او در مرحله نیمه‌نهایی مقابل الکساندر ملنیکوف ۳ بر صفر پیروز و فینالیست شد، اما در دیدار نهایی برابر اندیا محمد از عراق ۳ بر ۲ باخت و به مدال نقره رسید. شیروانی پیش از این نیز مدال برنز رده سنی زیر ۱۳ سال این رقابت‌ها را کسب کرده بود.

ایران - عراق در بیروت!

دیدار تیم‌های ملی بسکتبال ایران و عراق در پنجره اول انتخابی جام جهانی ۲۰۲۷ طبق اعلام فدراسیون جهانی بسکتبال (فیبا)، به میزبانی کشور ثالث و در شهر بیروت لبنان برگزار خواهد شد. دیدار رفت تیم ملی بسکتبال ایران و تیم ملی عراق که قرار بود به میزبانی ایران برگزار شود، طبق تصمیم فیبا در تاریخ ششم آذرماه ۱۴۰۴ در بیروت برگزار می‌شود. همچنین دیدار برگشت این دو تیم نیز در تاریخ ۹ آذر و مجدداً در بیروت برگزار خواهد شد. فیبا تصمیم برگزاری بازی در کشور ثالث را در تیرماه ۱۴۰۴ و در پی تحولات مربوط به جنگ ۱۲ روزه ایران و تحولات منطقه اتخاذ کرد. همچنین تیم‌های ملی عراق و سوریه در کشور ثالث میزبانی خواهند کرد. هر دو دیدار ایران و عراق در این پنجره در کشور ثالث(لبنان) برگزار می‌شود.

فدراسیون بسکتبال ایران نیز در خصوص میزبانی این دیدارها، پیگیری و مکاتبات لازم را با فیبا انجام داده و منتظر تصمیم نهایی این نهاد در دسامبر ۲۰۲۵ (آذرماه ۱۴۰۴) است تا در خصوص بازی‌های بعدی تصمیم‌گیری شود. این در شرایطی است که تمامی دیدارهای رفت تیم شهرداری گرگان، نماینده ایران در رقابت‌های سوپرلیگ غرب آسیا(واسل)، طبق برنامه در ایران و به میزبانی کشورمان برگزار خواهد شد.

وقتی مهربانی قفل زندان را باز می‌کند

هشت سال انتظار، هشت سال دلتنگی، هشت سال بی‌مرخصی... سرانجام دیروز با کمک نیکوکاران تهرانی، در زندان برای سیدهادی باز شد؛ مردی که سال‌ها پیش به امید داشتن سقفی برای کار و زندگی، چک‌هایی برای خرید مغازه خواروبارفروشی‌اش امضا کرده‌بود، اما بی‌آنکه بداند این چک‌ها مسیرش را به پشت میله‌ها می‌کشاند.

سیدهادی پدر یک فرزند است، در مغازه‌ای اجاره‌ای در یکی از محله‌های تهران روزی حلال درمی‌آورد تا اینکه صاحب ملک که سال‌ها با او رفاقت داشت، پیشنهاد کرد مغازه را به صورت اجاره به شرط تملیک به نامش کند. سیدهادی با دل خوش آپارتمان کوچک خود را فروخت و برای مابقی مبلغ، چند چک نوشت. هیچ قرارداد یا قولنامه‌ای بینشان نبود؛ تنها اعتمادی ساده، از همان جنس رفاقت‌های قدیمی بازار، اما سرنوشت مسیر دیگری برایش نوشت. صاحب ملک درگذشت و وارثانش مغازه را مطالبه کردند. در روزهایی که مغازه پلمب شده بود و کار تعطیل، چک‌ها برگشت خورد و سیدهادی راهی زندان شد.

او تمام دارایی‌اش را از دست داده بود؛ خانه‌اش، مغازه‌اش و سال‌های جوانی‌اش. هشت سال در زندان ماند، بی‌هیچ مرخصی، چون وثیقه‌ای نداشت. در این سال‌ها، همسر و فرزندش با سختی و شرمندگی روزگار گذراندند و تنها دلخوشی‌شان امید به آزادی پدر بود.

اما این قصه غم‌انگیز، پایانی روشن یافت. با پیگیری‌های خانواده و تلاش ستاد مردمی دیه استان تهران، و در نهایت با کمک ۲۵۰ میلیون تومانی خیران تهرانی، بدهی سیدهادی پرداخت شد و او دوباره طعم آزادی را چشید در حالی که اشک و لبخند همزمان بر چهره‌اش نشسته بود. اکنون، او پس از هشت سال، می‌خواهد دوباره کار کند، زندگی‌اش را بسازد و فرزندش را در آغوش بگیرد؛ فرزندی که سال‌های کودکی‌اش را پشت درهای زندان جا گذاشت.

نیکوکارانی که قصد کمک به آزادی زندانیان جرائم غیرعمد را دارند می‌توانند از طریق شماره کارت ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۶۷۵۹۱۶ به نام ستاد دیه در این امر خیر سهیم باشند. همچنین در صورت تمایل ضمن مراجعه حضوری به ستاد دیه استان تهران در خیابان کریمخان زند، خیابان سنایی، اعرابی ۵، پلاک ۱۹، طبقه اول، شماره تلفن ۸۸۸۶۱۹۹۲ با نحوه ارسال کمک‌های مالی و آزادی زندانیان استان آشنا شوند.

قتل برادر با تریلی

در حالی که همه تصور می‌کردند مرد ۳۹ ساله در تصادفی دلخراش جان باخته‌است، بررسی‌های پلیسی پرده از نقشه‌ای هولناک برداشت؛ قتلی که توسط برادر مقتول و زیر چرخ‌های تریلی رقم خورده‌بود.

به گزارش «جوان»، چند روز قبل حادثه رانندگی در محور اصلی داراب به شیراز رخ داد؛ جایی که در تماس تلفنی مردی ۳۵ ساله با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰، خبر از مرگ برادرش در تصادفی مرگبار داده شد. مأموران بلافاصله خود را به محل رساندند، اما از همان لحظه نخست، چیزی در صحنه تصادف طبیعی به نظر نمی‌رسید.

رد لاستیک‌ها، زاویه برخورد و اظهارات ضد و نقیض برادر، همه نشانه‌هایی بود که ذهن کارآگاهان را به سمت احتمال سناریوی ساختگی برد.

با ورود تیمی از پلیس آگاهی داراب و بازبینی دقیق صحنه، فرضیه قتل قوت گرفت. بررسی‌ها نشان داد که مقتول و برادرش مدتی پیش بر سر مسائل مالی دچار اختلافات شدید شده‌بودند؛ اختلافی که حالا رنگ خون گرفته‌بود.

مظنون که ابتدا وانمود می‌کرد از مرگ برادرش شوکه شده، در بازجویی‌های تخصصی تاب نیاورد. سرانجام در مواجهه با شواهد غیرقابل انکار، لب به اعتراف گشود و فاش کرد که برادر خود را با زیر گرفتن عمدی توسط تریلی به قتل رسانده و سپس برای گمراه کردن پلیس، صحنه را شبیه یک تصادف رانندگی بازسازی کرده‌است.

پرونده این قتل خانوادگی با نقشه‌ای حساب‌شده و ظاهری فریبنده، پس از اعتراف متهم برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی ارسال شد.

سرهنگ سیدرحمان هاشمی، فرمانده انتظامی شهرستان داراب، ضمن اعلام این خبر گفت: «متهم با انگیزه مالی و برای تسویه اختلافات گذشته، نقشه قتل را طراحی کرده‌بود. مأموران پلیس با هوشیاری و بررسی دقیق صحنه، موفق به کشف حقیقت شدند.

۳ کشته در تصادف پژو با نیوجرسی جاده

برخورد شدید یک دستگاه پژو ۴۰۵ با نیوجرسی بتنی کمربند سبز مشهد سه نفر کشته و پنج نفر زخمی شدند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ عباسعلی دهقانی، جانشین فرمانده انتظامی مشهد گفت: صبح روز گذشته وقوع حادثه رانندگی در محور کمربند سبز به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ گزارش شد. بلافاصله تیمی از مأموران انتظامی بخش رضویه به همراه نیروهای امدادی و کارشناسان پلیس راه به محل اعزام شدند. «خودروی پژو ۴۰۵ در مسیر مشهد به سمت فریمان در حرکت بود که بنا به دلایل نامشخص از مسیر خود منحرف و با نیوجرسی بتنی حاشیه جاده برخورد کرد.» شدت ضربه به حدی بود که سه سرنشین خودرو در دم جان باختند و پنج نفر دیگر نیز دچار جراحات شدید و توسط نیروهای امدادی به بیمارستان منتقل شدند. سرهنگ دهقانی گفت به نظر می‌رسد علت حادثه سرعت غیرمجاز یا بی‌توجهی راننده به مسیر نقش قابل توجهی در وقوع این حادثه داشته باشد.»

تخلف‌های ساکن به مرز بحران رسید

■ حسین فصیحی

تهران دیگر فقط شهری پرترافیک نیست؛ خیابان‌هایش به پارکینگ‌های بی‌پایان بدل شده‌اند. تخلف‌های ساکن، از توقف دوبله گرفته تا پارک در محل‌های ممنوع به پدیده‌ای روزمره و بحران‌زا تبدیل شده‌اند، معضلی که به گفته رئیس پلیس راهور تهران بزرگ، در ۱۵ روز نخست مهرماه بیش از ۳۸۱ هزاربار برگ جریمه برایش صادر شده است.

پایتخت در سال‌های اخیر با گره‌ای پیچیده‌تر از همیشه روبه‌روست؛ گرهی نه در طرح‌های عمرانی یا پروژه‌های شهری، بلکه در رفتار روزمره شهروندان. تخلف‌های ساکن که در ظاهر کوچک و موقتی به نظر می‌رسند، امروز چنان گسترده شده‌اند که چهره شهر را تغییر داده‌اند و در مواردی به نزاع، درگیری و حتی وقوع جرم‌های سنگین منجر می‌شوند.

■ نظم ترافیک شهری در خطر

براساس اعلام سردار سیدابوالفضل موسوی‌پور، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ، تنها در نیمه نخست مهرماه ۱۴۰۴، بیش از ۳۸۱ هزار تخلف ساکن در سطح پایتخت ثبت شده است، آماری که به گفته او «زنگ خطر جدی برای نظم ترافیکی شهر» به‌شمار می‌رود. سردار موسوی‌پور در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به جزئیات این تخلفات می‌گوید: «در ۱۵ روز نخست مهرماه، بخش عمده‌ای از تخلفات مربوط به توقف دوبله، توقف در محل ایستادن ممنوع، توقف در حریم تقاطع‌ها و توقف وسایل نقلیه عمومی خارج از ایستگاه‌های تعیین شده بود. برخی رانندگان نیز خودروهای خود را برای فروش کالا در حاشیه خیابان‌ها پارک می‌کنند که مصداق آشکار سد معبر است.»

■ وقتی شهر به پارکینگ تبدیل می‌شود

به گفته رئیس پلیس راهور، خیابان‌های پایتخت در بسیاری از ساعات شبانه‌روز عملاً کارکرد عبور و مرور خود را از دست داده‌اند و به محل توقف‌های طولانی خودروها تبدیل شده‌اند: «توقف‌های غیرمجاز در حاشیه معابر، نه‌تنها حرکت خودروها را کند می‌کند، بلکه در مواقع اضطراری، مسیرهای امدادرسانی را نیز مسدود می‌سازد. این وضعیت به افزایش زمان سفر، مصرف سوخت و آلودگی هوا دامن می‌زند.»

آمار جزئی نشان می‌دهد ۹۵ هزار و ۹۱۹ مورد توقف دوبله، ۸۹ هزار و ۱۳۲ مورد توقف در محل ایستادن ممنوع و ۱۲۸ هزار و ۸۱۳ مورد سد معبر و اختلال در عبور و مرور در همین بازه کوتاه ثبت شده است.

■ نزاع بر سر جای پارک؛ از درگیری تا جرم

تخلف‌های ساکن تنها یک ناهنجاری ترافیکی نیستند، بلکه به گفته کارشناسان، منشأ بسیاری از تنش‌ها و حتی جرائم شهری هستند. درگیری‌های خیابانی، نزاع‌های بر سر جای پارک و حتی برخی پرونده‌های قتل در پایتخت، ریشه در همین رفتارهای ساده، اما ناپایبند به قانون دارند. در کنار آن، برخی معابر و بزرگراه‌ها، به‌ویژه در مناطق جنوبی و شرقی شهر، توسط وانت‌های میوه‌فروش یا خودروهای دستفروش اشغال شده‌اند، پدیده‌ای که به گفته پلیس، علاوه بر ایجاد اختلال ترافیکی، پوششی برای برخی فعالیت‌های مجرمانه از جمله خرید و فروش موادمخدر را نیز فراهم کرده است.

■ کمبود زیرساخت و نیاز به نگاه سیستمی

سردار موسوی‌پور با اشاره به چالش‌های ساختاری مقابله با این حجم از تخلفات خاطرنشان می‌کند: «پلیس راهور از ظرفیت نیروی انسانی و تجهیزات سایبری خود برای کنترل تخلفات استفاده می‌کند، اما تا زمانی که زیرساخت‌های حمل و نقل عمومی گسترش نیابد و فرهنگ ترافیکی در میان شهروندان نهادینه نشود، ریشه این معضل خشک نخواهد شد.»

او از شهروندان می‌خواهد با رعایت قوانین توقف و پارک، سهم خود را در روان‌سازی ترافیک ادا کنند: «توقف دوبله یا پارک در محل‌های ممنوعه شاید در نگاه اول ساده به نظر برسد، اما می‌تواند مسیر خودروهای امدادی را ببندد، موجب تصادف شود و وقت هزاران نفر را هدر بدهد. رعایت قانون، ساده‌ترین راه برای ساختن شهری ایمن‌تر و انسانی‌تر است.»

■ ضرورت جمعی

تهران امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازنگری در الگوی ترافیکی خود است. در شهری که خیابان‌هایش نفس نمی‌کشند و پیاده‌روهایش در تصرف خودروهاست، رعایت قانون دیگر یک انتخاب فردی نیست، ضرورتی جمعی است برای بازگرداندن نظم، آرامش و احترام به حریم عمومی شهر.

اعتراف به قتل مادر بر سر ارثیه

■ غلامرضا مسکنی

پسر ۴۲ ساله که پس از روزها فرار به اتهام قتل مادرش بازداشت شده در بازجویی‌ها ادعا می‌کند مادرش قصد داشته خانه موروثی را به نام خواهرانش بزند و همین موضوع باعث درگیری مرگبار او و مادرش شده‌است.

چندی پیش، تیم پزشکی یکی از بیمارستان‌های جنوب تهران، مرگ مشکوک زن سالخورده‌ای را به مأموران پلیس پایتخت گزارش داد. پزشک معالج اعلام کرد که مدتی قبل، پیرزنی زخمی به بیمارستان منتقل شده و پس از چند روز بستری در بخش مراقبت‌های ویژه، ساعاتی پیش جان خود را از دست داده‌است. با توجه به آثار جراحات روی بدن او، مرگ وی مشکوک تشخیص داده شد.

■ حضور مأموران در بیمارستان

با اعلام این موضوع، تیمی از مأموران پلیس راهی بیمارستان و در آنجا با جسد بی‌جان زنی ۸۰ ساله به نام حلیمه روبه‌رو شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد که حدود ۱۰ روز قبل، پیکر نیمه‌جان این زن از سوی پسر میانسالش به بیمارستان منتقل شده‌بود، اما تلاش پزشکان برای نجات او بی‌نتیجه مانده‌است.

■ ادعای پسر زن سالخورده

پسر حلیمه که پرویز نام دارد، در بازجویی اولیه گفت: «مادرم مدتی بود حالش خوب نبود و از سرگیجه و بی‌تعادلی شکایت می‌کرد. روز حادثه، ناگهان در آشپزخانه حالش بد شد و روی کاشی‌ها زمین خورد. وقتی بالای سرش رفتم، بی‌هوش بود و از سرش خون می‌آمد. بلافاصله او را به بیمارستان رساندم، اما متأسفانه بعد از چند روز بستری فوت کرد.»

■ نشانه‌های ضرب و جرح روی بدن

با این حال، مأموران در بررسی گزارش تیم پزشکی دریافتند که روی بدن زن سالخورده آثار متعدد کبودی و جراحت وجود دارد که نشان از ضرب و جرح او دارد. با توجه به مشکوک بودن مرگ، موضوع به بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اعلام شد و به دستور وی، جسد برای تعیین علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل گردید.

■ تأیید پزشکی قانونی؛ مرگ بر اثر ضربه مغزی

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، نظریه رسمی پزشکی قانونی اعلام شد. پزشکی قانونی اعلام کرد علت مرگ، ضربه مغزی ناشی از اصابت جسم سخت به سر بوده‌است. همچنین در گزارش آمده‌بود آثار کبودی‌های روی بدن، ناشی از کتک‌کاری و وارد شدن ضربات متعدد از سوی فردی دیگر است.

■ فرضیه قتل

با دریافت این نظریه، پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و فرضیه قتل عمدی قوت گرفت. بازپرس شعبه ششم دادسرای جنایی دستور داد تا تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تحقیقات تخصصی را آغاز کنند.

■ اختلاف‌های مادر و پسر

بررسی‌ها نشان داد که حلیمه در سال‌های اخیر همراه پسر ۴۲ ساله‌اش، پرویز، زندگی می‌کرده‌است. تحقیقات از اعضای خانواده و همسایگان نیز فاش کرد که مادر و پسر بارها با یکدیگر درگیری و مشاجره داشته‌اند و همسایه‌ها چندین مرتبه صدای درگیری آنها را شنیده بودند. با توجه به شواهد موجود، پرویز به‌عنوان مظنون اصلی پرونده تحت تعقیب قرار گرفت، اما مأموران هنگام مراجعه به خانه‌اش متوجه شدند که وی به مکان نامعلومی گریخته است. عملیات جست‌وجو برای دستگیری متهم آغاز شد تا اینکه سرانجام روز گذشته، کارآگاهان موفق شدند او را در یکی از مخفیگاه‌هایش در جنوب شهر دستگیر کنند.

■ اعتراف

پرویز پس از انتقال به اداره پلیس، در بازجویی‌ها ابتدا منکر جرم خود شد، اما سرانجام لب به اعتراف گشود و با ابراز پشیمانی، به قتل مادرش اعتراف کرد.

به دستور بازپرس جنایی، متهم برای انجام تحقیقات بیشتر و بررسی زوایای پنهان این جنایت، در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

گفت‌وگو با متهم

■ ارثیه خونین

پرویز ۴۲ سال دارد و سال‌ها با مادرش زندگی می‌کرده‌است. او از قتل مادرش پشیمان است، اما ادعای عجیبی را برای قتل مطرح می‌کند. متهم مدعی است مادرش تصمیم داشته خانه موروثی را به نام خواهرانش بزند و به همین دلیل او را به قتل رسانده‌است.

به چه جرمی دستگیر شدی؟

به جرم قتل مادرم.

با مادرت اختلاف داشتی؟

من سال‌ها در کنار او زندگی کردم و مشکلی نداشتم، اما مدتی بود بر سر ارث و میراث خانوادگی با مادرم اختلاف داشتم و همین موضوع هم باعث درگیری ما شد.

چه اختلافی با مادرت داشتی که تصمیم به قتل گرفتی؟

من قصد قتل نداشتم و آن روز عصبانی شدم و این حادثه اتفاقی رخ داد.

از اختلاف با مادرت بگو؟

مادرم تصمیم داشت اموالش و خانه موروثی را به نام دخترانش (خواهرانم) بزند. وقتی متوجه شدم و فهمیدم قرار است هیچ چیزی به من نرسد و همه اموال به نام خواهرانم شود، ناراحت شدم و به مادرم اعتراض کردم. البته او قبول نمی‌کرد ولی من مطمئن بودم و می‌دانستم با تصمیم او زندگی‌ام خراب می‌شود.

یعنی برای ارثی باید مادرت را به قتل می‌رساندی؟

نه. گفتم که قصد قتل نداشتم.

اما شما مادرت را به شدت مورد ضرب و جرح قرار دادی؟

آن روز عصبانی بودم و حالم خوب نبود، فکر می‌کنم یک نفر به من دستور داد او را بزنم. البته اگر او را نمی‌کشتم، احتمال داشت او مرا بکشد.

چرا باید مادرت تو را بکشد؟

اگر او خانه را به نام خواهرانم می‌زد، حتماً من درگیر می‌شدم و آنها مرا به قتل می‌رساندند.

درباره روز حادثه توضیح بده؟

آن روز مثل همیشه با مادرم دعوایم شد. خیلی عصبانی شدم و یک لحظه متوجه نشدم با میله آهنی چند ضربه به او زدم و بعد هم با مشت لگد به او زدم. وقتی دیدم حالش بد شد، او را به بیمارستان رساندم و برای اینکه مأموران را فریب دهم ادعا کردم مادرم در آشپزخانه روی زمین افتاده و زخمی شده‌است.

فکر می‌کردی راز قتل فاش شود؟

نه. مدت زیادی است از مرگ مادرم گذشته و اصلاً تصور نمی‌کردم کسی متوجه شود من قاتل مادرم باشم.

آزادی گروگان چینی از دام اتباع غیرمجاز

اتباع غیرمجاز غیرمجاز در شهرستان شهریار که با گروگان گرفتن مرد چینی قصد اخاذی از خانواده‌اش را داشتند، بازداشت شدند.

به گزارش «جوان»، سردار منتظرالمهدی، سخنگوی پلیس فراجا گفت: چند روز قبل به مأموران پلیس خبر رسید یکی از اتباع چین به نام «دینگ شی زو» ربوده شده است. بررسی‌های پلیس آگاهی شهریار نشان داد این تبعه چین توسط اتباع غیرمجاز برای اخاذی ۵۰ هزار دلاری از خانواده‌اش ربوده شده است. کارآگاهان پلیس در جریان بررسی‌های خود مخفیگاه متهمان را در یکی از شهرک‌ها شناسایی و همزمان با رهایی گروگان، چهار مرد آدم‌ربا را بازداشت کردند.

سخنگوی فراجا گفت که گروگان آزاد شده از طریق پلیس بین‌الملل فراجا به سفارت چین در تهران منتقل شد.

عاملان درگیری با کادر درمان شهریار بازداشت شدند

همراهان بیمار که پس از حمله به کادر درمان یکی از درمانگاه‌های شهرستان شهریار متواری شده بودند، بازداشت شدند.

چند روز قبل فیلمی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد که نشان می‌داد همراهان بیمار در یکی از مراکز درمانی به یکی از کادر درمان حمله می‌کنند و او را از ناحیه صورت هدف ضرب و جرح قرار می‌دهند.

سرهنگ پیمان فتاحی، فرمانده انتظامی شهرستان شهریار گفت: همزمان با انتشار فیلم، تحقیقات پلیس برای بازداشت متهمان به جریان افتاد. حادثه درگیری با کادر درمان ساعت ۲۱:۳۰ شامگاه پنج‌شنبه ۱۷ مهرماه در شهرستان باغستان شهریار رخ داد و همزمان با بروز حادثه، تحقیقات پلیس برای بازداشت متهمان به جریان افتاد تا اینکه مأموران موفق شدند روز گذشته دو متهم را شناسایی و آنها را بازداشت کنند. متهمان در بازجویی‌ها به جرمشان اعتراف کردند و مدعی شدند به دلیل عدم خدمات‌رسانی مناسب پرسنل درمانگاه به بیمارشان حادثه را رقم زده‌اند.

دختر گمشده در بازداشتگاه پیدا شد

پیشخوان
Pishkhan.com

■ آرمین بینا

مأموران پلیس در بررسی پرونده دختر جوانی که از سوی خانواده‌اش اعلام مفقودی شده بود، متوجه شدند وی از سارقان حرفه‌ای است که بارها خودش را با هویت جعلی معرفی کرده است. دختر گمشده در بازداشتگاه پیدا شد.

چندی روز قبل مرد میانسالی با مراجعه به پلیس اعلام کرد دخترش مهتاب، صبح دیروز ساعت ۸ خانه را ترک کرده و دیگر بازنگشته است. او گفت: «با دوستان و آشنایان تماس گرفتم، اما کسی از مهتاب خبری نداشت. ابتدا تصور کردم شاید دخترم شب بازگردد، اما پس از بی‌نتیجه ماندن تماس‌ها و خاموش بودن تلفن همراه او به پلیس مراجعه کردم و درخواست کمک دارم.»

■ فرضیه‌ها؛ از آدم‌ربایی تا قتل

کارآگاهان جنایی به دستور بازپرس پرونده بلافاصله بررسی‌ها را آغاز کردند. نخستین گام‌ها شامل استعلام از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بود تا روشن شود آیا حادثه‌ای برای دختر رخ داده یا خیر که پاسخی دریافت نشد. سپس پرونده به کلانتری‌ها کشیده شد، اما از مهتاب خبری نبود.

از آنجا که هیچ تماس یا درخواست پولی از سوی ربایندگان احتمالی وجود نداشت و وضعیت مالی خانواده دختر گمشده هم معمولی اعلام شد، فرضیه آدم‌ربایی رنگ باخت. با خاموش بودن تلفن همراه و عدم انجام تراکنش بانکی، کارآگاهان دیگر احتمالات از جمله فرار یا حتی وقوع حادثه‌ای دیگر را هم بررسی کردند.

■ سرنخ‌های کیفری و نام فرامرز

در کاوش پرونده‌های گذشته مهتاب مشخص شد او پیش‌تر چندین بار بازداشت شده و اغلب در پرونده‌ها با مردی به نام فرامرز همراه بوده است. همین موضوع کارآگاهان را به این فرضیه رساند که فرامرز می‌تواند از سرنوشت مهتاب مطلع باشد. وقتی مأموران به سراغ فرامرز رفتند، دریافتند او چند روز قبل هنگام سرقت با یک خانم جوان دستگیر شده است. این موضوع باعث شد مأموران احتمال دهند دختر دستگیر شده مهتاب است.

■ هویت جعلی؛ «پرستو» در بازداشت

تحقیقات نشان داد زن بازداشتی هنگام دستگیری خود را با هویتی جعلی معرفی کرده و کارت شناسایی متعلق به یکی از دوستانش را ارائه داده است. کارآگاهان متوجه شدند مهتاب در بازداشت تحت نام پرستو ثبت شده است، بدین ترتیب راز ناپدید شدن او فاش شد.

■ از میهمانی تا اعتیاد و سرقت

مهتاب که حدود ۳۰ سال دارد و چند سابقه کیفری در پرونده‌اش ثبت شده در اظهاراتش گفته است خانواده‌اش فرهنگی هستند و با آزادی‌های نسبتاً زیادی او را بزرگ کرده‌اند. او می‌گوید از این آزادی‌ها سوءاستفاده کرده و وارد جمع‌هایی شده که به اعتیاد کشانده شده و سپس به سرقت روی آورده است.

متهم ادعا کرد فرامرز او را به موادمخدر و دزدی سوق داده است. مهتاب گفت: «برای تأمین هزینه مواد مجبور به سرقت‌های خرد و کلان شدم. در این مدت به اتهام سرقت موتورسیکلت، سرقت از منازل با روش بالکن‌رویی و حتی سرقت از فروشگاهی در فرودگاه همراه با فرامرز دستگیر شدم.»

وی ادامه داد: «برای اینکه سابقه‌ام زیاد نشود، تصمیم گرفتم وقتی دستگیر شدم خودم را با هویت جعلی معرفی کنم، به همین دلیل از کارت شناسایی یکی از دوستانم استفاده کردم، چراکه از نظر ظاهری و عمل‌های زیبایی به من شباهت دارد و امیدوار بودم با این ترفند پیش از اثر انگشت آزاد شوم.

■ روش‌های سرقت

وی درباره شیوه سرقت‌ها گفت: معمولاً برای سرقت موتورسیکلت در خیابان‌ها پرسه می‌زدیم؛ فرامرز با کلیدی به‌عنوان شاه‌کلید موتورسیکلت‌ها را روشن می‌کرد و من هم با موتور سرقتی دیگری پشت سر او حرکت می‌کردم. موتورسیکلت‌ها را به مخفیگاه می‌بردیم و دوباره سرقت‌های تازه‌ای شروع می‌کردیم. علاوه بر سرقت موتور از خانه‌ها هم سرقت می‌کردیم و شیوه ورود ما به منازل از بالکن بود. تحقیقات از دو متهم برای مشخص شدن سرقت‌های احتمالی و شناسایی شاکیان ادامه دارد.

گزارش یک

مهرزاد اصغریان

دیپلماسی صندلی‌های خالی در شرم‌الشیخ

حماس، رژیم‌صهیونیستی و تشکیلات خودگردان در نشست شرم‌الشیخ شرکت نمی‌کنند و دعوت و حضور ایران نیز مبهم است

مصر و امریکا، امروز نشستی را در شرم‌الشیخ ترتیب داده‌اند تا با حضور نمایندگان بیش از ۲۰ کشور، پرونده جنگ غزه را ببندند. این در شرایطی است که به رغم استقبال اروپایی‌ها، حماس و رژیم صهیونیستی هیچ‌کدام برای حضور در این نشست چراغ سبز نشان نداده‌اند و با توجه به سوابق رئیس‌جمهور امریکا، امید چندانی به اینکه توافق امروز در شرم‌الشیخ به صلح عادلانه منجر شود، وجود ندارد.

شرم‌الشیخ مصر، امروز میزبان نشستی با حضور ۲۰ کشور است. دستور کار این نشست آن‌طور که ریاست‌جمهوری مصر اعلام کرده، توافق میان حماس و رژیم صهیونیستی است. براساس بیانیه ریاست جمهوری مصر، ریاست این اجلاس به طور مشترک برعهده «عبدالفتاح السیسی» رئیس‌جمهور مصر و «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور امریکا خواهد بود و هدف از آن پایان جنگ در نوار غزه و تقویت تلاش‌ها برای برقراری صلح و ثبات در غرب آسیا اعلام شده است. دیگر هدف این اجلاس، گشایش فصلی جدید از امنیت و ثبات منطقه‌ای است. ارتش مصر، دیروز در تدارک برای برگزاری این نشست بین‌المللی، در اطراف شرم‌الشیخ اقدام به استقرار سامانه‌های پدافند هوایی روسی کرد. گزارش العربی‌الجدید به نقل از چند منبع نظامی حاکی از این است که هدف از این اقدام، محافظت از محل برگزاری نشست در برابر هرگونه تهدید هوایی احتمالی، از جمله پهپادها یا موشک‌های کروز است.

■ توپ در زمین اسرائیل

نشست شرم‌الشیخ در شرایطی برگزار می‌شود که حضور دو طرف مناقشه با اما و اگرهایی مواجه شده و رسانه‌های رژیم صهیونیستی اعلام کردند که این رژیم در نشست روز دوشنبه شرکت نخواهد کرد. بعدازظهر دوشنبه، دفتر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز رسماً اعلام کرد مقامات این رژیم در نشست شرم‌الشیخ درباره نوار غزه شرکت نمی‌کنند. حسام بدران، عضو دفتر سیاسی جنبش حماس هم عدم تمایل برای شرکت در این نشست را علنی کرد و گفت: «حماس در مراسم امضای رسمی توافق آتش‌بس که قرار است در شرم‌الشیخ مصر برگزار شود، شرکت نمی‌کند.» او در گفت‌وگو با شبکه خبری الجزیره با اعلام اینکه «در شرم‌الشیخ بر پایان جنگ و ورود روزانه ۶۰۰ کامیون کمک‌رسانی توافق کردیم»، یادآور شد: «براساس توافق آتش‌بس، اشغالگران ۲۵۰ اسیر فلسطینی را که به حبس ابد و حبس‌های طولانی محکوم شده‌اند، آزاد خواهند کرد.» وی تصریح کرد: «روزهای آینده آزمونی حقیقی برای اعتبارسنجی اسرائیل خواهد بود و توپ در زمین کابینه رژیم اسرائیل است و باید این قرارداد را قبول کند.» این چهره شناخته شده حماس افزود: «در موضوع امضای رسمی توافق، دخالتی نمی‌کنیم و حماس از ابتدا از طریق میانجی‌های قطری و مصری در مذاکرات آتش‌بس شرکت کرده است.» بدران هشدار داد: «سخن از اخراج هر شهروند فلسطینی چه اعضای حماس و چه افرادی غیر از آنها از سرزمین خود، یک سخن پوچ است و هیچ فلسطینی آن را نمی‌پذیرد.» بدران درباره اقدام صهیونیست‌ها مبنی بر از سرگیری جنگ نیز اعلام کرد که حماس به هرگونه نقض آتش‌بس پاسخ خواهد داد.

■ تشکیلات خودگردان دعوت نشد

کر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، برای شرکت در اجلاس صلح شرم‌الشیخ به مصر سفر خواهد کرد. خبرگزاری فرانسه نیز روز یک‌شنبه از حضور آنتونیو کوستا، رئیس شورای اتحادیه اروپا در این نشست خبر داد. همچنین، وبگاه امریکایی آکسیوس به نقل از منابع خود گزارش داد که وزارت خارجه امریکا روز شنبه دعوتنامه‌های رسمی را برای این نشست سران درباره غزه که قرار است روز دوشنبه برگزار شود، ارسال کرده است و گفت که جمهوری اسلامی ایران نیز برای شرکت در این نشست مهم درباره غزه در شرم‌الشیخ دعوت شده است. هرچند تایمز اسرائیل عصر دیروز چنین دعوتی را از قول یک مقام امریکایی رد کرد. بحث‌ها در داخل کشور نیز نشان نمی‌دهد که ایران در نشست امروز شرکت خواهد کرد یا نه. همچنین بنابر اعلام وزارت خارجه امریکا، اسپانیا، ژاپن، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، مجارستان، هند، السالوادور، قبرس، یونان، بحرین، کویت و کانادا در فهرست مدعوین به این نشست قرار دارند. در این بین، نامی از تشکیلات خودگردان دیده نمی‌شود. یک منبع عالی‌رتبه به العربی‌الجدید گفت تشکیلات خودگردان فلسطین به نشست شرم‌الشیخ مصر دعوت نشده است. به گفته این منبع، رهبری فلسطین از رئیس‌جمهور مصر درخواست کرد که به محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین اجازه حضور داده شود تا این پیام را منتقل کند که تشکیلات خودگردان تنها نماینده مشروع فلسطینیان است. با این حال، این درخواست پذیرفته نشد.

■ هشدار فقدان برنامه و دورنمای سیاسی

نشست شرم‌الشیخ در شرایطی برگزار می‌شود که به پایدار ماندن و مؤثر بودن آتش‌بس به دیده تردید نگریسته می‌شود. فارن پالیسی درباره آینده توافق آتش‌بس در غزه نوشت: «ترامپ چندان قابل اعتماد نیست. دفعه قبل که اسرائیل آتش‌بس را نقض کرد، این کار را با تأیید ترامپ انجام داد. در ماه ژوئن هم، او بود که در بحبوحه مذاکرات هسته‌ای امریکا و ایران، به اسرائیل اجازه داد تا حمله غافلگیرانه خود به ایران را انجام دهد و حتی ادعا کرد که از آخرین دور مذاکرات به‌عنوان پوششی برای حمله اسرائیل استفاده کرده است. در نهایت، ترامپ در حمله اسرائیل به قطر در ماه سپتامبر هم دست داشت.» در گزارش این نشریه امریکایی آمده است: «تردیدهای جدی وجود دارد که چارچوب مبهم طرح ۲۰ ماده‌ای امریکا، هرگز به‌طور کامل تکمیل و اجرا شود. در پس این توافق یک مفهوم ساده وجود دارد که ساختار مذاکرات و اجرای مرحله‌ای آن را بی‌اهمیت می‌سازد؛ امتیازهایی که حماس می‌دهد غیرقابل برگشت است، حال آنکه هر امتیازی که اسرائیل می‌دهد قابل لغو است. نتانیاهو ممکن است در طول این فرآیند هر جا که احساس کند به نفع اوست، از توافق خارج شود یا عملیات نظامی خود را از سر بگیرد.» پاسکال بونیفاس، رئیس مؤسسه روابط بین‌الملل و راهبردی فرانسه نیز معتقد است: «باید در مورد آنچه ترامپ به عنوان امضای توافق میان حماس و [رژیم] اسرائیل اعلام کرد و آن را مدیون مداخله خود در تحقق امری «ناممکن» خواند که مدت زمان طولانی به تأخیر افتاده بود، هوشیار بود.» وی با اشاره به مواردی که مطرح شده همچون آزادی اسیران اسرائیلی، آتش‌بس در نوار غزه و توقف بمباران، امکان دسترسی [مردم منطقه] به کمک‌های بشردوستانه و آزادی زندانیان فلسطینی، خاطرنشان کرد: «آتش‌بس به معنای صلح نیست. هرچند که این امر خوشحال‌کننده است اما کافی نیست.» این محقق فرانسوی تأکید کرد: «فقدان دورنمای سیاسی و فقدان برنامه‌ای برای سامان دادن به مسئله فلسطین می‌تواند به درگیری و خشونت‌های تازه منجر شود.» بونیفاس به مسئله «بلاتکلیفی و فقدان قطعیت» در این توافق اشاره کرد و گفت: «این مسئله در روشن نبودن تکلیف حماس، سرنوشت غزه و همچنین سرنوشت دولت فلسطین وجود دارد. در مورد غزه حرف‌های زیادی به گوش می‌رسد؛ همچون ایجاد یک مرجع بین‌المللی از جمله شخص تونی بلر که خاطره خوبی از او در ذهن نیست. او با توجه به سابقه جنگ عراق، اعتبار چندانی جز اعتماد ترامپ ندارد.» بونیفاس با بیان اینکه نه کشورهای عربی و نه کشورهای اروپایی هیچ‌کدام ابزار و تمایلی برای ایجاد فشار بر اسرائیل و ایالات متحده ندارند، تأکید کرد: «اما مهم‌تر از همه، می‌بینیم که در اسرائیل در حالی که روزهای حضور نتانیاهو در دولت ممکن است به شماره افتاده باشد، باید ظرف یک سال آینده انتخابات برگزار شود. ما هنوز شاهدیم که او ادعا می‌کند با آزادی اسرا و برچیدن حماس به اهداف جنگی خود دست یافته است اما می‌توانست مدت‌ها پیش به این هدف دست یابد و او دیگر مطلوب ترامپ هم نیست.» رئیس مؤسسه روابط بین‌الملل و راهبردی فرانسه یادآور شد: «ما در قرن بیست و یکم هستیم؛ یک ملت نمی‌تواند به اشغال دیگری درآید مگر در سایه تداوم هر روزه خشونت.»

چالش

شعله‌ور شدن مجدد آتش درگیری بین افغانستان و پاکستان

در پی حملات اخیر به خاک افغانستان که طالبان انگشت اتهام را به سمت پاکستان گرفت، نیروهای وابسته به این گروه شنبه‌شب به مرزبانان ارتش پاکستان حمله کرده و مدعی شدند تعدادی را کشته و چند پاسگاه را در اختیار گرفته‌اند. پس از این رویداد، ارتش پاکستان نیز عملیات گسترده‌ای را آغاز و اعلام کرد هیچ‌گونه مصالحه‌ای در برابر اقدامات تجاوزکارانه طالبان انجام نخواهد شد.

افزایش حملات گروه تروریستی «تحریک طالبان پاکستان» به نظامیان ارتش پاکستان در هفته‌های اخیر، آتش جنگ بین حکومت موقت کابل با اسلام‌آباد را شعله‌ور کرده است. نظامیان دولت موقت افغانستان شامگاه شنبه به پاسگاه‌های نظامی پاکستان در نزدیکی مرز دو کشور در ولایت‌های ننگرهار و کنر حمله کردند. به گزارش طلوع‌نیوز، این عملیات به عنوان پاسخی به حمله هوایی اخیر پاکستان به کابل انجام شده است. منابع آگاه در کابل اعلام کردند که دو پست نظامی پاکستانی در خط مرزی دیورند سقوط کرده است. یک منبع وزارت دفاع دولت موقت افغانستان به الجزیره گفت: نیروهای ما در هفت ایالت مرزی با نیروهای پاکستانی درگیر هستند. دولت موقت طالبان مدعی کشته شدن ۵۸ نیروی ارتش پاکستان در جریان حملات انتقام‌جویانه به چند مواضع مرزی پاکستان شد. برخی منابع در افغانستان ادعا کردند که نیروهای پاکستانی در برخی مناطق مواضع خود را ترک و عقب‌نشینی کرده‌اند.

خبرگزاری فرانسه، به نقل از دولت موقت افغانستان اعلام کرد: درگیری‌های خشونت‌آمیز در مرز میان افغانستان و پاکستان آغاز شده است. منابع آگاه ادعا کردند که در نتیجه درگیری میان نیروهای دولت موقت افغانستان و پاکستان، تاکنون پنج نظامی پاکستانی کشته و دو نفر دیگر زخمی شده‌اند. ملا محمد یعقوب مجاهد، وزیر دفاع دولت موقت افغانستان در این خصوص اعلام کرد: در حال پاسخ به تجاوزات ارتش پاکستان هستیم. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان نیز کشته شدن بیش از ۵۰ نظامی پاکستانی را در واکنش به حملات کشورش اعلام کرد، اما منابع پاکستانی این ادعا را رد و تأکید کردند که اسلام‌آباد مستندات محکمی درباره تلفات سنگین طالبان و تصرف پست‌های مرزی ارائه خواهد کرد. یورش عناصر طالبان به خط مرزی پس از انجام شد که پنج‌شنبه شب گذشته انفجارهایی در کابل و برخی مناطق افغانستان رخ داد که طالبان پاکستان را مسئول این حملات اعلام کرد. حملاتی که به گزارش برخی رسانه‌ها محل رهبران تحریک طالبان در کابل را هدف قرار داده بود و دولت موقت نسبت به عواقب این اقدامات تنش‌زا هشدار داد.

از سوی دیگر، ارتش پاکستان در پاسخ به یورش نیروهای طالبان به مناطق مرزی، حملات هوایی را به برخی مناطق مختلف افغانستان ترتیب داد. به دنبال حملات عناصر طالبان، منابع امنیتی پاکستان اعلام کردند که عملیات انتقام‌جویانه از طالبان افغانستان با قدرت تمام ادامه دارد و نیروهای پاکستانی ضمن تصرف ۱۹ پایگاه نظامی طالبان توانستند یک پایگاه کلیدی آنان را نیز منهدم کنند. شبکه‌های خبری پاکستان گزارش دادند که پایگاه «منوجبا» که محل استقرار گردانی از نیروهای طالبان افغانستان بود، با موفقیت منهدم شده است. منابع خبری پاکستان مدعی یک حمله هوایی به تأسیسات نظامی طالبان در ولایت قندهار شده و عنوان کردند که پهپادهای پاکستانی نیز در آسمان افغانستان مشاهده شده اند. پاکستان اعلام کرد که هیچ مصالحه‌ای بر اقدام تجاوزکارانه و نقض قوانین بین‌المللی توسط طالبان افغانستان صورت نخواهد گرفت. در همین حال سید محسن نقوی، وزیر کشور پاکستان در پیامی حملات نیروهای افغانستان به داخل خاک پاکستان را محکوم کرد و گفت: کاملاً از نیات منفی افغانستان علیه پاکستان و همدستی با دشمن اصلی ما آگاه هستیم. وی تأکید کرد: «پاسخ کوبنده و دقیق به اقدامات غیرقانونی افغانستان ادامه خواهد یافت و همانند پاسخ پاکستان به تجاوزگری هند، این بار نیز پاسخ مشابهی به افغانستان داده خواهد شد». علاوه‌براین، مقامات پاکستانی اعلام کردند که از روز یک‌شنبه گذرگاه‌های مرزی با افغانستان را پس از تبادل آتش بین نیروهای دو کشور بسته‌اند. رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر پاکستان پیش‌تر این اقدامات طالبان را تجاوز و تحریک‌آمیز خوانده و هشدار داده‌اند که هرگونه مماشات با تروریسم قابل‌قبول نیست.

گزارش ۲

عراقچی: مذاکره با اروپا دیگر موضوعیت ندارد

وزیر امور خارجه در گفت‌وگویی اعلام کرد که مذاکرات با سه کشور اروپایی - آلمان، فرانسه و بریتانیا - برای تهران «دیگر موضوعیت ندارد» و توضیح داد که ایران پس از تجربه زیاده‌خواهی‌های امریکا و ناتوانی اروپا در عمل به تعهداتش، دیگر به‌دنبال گفت‌وگو با غرب نیست. عباس عراقچی در عین حال گفت اگر طرحی «منصفانه و متوازن» ارائه شود که منافع ملت ایران را تأمین کند، بررسی آن منتفی نخواهد بود.

عباس عراقچی در گفت‌وگوی ویژه خبری شنبه‌شب با اشاره به فعال شدن سازوکار موسوم به «اسنپ‌بک» از سوی سه کشور اروپایی گفت که این اقدام عملاً آخرین ابزار آنها بود و اکنون «دیگر اروپا نقشی در پرونده هسته‌ای ایران ندارد». او افزود: «مذاکره با آنها هیچ فایده‌ای ندارد. خودشان هم می‌دانستند که اگر از این ابزار استفاده کنند، دیگر هیچ جایگاهی در تعاملات آتی نخواهند داشت.» عراقچی تأکید کرده که «ما با اروپایی‌ها اصلاً زمینه‌ای برای مذاکره نمی‌بینیم.» وزیر خارجه در عین حال این را هم یادآوری کرد که ایران پیش‌تر با حسن‌نیت همه مسیرهای دیپلماتیک را پیموده است: «در نیویورک پیشنهاد منصفانه دادیم، برای مذاکره جمعی با حضور امریکا و آژانس اعلام آمادگی کردیم، اما امریکایی‌ها شرطی گذاشتند که هیچ انسان عاقلی نمی‌پذیرفت.» او فاش کرد که واشینگتن پیشنهاد داده بود اگر تهران مواد ۶۰ درصد غنی‌شده را تحویل دهد، در مقابل، فعال شدن اسنپ‌بک تنها شش ماه به تعویق بیفتد؛ پیشنهادی که از نگاه او «زیاده‌خواهانه و غیرمنطقی» بود. به گفته عراقچی، اگر امریکا حاضر می‌شد این سازوکار را برای همیشه لغو کند و پرونده ایران را از دستور کار شورای امنیت خارج سازد، امکان توافق وجود داشت اما چون چنین نشد، مذاکرات به بن‌بست رسید و ایران در برابر فشارها ایستادگی کرد. او گفت: «شرط امریکایی‌ها برای به تأخیرانداختن شش ماهه اسنپ‌بک، تحویل مواد ۶۰ درصد ایران بود که این موضع زیاده‌خواهانه و صددرصد غیرمنطقی بود، به همین دلیل مذاکرات به نتیجه نرسید.»

■ توافق جامع یا دیکته سیاسی؟

وزیر خارجه در بخش دیگری از این گفت‌وگو، تأکید کرد که ایران چیزی به نام «توافق جامع» را اساساً قبول ندارد. او توضیح داد: «توافق جامع محصول مذاکره جامع است، در حالی که ما هیچ‌گاه مذاکره‌ای فراتر از موضوع هسته‌ای نداشته‌ایم و نخواهیم داشت.» او می‌گوید که اساساً «این کلمه جامع را نه درک می‌کنیم که منظورشان چیست و نه قبول داریم.» وی تأکید کرد: «مذاکره فقط در مورد برنامه هسته‌ای ایران اگر شکل بگیرد. در گذشته هم همین بوده است.» عراقچی گفت که طرح‌های غربی برای گسترش دامنه مذاکرات به حوزه‌های موشکی و منطقه‌ای، تلاشی برای دیکته کردن سیاست‌های امریکا و متحدانش است. او افزود: «ما فقط درباره برنامه هسته‌ای گفت‌وگو می‌کنیم، آن هم اگر منافع کشور اقتضا کند. هیچ موضوع دیگری وارد میز مذاکره نخواهد شد.»

وی همچنین تأکید کرد که شرط ایران برای هر گفت‌وگوی احتمالی با واشینگتن، احترام متقابل و مذاکره از موضع برابر است: «اگر امریکایی‌ها آماده گفت‌وگویی منطقی، متوازن و بر اساس منافع مشترک باشند، ما همیشه پرچم مذاکره را در دست داشته‌ایم. اما مذاکره از سر دیکته و تهدید، بی‌معناست.» عراقچی در بخشی از گفت‌وگوی ویژه خبری، به پرسش‌هایی درباره احتمال پیوستن ایران به «صلح ابراهیم» پاسخ داد و آن را قاطعانه رد کرد. او گفت: «چیزی به نام صلح ابراهیم در واقع طرحی خائنانه است برای مشروعیت بخشیدن به رژیم اشغالگر و محروم کردن ملت فلسطین از حقوق خود. هیچ نسبتی میان این طرح و آرمان‌های جمهوری اسلامی وجود ندارد و هرگز اتفاق نخواهد افتاد.» از عراقچی درباره صحبت‌های ترامپ که گفته از ایران پیام‌هایی درباره طرح صلح او دریافت کرده سؤال شد که او گفت که «برداشتی که آنها (امریکا) داشتند از موضع علنی ما صورت گرفته است. هیچ مذاکره و پیامی رد و بدل نشده است. هیچ مذاکره‌ای صورت نگرفته.»

■ نامی مقدس با بنیانی خائنانه

وزیر خارجه همچنین با اشاره به آتش‌بس در غزه بر اساس طرح ترامپ با اشاره به اینکه «هیچ اعتمادی به رژیم صهیونیستی وجود ندارد»، گفت که «موارد مکرری از آتش‌بس در گذشته بوده در جاهای مختلف به ویژه در لبنان که مورد آخرش است و شاهد بودیم که توسط این رژیم شکسته شده و به جنایات خودش ادامه داده، لذا طبیعی است که ما هشدارهای لازم را در این خصوص دادیم و باز هم خواهیم داد.» او توضیح داد که ایران از اینکه «جنایت نسل‌کشی متوقف، کمک‌رسانی به مردم غزه شروع، بازسازی شروع و قدمی در راستای احقاق حقوق مردم فلسطین برداشته شود» حمایت می‌کند ولی تأکید کرد: «نسبت به ترفندها و خیانت‌های رژیم صهیونیستی، نسبت به هر توافقی که در گذشته وجود داشته هشدار هم می‌دهیم و الان هم هست و اتفاقاً جوانبی از طرح موجود است که به ما این انذار را می‌دهد که در آینده معلوم نیست که احقاق حقوق مردم فلسطین به آن شکلی که باید و شاید صورت گیرد.» او همچنین تأکید کرد که ایران هرگونه عادی‌سازی روابط با تل‌آویو را نفی می‌کند و آن را خلاف اصول اخلاقی و اسلامی می‌داند. او توضیح داد: «طرح ابراهیم با نام مقدسی آمیخته شده ولی بنیان آن، طرحی خائنانه است برای محروم کردن مردم فلسطین از حقوق خودشان و شناسایی رژیم جعلی و اشغالگر و عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر و جنایتکار و نسل‌کش و کودک‌کش. هیچ جرمی نمانده که این رژیم انجام نداده باشد. هر صفتی در این جهت برازنده‌اش است. موضع جمهوری اسلامی ایران از ابتدا کاملاً روشن بوده و روشن هم است، این اصلاً تناسبی با آرمان‌های ما ندارد و هیچ وقت اتفاق نخواهد افتاد.» وزیر خارجه همچنین در پاسخ به اظهارات اخیر دونالد ترامپ مبنی بر احتمال پیوستن ایران به طرح‌های صلح خاورمیانه گفت: «آقای ترامپ معمولاً آنچه را آرزو دارد، به زبان می‌آورد. اما بدیهی است که جمهوری اسلامی نه اکنون و نه هیچ‌گاه در آینده به چنین طرح‌هایی نخواهد پیوست.»

■ توازن منافع و آینده سیاست خارجی

عراقچی در جمع‌بندی سخنان خود گفت که تهران فعلاً هیچ برنامه‌ای برای مذاکره جدید ندارد: «نه از اروپا و نه از امریکا درخواستی را دنبال نمی‌کنیم.» او در عین حال گفته که اگر طرحی ارائه شود که منصفانه و متوازن باشد و منافع ملت ایران را تضمین کند، آن را بررسی خواهیم کرد: «الان هم اگر که به ما پیشنهادی شود که متوازن، منصفانه، معقول و منطقی، از موضع برابر و براساس احترام متقابل باشد و منافع ایران را در بر بگیرد، همیشه اهل گفت‌وگو بوده‌ایم. پرچم مذاکره را همیشه در دست داشته‌ایم. الان هم می‌گویم اگر پیشنهاد معقول و منصفانه‌ای باشد حتماً بررسی خواهیم کرد.»

عراقچی می‌گوید که «خط قرمز ایران، حقوق مردم است. ما از حق غنی‌سازی خود نمی‌گذریم، اما برای اطمینان‌بخشی درباره صلح‌آمیز بودن فعالیت‌ها آماده همکاری هستیم؛ به شرطی که در برابر آن، تحریم‌های ظالمانه لغو شود.» به گفته وزیر خارجه، اقدام اروپا برای بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت تنها جنبه سیاسی دارد و تأثیر اقتصادی قابل توجهی بر ایران نخواهد گذاشت: «آنها بخش بزرگی از اهرم فشار خود را از دست داده‌اند. تجربه سال‌های اخیر نشان داد فشار حداکثری فقط به تقویت مقاومت ایران انجامیده است.» او در پایان با اشاره به رویکرد کلی دولت در سیاست خارجی گفت: «ما از گفت‌وگو هراسی نداریم، اما هر مذاکره‌ای باید بر پایه احترام، منافع متقابل و عقلانیت شکل بگیرد. دوران امتیاز دادن در برابر فشار گذشته است.»

نگاه

حنیف غفاری

خودقهرمان‌پنداری ترامپ!

غیریت‌سازی میان ترامپ و نتانیاهو در جنگ غزه و معادله آتش‌بس، مصداق عینی یک خطای شناختی و محاسباتی در قبال این پدیده محسوب می‌شود. طی روزهای اخیر رئیس‌جمهور امریکا تلاش می‌کند خود را به عنوان «طرفدار آتش‌بس» و «مهارکننده نتانیاهو» به جهانیان معرفی نماید. در این خصوص نکاتی وجود دارد که نمی‌توان به سادگی از کنار آنها گذشت:

نخست اینکه در عرصه سیاست بین‌الملل، اغلب تلاش می‌شود میان بازیگران اصلی در یک بحران، تضادهای ساختگی ایجاد شود تا افکار عمومی فریب بخورند. داستان رقابت یا تضاد میان دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو در خصوص جنگ غزه، نمونه بارزی از همین فریبکاری است. با نگاهی عمیق‌تر به عملکرد گذشته و حال هر دو، مشخص می‌شود که در اساس، ترامپ نه‌تنها (حتی در عرصه تاکتیکی) مخالف نتانیاهو نیست، بلکه او شریک جرم مطلق در استراتژی اسرائیل برای نسل‌کشی در غزه بوده است.

سیاست خارجی ایالات متحده تحت مدیریت ترامپ، به‌ویژه در قبال غرب آسیا، یکپارچگی عمیقی با اهداف بلندمدت دولت‌های راست‌گرای اسرائیل، به سرکردگی نتانیاهو، داشته و دارد. این همسویی نه تنها یک همزبانی تاکتیکی، بلکه یک هم‌پیمانی استراتژیک بر اساس الگوواره‌های مشترک انتزاعی و منطقه‌ای محسوب می‌شود. هرگونه روایت‌سازی مبنی بر تضاد بین این دو نفر، صرفاً یک مانور سیاسی برای تطهیر چهره ترامپ و بازسازی اعتبار تخریب شده آنها در پی فاجعه انسانی غزه است. حمایت‌های دولت ترامپ از رژیم صهیونیستی در بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ میلادی و بعدها در دور دوم ریاست جمهوری، نه تنها پایه‌های محکمی برای عملیات نظامی کنونی فراهم کرد، بلکه یک فضای عملیاتی بدون محدودیت برای کابینه نتانیاهو ایجاد نمود. این حمایت‌ها از سه‌پایه اصلی تشکیل شده بود؛ مشروعیت‌بخشی به اقدامات تجاوزکارانه و توحش‌آمیز رژیم اسرائیل، انتقال منابع نظامی و سیاسی و تضعیف ساختارهای بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر و قوانین جنگ.

دوران ریاست‌جمهوری ترامپ مملو از اقداماتی بوده که مستقیماً در راستای خواسته‌های افراطی اسرائیل، به‌ویژه جناح نتانیاهو، تعریف شده است. این اقدامات نه تنها از نظر نمادین بلکه از منظر عملیاتی، پیامدهای عمیقی داشته است. الحاق بلندی‌های جولان توسط اسرائیل در دوران ترامپ، نمونه دیگری از پذیرش تغییرات ژئوپلیتیک به نفع رژیم اسرائیل بود، صرف‌نظر از قوانین بین‌المللی. این امر، تل‌آویو را تشویق به ادامه روند شهرک‌سازی‌ها و توسعه نفوذ خود در کرانه باختری کرد. دولت ترامپ با لغو کمک‌ها به آژانس امداد و کار سازمان ملل برای آوارگان فلسطینی (آنروا)، عملاً فشار اقتصادی و بشردوستانه بر مردم غزه و کرانه باختری را افزایش داد. این اقدام، زمینه‌ساز بحران‌های انسانی پیش‌دستانه بود. این اقدامات، در مجموع، یک «چک‌سفید» نامحدود برای نتانیاهو صادر کرد تا در محاسبات استراتژیک خود، وزن مخالفت بین‌المللی را ناچیز بشمارد.

اکنون ترامپ خود را بانی آتش‌بس در نوار غزه قلمداد می‌کند! این روایت‌سازی به اندازه‌ای مضحک است که هیچ انسان عاقلی در هیچ کجای دنیای امروز آن را باور ندارد. گنجانده شدن اجباری نام ترامپ به عنوان بانی آتش‌بس در بیانیه‌هایی که پس از نشست اخیر شرم‌الشیخ صادر شد، قطعاً نمی‌تواند واقعیات گذشته، جاری و آتی در منطقه و نظام بین‌الملل را انکار نماید؛ قاعده‌ای که رئیس‌جمهور متوهم امریکا به‌زودی چاره‌ای جز تن دادن به آن نخواهد داشت.

اخبار کوتاه

■ نعیم قاسم: مقاومت، جهاد علیه نفس و دشمن است

دبیرکل حزب‌الله لبنان در سخنانی به مناسبت سالگرد شهادت سیدحسن نصرالله و سیدهاشم صفی‌الدین با تجلیل از مقام این دو شهید، یادآور شد که مقاومت هم جهاد علیه نفس و هم علیه دشمن است. به گزارش فارس، شیخ نعیم قاسم در گردهمایی پیشاهنگی «اجیال السید» تأکید کرد که مقاومت انتخابی برای مردان و زنان است و مقاومت، عبارت از پرورشی بر مبنای اصالت، میهن‌پرستی و دفاع از خانواده و عزیزان است. وی تأکید کرد که «سیدحسن نصرالله، سرور شهیدان امت است که به خاطر شما، از شما مراقبت کرد و پیمان، عزم و اراده و امیدی برای آینده شما بنا نهاد تا شما راه خدا، راه زندگی شرافتمندانه، جهاد، شهدا و راه سعادت دنیا و آخرت را بشناسید.»

■ هماهنگی درباره ادغام قسد در ارتش سوریه

فرمانده نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) اعلام کرد یک هماهنگی کلامی با مسئولان دمشق درباره ادغام این نیروها در ارتش سوریه حاصل شده است. به گزارش الشرق‌الاوسط، «مظلوم عبدی» گفت: «یک توافق اولیه درباره مسائل مختلف در دمشق حاصل شده که مهم‌ترین آنها آتش‌بس است. پرونده استان‌های رقه، دیرالزور و حسکه با شکل نظام حکومت در سوریه مرتبط است. عقب‌نشینی از این استان‌ها مطرح نیست.» عبدی گفت: «هیئتی از اداره خودمختار کردهای سوریه سفرهای قریب‌الوقوعی به این استان‌ها خواهند داشت.» وی گفت: «نشست اخیر حسکه درباره پیوستن دمشق به مبارزه با تروریسم بود. واشینگتن پیشنهاد تشکیل نیروی مشترک بین نیروهای دموکراتیک سوریه و دمشق برای جنگ علیه داعش را داده است.» عبدی با اعلام اینکه هماهنگی شفاهی با مسئولان دمشق درباره ادغام نیروهای قسد در ارتش سوریه رسیده است، تأکید کرد: «توافق‌هایی برای درج بندهای ۱۰ مارس در قانون اساسی وجود دارد و نشست‌هایی برای بررسی اصلاح قانون اساسی برگزار خواهد شد. ما برای درج حقوق کردها در قانون اساسی سوریه تلاش می‌کنیم و هیئت کردها به زودی به دمشق خواهد رفت.»

■ افشای دروغگویی برادر شاه انگلیس درباره سوداگر جنسی

رسانه‌های انگلیس با انتشار ایمیل برادر شاه انگلیس شاهزاده اندرو خطاب به جفری اپستین، ادعای او درباره قطع ارتباط با این سوداگر جنسی از سال ۲۰۱۰ را رد کردند. گزارش روزنامه تلگراف حاکی از این است که او در این ایمیل درباره تصویر منتشرشده از خودش در کنار همسر اپستین و یکی از قربانیان تجاوز جنسی نوشته بود: «ما در این ماجرا در کنار هم هستیم.» این ایمیل پس از انتشار عکس دختر ۱۷ ساله استرالیایی به نام ویرجینیا جیوفر ارسال شد که در قلب ماجراهای مربوط به روابط برادر شاه انگلیس با جفری اپستین قرار داشت. جسد بی‌جان جیوفر، پنجم اردیبهشت ماه امسال، در خانه‌او پیدا شد و مقامات گفتند که این شهروند استرالیایی در سن ۴۱ سالگی بر اثر خودکشی درگذشت. این ایمیل ادعای شاهزاده اندرو مبنی بر قطع ارتباط با اپستین در سال ۲۰۱۰ را تضعیف می‌کند چرا که او ۲۸ فوریه ۲۰۱۱ و یک روز پس از انتشار عکسش با جیوفر برای این سوداگر جنسی ایمیل فرستاد. تلگراف گزارش داد، این ایمیل نشانه دیگری است که اندرو و اپستین به‌رغم وعده‌های این عضو خاندان سلطنتی انگلیس، همچنان با هم در ارتباط بوده‌اند.

پیشخوان Pishkhan.com

پیشخوان
Pishkhan.com

دیده‌بان

مسعود ردایی درگذشت

مسعود ردایی تهیه‌کننده سینما از دنیا رفت.

مسعود ردایی، تهیه‌کننده سینما به دلیل عوارض قلبی چند روزی در بستر بیماری بود و به کما رفت و صبح ۲۰ مهر ماه درگذشت. مسعود ردایی، تهیه‌کننده آثاری چون «سال دوم دانشکده من» رسول صدرعاملی، «مالاریا» و «رکسانا» پرویز شهبازی، «سه بیگانه» و سریال «عالیجناب» بود. او متولد ۱۳۴۱ بود. آغاز فعالیت‌های هنری و تبلیغاتی را از سال ۱۳۶۳ با همکاری در گروه اجتماعی شبکه اول سیما و تهیه‌کنندگی تعدادی از برنامه‌های تلویزیونی آغاز کرد و این روند فعالیت‌ها در سال‌های ۱۳۷۵ به بعد در شکل ایده پرداز کمپین‌های تبلیغاتی ادامه پیدا کرد. او مجدداً در سال ۱۳۹۰ به عنوان تهیه‌کننده به عرصه سینما و تلویزیون بازگشت. مراسم تشییع و بزرگداشت مسعود ردایی روز دوشنبه ۲۱ مهرماه ساعت ۹ صبح در قطعه هنرمندان (قطعه ۸۸) بهشت زهرا تهران برگزار خواهد شد.

روایت فتح با ۱۵ اثر متقاضی حضور در جشنواره «سینماحقیقت» شد

بنیاد فرهنگی روایت فتح با ۱۵ اثر در نوزدهمین جشنواره «سینماحقیقت» ثبت نام کرد.

با اتمام مهلت ثبت نام در نوزدهمین جشنواره بین‌المللی مستند ایران؛ «سینما حقیقت» ۱۵ اثر تولید شده در گروه مستند روایت فتح متقاضی حضور در این جشنواره بین‌المللی شده‌اند. اسامی این مستندها چنین است: «اوس غلامرضا» به کارگردانی اسماعیل براری، «هنگام عصر» به کارگردانی امیر جعفری، «ذوب اراده» به کارگردانی مهرداد خاکی، «نگهبان تولید» به کارگردانی علیرضا خلیل‌پور، «از نزدیک» به کارگردانی محمدرضا گودرزی، «بانی وصل» به کارگردانی رضوانه فتحی، «ژاکت شیشه ای» به کارگردانی جواد یمقوری، «مترجم» به کارگردانی رامین لطیفی، «مارال» به کارگردانی محمدرضا گودرزی، «دختر شایسته» به کارگردانی محمد رفیعی، «ژرفاب» به کارگردانی محمد زارع، «خیره به خورشید» به کارگردانی محمدصادق اسماعیلی، «نبض در خط مقدم» به کارگردانی مرتضی شعبانی، «جنگ از پیاده رو» به کارگردانی سیدروح اله حسینی و «پلز، دختر سنگی» به کارگردانی مسعود دهنوی.
نوزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» آذر امسال برگزار می‌شود.

ایرج طهماسب مدیر بخش دارالفنون جشنواره جهانی فجر شد

ایرج طهماسب کارگردان، مجری و فیلمنامه‌نویس به عنوان مدیر بخش دارالفنون چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر معرفی شد.

بخش دارالفنون در چهل و سومین جشنواره جهانی فیلم فجر به مدیریت ایرج طهماسب کارگردان، مجری و فیلمنامه‌نویس برپا می‌شود. در طول شش روز برگزاری دارالفنون که بخش آموزشی جشنواره است، شرکت‌کنندگان علاوه بر حضور در کلاس‌ها، به سفری جمعی گام می‌گذارند که در آن پرده نقره‌ای سینما صفحه‌ای سفید می‌شود تا قلم دوربین سینماگر بر آن شعر خود را بسراید. دارالفنون محملی است برای کشف و پرورش استعدادهای جوان در عرصه سینما. نظر به راهبرد اساسی جشنواره جهانی فیلم فجر در دوره پیش‌رو، این بخش نیز به سینمای شاعرانه توجهی ویژه دارد و آموزش‌ها و کارگاه‌های دارالفنون با محوریت سینمای شاعرانه برگزار می‌شوند؛ سینمایی که مبتنی است بر رؤیا، سکوت، موسیقی، استعاره، ایهام و عواطف انسانی. دارالفنون همچنین آیینی است برای تکریم شعر و شاعران سینما.
آموزش‌ها و کارگاه‌های دارالفنون از ۶ تا ۱۱ آذر (۲۷ نوامبر تا ۲ دسامبر) برگزار می‌شود و مهلت نهایی ثبت‌نام و ارسال مدارک روز ۵ آبان (۲۸ اکتبر ۲۰۲۵) خواهد بود. چهل‌وسومین جشنواره جهانی فجر ۵ تا ۱۲ آذر به دبیری سید روح‌اله حسینی برگزار می‌شود.

یادمان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir
| روزنامه جوان | شماره ۷۴۲۳ | دوشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۴ | ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۱:۵۱ |
غروب آفتاب: ۱۷:۳۱ | اذان مغرب: ۱۷:۵۰ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۰ | اذان صبح فردا: ۰۴:۴۷ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۱۱ |

حکمت

امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام:
در شگفتم از کسی که اختیاردار اجل خود نیست، چگونه آرزویش را دراز می‌کند!
غررالحکم: ۶۲۷۲.

نما | حسین کشتکار

دبیر چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران در نشست خبری:

ویژگی جشنواره امسال آزادگی و نگاه حرفه‌ای فیلمسازان است

■ **مصطفی شاه کرمی**

بهروز شعیبی در نشست خبری چهل و دومین دوره جشنواره فیلم کوتاه، ضمن تجلیل از نگاه حرفه‌ای فیلمسازان به موضوعات و محتواهای ارائه‌شده آزادگی و تمایل به دیده شدن آثار را از ویژگی‌های فعالان حوزه فیلم کوتاه دانست.

به گزارش «جوان» نشست خبری چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران روز گذشته در کوشک باغ هنر تهران برگزار شد.

■ **آثار حاضر در جشنواره**

در ابتدای این نشست، بهروز شعیبی دبیر این رویداد سینمایی ضمن تسلیت درگذشت محمد کاسبی بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون اظهار کرد: در بخش سینمای ایران در چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران هزار و ۹۵۳ اثر متقاضی حضور بودند. در نهایت ۵۷ اثر در حوزه داستانی، ۲۰ فیلم کوتاه انیمیشن، ۲۰ فیلم تجربی، ۲۱ مستند کوتاه و ۳۵ فیلم اقتباسی رقابت خواهند کرد. در بخش مسابقه عکس، ۵۳ اثر شامل تک عکس و مجموعه عکس هم حاضر خواهند بود.
شعیبی گفت: در بخش بین‌الملل ۹۴ اثر از ۵۵ کشور در جشنواره حاضر خواهند بود. این تعداد اثر حاصل بررسی ۱۰ هزار و ۲۰۰ فیلم در این بخش بوده‌است. بیشترین آثار دریافتی از کشورهای چین، اسپانیا، هند، ایالات متحده امریکا، فرانسه و برزیل بودند.
وی افزود: علاوه بر بخش رقابتی، جشنواره دارای بخش‌های جنبی مهم و متنوعی نیز هست. در هر روز، دو نشست اول به حوزه فیلمسازی اختصاص دارد و دو سانس دوم بینارشته‌ای است که در آنها که اساتید ادبیات، شعر، نقاشی و داستان‌نویسی مباحث خودشان را ارائه خواهند داد.
دبیر چهل و دومین جشنواره فیلم کوتاه تهران عنوان کرد: آثار باکیفیتی در موضوع «مقاومت» داشتیم که تعدادشان زیاد بود و حیف بود که دیده نشوند. بنابر این در بخش جنبی جشنواره بخش مستقلی هم برای نمایش این آثار در نظر گرفتیم. همچنین با همکاری معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری نمایشگاه عکس را برگزار خواهیم کرد. امسال در بخش «استعداد نو» یا فیلم اولی‌ها که بخش پرمخاطبی است، با هنرستان‌های هنری و سینمایی تعامل خوبی داشتیم. در محل برگزاری جشنواره، از اجرای موسیقی محیطی توسط هنرمندان عزیز لذت خواهیم برد.

فیلم‌های خوبی به دلیل محدودیت تعداد آثار نتوانستند به جشنواره راه پیدا کنند. بر مبنای نظر شخصی هیچ فیلمی را از جشنواره حذف نکردم و هر اتفاقی افتاد بر مبنای خردجمعی و نظر هیئت انتخاب بود

■ **آزادگی و تمایل به دیده شدن آثار**

وی افزود: آثار جشنواره امسال امسال دو ویژگی مهم دارد؛ یکی فیلم‌های اول بسیار باکیفیت و حتی می‌توانم بگویم شگفت‌آور است. اتفاق دوم که از زبان داوران می‌گویم، بازی‌های درخشانی که در این فیلم‌ها رخ داده است که نشان می‌دهد هدایت بازیگران و کارگردانی آثار کیفیت بالایی دارد.
شعیبی با اشاره به اهمیت پرداختن به سوژه‌های روز در آثار فیلم کوتاه افزود: موضوعات مهم و جاری در منطقه همچون مانند مقاومت، بحران‌های منطقه‌ای از جمله غزه و لبنان، و جنگ ۱۲ روزه مدنظر فیلمسازان ما بوده‌است. تأکید ما این بود که آثار مرتبط با این موضوعات در جشنواره امسال دیده شوند و برای این منظور، فضایی مشخص و مستقل در بخش جنبی برای نمایش این آثار اختصاص یافته است. آزادگی و تمایل به دیده شدن آثار از ویژگی‌های فعالان حوزه فیلم کوتاه است و داوری و جایزه گرفتن در مرحله دوم قرار میگیرد. تلاش مثبت فیلمسازان برای دیده‌شدن آثارشان نشان‌دهنده عشق و تعهد فیلمسازان است. دبیر جشنواره فیلم کوتاه تهران عنوان کرد: آثار بخش مقاومت در بخش مسابقه نیستند و هدف اصلی، تقدیر و ارزش‌گذاری بر این آثار است. در بخش بین‌الملل، حمایت و دیده شدن آثار مرتبط با مقاومت و مسائل روز اولویت دارد.
شعیبی درباره بخش بین‌الملل جشنواره هم گفت: در بخش بین‌الملل مرور جشنواره‌های معتبر را داریم. در این بخش مدیران هنری چهار دوره از جشنواره را دعوت می‌کنیم و تعدادی از آثار برگزیده را به نمایش می‌گذاریم که غیررقابتی است. در بخش مسابقه اولویت ما کیفیت آثار است و هر فیلمی که فاقد کیفیت لازم باشد، به جشنواره راه پیدا نمی‌کند. حتی سعی کردیم آثار ایرانی را هم با سختگیری به بخش بین‌الملل راه دهیم.

■ **رعایت خطوط حرفه‌ای جشنواره**

وی درباره برخی خطوط قرمز مدنظر جشنواره در ادوار قبلی هم عنوان کرد: من معتقدم که هر موضوع و مضمونی می‌تواند در ساختاری متفاوت بیان شود که مشکل‌ساز نیز نباشد. به عقیده من باید با هر اثری به صورت ویژه مواجهه داشت.
شعیبی درباره میزان حضور آثار انتقادی و اجتماعی در جشنواره امسال نیز گفت: اگر زبان بیان موضوعات اجتماعی دراماتیک نباشد، آن موضوع در نهایت به یک مقاله یا خبر سطحی تبدیل می‌شود. برای ما پیدا کردن زبان مناسب برای بیان موضوعات اجتماعی بود. ویژگی آثار امسال این است که به یک پختگی در آثار رسیدند و به همین جهت آثار بسیار با کیفیت است. فیلمسازان جسارت خودشان را با کیفیت بالای آثار خود نشان دادند که دست‌کم برای من بسیار هیجان‌انگیز است. رویکرد جشنواره به یک دوره سه ماهه برنمی‌گردد و این مسئله به ارتباط ما با فیلمسازان در طول سال ربط دارد. به هر حال، امروزه دسترسی جوانان ما به آثار روز دنیا بسیار راحت‌تر و در نتیجه سلیقه آنها هم متفاوت‌تر شده است.

■ **سهم شهرستانی‌ها و ملتهب‌ها**

شعیبی درباره جایزه مردمی جشنواره چهل و دوم نیز عنوان کرد: جایزه مردمی حذف نشده بود، بلکه در فراخوان اعلام نشد به این دلیل که شأن و جایگاه یک جشنواره ابتدا پویایی هنری است. مخاطب فیلم کوتاه اصلاً نباید در قید و بند این موضوع باشد که فیلمش در سالن تا چه اندازه مخاطب دارد و این مسئله باعث می‌شود که سینما متفکر کم‌کم از بین برود، اما اینکه فیلم‌ها براساس میزان جذب مخاطب با یکدیگر رقابت کنند، برای ما قابل احترام بود. دبیر چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران در پاسخ به خبرنگار «جوان» سهم فیلمسازان شهرستانی در آثار این دوره از جشنواره را ۷۳ درصد اعلام کرد و افزود: از ۵۷ شهر ما یک هزار و ۳۶۶ فیلم دریافت کردیم که عدد قابل توجه و امیدوارکننده‌ای است.
شعیبی در پاسخ به این پرسش که در بین آثار ارسالی آیا فیلمی هم بوده که به خاطر کشف حجاب بازیگران کنار گذاشته شود هم گفت: بین آثاری که برای ما ارسال شد، تقریباً مسئله حجاب وجود نداشت. برخی هم فیلمشان را با ظرافت‌هایی ساختند. تنها دو فیلم بودند که به لحاظ تکنیکی کیفیت خوبی داشتند، اما دارای بیان سطحی و استفاده از کلمات رکیک و نگاه نامناسب به خانم‌ها بودند که حائز آرا شناخته نشدند. فیلم کوتاه شأن و جایگاهی برای خود دارد که اجازه نمی‌دهد هر فیلمی وارد جشنواره شود. من هیچ فیلمی به جشنواره اضافه نکردم. فیلم‌های خوبی به دلیل محدودیت تعداد آثار نتوانستند به جشنواره راه پیدا کنند. همچنین بر مبنای نظر شخصی هیچ فیلمی را از جشنواره حذف نکردم و هر اتفاقی افتاد برمبنای خردجمعی و نظر هیئت انتخاب بود.

تلویزیون

مریم نیکانلو، تهیه‌کننده برنامه در گفت‌وگو با «جوان» بیان کرد

نوجوان در «نوجهان» فقط شنونده نیست خودش تحلیلگر دنیای اطرافش است

■ **حانیه‌السادات آجودانی**

برنامه تلویزیونی «نوجهان» این روزها تلاش می‌کند تصویر تازه‌ای از نسل نوجوان ارائه دهد؛ نسلی که تنها مخاطب رسانه نیست، بلکه روایتگر، تحلیل‌گر و قهرمان زندگی خویش است.

این برنامه با هدف تقویت روحیه کنشگری، مسئولیت‌پذیری و اثرگذاری اجتماعی در میان نوجوانان، از ۱۲ مهرماه هر هفته از شنبه تا چهارشنبه ساعت ۱۷ از شبکه یک سیما پخش می‌شود. «نوجهان» ساختاری پویا و چندبخشی دارد. در بخش اصلی برنامه با عنوان «تحریریه نوجهان»، گروهی از مجری‌های نوجوان در فضایی شبیه تحریریه خبری به مرور و تحلیل رویدادهای روز از زاویه نگاه خود می‌پردازند. این بخش صحنه‌ای است برای حضور نوجوانان فعال در حوزه‌های مختلف- از خبرنگاری و ورزش گرفته تا فعالیت‌های علمی و اجتماعی- تا تجربه‌ها، دغدغه‌ها و نگاه خود به جامعه را با مخاطبان در میان بگذارند.
مریم نیکانلو، تهیه‌کننده برنامه «نوجهان»، درباره انگیزه ساخت این اثر می‌گوید: «مدت‌ها بود احساس می‌کردیم در رسانه جای صدای دختران نوجوان کنشگر خالی است. هدف ما این است که نوجوان فقط شنونده نباشد، بلکه خودش روایتگر زندگی و تحلیلگر دنیای اطرافش باشد.
او در ادامه می‌افزاید: نوجهان می‌خواهد ذهنیت قدیمی نسبت به موفقیت را تغییر دهد. می‌خواهیم نشان دهیم که پیشرفت وابسته به شرایط خاص نیست؛ تلاش، پشتکار و امید همان کلیدهایی هستند که می‌توانند در هر شهری یا روستایی درِ موفقیت را باز کنند. نیکانلو درباره برنامه‌های آینده این مجموعه توضیح می‌دهد: در قسمت‌های آتی، پویش‌های رسانه‌ای مختلفی را اجرا می‌کنیم تا ارتباط گسترده‌تری با نوجوانان سراسر کشور برقرار شود. از آنها می‌خواهیم سوژه‌های محلی خود را برایمان بفرستند تا با حضور تیم برنامه، گزارش‌های ویژه تهیه کنیم. همچنین تلاش داریم صدای نوجوانان روستایی و عشایری را هم به گوش مردم برسانیم.
او در ادامه با تأکید بر اهمیت تعامل و مشارکت مخاطبان می‌گوید: در این برنامه، تعامل با مخاطب برای ما بسیار مهم است. در هر قسمت یک سؤال پیامکی مطرح می‌کنیم تا نظرات و دیدگاه‌های نوجوانان را بشنویم. علاوه بر آن، پویش‌ها و نظرسنجی‌های متعددی داریم که مخاطبان می‌توانند در آن شرکت کنند و نظرشان در بخش‌های بعدی برنامه با ارسال فیلم و پاسخ به سؤالات در سکوهای مجازی و راه‌های ارتباطی به اشتراک گذاشته می‌شود. این ارتباط دوطرفه کمک می‌کند برنامه زنده‌تر، پویاتر و واقعی‌تر با دنیای نوجوانان در تماس باشد. او در بخش دیگری از گفت‌وگو با اشاره به نگاه فرهنگی برنامه عنوان می‌کند: یکی از اهداف ما تقویت ارتباط میان نسل نوجوان و مادربزرگ‌هاست؛ طرحی فرهنگی که قرار است گفت‌وگویی میان دو نسل را از طریق خاطره، تجربه و رسانه رقم بزند.
به گفته نیکانلو، مهم‌ترین چالش تولید این برنامه یافتن زبانی مشترک با نسل امروز بوده است: می‌خواستیم برنامه‌ای بسازیم که هم جذاب باشد و هم نوجوان را به فکر و تحلیل وادارد. این کار نیازمند درک دقیق از دنیای ذهنی نسل جدید است. این برنامه می‌کوشد با صدای نوجوانان، دنیای آنها را روایت کند و نشان دهد که آینده را می‌توان از همین امروز و با نگاهی آگاه، امیدوار و پویا ساخت.

محمد کاسبی، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون روز گذشته به دیار باقی شتافت

سینماگری که اعتقاد و اعتبار داشت

■ **مرتضی فاطمی نیا**

محمد کاسبی را باید آخرین نسل از بازیگران متعهد دانست؛ نسلی که تئاتر را با تفکر و سینما را با مسئولیت اجتماعی معنا می‌کرد. میراث او در سینما و تلویزیون تنها مجموعه‌ای از نقش‌ها نیست، بلکه درسی درباره زیستن صادقانه در جهان هنر است. او سینماگری بود که هیچگاه در بزنگاه‌های تاریخی کشور اعتقاد، اعتبارش و شرافتش را با هیچ چیز معامله نکرد و تا روز آخر پای اعتقاداتش ماند. مراسم تشییع پیکر این هنرمند فقید ساعت ۹ صبح سه‌شنبه ۲۲ مهر در حوزه هنری برگزار می‌شود.

محمد کاسبی، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون، پس از سال‌ها فعالیت ماندگار در عرصه هنر ایران درگذشت؛ هنرمندی که در طول بیش از چهار دهه حضور خود، با نقش‌هایی صمیمی، اخلاق‌مدار و مردمی، چهره‌ای از صداقت و ایمان را در قاب تصویر ماندگار کرد. او از تئاتر برخاست، در سینما درخشید و در تلویزیون به یکی از پدران همیشگی مردم ایران تبدیل شد. خبر درگذشت کاسبی را صبح دیروز دختر این بازیگر اعلام کرد. کاسبی، هنرمندی که نزدیک به نیم قرن از عمر خود را صرف روایت زندگی مردم روی صحنه و پرده کرد. او از معدود بازیگرانی بود که مرز میان هنر و اخلاق را نمی‌شکست و همواره در نقش‌هایش چیزی از راستی، ایمان و زندگی واقعی

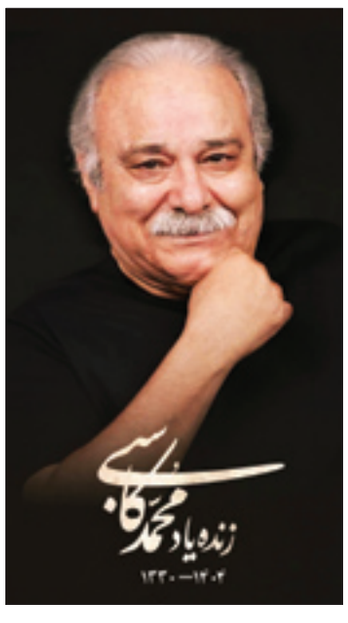

مردم به همراه داشت. محمد کاسبی نه ستاره‌ای پرزرق‌وبرق بود و نه اهل هیاهوی رسانه‌ای، اما در سکوت و متانت او، ریشه‌هایی از باور و اصالت جریان داشت که کمتر در نسل‌های بعدی بازیگران دیده شد. کاسبی از تئاتر برخاست، در سینما درخشید و در تلویزیون ماندگار شد؛ بازیگری که در تمام این سال‌ها، چهره‌ای صمیمی و آشنا برای چند نسل از ایرانیان بود. او با نقش‌هایی ساده و بی‌ادعا، اما عمیق و انسانی، نشان داد که هنر می‌تواند در خدمت اخلاق و مردم باشد، نه در حاشیه شهرت و تظاهر!
کاسبی در چهارم خرداد ۱۳۳۰ در یکی از محله‌های قدیمی تهران به دنیا آمد. خانواده‌ای مذهبی و کارگر داشت و دوران کودکی‌اش در کوچه‌پس‌کوچه‌های نازی‌آباد و خیابان ری گذشت. آن فضا، که ترکیبی از سختی و صمیمیت بود، بعدها در خلق بسیاری از نقش‌هایش بازتاب یافت؛ او بازیگر نه بازیگر استودیوهای براق، بلکه کوچه و مردم بود. کاسبی فعالیت خود را از صحنه آغاز کرد؛ صحنه‌ای که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ مهم‌ترین پایگاه تربیت هنرمندان متعهد بود. او از همان ابتدا تئاتر را فضایی برای شناخت انسان و جامعه می‌دانست. در مصاحبه‌ای گفته بود: «برای من تئاتر فقط بازی نیست، بازتاب انسان است در برابر خودش.»
در سینما، کاسبی با فیلم‌هایی چون «پناهنده» (سیروس الوند)، «بدوک» و «پدر» (مجید مجیدی)، «شنا در زمستان» (محمد کاسبیان)، و «دیوار» درخشید. بازی او در فیلم «پدر»، یکی از ماندگارترین نقش‌آفرینی‌های سینمای پس از انقلاب است؛ پدری که در عین سختگیری، ریشه در عاطفه و ایمان دارد. برای همین نقش، او سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد جشنواره فیلم فجر را دریافت کرد. در تلویزیون، حضورش در سریال‌های «خوش رکاب»، «خوش غیرت» و «سه در چهار» چهره‌ای متفاوت از او نشان داد. کاسبی در این نقش‌ها نه صرفاً بازیگر، بلکه بخشی از خاطره جمعی مردم شد؛ مردی با چهره‌ای خسته اما امیدوار، سختگیر اما مهربان، که نمونه‌ای از پدران و مردان طبقه متوسط ایرانی بود. او زمانی با حضور در برنامه «چهل تیکه» در شبکه نسیم با اجرای محمدرضا علیمردانی در پاسخ مجری که گفت: «من چشم و ابروی آقای کاسبی را خیلی دوست دارم. می‌گویند مگر عاشق چشم و ابرویش شده‌ای؟ من عاشق چشم و ابروی عاشق کاسبی شده‌ام. این به نظرم برای بازیگر یک نعمت است و شما کاملاً بجا از آن استفاده می‌کنید.» جواب داد: «من خودم عاشق چشم‌های شهید سردار قاسم سلیمانی بودم. چشم‌های او خمار عشق بود؛ به خدا. ما خودمان مست چشم‌های دیگری هستیم. سردار دل‌ها بود. خیلی نامردی کردند. البته در مسلخ عشق جز نکو را نکشند. تمام شهدای‌مان به لیاقتی رسیده‌اند که فقط باید شهید شوند. این ملت، ملتی‌اند که تو بخواهی به زور با آنها برخورد کنی خسته می‌شوی. این ملت، تاریخ دارد، ایرانی است، حسین دارد، علی دارد، آقا امام رضا دارد، خانم فاطمه زهرا دارد. تو آخر چه داری؟»

مستند

کارگردان مستند کوچ اجباری در گفت‌وگو با «جوان»:

سینماحقیقت از بهترین رویدادهای مستند در ایران و جهان است

■ **روزبه فکور**

مستند «کوچ اجباری» ساخته بیژن زمان‌پیرا به زندگی مردمی می‌پردازد که هر سال برای کار برداشت محصول از استانی به استان دیگر کوچ می‌کنند.

بیژن زمان‌پیرا، مستندساز درباره اثر تازه خود که متقاضی حضور در جشنواره سینماحقیقت است، به «جوان» گفت: فیلم «کوچ اجباری» درباره مردمی است که از استانی به استان دیگر کوچ می‌کنند. آنها برای برداشت محصول به شهرهای مختلف می‌روند و در واقع کارشان فصلی است. این افراد چادرنشین هستند و محل ثابتی ندارند، بنابراین هر سال در نقاط مختلف ساکن می‌شوند تا زمان برداشت محصول همان منطقه برسد. در این مدت، همانجا زندگی می‌کنند، چادر می‌زنند و پس از پایان کار به منطقه‌ای دیگر می‌روند. اما اتفاقی که در این میان می‌افتد، این است که وقتی در منطقه‌ای مستقر می‌شوند، کم‌کم زمین‌گیر می‌شوند؛ دخترانشان معمولاً همانجا می‌مانند، در حالی که خانواده‌ها بازمی‌گردند. مسئله اصلی، ازدواج این دختران با کارفرمایان همان مناطق است، ازدواج‌هایی که اغلب به‌صورت اجباری شکل می‌گیرد. وی درباره پیش‌بینی خود از بازخورد مخاطبان نسبت به تماشای این اثر گفت: فکر می‌کنم چون سوژه فیلم تازه و کمتر پرداخته شده است، احتمالاً با استقبال خوبی مواجه می‌شود و مخاطبان زیادی پیدا می‌کند. زمان‌پیرا درباره بخش چالش‌برانگیز روایت «کوچ اجباری» توضیح داد: در این فیلم تنها موضوع کار و برداشت محصول مطرح نیست، بلکه مسئله دخترانی است که از هر خانواده گرفته می‌شوند. بعضی از آنها به اجبار تن به ازدواج می‌دهند، برخی فرار می‌کنند و حتی مواردی از خودسوزی هم دیده می‌شود. این بخش برای من بسیار چالش‌برانگیز بود، چون ذهن بیننده را درگیر و او را وادار به فکر درباره سرنوشت این دختران می‌کند، کسانی که به‌ظاهر برای کار می‌آیند، اما در واقع چیز بزرگی از آنها گرفته می‌شود. کارگردان مستند «خانه‌های بی‌پلاک» در ادامه، جشنواره سینماحقیقت را جشنواره‌ای معتبر در خارج از کشور دانست و افزود: جشنواره سینماحقیقت یکی از بهترین و قدیمی‌ترین جشنواره‌های مستند ایران است. من از سال ۱۳۸۰ با آن همراه بوده و در سال ۱۳۸۳ دو جایزه از این جشنواره گرفته‌ام. این جشنواره به دلیل استمرار و تمرکز ویژه بر سینمای مستند، جایگاه شناخته شده‌ای در ایران و حتی خارج از کشور دارد. بسیاری از مستندسازان خارجی که با آن آشنا شده‌اند از سطح حرفه‌ای و جزئی‌نگری آثار این جشنواره تمجید می‌کنند. به نظر من، سینماحقیقت یکی از بهترین رویدادهای تخصصی مستند در ایران و جهان است.